

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا

به اهتمام
دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی
و بهزاد احمدی لفورکی

مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات
بین‌المللی ابرار معاصر تهران

سرشناسه	: همایش بین‌المللی نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا (نخستین: ۱۳۹۵: تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: International Conference on regional security order in west Asia (1th: 2016: Tehran) : چکیده مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا (Abstracts of 1 st Tehran security Conference: Regional Security Order in the West Asia) / به اهتمام سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، بهزاد احمدی لفورکی، نظارت و اجرا مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران - معاونت پژوهشی؛ ویراستار منیره آذری.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۱ ص.
فروست	: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۴۱۱.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۶-۲۳۸۷-۰: ۳۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
موضوع	: امنیت ملی - خاورمیانه - کنگره‌ها
موضوع	: National security- Middle East - Congresses
شناسه افزوده	: دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۴۴-
شناسه افزوده	: احمدی لفورکی، بهزاد، ۱۳۵۵-
شناسه افزوده	: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. معاونت پژوهشی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ هـ/ الف ۸۳۲ UA
رده‌بندی دیویی	: ۳۵۵/۰۳۳۰۵۶
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۴۴۹۵۵۷۶



انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۴۱۱

تهران: صندوق پستی ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵، تلفن: ۷ - ۸۸۵۰۳۲۶۶، نمابر: ۸۸۵۰۳۲۶۴

نشانی اینترنت: www.tisri.org پست الکترونیک: info@tisri.org

چکیده مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا
نظارت و اجرا: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران - معاونت پژوهشی
به اهتمام: دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و بهزاد احمدی لفورکی

ویراستار: منیره آذری

صفحه‌آرا: منصوره سعادت

چاپ نخست: آذر ۱۳۹۵

چاپ و صحافی: باقری

شابک: ۷ - ۲۳۸ - ۵۲۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

کد بازیابی در کتابخانه دیجیتالی دید: 307AECC

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است.

سخن دبیر علمی همایش

ادراکات، نگرانی‌ها و ملاحظات امنیتی عمده کشورها در منطقه غرب آسیا چنان در هم تنیده و به هم پیوسته است که عملاً نمی‌توان امنیت ملی آنان را کاملاً مجزا و مستقل از هم تصور و تلقی کرد. به گونه‌ای که امنیت ملی کشورهای این منطقه در چهارچوب امنیت منطقه‌ای تعریف و تأمین می‌شود. از این‌رو، نظم امنیتی حاکم بر این منطقه یکی از مقومات و ملزومات امنیت ملی کشورهای تشکیل‌دهنده آن به شمار می‌رود. چپستی و چگونگی نظم امنیتی منطقه‌ای به ویژه یکی از اولویت‌ها و ارجحیت‌های امنیت ملی قدرتهای منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ نقش‌آفرین در آن است.

نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا، به هر معنا و مفهومی که تعریف و تلقی گردد، در حال تحول و دگرگونی شکلی و ماهوی است. چون، از یکسو، پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و بیداری اسلامی، منطقه در سطح درونی در پنج بُعد ساختاری، کارگزاری، هنجاری، الگوهای تعامل و ماهیت تهدیدات، دستخوش تغییر و تحول شده است. به لحاظ ساختاری، سطح و توزیع قدرت در بین واحدها متحول و دگرگون شده است. به گونه‌ای که تعادل و توازن قوای پیشین به هم خورده و موازنه قوای دیگری در حال شکل‌گیری است. از منظر کارگزاری نیز، بازیگران نقش‌آفرین منطقه‌ای و فرماندهی‌های در دو سطح دولتی و غیردولتی تغییر و تحول یافته‌اند. ظهور گروه‌های تروریستی و دولت‌های ضعیف در این میان مشهودتر است. در پی تغییر و تحول هنجارها و قواعد رفتاری حاکم بر منطقه، ساختار غیرمادی و انگاره‌ای آن نیز متحول شده است. برآیند این تحولات سه‌گانه، تغییر الگوهای تعامل در سطح منطقه بوده است. به گونه‌ای که دو الگوی تعامل متعارض ستیزش و همکاری در دو اردوگاه رقیب در غرب آسیا شکل گرفته است. سرانجام، تهدیدات امنیتی در درون منطقه غرب آسیا نیز دستخوش تغییر و تحول ماهوی و شکلی شده است. تهدیدات ناشی از تروریسم تکفیری در رأس این تهدیدات تحول‌یافته قرار دارد.

در سطح برون منطقه‌ای، دگرگونی در نظام بین‌الملل، نقش‌آفرینی بازیگران فرماندهی‌های، ماهیت و کارکرد منطقه‌گرایی و ماهیت و شکل تهدیدات فرماندهی‌های، نظم امنیتی در غرب آسیا را متحول ساخته است. ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی و سپس ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

تغییر کرده است. اگرچه در مورد ساختار جایگزین اختلاف نظر وجود دارد، ولی هیچ تردیدی نیست که نظام بین‌الملل مستقر دیگر ساختار دوقطبی ندارد. با توجه به تعامل و کنش و واکنش نظام‌های منطقه‌ای و نظام بین‌الملل، تغییر ساختار نظام بین‌الملل مستقیماً بر ماهیت و شکل نظام و نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا تأثیر می‌گذارد. همچنین، تغییرات ساختار هنجاری لیبرال نظام بین‌الملل بی‌واسطه و با واسطه نظم امنیتی در غرب آسیا را متأثر ساخته است. به‌ویژه تأثیر تعارض هنجارها و ارزش‌های لیبرال با ارزش‌ها و هنجارهای اسلام سیاسی، چشمگیرتر بوده است.

بازیگران فرامنطقه‌ای، به عنوان متغیرهای مداخله‌گر در نظام منطقه‌ای غرب آسیا، نیز دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. از یک‌سو، آمریکا پس از یک دوره مداخله نظامی مستقیم و اشغال سرزمینی در منطقه، در صدد بازتعریف نقش و حضور خود برآمده است. از سوی دیگر، روسیه و چین، به عنوان قدرت‌های بزرگ رقیب آمریکا، در تلاشند تا حضور پررنگ‌تر و تأثیرگذارتری در منطقه ایفا کنند. این حضور، به ویژه پس از توافق هسته‌ای برجام بین ایران و گروه ۵+۱ و بحران سوریه مشهودتر و ملموس‌تر است. زیرا، در پرتو مناسبات قدرت‌های بزرگ، نقش منطقه غرب آسیا در معادلات قدرت جهانی برای دو کشور روسیه و چین افزایش یافته است. اروپا، چه در قالب اتحادیه اروپا و چه کشورهای مستقل اروپایی مانند انگلستان و فرانسه نیز در حال بازتعریف و بازسازی نقش سستی خود در غرب آسیا هستند.

ظهور منطقه‌گرایی نوین و ارتقاء نقش و کارکرد مناطق در امنیت بین‌المللی، تحول دیگری است که نظم امنیتی در غرب آسیا را متأثر ساخته است. در منطقه‌گرایی نوین، اول، روند همگرایی از پایین به بالاست. به گونه‌ای که نقش بازیگران غیردولتی در شکل‌گیری آن بیشتر از گذشته است. دوم، برخلاف منطقه‌گرایی قدیم، نقش مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای در تعیین و تأمین امنیت بین‌المللی در منطقه‌گرایی نوین به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. سوم، منطقه‌گرایی نوین صرفاً برحسب همگرایی و همکاری نظامی تعریف نمی‌شود، بلکه منطقه‌گرایی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز ارزش و اهمیت یافته است. این تحول، به ویژه متضمن برجسته شدن ابعاد غیرنظامی در الگوی نظم امنیتی منطقه‌ای است.

سرانجام، تغییر شکلی و ماهوی تهدیدات برون منطقه‌ای نسبت به منطقه غرب آسیا، نظم امنیتی مستقر در آن را متحول می‌سازد. مداخله نظامی و غیرنظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ویژه آمریکا، و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، باعث شکل‌گیری تهدیدات برونزاد در غرب آسیا شده است. ظهور این تهدیدات برون منطقه‌ای چنان با تهدیدات درون منطقه‌ای پیوند

خورده است که نظم امنیتی در غرب آسیا را عمیقاً دگرگون ساخته است.

افزون بر این، تنوع و تعارض رفتار و رویکرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعیین‌کننده در غرب آسیا نسبت به نظم امنیتی منطقه‌ای نیز عامل تحول‌آفرین دیگر است. از یکسو، بعضی از بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان از وضع و نظم موجود ناراضی هستند و در تلاشند تا نظم مطلوب خود را مستقر سازند. از سوی دیگر، برخی از قدرت‌های منطقه‌ای، مانند جمهوری اسلامی ایران، با هدف مدیریت منازعات، درصدد حفظ و سپس اصلاح وضع موجود و برقراری نظم امنیتی پایدار هستند. به نظر این دسته از بازیگران، حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای اولویت و ارجحیت دارد. همچنین، برخی از بازیگران منطقه‌ای رویکرد یکجانبه به نظم امنیتی منطقه‌ای دارند در حالی که گروه دیگر رهیافت چندجانبه‌گرایی را مناسب می‌دانند. سرانجام، نگاه و برآورد کوتاه‌مدت برخی از بازیگران منطقه‌ای در تقابل با نگاه راهبردی و بلندمدت بعضی دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای به نظم امنیتی در غرب آسیا قرار دارد.

مجموع این تغییر و تحولات باعث شده است تا نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا در دستور کار و اولویت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین قدرت‌های منطقه‌ای باید درک درست و دقیقی از نظم امنیتی در حال شکل‌گیری در غرب آسیا داشته باشد. چون حفظ جایگاه منطقه‌ای و امنیت ملی ایران در گرو شناخت و شکل‌دهی به نظم امنیتی پایدار در منطقه است.

شکل‌گیری و استقرار نظم امنیتی باثبات و پایدار در منطقه غرب آسیا مستلزم درک و رعایت چند اصل از سوی همه بازیگران تأثیرگذار در آن است. اول، نظم امنیتی منطقه‌ای باثبات و پایدار مستلزم همه‌جانبه‌نگری و تعریف و تلقی جامع از تهدیدات و امنیت است. به گونه‌ای که باید همه ابعاد امنیت و همه انواع تهدیدات مورد توجه قرار گرفته و برای آن برنامه‌ریزی کرد. دوم، امنیت منطقه‌ای پایدار در غرب آسیا نیازمند جهت‌گیری چندجانبه است. چون به گواه تاریخ، رویکردها و سازوکارهای یکجانبه قادر به تأمین و تضمین امنیت منطقه‌ای نبوده و نخواهد بود. این واقعیت بیانگر آن است که قدرت‌های منطقه‌ای باید با هم‌افزایی و همکاری در جهت برقراری نظم امنیتی مشارکتی در غرب آسیا تلاش کنند. سوم، نظم امنیتی منطقه‌ای پایدار، نیازمند طراحی و برنامه‌ریزی بلندمدت و راهبردی است. به گونه‌ای که کشورها برای استقرار نظم امنیتی باثبات باید براساس منافع بلندمدت ملی و منطقه‌ای با اتخاذ سیاست‌های کنش‌مند، و نه واکنشی نسبت به تهدیدات کوتاه‌مدت، به معماری نظم امنیتی منطقه‌ای بپردازند. معماری نظم امنیتی منطقه‌ای نیز مستلزم هم‌اندیشی و هم‌افزایی معماران آن در

سطح منطقه‌ای است. چهارم، نظم امنیتی برونزاد الگوی به‌ویژه از نوع هژمونیک آن تأمین‌کننده امنیت منطقه‌ای و امنیت ملی کشورهای غرب آسیا نمی‌باشد.

بحث و بررسی دقیق و علمی این موضوعات می‌تواند به شکل‌گیری و استقرار نظم امنیتی پایدار در منطقه غرب آسیا کمک شایانی کند. یکی از قالب‌های پژوهشی مناسب برای تأمین این هدف نیز برگزاری همایش علمی با حضور صاحب‌نظران و اندیشمندان از کشورهای مختلف است. از این‌رو، همایش نظم امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا به عنوان نخستین همایش در قالب کنفرانس امنیتی تهران برنامه‌ریزی شد تا به این مهم جامه عمل بپوشاند. مهم‌ترین اهداف، محورها و موضوعات این همایش در ادامه به اختصار بیان شده است.

اهداف

۱. شناخت منطقه و ارائه تحلیل دقیق از آن: شناسایی مؤلفه‌ها، متغیرها و پویایی‌های جدید تأثیرگذار در نظم جدید در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی، و فرارفتن از تحلیل‌های سطحی موجود و رسیدن به یک تحلیل دقیق، علمی و آینده‌نگرانه از منطقه؛
۲. تولید و تقویت ادبیات فکر و ایده: پرداختن به مسائل و موضوعاتی که جای آنها در ادبیات بحث خالی است و تقویت ادبیات موجود در برابر مسائل و موضوعاتی که به دلیل سرعت سیر تحولات، ادبیات آنها نیازمند تقویت و بازنگری است؛
۳. مشارکت در تصمیم‌سازی: پیدا کردن تحلیل دقیق و سپس اجماعی‌سازی این تحلیل و فهم از منطقه؛
۴. موجه‌سازی - اجماع‌سازی: شکل‌گیری اجماع نخبگان و موجه‌سازی سیاست ایران برای منطقه و جهان و اقباع‌سازی منطقه‌ای و جهانی؛
۵. آینده‌پژوهی نظم امنیتی خاورمیانه: شناخت پویایی‌های آتی منطقه‌ای و طرح سناریوهای مرتبط.

محورها و موضوعات

۱. مبانی نظری و مفهومی

- رویکردهای نظری به نظم و امنیت در غرب آسیا؛
- رویکردهای فرانظری به نظم و امنیت در غرب آسیا؛
- روش‌شناسی مطالعات امنیت و نظم در غرب آسیا؛
- تحول تاریخی مفهوم امنیت در غرب آسیا؛

- مبانی تغییر؛

- مبانی مفهومی و نظری غرب آسیا.

۲. ماهیت نظم منطقه‌ای نوظهور

- ویژگی‌ها و مختصات نظم نوظهور؛

- الگوهای نظم امنیتی در غرب آسیا (امنیت دسته‌جمعی، موازنه قدرت، کنسرت، هژمونی، همگرایی و ...)

- پیشران‌ها و روندهای راهبردی و نوظهور منطقه‌ای؛

- ویژگی‌ها و مختصات بی‌نظمی کنونی، مناقشات قدیمی، و اتحادهای جدید؛

- پسابرجام و چشم‌انداز منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران.

۳. قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نظم منطقه‌ای

- آمریکا و منطقه (میراث اوباما و دولت بعدی آمریکا، آمریکا و خلیج فارس، آمریکا و داعش، چالش‌ها و تضادهای سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و ...)

- اروپا و منطقه (اتحادیه اروپا، فرانسه، بریتانیا، آلمان، اسپانیا، ایتالیا و یونان)؛

- روسیه و منطقه (روسیه و ترکیه، روسیه و سوریه، روسیه و ایران، روسیه و شورای همکاری خلیج فارس، روسیه و کردها و ...)

- چین و منطقه (راه ابریشم جدید، چین و ایران، چین و شورای همکاری، چین و سوریه، چین و مصر و ...)

- هند و منطقه؛

- الگوهای رقابت و همکاری قدرت‌های بزرگ در منطقه.

۴. قدرت‌های منطقه‌ای و نظم منطقه‌ای

- ترکیه و منطقه؛

- عربستان و منطقه (یا شورای همکاری خلیج فارس و منطقه)؛

- رژیم صهیونیستی و منطقه؛

- مصر و منطقه؛

- الگوهای رقابت و همکاری قدرت‌های منطقه‌ای.

۵. چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای

- چالش‌های امنیتی سخت؛

- چالش‌های اجتماعی - سیاسی؛
- چالش دولت ملی در غرب آسیا؛
- چالش‌های ژئوپلیتیکی؛
- چالش‌های زیست‌محیطی؛
- چالش‌های ایجاد ثبات منطقه‌ای؛
- رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای.

۶. مسائل نوظهور و نظم امنیتی غرب آسیا

- افراط‌گری مذهبی و تروریسم (داعش، الگوه‌های جدید جهاد سلفی، دایاسپورا و جنبش‌های جهادی، القاعده در برابر داعش و غیره)؛
- بیداری اسلامی (دستاوردها و شکست‌ها، نقش و مسئولیت‌های بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نقش و مسئولیت‌های بازیگران محلی)؛
- بازیگران فروملی؛
- دولت‌های ورشکسته (سوریه، یمن، و عراق)؛
- مسئله کردی؛
- خلع سلاح هسته‌ای؛
- امنیت انسانی؛
- روندهای نظامی در غرب آسیا.

۷. اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظم نوظهور منطقه‌ای

- پیامدهای اقتصادی - سیاسی منطقه‌ای نظم نوظهور؛
- پیامدهای اقتصادی - سیاسی فرامنطقه‌ای نظم نوظهور؛
- انرژی و نظم منطقه‌ای خاورمیانه؛
- پسابرجام و اقتصاد منطقه‌ای.

۸. آینده نظم منطقه‌ای غرب آسیا

- غرب آسیا در قرن ۲۱: معماری منطقه‌ای در حال ظهور؛
- غرب آسیا: سناریوهای احتمالی؛
- امنیت جامع در غرب آسیا در حال ظهور؛
- زمینه‌های آتی همکاری (اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی، و آموزشی)؛

- مناقشات آتی (مناقشات بر سر آب، منابع انرژی، مناقشات فرامرزی قومی - فرهنگی، مناقشه رژیم صهیونیستی با فلسطین، و مناقشات ارضی)؛
- درک‌های امنیتی و همکاری در غرب آسیا.

۹. جمهوری اسلامی ایران و نظم نوظهور منطقه‌ای

- روابط ایران و قدرت‌های بزرگ و نظم منطقه‌ای؛
- روابط ایران و قدرت‌های منطقه‌ای و نظم منطقه‌ای؛
- راهبرد ایران در قبال نظم منطقه‌ای؛
- نظم مطلوب منطقه‌ای ایران؛
- ایران و کشورهای همسایه؛
- قدرت منطقه‌ای ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها.

۱۰. معماری نظم امنیتی غرب آسیا

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی

ریاست موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

سخن دبیر اجرایی همایش

کنفرانس امنیتی تهران با شعار گفتگو، اعتماد و همکاری متقابل بین کشورهای منطقه غرب آسیا جهت نیل به امنیت و پیشرفت جمعی آغاز به کار کرده و همایش بین‌المللی نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا نخستین همایش برگزار شده تحت این کنفرانس در سال ۱۳۹۵ است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کنفرانس، مشارکت بالای شمار زیادی از اندیشکده‌های برجسته ایران در برگزاری آن و حمایت گسترده جامعه نخبگی به‌خصوص از حوزه‌های روابط بین‌الملل، امنیت بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای، اقتصاد سیاسی، مطالعات ایران، مطالعات امنیتی و غیره از این رویداد مهم علمی است.

شماره از این اندیشکده‌ها عبارتند از: مرکز بررسی‌های استراتژیک امنیت ملی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شورای راهبردی روابط خارجی، مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، مرکز مطالعات راهبردی راد، و پژوهشکده مطالعات راهبردی. مدیران و نمایندگان محترم این مراکز از نخستین جلسات کارشناسی کنفرانس، مشارکت فعالی داشته و در ادامه با برگزاری پیش‌نشست، داوری مقالات، دعوت از کارشناسان داخلی و خارجی، ارائه مقاله و کمک‌های متعدد دیگر باعث پیشبرد امور و تحقق اهداف کنفرانس شده‌اند. از این عزیزان بسیار سپاسگزاریم. علاوه‌براین، بر خود لازم می‌دانیم صمیمانه از زحمات اعضای کمیته علمی همایش آقایان دکتر جمال شفیعی، دکتر سید حسین موسوی، دکتر سید محمدکاظم سجادپور، دکتر محمدباقر خرمشاد، دکتر کیهان برزگر، دکتر امیر قدسی، دکتر حمیدرضا کمالی، دکتر مهدی آهوئی، دکتر قدیر نصری، دکتر محمدرضا دهشیری، دکتر محمودرضا گلشن‌پژوه، دکتر علیرضا میریوسفی، دکتر محمود یزدان‌فام، دکتر محسن اسلامی، دکتر ابراهیم متقی، و دکتر داود فیاضی تشکر و قدردانی نمایم.

در برگزاری کنفرانس امنیتی تهران، دبیرخانه کنفرانس و کمیته‌های مختلف آن از جمله کمیته پشتیبانی و تأمین، کمیته اطلاع‌رسانی و روابط عمومی، و کمیته مهمان‌های خارجی زحمات زیادی را

متحمل شده‌اند که جای تشکر و قدردانی بسیار دارد. در این خصوص، به‌ویژه از زحمات آقای محمد عارفیان، خانم دلپله رحیمی آشتیانی، آقای احسان صادقی، و آقای محمدرضا دارا برای پیگیری امور اجرایی کنفرانس بسیار تشکر می‌کنیم. در تهیه کتاب‌های کنفرانس مشتمل بر کتاب چکیده مقالات و کتاب مجموعه مقالات، خانم‌ها دلپله رحیمی آشتیانی، سمیه مروتی، فرانک محجوب، منیره آذری، منصوره سعادت، سمانه ضرابی‌نژاد، خدیجه فیروزی، و زهره اسماعیل‌زاده نقش پررنگی داشته‌اند که از تلاش‌های این عزیزان نیز صمیمانه سپاسگزاریم.

تلاش‌های بسیار زیادی در یک سال اخیر صورت گرفته است تا کنفرانس امنیتی تهران به‌عنوان اولین کنفرانس امنیتی بومی و اصیل در منطقه غرب آسیا به بهترین شکل ممکن برگزار شود. علاوه بر افراد مذکور، از تمام کسانی که برای کنفرانس زحمت کشیده و نامی از آنها برده نشده است نیز صمیمانه سپاسگزاریم. همچنین از جامعه دانشگاهی و پژوهشی ایران و دانشجویان عزیزی که با ارائه چکیده یا مقاله خود به‌نوعی ما را در برگزاری کنفرانس و این جهاد علمی کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

این کتاب برگزیده‌ای از بیش از ۳۰۰ چکیده ارسالی برای دبیرخانه همایش است. برخی چکیده‌ها به دلیل نداشتن معیارهای علمی لازم و برخی دیگر به دلیل ارسال بیش از یک چکیده توسط یک نویسنده رد شده‌اند. در این بین، تنها نویسندگانی که نام آنها در چکیده‌های متعدد اما در کنار اسامی دیگر آمده است، از این قانون مستثنی شده‌اند. افرادی که عناوین یا درجه علمی آنها لحاظ نشده به دلیل عدم درج این اطلاعات از سوی خود آنها بوده و متأسفانه پیگیری‌های دبیرخانه برای رفع این نواقص مثمرتر نبوده است. به لحاظ دسته‌بندی موضوعی نیز تلاش شده است تا چکیده‌ها برحسب محورهای اصلی کنفرانس تنظیم شده و براساس اینکه چکیده به کدام محور بیش از دیگر محورها نزدیک بوده، ذیل آن محور موضوعی قرار گرفته است. لذا ممکن است یک چکیده بتواند ذیل چندین محور قرار گیرد، اما برحسب تناسب بیشتر با یکی از محورها، ذیل آن دسته‌بندی شده است. در نهایت امید می‌رود پویایی علمی و فکری ایجادشده به‌واسطه کنفرانس توانسته باشد اهداف مدنظر آن و ازجمله مهم‌ترین آنها یعنی مشارکت گسترده مردمی در تولید و تقویت ادبیات فکر و ایده در زمینه امنیت را محقق کرده باشد.

بهزاد احمدی

معاون پژوهشی موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

فهرست مطالب

فصل اول: مبانی نظری - مفهومی و ماهیت نظم امنیتی منطقه‌ای

- در غرب آسیا ۳۵
- پیشران‌های نوظهور در نظم و امنیت غرب آسیا
- دکتر محمدرضا دهشیری ۳۷
- رهیافت‌های شش‌گانه در «غرب آسیا شناسی»: با تمرکز بر مفهوم نظم / امنیت
- دکتر قدیر نصری ۳۸
- واکاوی عوامل تحول مفهوم امنیت در غرب آسیا
- دکتر احمد جانسیز، و مصطفی تارین ۳۹
- تحول در شناخت مفهومی و نظری نظم امنیتی غرب آسیا
- دکتر کیهان برزگر ۴۰
- الگوهای نظم منطقه‌ای در آسیای غربی
- فرزاد پورسعید ۴۱
- تبیین الگوهای رفتار رقابتی و همکاری جویانه قدرت‌های جهانی
- در تعارضات منطقه‌ای؛ مطالعه موردی در منطقه غرب آسیا
- دکتر مهدی هدایتی شهیدانی ۴۲
- امنیت در غرب آسیا و رویکردهای متفاوت به آن
- دکتر رحمت حاجی مینه ۴۳
- بین‌المللی‌شدن دولت و ناکامی‌ابی آن در غرب آسیا: مطالعه موردی عراق
- از ۲۰۰۳-۲۰۱۶
- دکتر روح‌الله طالبی آرانی، و یحیی زرین‌نرگس ۴۴

- شناسایی نظم منطقه‌ای نوظهور در غرب آسیا از دیدگاه پویاشناسی بازی‌ها
 رضا مجیدزاده، و بهاره گنجی..... ۴۵
- تحلیلی سازه‌نگارانه برای تبیین الگوی آتی نظم منطقه‌ای در غرب آسیا؛
 (مطالعه موردی روابط ایران و عربستان)
 صبوری، و یگانه..... ۴۶
- واکاوی رهیافت قدرت محور ژئوپلیتیک در تحلیل نظم امنیتی منطقه غرب آسیا
 مهدی مرادی سیاسر..... ۴۷
- نسبت چندگونگی قومی - فرهنگی و دولت‌های ناتوان
 دکتر ندا کردوانی..... ۴۸
- چرخه معیوب امنیت‌سازی در غرب آسیا
 عباس سروستانی..... ۴۹
- رویکرد توسعه‌ای: حلقه مفقوده سیاست امنیتی ایران در غرب آسیا
 عبدالرسول دیوسالار..... ۵۰
- تحلیل کیفی - تطبیقی قدرت ملی در کشورهای غرب آسیا با رویکرد فازی
 مسعود چاری صادق، و سیدمرتضی هژبرالساداتی..... ۵۱
- الگوهای امنیتی حاکم بر تنگه هرمز و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
 سیدعبدالمجید زواری، و احسان نمازی‌زاده..... ۵۲
- بررسی علل و ابعاد تصاعد بحران در غرب آسیا پس از تحولات جهان عرب
 در سال ۲۰۱۱ (با تأکید بر نظریه برخورد تمدنی ساموئل هانتینگتون)
 عبدالکریم شاه‌ولی‌بر..... ۵۳
- نظم جدید غرب آسیا، محصول هم‌افزایی قدرت و هویت
 منوچهر شفیعی..... ۵۴
- آینده‌بینی رابطه ایران و آمریکا براساس خوانش جدید از نظریه نواقع‌گرایی
 توسط هنسن، تافت و ویول
 تاج‌الدین صالحیان..... ۵۵
- معیارهای برآورد اطلاعات راهبردی در مطالعات نظم امنیتی
 حسین مسلمی..... ۵۶

- سیاست خارجی دولت سوسی در مصر از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک و
تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
دکتر سیدرضی عمادی، و دکتر مهدی علیخانی ۵۷
- بررسی و تحلیل پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) بین
سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴؛ مطالعه موردی موضوع خاورمیانه و غرب آسیا
سعیده امام‌دوست، و موژان معارف ۵۸
- فصل دوم: آینده و معماری نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا ۵۹**
- ماهیت نظم منطقه‌ای نوظهور در غرب آسیا
دکتر محمود کلاهیچیان ۶۱
- سناریوهای احتمالی نظم منطقه‌ای غرب آسیا
دکتر قاسم علیدوستی شهرکی، و عشرت نوری ۶۲
- تحلیلی بر آینده پیش‌روی ائتلاف محور مقاومت
دکتر حسین آجورلو ۶۳
- منافع و ظرفیت‌های همکاری در غرب آسیا؛ بررسی موردی
روابط ایران و عربستان سعودی
دکتر مهدی آهویی ۶۴
- جعبه سیاه روابط آمریکا و عربستان و آینده نظم امنیتی در غرب آسیا
علیرضا میریوسفی اول ۶۵
- بررسی پیامدهای استقلال احتمالی اقلیم کردستان عراق بر نظم غرب آسیا
دکتر بهادر زارعی، و سعید رضانی ۶۶
- فروپاشی نظم قدیم، وقوع تحولات کاتاکلازیمیک، و استقرار
نظم منطقه‌ای جدید در خلیج فارس
دکتر نوذر شفیعی ۶۷
- ضرورت‌ها و چالش‌های مشارکت ایران با ترتیبات همکاری‌جویانه
در اوراسیا از سال ۲۰۱۲ به بعد

- ۶۸ دکتر افشین زرگر، و آتنا اسفندیاری فرد
تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای؛
مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس
- ۶۹ دکتر ابراهیم طاهری، و امین صادقی بکیانی
امکان و عدم امکان شکل‌گیری مجموعه امنیت منطقه‌ای غرب آسیا
- ۷۰ دکتر نسا زاهدی، و سیدمحمدعلی حسینی
هرج و مرج سازنده: فرصت مقاومت برای مهار بحران؛
کالبدشکافی بحران در شامات و عراق
- ۷۱ دکتر کابک خیبری، و امیرحامد آزاد
جهانی‌شدن و شکل‌گیری نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا:
با تأکید بر رابطه توسعه پایدار با امنیت پایدار
- ۷۲ دکتر مهناز گودرزی، و محمد کفاش نیری
تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر معمای تحقق و نهادینه‌شدن
منطقه‌گرایی در غرب آسیا
- ۷۳ محمدابراهیم کاظمی بیدختی
بررسی الگوهای نظم امنیتی (با تأکید بر الگوی امنیتی جمهوری اسلامی ایران)
- ۷۴ دکتر حسین کریمی‌فرد
معماری نظم امنیتی غرب آسیا
- ۷۵ فریده شریفی
نظم منطقه‌ای جدید غرب آسیا: از ناآرامی‌های عربی تا تغییر نظم منطقه‌ای پیشین
- ۷۶ مهدی زیبایی
آینده نظم منطقه‌ای در غرب آسیا: رقابتی ژئوپلیتیک میان ایران و ترکیه
با هدف شبکه‌سازی ژئواکونومیک
- ۷۷ دکتر ابراهیم طاهری
اسلام سیاسی و آینده نظم امنیتی غرب آسیا
- ۷۸ دکتر جهانبخش ایزدی، و حمیدرضا اکبری
دکتر جهانبخش ایزدی، و حمیدرضا اکبری

ضرورت و الزامات ایجاد امنیت پایدار در غرب آسیا

- ۷۹ دکتر محمدعلی بصیری، و محسن باقری
پیوند الگوهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در امنیت‌سازی غرب آسیا
- ۸۰ دکتر علی‌اکبر جعفری، و وحید ذوالفقاری
تحول در ساخت قدرت و نظم سیاسی - امنیتی منطقه غرب آسیا
- ۸۱ فرامرز حسن‌زاده، و فاطمه علی‌پور
مجموعه امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در پرتو گسترش تروریسم
و افراطی‌گری، ۲۰۱۰-۲۰۱۵
- ۸۲ بابک آذرتاش مغانلو
دگرذیسی رهیافت امنیتی کشورهای غرب آسیا پس از برجام
- ۸۳ محمد سوری
کنش جمعی، چالش دولت ملی در غرب آسیا
- ۸۴ حسین بیگ‌میری
چشم‌انداز نظم امنیتی غرب آسیا در پرتو قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
- ۸۵ فراز خواجهوند، و سجاد خواجهوند
نقش گروه سلفی جهادی داعش در آینده نظم هویتی
غرب آسیا (آینده‌پژوهشی و سناریوسازی)
- ۸۶ قائم موسوی
تلاش برای کسب وضعیت جدید در نظام بین‌الملل: مقایسه ایران و چین
- ۸۷ تاج‌الدین صالحیان، سجاد بهرامی‌مقدم، و ضیاءالدین صبوری
بررسی تطبیقی تحولات نظم امنیتی غرب آسیا قبل و بعد از ۲۰۱۱
- ۸۸ ایمان صفرزاده
تغییر نظام‌های امنیتی در خاورمیانه
- ۸۹ جواد حیران‌نیا
اتحاد دفاعی - امنیتی کشورهای عربی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک قدرت در غرب آسیا
- ۹۰ علیرضا رحیمی

امکان‌سنجی ایجاد بازدارندگی میان مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در غرب آسیا و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا

- ۹۱ دلیله رحیمی آشتیانی، و پیمان بختیاری.....
 واکاوی و ارزیابی عوامل و زمینه‌های همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس
 ۹۲ ابوالفضل زمانی، و محسن زمانی.....

فصل سوم. چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای و تأثیر مسائل نوظهور

- ۹۳ **بر نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا**
 چالش‌های دولت ملی و تداوم ناآرامی‌ها در منطقه غرب آسیای عربی
 ۹۵ دکتر سید عبدالامیر نبوی.....
 افراط‌گرایی اسلامی و تشدید بی‌نظمی منطقه غرب آسیا؛
 تحول در نقش و منزلت ایران، ترکیه و عربستان
 ۹۶ دکتر سید اصغر کیوان حسینی.....
 نگاهی به چالش‌های حقوق بشری در غرب آسیا
 ۹۷ دکتر محمودرضا گلشن‌پژوه.....
 افراط‌گرایی مذهبی و نظم منطقه‌ای غرب آسیا:
 از نظم وستفالی تا امپراتوری‌های در سایه
 ۹۸ دکتر مهدی عابدی.....
 دورنمای بحران داخلی عراق و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا
 ۹۹ دکتر داود غرایق زندی.....
 امنیت زیست‌محیطی غرب آسیا: روندها و چالش‌ها
 ۱۰۰ دکتر داود فیاضی.....
 بررسی نقش افراط‌گرایی مذهبی در همگرایی منطقه‌ای آسیای مرکزی
 ۱۰۱ دکتر مهدی میرمحمدی، و محسن کریمی شیرودی.....
 تأثیر شکنندگی دولت سوریه بر تحولات امنیتی منطقه غرب آسیا
 ۱۰۲ دکتر رضا اختیاری امیری.....
 تأثیر بحران سوریه بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا

- ۱۰۳ دکتر سید حمزه صفوی، و سید مهدی نبوی
تبیین زمینه‌ها و فرصت‌های ناشی از مقابله با افراط‌گرایی به‌منظور
توسعه همگرایی در غرب آسیا
- ۱۰۴ دکتر عنایت‌الله یزدانی، و محسن حکمتی‌خوان
دولت‌های فرومانده، تراکم بحران و تسری ناامنی: مطالعه موردی افغانستان
- ۱۰۵ سمیه مروتی
نارکو تروریسم در غرب آسیا: تهدید نامتقارن کنشگران هیبریدی
- ۱۰۶ مهدخت ذاکری، و بیژن عارف
تقابل‌های مذهبی و نظم امنیتی در منطقه غرب آسیا
(مطالعه موردی پدیده بنیادگرایی اسلامی)
- ۱۰۷ حجت‌اله جهانی‌راد، ایرج شاهوردی، و دکتر مجتبی درفشان
تحلیلی بر ژئوپلیتیک عوامل بحران‌زا در منطقه غرب آسیا
- ۱۰۸ ریحانه صالح‌آبادی، و سعید صادقلو
ائتلاف بین‌المللی علیه داعش: دلایل شکل‌گیری، دستاوردها، موانع و دیدگاه‌ها
- ۱۰۹ سیدعلی نجات
متغیر مغفول: بازیابی نقش مذهب در سیاست منطقه‌ای و بین‌الملل
- ۱۱۰ مرتضی شجاع
دولت - ملت‌سازی ابتر ریشه بحران‌های اخیر غرب آسیا
- ۱۱۱ محمد رامبد فرهودی مقدم
نقش کردها در تحولات منطقه‌ای غرب آسیا (با تکیه بر اقلیم کردستان عراق،
پ.ک.ک و شمال سوریه)
- ۱۱۲ محمدعلی دستمالی
مسائل نوظهور و نظم امنیتی غرب آسیا: مسئله کردی
- ۱۱۳ سیدحامد حسینی
تعامل و تعارض روسیه در مواجهه با تروریسم در عراق و سوریه و
تأثیر آن بر امنیت غرب آسیا

- ۱۱۴ محمدحسین مرادی
 ماهیت جنبش‌های اجتماعی و تحولات ژئوپلیتیکی در کشورهای غرب آسیا
- ۱۱۵ فاطمه امیری پریان
 تبیین جایگاه مردم در مبارزه با تروریسم در غرب آسیا
- ۱۱۶ علیرضا رحیمی، محمد مهربان، و هادی ایمانی
 «تروریسم هیبرید»، چالشی جدید برای امنیت بین‌الملل
- ۱۱۷ علیرضا رضاخواه
 چالش‌های زیست‌محیطی جنوب غرب آسیا
- ۱۱۸ جواد معدنی
 بررسی آثار ظهور گروه‌های تکفیری در طرح غرب آسیای جدید - با تأکید بر ظهور داعش
- ۱۱۹ سعید رمضان‌نوی
 بررسی و تحلیل چالش‌های سیاسی - امنیتی نظم جدید در حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا و راهکارهای مقابله با آن
- ۱۲۰ معصومه دهمرده
 چالش‌های فراوری منطقه‌گرایی در کشورهای اسلامی غرب آسیا؛
 ارائه تحلیل ژئوپلیتیکی
- ۱۲۱ یاسر اسماعیل‌زاده امامقلی، و سعید تجری
 تروریسم، ابزاری برای تحقق غرب آسیا جدید
- ۱۲۲ یعقوب‌علی اولاد، و احسان آتش‌پور
 فرصت‌ها و چالش‌های منطقه‌ای ایران با تأکید بر بیداری اسلامی در یمن
- ۱۲۳ هادی ترکی
 چالش‌های نظم منطقه‌ای در غرب آسیا پس از ظهور داعش
- ۱۲۴ سمیرا دردشتی
 خطرهای رشد داعش در افغانستان برای امنیت ملی ایران
- ۱۲۵ زهرا توکلی
 بررسی ناکارآمدی اخوان المسلمین در بیداری اسلامی مصر

- سعید خزائی ۱۲۶
- چالش‌های ژئوپلیتیک زیست‌محیطی و امنیت منطقه (مطالعه موردی نقش خلیج فارس در منافع ج.ا.ایران)
- حجت‌اله جهانی‌راد، احمد حاجی‌زاده، صمد شماخی، و یاسر فتحانی ۱۲۷
- موانع پایان بحران سوریه و علل تداوم آن
- عاطفه باغی شادباد، و یحیی زرین نرگس ۱۲۸
- عدم تقارن قدرت، مؤلفه تعیین‌کننده نظم امنیتی آب در غرب آسیا
- احمد آدینه‌وند ۱۲۹
- تأثیر بحران آب در روابط کشورهای غرب آسیا
- فاطمه مشهدی بندانی ۱۳۰
- فصل چهارم. ایران و نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا ۱۳۱**
- محدودیت‌های ساختاری برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
- دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی ۱۳۳
- سیاست مهار آمریکا علیه ایران
- دکتر ناصر هادیان ۱۳۵
- گدهای ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران
- دکتر امیر قدسی ۱۳۶
- بازنمایی روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در مدل‌سازی ماتریسی از نظم‌های امنیتی
- دکتر حمیدرضا کمالی، و مهدی اعلائی ۱۳۷
- نظامی‌سازی غرب آسیا و راهبرد مشارکتی امنیت‌جویانه جمهوری اسلامی ایران
- دکتر رضا سیمبر، و بهنام بابازاده ۱۳۸
- بحران‌های امنیتی در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
- دکتر حسین عصاریان‌نژاد، محمد رستمی، و محمدجواد رضوانی ۱۳۹
- اولویت‌های ایران در محیط به‌شدت امنیتی‌شده غرب آسیا

- ۱۴۰ دکتر کابک خیبری، و راضیه عباسقلی امنیت خلیج فارس از نگاه جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های فراروی آن
- ۱۴۱ حوا ابراهیمی پور، و دکتر علی آدمی الزامات و پیامدهای راهبردی معماری منطقه‌ای ایران در پرتو بحران‌های جهانی متحول ۲۰۱۶
- ۱۴۲ دکتر بهزاد خوش‌اندام نظم‌های منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی و راهبرد ایران
- ۱۴۳ دکتر غلامعلی سلیمانی ائتلاف تاکتیکی ایران و روسیه در خاورمیانه جدید؛ چستی، چالش‌ها و دورنما
- ۱۴۴ دکتر علیرضا نوری منطقه‌گرایی نوین و چالش‌های روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۴۵ دکتر بهادر زارعی، و عطیه کریمی دیپلماسی زیست‌محیطی جمهوری اسلامی ایران در بحران ریزگردها (منطقه غرب آسیا)
- ۱۴۶ دکتر جهانبخش ایزدی، و مسعود طوفان ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاور نزدیک از دیدگاه کنت کاتزمن
- ۱۴۷ دکتر فاطمه محمدی ژئوپلیتیک شیعه و تأثیرات آن بر نظم منطقه غرب آسیا
- ۱۴۸ حجت‌اله جهانی‌راد، دکتر مجتبی درفشان، ایرج شاهوردی، و دکتر علی‌اکبر قیاسی آینده نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در غرب آسیا
- ۱۴۹ امید وقوفی، و دکتر علی‌اصغر قاسمی مناسبات خارجی ایران و عربستان سعودی پس از تحولات سوریه و تأثیر آن بر نظم منطقه غرب آسیا
- ۱۵۰ حسین ابراهیم‌نیا، و حیدر کشاورز ایران و شورای همکاری خلیج فارس: چگونگی شکل‌دهی

- به نظم جدید منطقه‌ای بر پایه منافع مشترک
- ۱۵۱ قاسم اصولی
- ایران و نظم نوظهور منطقه‌ای غرب آسیا
- ۱۵۲ زهرا معارف‌وند
- نقش چالش‌های منطقه‌ای و نظم نوین امنیتی غرب آسیا در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی
- ۱۵۳ احسان فرامرزش، و سیدحمزه صالحی
- فضای ماورای جو و ارتقای قدرت منطقه‌ای ایران
- ۱۵۴ گلاره رستگاریا
- تهدیدات امنیت منطقه‌ای سیاست خارجی ایران در غرب آسیا
- ۱۵۵ رضا سرحدی قهری
- جایگاه ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای
- ۱۵۶ سمانه قربان‌پور
- فرصت‌ها و چالش‌های ایران در بحران‌های غرب آسیا (با تأکید بر بحران عراق و سوریه)
- ۱۵۷ امیر حدادپور
- نظم مطلوب منطقه‌ای ایران
- ۱۵۸ سیدعلی‌اکبر غنی‌زاده، و سیدقدیر غنی‌زاده
- انعقاد برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) و تأثیر آن بر افزایش قدرت منطقه‌ای ایران
- ۱۵۹ رضا ذبیحی
- نقش تروریسم سلفی - تکفیری در ساخت محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۶۰ مهدی اقراریان، و مهرداد عطایی
- تحولات ژئوپلیتیکی قوم‌گُرد و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، عراق و ترکیه

- ۱۶۱ فرشته اکبریان
 ژئوپلیتیک کشور بحرین و تأثیر آن بر امنیت منطقه با تأکید بر ایران
- ۱۶۲ محمدعلی قیومی
 روابط ایران و عربستان در دوران پسابرجام
- ۱۶۳ آنا یوسفیان
 راهبرد امنیتی فرامرزی و بسط محور ایران و نقش مکمل روسیه
 (مطالعه موردی: غرب آسیا)
- ۱۶۴ دکتر بهادر زارعی، شهاب‌الدین شفیع، و فاطمه مقدم
 استراتژی محاصره؛ طرحی بلندمدت برای مهار رقبای منطقه‌ای ج.ا.ایران
- ۱۶۵ دکتر علیرضا رحیمی
 علل واگرایی در روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان در یک دهه اخیر
- ۱۶۶ ژیلای احمدی
 لزوم بازتعریف نقشه راه ج.ا.ایران در قفقاز جنوبی
- ۱۶۷ جعفر خاشع
 ایران و نظم نوظهور منطقه‌ای
- ۱۶۸ حسام‌الدین لعل‌آهنگر
 راهبرد ایران در قبال تشکیل نظم امنیتی مطلوب در غرب آسیا
- ۱۶۹ جاوید منتظران
 توافق هسته‌ای ایران و تأثیرات آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا
- ۱۷۰ ایمان احمدوند
 دیپلماسی عمومی ابزار مغفول‌مانده در تحکیم و توسعه روابط با همسایگان
- ۱۷۱ حسن اشرفی
 بررسی تأثیر اقدامات بالادستی افغانستان در خصوص آب‌های مرزی
 شرق ایران (رودخانه هیرمند) و پیامدهای آن در ایجاد ثبات و امنیت
 مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان (شهرستان زابل)
- ۱۷۲ علیرضا شولی، جبار وطن‌فدا، و محمدرضا حاجی‌حسینی
 علیرضا شولی، جبار وطن‌فدا، و محمدرضا حاجی‌حسینی

فصل پنجم. قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و

- ۱۷۳ نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا
- عربستان سعودی و نظم مطلوب منطقه‌ای: چالش‌ها و استراتژی‌ها
- ۱۷۵ دکتر حمید احمدی
- راهبرد امنیتی روسیه در غرب آسیا: مقابله با تهدیدات نزدیک و افزایش نقش بین‌المللی
- ۱۷۶ دکتر جهانگیر کرمی
- راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا
- ۱۷۷ دکتر ابراهیم متقی، و هادی خسروشاهین
- چین در غرب آسیا: ثبات‌خواهی و گشایش‌جویی
- ۱۷۸ دکتر محسن شریعتی‌نیا
- ترکیه و نظم امنیتی غرب آسیا
- ۱۷۹ دکتر جعفرحقوق‌پناه
- راهبرد امنیتی هند در غرب آسیا
- ۱۸۰ دکتر مجیدرضا مؤمنی
- نظم و امنیت تراویخت در تفکر رژیم صهیونیستی
- ۱۸۱ علی ثابت
- مقایسه قدرت نرم چین و هند در منطقه غرب آسیا
- ۱۸۲ دکتر علی امیدی، و سجاد امری
- واکاوی سیاست خارجی روسیه در مورد غرب آسیا - روسیه در قبال موضوع کردها
- ۱۸۳ دکتر محمدرضا تخشید، و مرتضی شجاع
- بررسی رویکرد سیاست خارجی هندوستان در قبال نظم منطقه‌ای در غرب آسیا
- ۱۸۴ دکتر ماندانا تیشه‌یار
- رویکرد اتحادیه اروپا به منطقه غرب آسیا
- ۱۸۵ دکتر علی صباغیان
- راهبرد امنیتی اتحادیه اروپا در غرب آسیا

- ۱۸۶..... بهزاد احمدی
نقش ترکیه در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی خارجی
جمهوری اسلامی ایران
- ۱۸۷..... دکتر جمشید شریفیان، مجتبی درفشان، و حسین عبدالله پور
نظریه افول و دوگانگی در سیاست خارجی آمریکا و پیامدهای آن
بر منطقه خلیج فارس
- ۱۸۸..... دکتر سیدمهدی حسینی متین
الگوی ترکیه در نظم امنیتی منطقه‌ای؛ تعامل و تقابل با ایران و عربستان سعودی
- ۱۸۹..... الیاس واحدی
رقابت چین و هند در غرب آسیا و نقش ایران و پاکستان
- ۱۹۰..... محمدحسین دهقانیان
نقش اتحادیه اروپایی در نظم جدید منطقه‌ای در غرب آسیا
- ۱۹۱..... دکتر سعید خالوزاده
حوزه‌های همکاری میان ایران و اتحادیه اروپا برای مقابله
با چالش‌های موجود در غرب آسیا
- ۱۹۲..... دکتر محمدرضا مجیدی، و دکتر علیرضا ثمودی
حوزه‌های همکاری میان ایران و اتحادیه اروپا برای مقابله با بحران‌های غرب آسیا
- ۱۹۳..... دکتر نسا زاهدی، و دکتر علیرضا ثمودی
بررسی سیاست خارجی مصر بعد از ژانویه ۲۰۱۱
- ۱۹۴..... دکتر جلال درخشه، و طیبه سلامت
استراتژی‌های رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه
- ۱۹۵..... دکتر سیدیوسف قرشی
تحول در سیاست غرب آسیای روسیه: زمینه‌ها و پیامدها
- ۱۹۶..... دکتر حمیدرضا عزیزی
موقعیت امنیتی رژیم صهیونیستی در قالب مؤلفه‌های جدید منطقه‌ای
- ۱۹۷..... دکتر وحیده احمدی
جایگاه مصر در معادلات سیاسی - امنیتی غرب آسیا با تأکید

بر تحولات پس از به قدرت رسیدن سیسی

- ۱۹۸ داود احمدزاده
- طرح جدید روسیه برای پایان بخشیدن به مناقشه قره باغ:
نظم امنیتی جدید در قفقاز جنوبی
- ۱۹۹ ولی کوزه گر کالجی
- ابعاد رقابت قدرت های منطقه ای ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان
و تأثیر آن بر نظم منطقه ای قفقاز
- ۲۰۰ دکتر هادی اعظمی، منوره محمودی، و محسن سلطانی
- سیاست خارجی بازیگران منطقه ای و امنیت غرب آسیا
در دوران پساجام (ایران، عربستان، ترکیه و مصر)
- ۲۰۱ محمد عبدالخانی
- نقش رژیم صهیونیستی در تحولات غرب آسیا و تأثیر آن بر نظم منطقه ای
- ۲۰۲ سمیرا ضرغامی
- سناریوهای پیش روی اتحادیه اروپا در غرب آسیا و جایگاه امنیتی ایران
- ۲۰۳ دکتر حسین مفیدی احمدی
- جایگاه منطقه غرب آسیا در سیاست خارجی و امنیتی آلمان در دوره
پس از جنگ سرد: مطالعه موردی مسئله فلسطین و بحران سوریه
- ۲۰۴ دکتر علی آدمی، و جبار خدادوست
- اهداف راهبردی آمریکا برای مدیریت افراط گرایی مذهبی
در چالش های منطقه غرب آسیا
- ۲۰۵ منصور میرزایی
- بررسی سیاست امنیتی آلمان در غرب آسیا با تأکید بر سند امنیتی
و چشم انداز دفاعی آلمان (Weissbuch 2016)
- ۲۰۶ محسن فرخانی
- تقابل سیاست های روسیه و آمریکا در سوریه و منافع جمهوری اسلامی ایران
- ۲۰۷ دکتر میرابراهیم صدیق، و محسن صبری

- سیاست امنیتی فرانسه در غرب آسیا: جست‌وجوی منافع ملی
در پرتو همکاری‌های شکننده
- ۲۰۸ طاهره مقری موزن
رویکرد امنیتی روسیه در اندیشه نوآوراسیاگرایی
- ۲۰۹ بهناز اسدی کیا
هند و نظم منطقه‌ای غرب آسیا
- ۲۱۰ محمدتقی امراللهی
دکترین قدرت نرم در امنیت رژیم صهیونیستی برای مهار ایران با توجه
به نقش کشورهای همسایه ایران
- ۲۱۱ میلاد ربانی
بررسی قدرت ساختار و کارگزار در سیاست خارجی ترکیه
و اثرات آن بر نظم امنیتی غرب آسیا بعد از سال ۲۰۱۰
- ۲۱۲ مهدی وحیدی
حساسیت‌زدایی اجتماعی، سومین مرحله از فرآیند عادی‌سازی
روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی
- ۲۱۳ محمد محسن فیضی
تبیین آینده سیاست آمریکا در غرب آسیا
- ۲۱۴ سحر کریمی، و اژدر پیری سارمانلو
واکاوی روندشناسانه رویکردهای مختلف به مسئله فلسطین در پرتو تحولات
زیرسیستم‌های امنیتی در منطقه غرب آسیا پس از بیداری اسلامی از ۲۰۱۱ تاکنون
- ۲۱۵ علی صمدزاده، محمودرضا صنم‌زاده
اثرگذاری بحران‌های داخلی عربستان سعودی بر تغییرات در
سیاست منطقه‌ای و خارجی این کشور
- ۲۱۶ داریوش درویشی
فروپاشی و نظم‌یابی منطقه‌ای در روند راهبرد تهاجمی عربستان سعودی
- ۲۱۷ کامران کرمی
کامران کرمی

تعامل چهار قدرت منطقه با محوریت عربستان سعودی و شکل‌گیری

نظم منطقه بر مبنای این تعامل

۲۱۸ رضا نجابت

بررسی علل افزایش هزینه نظامی عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا

۲۱۹ حمید جهان‌آرا

توازن از راه دور غرب آسیایی در پرتو سیاست جهانی آمریکا؛

گذاری بر «وضعیت مطلوب» برای منافع ملی آمریکا در غرب آسیا (۲۰۱۰-۲۰۱۵)

۲۲۰ دکتر مهرداد حلال‌خور

راهبرد سیاست خارجی کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده

در قبال غرب آسیا: مطالعه افغانستان

۲۲۱ دکتر احمد بخشی، حسین ابراهیمی، و مهدی خوشرفتار

بازنگری سیاست‌های امنیتی ترکیه درباره غرب آسیا با تأکید بر سوریه

پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ در ترکیه

۲۲۲ مرضیه قاسمی

نگاهی به موقعیت خلیج فارس و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آن

۲۲۳ بهمن کرمی‌کیا

جایگاه تقابل اطلاعاتی ایران و عربستان در نظم امنیتی نوین منطقه غرب آسیا

۲۲۴ علیرضا خرم‌روز

بررسی نقش و اهداف سیاست خارجی ترکیه در تحولات سیاسی سوریه

۲۲۵ نیکنام ارشدنیا

نقش و جایگاه روسیه در غرب آسیا با تأکید بر تحولات سوریه (۲۰۱۲-۲۰۱۶)

۲۲۶ عباس والی

سیاست ترکیه در مورد غرب آسیا در دوره حزب حاکم عدالت و توسعه

۲۲۷ دکتر رضا صولت

تبیین الگوی رفتاری عربستان سعودی در قبال ایران از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵

۲۲۸ وحید محمدی، و امیر مشتاقی

- نقش عربستان سعودی و امارات متحده عربی در کودتای نظامیان علیه دولت مرسی
 سعید خزائی، و دکتر طاهره ابراهیمی فر ۲۲۹
- آمریکا و نظم مطلوب صهیونیسم محور در غرب آسیا؛ تحلیل ژئوپلیتیک
 مجتبی روستایی ۲۳۰
- چین در غرب آسیا؛ بهره‌گیری از خلأ حضور آمریکا
 احسان صادقی چیمه ۲۳۱
- سیاست هند در قبال منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر ایران
 حسین عسگریان ۲۳۲
- پیشران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی ج.ا.ایران و
 عربستان در منطقه غرب آسیا
 حسین مینایی، و دکتر ابراهیم حاجیانی ۲۳۳
- تحلیل سیاست خارجی پساکودتایی ترکیه و آینده نظم و امنیت منطقه
 عصمت عارفی، عطیه بلبل امیری، و محمدرضا محمدی ۲۳۴
- بررسی تحلیلی حمایت عربستان سعودی از گروه‌های تروریستی و
 نظم جدید منطقه‌ای در چارچوب رئالیسم تهاجمی
 آرش قدرتی‌فر، و محمدرضا محمدی ۲۳۵
- سیاست خارجی ترکیه در مسیر دستیابی به قدرت منطقه‌ای؛
 تناقض تعامل‌گرایی و چالش‌زایی
 محسن حسن‌تبار ۲۳۶
- بررسی پیامدهای سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر
 نظم امنیتی منطقه خلیج فارس
 یاسر اسماعیل‌زاده امامقلی ۲۳۷
- بررسی سیاست خارجی چین در قبال غرب آسیا
 عباس رئیس‌زاده ۲۳۸
- بررسی نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نظم منطقه‌ای نوظهور
 موسی مرادقلی، و مریم کنگرانی فراهانی ۲۳۹

	نقش روسیه در شکل دهی به نظم نوین منطقه‌ای در غرب آسیا
۲۴۰	احمد و خشیتہ راهبردهای اتحادیه اروپا با تاکید بر محور برلین - پاریس در منطقه غرب آسیا در چهارچوب استراتژی جهانی اتحادیه اروپا
۲۴۱	دکتر حسین غریبی.....
۲۴۳	فصل ششم. اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا.....
	اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظام نوظهور منطقه‌ای غرب آسیا
۲۴۵	دکتر حسین پوراحمدی، و عارف بهرامی..... اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی در سایه امنیت اقتصادی با تأکید بر امنیت ملی و نظم منطقه‌ای
۲۴۶	دکتر حسین امیری، و دکتر محمد جعفری..... نقش ایران در توسعه اقتصادی سوریه و نظم منطقه‌ای
۲۴۷	مهدی چقازردی، و دکتر سجاد برخورداری..... آثار امنیتی سناریوی پیوستن ایران به BRICS در مواجهه با آمریکا
۲۴۸	دکتر بهنام سرخیل..... وزن ژئوپلیتیک جبهه‌بندی‌ها و بلوک‌بندی‌های بزرگ اقتصادی
۲۴۹	دکتر کیومرث یزدان پناه درو، و نرجس سادات حسینی نصرآبادی..... تأثیر خطوط لوله انتقال گاز طبیعی بر وابستگی متقابل اقتصادی ایران و همسایگان
۲۵۰	محمود حق‌پناه..... برنامه‌های آتی رژیم صهیونیستی در گسترش و بهبود وضع انرژی
۲۵۱	سید محمد مهدی قادری..... بررسی نقش ظرفیت‌های ژئواکونومیکی غرب آسیا در نظم منطقه‌ای
۲۵۲	داود رضایی سکه‌روانی، و علیرضا محمدزاده..... الگوی اتحاد مشارکتی برای تحقق نظم و امنیت عمومی در منطقه غرب آسیا
۲۵۳	علی اصغر بهمنی.....

- ضرورت توجه به گسترش همکاری‌های غیرسیاسی در توسعه روابط منطقه‌ای
 ۲۵۴ حامد مؤذنی
- رهبران نسل پنجم چین و جاده ابریشم نوین: راهبرد برون‌گرایی نرم
 ۲۵۵ محمدرضا حق‌شناس
- نقش و جایگاه کشورهای منطقه غرب آسیا در تأمین امنیت انرژی و
 راهبردهای جمهوری اسلامی ایران
 ۲۵۶ مصطفی آذری
- انقلاب نفت و گاز شیل و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن
 بر بازار انرژی غرب آسیا
 ۲۵۷ محمد صیادی، و یونس خداپرست
- دیپلماسی اقتصادی چین در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظم نوظهور غرب آسیا
 ۲۵۸ سعیده احمدی، و فرزانه صمدیان
- ژئواکونومیک و بازیگران نوظهور در منطقه خلیج فارس مطالعه موردی: چین و هند
 ۲۵۹ محمود نورانی
- اتصال خطوط انرژی و کریدورهای ترانزیتی؛ سناریویی برای ایمن‌سازی
 حاشیه مرزها؛ مطالعه موردی قفقاز
 ۲۶۰ موسی عبداللهی

فصل اول

مبانی نظری – مفهومی و ماهیت نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا

پیشران‌های نوظهور در نظم و امنیت غرب آسیا

دکتر محمدرضا دهشیری^۱

چکیده

با عنایت به اینکه پیشران‌های نوظهور به عواملی اطلاق می‌گردد که موجب بروز تغییر در نظم و امنیت غرب آسیا می‌شود، در این نوشتار تلاش شده است که نقش ساختارها، بازیگران و فرایندهای نوظهور به‌عنوان عوامل درهم‌تنیده و مرتبط با یکدیگر در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای مورد مذاقه قرار گیرد.

در زمره ساختارها می‌توان به فرو ریختن سامانه‌های استراتژیک و نبود اصل نظم‌دهنده با توجه به پویایی تحولات ژئوپلیتیک، بی‌ثباتی ناشی از شکاف‌های داخلی، تضعیف ساختار دولت-ملت و ابهام در مدل‌ها و الگوهای جایگزین، افزایش نقش منطقه در ساختار تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری آن از پایین به بالا بر ساختار امنیتی، بازخیزی رقابت‌های ژئوپلیتیک بین ایران، عربستان سعودی و ترکیه، برهم خوردن توازن نسبی قوا در منطقه و بروز تغییراتی در آن، با توجه به دگرگونی و جابه‌جایی نقش‌ها، نقش‌آفرینی نسبی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نظم امنیتی غرب آسیا و امکان تغییر جهت پارادایمی از سوی آنان در بحران‌های منطقه‌ای و نیز بروز جنگ‌های نامتوازن و نامتقارن و نبردهای کم‌شدت و فرسایشی و پیچیدگی منازعات دامنه‌دار و تطویل بحران‌های منطقه‌ای اشاره کرد.

نویسنده در پایان، ضمن تبیین دو الگوی پازلی (بازی پیچیده مبتنی بر رویکرد تکران‌دهنده در سهم‌خواهی حداکثری و دفع تهدید براساس درک خودمحور) و شطرنجی (اقدامات احتیاطی مبتنی بر پرهیز از اتحاد و دشمنی شدید و تأکید بر حداقل همکاری به دلیل ذهنیت امنیتی)، الگوی پیشنهادی مبتنی بر تعامل هوشمند و انعطاف راهبردی را مطرح می‌کند که بر بنیادهایی از قبیل: کارآمدسازی دولت‌های منطقه برپایه توسعه پایدار، پرهیز از تفکرات دوگانه‌ساز مبتنی بر حاصل جمع جبری صفر، امنیتی‌زدایی برای مدیریت آشوب و اهتمام به موازنه نامتقارن، چندلایه، هم‌پوشاننده و همه‌جانبه با تأکید بر نظم درون‌زا استوار است.

کلیدواژه‌ها: پیشران‌های نوظهور، نظم، امنیت، غرب آسیا، موازنه نامتقارن.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل

رهیافت‌های شش‌گانه در «غرب آسیا شناسی»: با تمرکز بر مفهوم نظم / امنیت

دکتر قدیر نصری^۱

چکیده

روند حوادث غرب آسیا در خلال هفتاد سال اخیر حاکی از تکثیر و تشدید بحران و اساساً بحران‌زی بودن منطقه است. تأکید صرف بر گذشته‌ای گرانبار یا مداخله بیگانگان و نیز اشتباهات رهبران به‌تنهایی نمی‌تواند این همه بحران را توضیح دهد. مسئله اساسی‌تر این است که چرا این همه مداخله و گذشته‌گرایی و اشتباه فقط در این منطقه رخ می‌دهد. واقعاً حلقه مفقود در «غرب آسیا شناسی» کدام است که محققان قادر به پیش‌بینی ظهور بازیگرانی مانند القاعده/ داعش، هویت‌گرایی افراطی و اشغال و انحطاط نبوده‌اند؟

برای یافتن پاسخ این پرسش، مقاله حاضر به کاوش در آثاری می‌پردازد که در پی درک منطق تداوم و تغییر در غرب آسیا بوده‌اند؛ به همین منظور، بیش از پنجاه اثر مفید در باب مطالعات غرب آسیا بررسی، و در قالب شش رویافت طبقه‌بندی شده‌اند؛ رویافت‌های روانشناسانه، امنیتی- راهبردی، فرهنگ سیاسی، اقتصاد سیاسی، شناختی- فکری، و مجموعه امنیتی یا بافتار منطقه‌ای شش رویافتی هستند که آثار مورد بررسی را دربرگرفته‌اند. این پژوهش برای درک و احیاناً درمان مسئله فوق، در پی یافتن پاسخی به این پرسش است که روش‌ها و اندیشه‌های غالب در بررسی مسائل غرب آسیا کدامند و قوت و ضعف آنها چیست. فرضیه مقاله این است که رویافت جامع برای درک منطق تحول و ثبات در غرب آسیا، رویافتی است که مقید به سه قاعده کلیدی زیر باشد:

کلیدواژه‌ها: رویافت روانشناسانه، رویافت فرهنگ سیاسی، رویافت اقتصاد سیاسی، رویافت امنیتی- راهبردی، رویافت شناختی- فکری، رویافت بافتار منطقه‌ای، غرب آسیا.

۱. دانشیار علوم سیاسی در دانشگاه خوارزمی تهران و دکترای اندیشه سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس

واکاوی عوامل تحول مفهوم امنیت در غرب آسیا

دکتر احمد جانسیز^۱؛ و مصطفی تارین^۲

چکیده

امنیت به‌عنوان مفهومی کلیدی در عرصه سیاست، طی سال‌های متمادی همراه با رخداد‌های بین‌المللی، تحولات گسترده‌ای به خود دیده است. این مفهوم تحت تأثیر اندیشه‌های سنتی، همواره نظامی‌گری و تهدید خارجی علیه موجودیت دولت‌ها را مورد توجه قرار می‌داد که درحقیقت برگرفته از تفکرات عصر وستفالیایی و مفاهیم غربی بوده است. در سیر تطور این مفهوم، نگرش مدرن بر سطحی از اطمینان خاطر برای حفظ منافع ملی تأکید می‌کرد. نگرشی که در آن امنیت، مفهومی چندبُعدی یافت و نظامی‌گری تنها یک بُعد از ابعاد آن به‌شمار می‌رفت. با گذر از گفتمان مدرن، اندیشه پسامدرن، به‌دنبال تحول در جوهره فلسفی و سیاسی دولت - کشور به‌عنوان موضوع اصلی امنیت در گفتمان‌های پیشین است. در این نگرش، محوریت دولت به‌عنوان موضوع اصلی امنیت به چالش طلبیده شده و افراد انسانی در یک مجموعه به‌هم پیوسته جهانی جایگزین آن می‌شوند.

مقاله حاضر که برای جمع‌آوری داده‌های خود از شیوه کتابخانه‌ای بهره می‌برد، با روش پژوهشی توصیفی - تحلیلی به‌دنبال بررسی علل تحول در مفهوم امنیت در غرب آسیاست. فروپاشی شوروی و تغییر نظام بین‌المللی، تحول شگرفی در مفهوم امنیت پدید آورد. بیشتر کشورها پیش از این رخداد، امنیت خود را در بستر جهان دوقطبی و جنگ سرد تعریف و تعیین می‌کردند و کنش خود را بر این اساس مشخص می‌ساختند که با وقوع این دگردیسی‌ها ناچار به بازنگری در مفاهیم امنیتی خود شدند.

کلیدواژه‌ها: امنیت، غرب آسیا، تکنولوژی تسلیحاتی، تعارض، ارتباطات.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

تحول در شناخت مفهومی و نظری نظم امنیتی غرب آسیا

دکتر کیهان بزرگر^۱

چکیده

این مقاله به بررسی روند تحول در شناخت مبانی مفهومی و نظری نظم امنیتی غرب آسیا می‌پردازد. بحث اصلی نویسنده این است که روش شناخت نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در روند تحولات این منطقه طی دهه‌های گذشته تغییر کرده و اکنون با تکیه بر روش‌های تأمین «امنیت منطقه‌ای / فرامنطقه‌ای» صورت می‌گیرد. برای توسعه این بحث، نویسنده ابتدا نقاط عطف تاریخی تحول این نظم امنیتی را در چهار مرحله بعد از جنگ جهانی دوم، فروپاشی شوروی، حوادث ۱۱ سپتامبر و تحولات بهار عربی و به‌خصوص ظهور داعش شناسایی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه روند تحولات منطقه‌ای محوریت نقش تأثیرگذار ساختار بین‌المللی و قدرت‌های خارجی را با پویایی‌ها و نقش بازیگران منطقه‌ای سازگار کرده است. اکنون منازعات درون‌کشوری و رقابت‌های بین‌کشوری در منطقه به‌نوعی با امنیت بین‌الملل ارتباط یافته‌اند و همین امر بازیگران خارجی را به افزایش همکاری‌های منطقه‌ای برای مدیریت منازعات امنیتی جاری تشویق کرده است. در حوزه تحول مفهومی، نویسنده بحث می‌کند که چگونه ظهور و گسترش تروریسم (به‌خصوص با ظهور گروه تکفیری داعش) در منطقه غرب آسیا و خطرهای آن بر امنیت ملی کشورها، گرایش به تقویت نقش دولت‌ها و ساختارهای سیاسی - امنیتی موجود در نظم منطقه‌ای را تقویت کرده و آن را با دو موضوع دیگر شناخت مسائل امنیتی غرب آسیا یعنی «جهانی شدن و ادغام سیاسی - اقتصادی» در حوزه روابط بین‌الملل و «حکمرانی خوب و دموکراسی‌سازی» در حوزه علوم سیاسی مرتبط ساخته و از این لحاظ پلی بین آنها زده است. در نهایت، در حوزه تحول نظری هم نویسنده بحث می‌کند که بحران‌های چندلایه‌ای جاری در منطقه غرب آسیا نوعی محدودیت شناخت از طریق تکیه صرف بر یک جریان غالب در روابط بین‌الملل یعنی لیبرالیسم، رئالیسم و سازه‌انگاری ایجاد کرده است. اکنون شناخت بهتر از نظم امنیتی منطقه با ترکیبی از نظریه‌های فوق و با تکیه بر مسائل توسعه‌ای اقتصادی (لیبرالیسم)، مسئله امنیت ملی کشورها (رئالیسم) و همچنین تکیه بر انگاره‌های هویتی و ارزشی (سازه‌انگاری) صورت می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، منطقه‌گرایی، دولت‌گرایی، جهانی شدن، تروریسم، حکمرانی خوب.

۱ رییس پژوهشکده استراتژیک خاورمیانه و عضو هیات علمی دانشگاه علوم تحقیقات تهران

الگوهای نظم منطقه‌ای در آسیای غربی

فرزاد پورسعید^۱

چکیده

در شرایطی که یکصد سال از قرارداد سایکس-پیکو میان انگلیس و فرانسه گذشته، مرزهای قراردادی و مبتنی بر نوعی نظم و استقالیایی در منطقه آسیای غربی در حال فروپاشی است. در مقاله حاضر، پس از تبیین این وضعیت و برشمردن دلایل آن، به بررسی الگوهای نظم منطقه‌ای در غرب آسیا یا منطقه آسیای غربی می‌پردازیم و به این پرسش پاسخ می‌دهیم که در شرایط کنونی، الگوهای نظم امنیتی مطلوب برای قدرت‌های منطقه‌ای آسیای غربی کدامند و در کوتاه‌مدت (۲۰۲۰)، چه چشم‌اندازی برای نظم منطقه‌ای آسیای غربی متصور است و احتمال تحقق کدام الگو بیشتر خواهد بود. نویسنده در پاسخ، با مفروض گرفتن وضعیت در حال گذار منطقه آسیای غربی، چهار الگوی مطلوب نظم منطقه‌ای، یعنی «نظام منطقه‌ای سلسله‌مراتبی با برتری رژیم صهیونیستی»، «ایجاد موازنه قوای یکجانبه در برابر جمهوری اسلامی ایران»، «احیاء فضای ژئوپلیتیکی عثمانی»، و «شکل‌گیری نوعی اتحاد منطقه‌ای علیه رژیم صهیونیستی» را شرح می‌دهد. در نهایت، بخش پایانی مقاله، مطابق با این چهار الگو به ترسیم چشم‌انداز نظم امنیتی آسیای غربی برپایه سه سناریوی «تداوم رقابت تنش‌آمیز منطقه‌ای»، «تنش‌زدایی در مناسبات منطقه‌ای» و «احیاء مداخله‌گری ایالات متحده» اختصاص یافته است که به نظر نویسنده، الگوهای نظم امنیتی آسیای غربی در چشم‌انداز ۲۰۲۰ به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: آسیای غربی، نظم منطقه‌ای، الگوهای نظم امنیتی، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای،

قطب‌بندی منطقه‌ای، مداخله‌گری قدرت‌های فرامنطقه‌ای، چشم‌انداز ۲۰۲۰.

تبیین الگوهای رفتار رقابتی و همکاری جویانه قدرت‌های جهانی در تعارضات منطقه‌ای؛ مطالعه موردی در منطقه غرب آسیا

دکتر مهدی هدایتی شهیدانی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای ایجاد نظم منطقه‌ای، قدرت است. با این حال این ابزار در فرآیند ایجاد نظم در یک منطقه با مقاومت‌هایی مواجه می‌شود؛ به طوری که ممکن است نقش پُررنگ‌تری در روند ایجاد نظم منطقه‌ای ایفا کند. پس از پایان جنگ سرد، به همان اندازه که فضا برای به کارگیری الگوهای یک‌جانبه از سوی آمریکا به منظور ایجاد نظم منطقه‌ای مهیا شد، در مقابل، مقاومت‌هایی نیز در سطح سایر قدرت‌های جهانی با این فرآیند صورت می‌گرفت. مهم‌ترین واکنش به کنش‌های استراتژیک آمریکا از سوی سایر قدرت‌های جهانی انجام می‌گیرد که در پیرامون منطقه مورد تعارض حضور دارند. این پاسخ عمدتاً به دلیل عقلانیت بازیگران، هنجاری خواهد بود و نه فیزیکی. مثلاً با توجه به کاهش تمایل حضور مستقیم ایالات متحده در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی، شاهدیم که اختلاف میان این کشور و قدرت‌های مرکزی مناطق مختلف، افزایش یافته است. این قدرت‌ها باید تلاش کنند تا حوزه نفوذ مستقلی را در مناطق برای خود ایجاد کنند. واکنش به رفتار آمریکا در شرق اروپا (شامل گسترش ناتو و استقرار سپر دفاع موشکی) از سوی روسیه و نگرانی چین نسبت به استراتژی تغییر ثقل به آسیا - پاسفیک از سوی ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ و مواردی از این قبیل را می‌توان در زمره مهم‌ترین نشانه‌های چنین واکنش‌هایی در سطح مناطق نسبت به رفتار قدرت هژمون دانست. روندهای بین‌المللی نشان می‌دهد که کشورهایی همچون چین، روسیه و حتی اروپاییان در مورد استمرار رهبری آمریکا نگرانند.

موضوعات منطقه آشوب‌زای غرب آسیا همچون بحران سوریه از مهم‌ترین نمونه‌هایی هستند که دو کشور روسیه و ایالات متحده در صددند تا از طریق همکاری ضمنی نسبت به سرانجام آن تصمیم بگیرند.

کلیدواژه‌ها: قدرت‌های جهانی، رقابت، همکاری، موازنه قدرت، آمریکا، روسیه.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان. (mehdi.hedayati88@gmail.com)

امنیت در غرب آسیا و رویکردهای متفاوت به آن

دکتر رحمت حاجی مینه^۱

چکیده

مطالعه امنیت، با توجه به روابط آن با قدرت، امکان مناسبی برای مطالعه انتقادی نظریه روابط بین‌الملل به لحاظ انحصارگرایی نظری فراهم می‌کند که در چهارچوب آن رویکردهای غیرمرکزی و پیرامونی به امنیت، کنار گذاشته شده‌اند. این مقاله با تمرکز بر دیدگاه‌های نظری پیرامونی درباره امنیت، نشان می‌دهد که در طول سال‌های گذشته، مناطق غیرمرکزی از جمله غرب آسیا رویکردهای امنیتی انتقادی را ایجاد کرده‌اند که نه تنها آنها را از هسته مرکزی متمایز می‌کند، بلکه به لحاظ درونی هم باعث تفاوت دیدگاه بازیگران منطقه‌ای به امنیت می‌شود.

درواقع، بازیگران ملی غرب آسیا با توجه به تاریخ، جغرافیای مشترک، نزدیکی به منازعات قدرت جنگ سرد و دوره پس از جنگ، تجربیات در حال توسعه بودن و مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای، ناامنی‌های مشابهی را تجربه کرده‌اند. هرچند آنها علی‌رغم تجربه‌های مشابه در روند دولت‌سازی و توسعه، رویکردهای متفاوتی را نسبت به امنیت در پیش گرفته‌اند. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله این است که وجوه تفاوت و تشابه رویکردهای نظری بازیگران منطقه‌ای غرب آسیا به امنیت چیست. در راستای پاسخ به پرسش اصلی، این مقاله با استفاده از چهارچوب نظری جامعه‌شناسی سیاسی برای مطالعه امنیت، پیشنهاد می‌کند که رویکردهای امنیتی بازیگران دولتی در منطقه غرب آسیا علاوه بر تشابهات ناشی از متغیرهای ساختاری و کلان، به لحاظ عوامل جامعه‌شناختی با یکدیگر متفاوت هستند. در این راستا فهم عملکرد نخبگان فکری و اجرایی در اتخاذ رویکرد انطباق یا عبور از مفاهیم و نظریه‌های تولیدشده در مرکز از اهمیت زیادی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: امنیت، غرب آسیا، جنگ سرد، جامعه‌شناسی سیاسی، امنیت انتقادی.

۱. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق (hajrahmat@gmail.com)

بین‌المللی شدن دولت و ناکامیابی آن در غرب آسیا:

مطالعه موردی عراق از ۲۰۰۳-۲۰۱۶

دکتر روح‌الله طالبی آرانی^۱؛ و یحیی زرین‌نرگس^۲

چکیده

بخش بزرگی از بحران‌های دامن‌گیر غرب آسیا به بین‌المللی شدن دولت و ناکامیابی آن در این منطقه مربوط می‌شود. مادامی که سازه هویتی دولت در کشورهای منطقه شکل نگرفته است، بحران‌های مختلفی کشورهای غرب آسیا را فراخواهد گرفت. آن‌گاه که دولت در فضای داخلی از تدارک کارویژه‌های دولت مدرن ناتوان باشد، با فشارهای مختلفی در فضای داخلی و نیز خارجی روبه‌رو خواهد شد. وجود بحران‌ها و مشکلات داخلی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - نظامی، زمینه را برای مداخله‌های خارجی و متعاقباً ناکامیاب فرآیند دولت‌سازی، به واسطه این فشارهای فراملی و فراملی فراهم خواهد کرد. تلاش برای شکل دادن الگویی نوین در زمینه ناکامیابی و بین‌المللی شدن دولت در عراق از ۲۰۰۳ - ۲۰۱۶، در قالب فشارهای ناشی از عوامل قوام‌بخش داخلی، یعنی فشارهای فراملی یا شاخصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - نظامی و نیز فشارهای ناشی از عوامل مجال‌بخش، یعنی فشارهای فراملی است. نتیجه هم‌کنشی عوامل قوام‌بخش و مجال‌بخش، استفاده عوامل خارجی یا مجال‌بخش از وضعیت ناگوار داخلی یا قوام‌بخش و متعاقباً بدل شدن عراق به یک دولت بین‌المللی است. پیامد این وضعیت، ناکامیابی دولت در عراق است. بر همین اساس، پرسش اصلی نوشتار به این شکل قابل طرح است که: چرا در عراق از ۲۰۰۳ - ۲۰۱۶، شاهد بین‌المللی شدن دولت و ناکامیابی آن هستیم. و فرضیه ابتدایی که در پاسخ به پرسش کنونی مطرح می‌شود نیز به این صورت قابل طرح است: «تعامل مخرب ناپایداری عوامل داخلی و مداخله خارجی در عراق، باعث ناکامیابی دولت و بین‌المللی شدن آن در این کشور از ۲۰۰۳ - ۲۰۱۶ شده است».

کلیدواژه‌ها: عوامل قوام‌بخش، عوامل مجال‌بخش، دولت ناکامیاب، عراق، دولت بین‌المللی.

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (aranipolitics@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای (yahyazarrin@gmail.com)

شناسایی نظم منطقه‌ای نوظهور در غرب آسیا از دیدگاه پویاشناسی بازی‌ها

رضا مجیدزاده^۱؛ و بهاره گنجی^۲

چکیده

غرب آسیا آستان تحولات مهمی است؛ از یک طرف در چند سال گذشته چندین انقلاب عظیم در این منطقه رخ داده و از طرف دیگر جنگ، تروریسم، دخالت گسترده قدرت‌های بین‌المللی در آن باعث شده تا استقلال و تمامیت ارضی کشورهای منطقه به شدت به چالش کشیده شود و غرب آسیا در وضعیت شکار خرگوش قرار گیرد.

گرچه اوضاع کنونی غرب آسیا، پر آشوب و بدون روندی مشخص به نظر می‌آید، اما در قالب پارادایم نظریه آشوب، روندهای پر آشوب به شرایط اولیه وابسته بوده و می‌توان با شناسایی وابستگی به مسیرهای تاریخی، علل بروز چنین روندهایی را درک کرد یا براساس آنها به ترسیم دورنمای نظم منطقه پرداخت؛ بدین ترتیب، علل بروز مکرر تعادل شکار خرگوش در منطقه، در مسیر تاریخی، ردیابی شده و از طرف دیگر، مطالعه حالت‌های آتی نظم منطقه غرب آسیا، بسته به توانایی شناسایی روندها و احتساب عوامل مؤثر، امکان‌پذیر می‌شود.

از این روی، تحقیق حاضر با اتکا به ارکان مفهومی و روش‌شناسانه پویاشناسی بازی، ضمن مرور روندهای منجر به استقرار حالت مقطعی جاری در غرب آسیا به پویاشناسی فضای حالت نظم اجتماعی در منطقه و شناسایی روندهای منجر به شکل‌دهی ساختار آتی آن می‌پردازد. اگر عرصه تقابل و منازعات منافع در غرب آسیا را به صورت یک بازی میدانی در نظر بگیریم که در آن، فضای حالت بازی یا سیستم پویای آن، توزیع مشخصی از راهبردها و بازدهی‌ها را به دنبال دارد آنگاه می‌توان راهبردها و کنش‌های آتی بازیگران منطقه را نیز مطالعه کرده و به ترسیم حالات محتمل نظم منطقه اهتمام ورزید.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، نظریه بازی‌ها، تروریسم، انقلاب.

۱. کارشناس ارشد توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی (rezamadjizadeh@itrc.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی (baharganji464@gmail.com)

تحلیلی سازه‌انگارانه برای تبیین الگوی آتی نظم منطقه‌ای در غرب آسیا؛ (مطالعه موردی روابط ایران و عربستان)

صبوری^۱؛ و یگانه^۲

چکیده

نظام بین‌الملل با فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ دچار «تغییر سیستمیک» شد. با تجزیه این کشور به پانزده جمهوری، ایالات متحده عملاً به یک هژمون تمام‌عیار در سطح نظام بین‌الملل بدل شد. از نمودهای عینی قدرت ایالات متحده به‌عنوان «تنها ابرقدرت» نظام بین‌الملل می‌توان به واکنش این کشور به حملات ۱۱ سپتامبر اشاره کرد. استراتژی یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ و در جریان حمله به عراق مشهودتر شد. در این حمله ایالات متحده نه تنها واکنش قدرت‌های بین‌المللی مانند روسیه و چین را محل اعراب قرار نداد، بلکه خود را از همراهی متحدان اروپایی و مشروعیت‌بخشی شورای امنیت نیز مبرا دانست. هدف ایالات متحده از حضور فیزیکی در غرب آسیا ایجاد نظم منطبق با ارزش‌های جهانی لیبرال - دموکراتیک بود که در آن دولت‌های به‌اصطلاح شرور با دولت‌های دموکراتیک جایگزین می‌شدند. از نظر برخی اندیشمندان پیگیری نظم جدید در غرب آسیا عملاً در راستای ایجاد یک امپراتوری جهانی قرار داشت که در صورت موفقیت ایالات متحده برای تثبیت نظم مدنظر خود در غرب آسیا، سیستم بین‌الملل بر مدل سلسله‌مراتبی مورتون کاپلان منطبق می‌گردید؛ اما در عرصه عمل نظم مدنظر آمریکا به دلایلی که در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل ارزیابی است، محقق نشد. با امعان نظر به مسائل مطروحه این سؤال مطرح می‌شود که الگوی آتی نظم در منطقه غرب آسیا چگونه خواهد بود و روابط ایران و عربستان در سایه این الگو به چه شکلی صورت‌بندی خواهد شد. برای پاسخ به این پرسش تلاش می‌شود که الگوی آتی نظم در غرب آسیا از سه دیدگاه تئوریک واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری حل‌اجی شود. مقاله پیش‌رو توصیفی - تبیینی است و تلاش دارد که با ارجاع به اسناد و منابع کتابخانه‌ای به سؤال پژوهش پاسخ گوید.

کلیدواژه‌ها: سازه‌انگاری، نظم منطقه‌ای، غرب آسیا، ایران، عربستان.

1. m.sabori@ut.ac.ir
2. my_it29@yahoo.com

واکاوی رهیافت قدرت محور ژئوپلیتیک در تحلیل نظم امنیتی منطقه غرب آسیا

مهدی مرادی سیاسر^۱

چکیده

اصولاً دو سنت عمده واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در مطالعه روابط بین‌الملل وجود داشته است. ژئوپلیتیک نیز بخشی از سنت واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل بوده است. براساس پارادایم واقع‌گرایی کشورها به‌عنوان بازیگران اصلی صحنه محسوب می‌شوند و هدف آنها تأمین منافع و امنیت ملی است. از اینجاست که مسائل بنیادی، که به شکل‌گیری مناسبات منطقه غرب آسیا در این رهیافت منتهی می‌گردد، مطرح می‌شود. از آنجاکه این بازیگران در رقابت و شاید به‌عبارت بهتر در ستیز با یکدیگر هستند، بنابراین استراتژی‌های گوناگونی را در مقابل حریف انتخاب می‌کنند. بدین ترتیب بخش‌های ویژه‌ای از جغرافیای جهان، سعی در نقش‌آفرینی در منطقه حیاتی غرب آسیا دارند. این حوزه‌ها ممکن است به‌عنوان ابزاری برای سد نفوذ رقیب مورد استفاده قرار گیرد یا ممکن است از امکانات و منابع آن به‌منظور افزایش قدرت خود استفاده کند. بدین ترتیب تعریف زیر از منطقه، منطقی به‌نظر می‌رسد: حوزه‌هایی از جهان که به‌دلیل اهمیت استراتژیک آنها در استراتژی بازیگران اصلی نظام بین‌الملل و نیز به‌دلایل موقعیت‌های مادی و جغرافیایی آنها در افزایش توانایی‌های یکی از طرف‌ها و درمقابل، کاهش توانایی‌های حریف، دارای موقعیت برتری در سیاست جهانی می‌شوند.

به‌طور کلی، این پژوهش این پرسش را مطرح می‌کند که: کدام‌یک از نظریه‌ها و رویکردهای نظری حاکم بر روابط بین‌الملل بهتر می‌تواند ما را در تحلیل و تبیین تحولات منطقه غرب آسیا کمک کند. برای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش این فرضیه را مطرح می‌کنیم که از میان نظریه‌ها و رویکردهای نظری حاکم بر روابط بین‌الملل رهیافت قدرت محور ژئوپلیتیک بهتر می‌تواند تحولات منطقه غرب آسیا به‌ویژه تحولات نوین آن را تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، ژئوپلیتیک، بازیگران فرامنطقه‌ای.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آمایش سرزمین، دانشگاه بین‌المللی چابهار (Mahdi.moradi95@chmail.com)

نسبت چندگونگی قومی - فرهنگی و دولت‌های ناتوان

دکتر ندا کردوانی^۱

چکیده

حدود دو دهه است که گفتمان دولت ناتوان وارد ادبیات روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل شده است و در همین دو دهه نیز با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده و انتقادات بسیاری نیز بر آن وارد شده است. در این مقاله به بررسی رابطه دوسویه چندگونگی فرهنگی و قومی در ناتوانی دولت‌ها پرداخته می‌شود. ارتباط چندگونگی قومی - فرهنگی را از دو زاویه می‌توان با دولت‌های ناتوان موردنظر قرار داد: چندگونگی فرهنگی و قومی و بحران‌های ناشی از آن به‌عنوان علت ناتوانی یک دولت و از زاویه دیگر، بحران‌های قومی و فرهنگی که می‌تواند به‌عنوان یکی از آثار و یا نتایج شرایط ناتوانی و فروپاشی دولت‌ها تلقی شود. همچنین در فرآیند بازسازی دولت‌های ناتوان، توجه به ویژگی چندگونه و تنوع قومی احتمالی جوامع دولت‌های فروپاشیده ضروری می‌نماید.

دولت ناتوان چه در مفهوم حداکثری آن و چه در برداشتی حداقلی، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی پس از پایان جنگ سرد و به‌خصوص جهان پس از یازده سپتامبر تلقی می‌شود. در یک اقتصاد جهانی شده، امنیت مشترک، تهدیدات محیط‌زیستی، ناتوانی یک دولت و نتایج منتسب به آن می‌تواند صلح و ثبات همسایگان، منطقه و کلیت جامعه جهانی را با خطر روبه‌رو کند. چندگونگی فرهنگی را می‌توان در حوزه مشروعیت‌بخشی به دولت‌های ناتوان و مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری نیز مدنظر داشت.

کلیدواژه‌ها: چندگونگی قومی - فرهنگی، دولت ناتوان، جامعه جهانی، غرب آسیا، منازعات

داخلی.

۱. دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، محقق مهمان دانشگاه کویینز کانادا (kardoony@gmail.com)

چرخه معیوب امنیت‌سازی در غرب آسیا

عباس سروستانی^۱

چکیده

امنیت هنوز یکی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های بازیگران منطقه غرب آسیاست. دولت‌های این حوزه جغرافیایی، تلاش پایان‌ناپذیری برای عبور از چالش‌های موجود را انجام می‌دهند. این تلاش‌ها از یک سو به خریدهای تسلیحاتی کلان منتهی شده و از سوی دیگر به ایجاد پیمان‌ها و همکاری‌های امنیتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای منجر شده است. آنان تلاش دارند شکل‌های جدیدی از روابط را ایجاد کنند، ابزارهای جدیدی را خریداری کنند و به پیمان‌های نوینی ملحق شوند تا زمینه بقا و امنیت‌سازی خود را فراهم آورند.

رفتار مبهم امنیتی و وجود زمینه‌های ناسازگار میان این دسته از کشورها، فضای لازم برای ایجاد بحران‌های پیش‌بینی‌ناپذیر را فراهم ساخته است. عدم شناخت بازیگران و طراحان رفتار استراتژیک حوزه غرب آسیا نسبت به ویژگی‌های اجتماعی محیط امنیتی، بی‌توجهی نسبت به پویایی‌های محیطی و تنوع در رفتار استراتژیک بازیگران سبب برجسته شدن زمینه‌های ناسازگاری و ایجاد بحران در میان کشورهای عضو این زیرسیستم شده است. از سوی دیگر، حضور نیروهای نظامی آمریکا در غرب آسیا و توجه کشورهای حوزه این منطقه به اتحادهای امنیتی در بیرون از مرزهای جغرافیایی منطقه‌ای، امنیت‌سازی بومی در این منطقه را با موانع بسیاری روبه‌رو کرده است. دستیابی به مشروعیت سیاسی از طریق حداکثرسازی قابلیت‌های نظامی و استراتژیک و بی‌توجهی به ضرورت‌های امنیت متوازن با رویکرد چندجانبه و همچنین تفاوت ادراکات امنیتی بازیگران درمورد امنیت‌سازی، از جمله مشکلاتی هستند که مانع از برنامه‌ریزی مؤثر برای استقرار یک نظم امنیتی بومی در این منطقه شده است.

هدف این نوشتار این است تا الگوی نظم امنیتی منطقه غرب آسیا و رقابت تسلیحاتی شکل‌گرفته میان کشورهای این منطقه تحلیل شده و راهکارهایی برای برون‌رفت از این مسابقه تسلیحاتی و دستیابی به امنیت پایدار مطرح شود.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، خلیج فارس، رقابت تسلیحاتی، ایران‌هراسی، واگرایی منطقه‌ای، توازن قوا.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (sarvestani.abbas@yahoo.com)

رویکرد توسعه‌ای: حلقه مفقوده سیاست امنیتی ایران در غرب آسیا

عبدالرسول دیوسالار^۱

چکیده

سیاست امنیتی ایران در غرب آسیا به منظور حداکثرسازی بهره‌برداری از عناصر قدرت ملی و تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای نظم‌دهنده در بلندمدت، نیازمند اتخاذ رویکردی است که دستیابی به توان ساخت نظم امنیتی در کنار مسئولیت‌پذیری بین‌المللی یکی از ارکان اصلی آن باشد. چنین سیاستی می‌تواند سبب مشروعیت و پایداری نقش امنیتی ایران در غرب آسیا شود؛ اما اتکای مطلق سیاست امنیتی بر سیاست دفاعی، خواسته یادشده را برآورده نمی‌سازد؛ زیرا ماهیت سلبی قدرت دفاعی و تمرکز آن بر توان نفی-دسترسی از وجوه ایجابی سیاست امنیتی می‌کاهد و نمی‌تواند ایران را در مقام سازنده یک نظم امنیتی جدید در غرب آسیا مطرح کند؛ بنابراین پرسش اصلی مقاله این است که سیاست امنیتی ایران با افزودن چه رویکرد یا رویکردهای جدیدی به قدرت دفاعی‌اش در منطقه می‌تواند بر مشروعیت امنیتی خود بیفزاید و توان ساخت نظم امنیتی‌اش را افزایش دهد. این مقاله تلفیق رویکرد توسعه‌ای با سیاست امنیتی ایران و تنظیم رابطه امنیت - توسعه در سیاست کلان امنیت منطقه‌ای ایران را به‌عنوان راهکاری استراتژیک و بلندمدت برای افزایش مشروعیت امنیتی و ظهور ایران به‌عنوان سازنده نظم امنیتی در غرب آسیا مطرح می‌کند. درهم آمیختن توسعه با سیاست امنیت منطقه‌ای، وجوه ایجابی قدرت منطقه‌ای ایران را افزایش می‌دهد و کشور را وارد مرحله ساخت نظم امنیتی می‌کند. درحالی‌که در وضعیت کنونی، قدرت ایران در غرب آسیا از نوع بازدارنده و منع دسترسی است و اگرچه می‌تواند مانع ساخت نظم مطلوب بازیگران دیگر شود، درعین حال، توان ساخت نظم مطلوب ایرانی را ندارد. به‌کارگیری رویکرد توسعه‌ای می‌تواند این حلقه مفقوده را از میان بردارد. این مقاله با بررسی الگوی ساخت نظم توسط بازیگران فرامنطقه‌ای، به‌ویژه بررسی دقیق نقش سیاست‌های غیردفاعی و توسعه‌ای در ساخت نظم، این واقعیت را مطرح می‌سازد که ایران توان ورود به مرحله ساخت نظم را نخواهد داشت؛ مگر آنکه سیاست‌های توسعه‌ای به‌عنوان بخشی از سیاست امنیتی و به‌عنوان مکمل قدرت دفاعی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رابطه امنیت - توسعه، توان ساخت نظم امنیتی، قدرت دفاعی، سیاست توسعه‌ای،

مشروعیت امنیتی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران گرایش مسائل ایران (adivsallar@ut.ac.ir)

تحلیل کیفی - تطبیقی قدرت ملی در کشورهای غرب آسیا با رویکرد فازی

مسعود چاری صادق^۱؛ و سیدمرتضی هژبرالساداتی^۲

چکیده

قابلیت‌های کارکرد قدرت ملی زیاد است و مهم‌ترین آن تضمین تأمین خواست‌ها و آرزوهای ملی یک کشور است. دولت‌ها و ملت‌ها برای تأمین منافع و خواست‌های خود و در رابطه با سایر دولت‌ها با شرایط ویژه و دشواری روبه‌رو می‌شوند که خروج از آن با رعایت تأمین منافع، به درجه قدرت ملی کشور بستگی دارد. کشور یا کشورهای قوی‌تر در محیط بحران، شرایط را به نفع خود تغییر می‌دهند و کشورهای ضعیف‌تر باید ناکامی را تحمل و از تمام یا برخی خواست‌ها و منافع خود صرف‌نظر کنند. دامنه امنیت یک کشور با قدرت آن کشور ارتباط مستقیم دارد و قدرت کشورها نیز متفاوت است. میزان قدرت که ناشی از موقعیت جغرافیایی، جمعیت، وضعیت اقتصادی، نوع حکومت، ماهیت دولت، منش ملی، سوابق تاریخی و ایدئولوژیک و غیره است در سمت‌گیری مقاصد امنیتی کشور تأثیر می‌گذارد، تا آنجا که گاهی اصطلاحات امنیت و قدرت ملی مترادف هم به کار می‌روند. منابع قدرت ملی، متعدد و متنوع است و حتی اهمیت عناصر آن نیز در طول زمان ثابت نمی‌ماند. برخی از عوامل سازنده ساختار قدرت ملی، مادی و پاره‌ای نیز معنوی هستند. بعضی را هم صرفاً باید ماده خام قدرت به حساب آورد؛ مانند جغرافیا، جمعیت و اقتصاد. به عبارتی متغیرهای مختلفی مانند درآمد ناخالص ملی و توان داخلی به صورت ایجابی و همچنین فساد اداری، شکاف‌های قومی، مذهبی و زبانی و غیره به صورت سلبی شرایط لازم یا کافی وجود قدرت ملی هستند؛ بنابراین با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی غرب آسیا و تشابهات فرهنگی، به بررسی تطبیقی شرایط لازم و کافی در وجود قدرت ملی بالا در منطقه نیاز است تا بدین طریق استراتژی مناسب اتخاذ شود.

کلیدواژه‌ها: قدرت ملی، درآمد ناخالص ملی، توان داخلی، شکاف قومی، زبانی و مذهبی، تحلیل

تطبیقی فازی، غرب آسیا.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد (charimasoud@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه فردوسی مشهد

الگوهای امنیتی حاکم بر تنگه هرمز و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

سیدعبدالمجید زواری^۱؛ و احسان نمازی‌زاده^۲

چکیده

امروزه کشورهایی قادر به تحقق اهداف مورد نظر خویش در سیاست خارجی هستند که قدرت بیشتری داشت باشند. در جهان کنونی زیربنای اقدام هر کشوری همچنان قدرت بیشتر است تا بتوان تأمین‌کننده اصلی منافع ملی دولت‌ها به‌شمار رود. قدرت‌های برتر جهان در قرن بیست‌ویکم کشورهایی هستند که بر مناطق دارای انرژی در جهان و همچنین مسیرهای استراتژیک حمل‌ونقل انرژی مسلط باشند. با توجه به حساسیت و اهمیت روزافزون تنگه‌های بین‌المللی در بالابردن قدرت ملی و ضریب امنیتی کشورها، بررسی نقش تنگه‌های بین‌المللی از دیدگاه ژئوپلیتیک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بحث درباره نقش و جایگاه تنگه‌ها بسیار است؛ اما نقش و اهمیت تنگه‌های بین‌المللی و وجود شاخصه‌هایی که با امنیت ملی کشور مرتبط می‌شود، نیازمند بررسی بیشتری است. تنگه‌های استراتژیک از زمانی که پای قدرت‌های استعماری به این مکان‌ها باز شد، نقش عمده‌ای در برقراری امنیت در جهان را بازی می‌کنند؛ زیرا وجود پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی موجود در آنها مستقیماً با امنیت ملی این کشورها مرتبط است و از این‌رو این کشورها همواره سعی در ایجاد امنیت و ترتیبات امنیتی به‌عنوان عوامل امنیت‌ساز و بازدارنده در این تنگه‌ها بوده‌اند تا امنیت ملی خود را حفظ کرده باشند؛ بنابراین هم کشورهای منطقه و هم کشورهای برون‌منطقه‌ای در اتخاذ و به‌کارگیری الگوهای امنیتی در تنگه هرمز در زمان‌های مختلف تاریخی، نقش داشته‌اند. در پژوهش پیش‌رو هدف بررسی این عوامل امنیت‌ساز و الگوهای امنیتی اتخاذشده از گذشته تا زمان معاصر در تنگه هرمز است.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، تنگه هرمز، الگوی امنیتی، تهدیدات.

۱. مدیر اندیشکده روابط بین‌الملل

۲. مدیر عامل مؤسسه تعاملات بین فرهنگی (enamazizadeh@yahoo.com)

بررسی علل و ابعاد تصاعد بحران در غرب آسیا پس از تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱ (با تأکید بر نظریهٔ برخورد تمدنی ساموئل هانتینگتون)^۱

عبدالکریم شاه‌ولی‌بر^۱

چکیده

پس از پایان جنگ جهانی دوم، شکل جدیدی از نظم منطقه‌ای و بین‌المللی در جهان اتفاق افتاد. قدرت دول اروپایی افول کرده و نظم جدید جهانی در قالب دوقطبی (آمریکا - شوروی) شکل گرفت. دولت‌های اروپایی که تجربهٔ چندین قرن درگیری و جنگ با یکدیگر را در کارنامهٔ خود داشتند، پس از آن به سمت همگرایی، پیش رفته و اتحادیهٔ اروپا را شکل دادند. در شرق آسیا ژاپن و چین نیز به شکل مشابهی به جنگ‌های میان خود خاتمه داده و تلاش خود را در حوزه‌های اقتصادی متمرکز کردند؛ اما در غرب آسیا این نظم جدید به شکل دیگری ظهور یافته و ادامه پیدا کرد. عواملی از قبیل تعارضات مرزی، قومی، ایدئولوژیکی و زبانی در پررنگ شدن بحران در منطقهٔ غرب آسیا به‌ویژه پس از فروپاشی دولت عثمانی و شکل‌گیری مرزبندی‌های جدید مؤثر بودند. همچنین وجود منابع عظیم انرژی دنیا و انبوه چاه‌های نفت در این منطقه، سبب دخالت مستقیم دول بزرگ در جهت دستیابی به منافع خود شد. سؤالی که در این پژوهش در مطرح شده، این است که: علل تصاعد بحران در غرب آسیا به‌ویژه، پس از تحولات موسوم به «بهار عربی» در سال ۲۰۱۱ چه عواملی بوده‌اند. در پاسخ باید گفت که علل اصلی این افزایش، بحران ناشی از برخورد ایدئولوژیکی، فرهنگی، نژادی و نظایر آن بوده که برآیند این برخورد به شکل سنی - شیعی، عرب - غیرعرب ظهور یافته و سبب شکل‌گیری جبهه‌های جدید و همچنین دخالت‌های فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری جبههٔ غربی - روسی و قدرت‌گیری گروه‌های تندرو و اوج‌گیری عملیات تروریستی از سوی این گروه‌ها در بسیاری از کشورهای منطقهٔ غرب آسیا و در نهایت موجب فروپاشی و ورشکستگی برخی از دولت‌های منطقه، همانند عراق، سوریه و یمن شده است. همچنین ادامهٔ این بحران می‌تواند پیامدهای مخربی نه تنها در سطح منطقه، بلکه در سطح بین‌الملل به‌همراه داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون.

نظم جدید غرب آسیا، محصول هم‌افزایی قدرت و هویت

منوچهر شفیعی^۱

چکیده

پس از بهار عربی و سرایت آن به سوریه، غرب آسیا با بازیگران غیردولتی در شکل جدیدی روبه‌رو گردید و این برخورد دوباره آنها را به شکلی متفاوت در مرکز مطالعات امنیتی قرار داد. پیش از این، مانند آنچه در افغانستان پس از حمله شوروی و آمریکا و یا در عراق پس از صدام حسین رخ داد، این گروه‌ها با احترام به نظم سیستم، به مبارزه در درون یکی از واحدهای آن علیه دشمن خارجی می‌پرداختند. اما در شکل جدید، گروه داعش به‌عنوان یک گروه ضدسیستمی به مبارزه برای تغییر نظام می‌پردازد و هدف آن یکپارچه‌سازی نظام در لوای خلافت است. شکل‌گیری و گسترش داعش در منطقه غرب آسیا، اگرچه به تغییر نظام منجر نشده، توانسته است آثار جدیدی را بر روی نظم منطقه‌ای برجای بگذارد. اصلی‌ترین تأثیر برجای‌مانده از شکل‌گیری شبکه‌ای از بازیگران هویتی در منطقه غرب آسیا مرکب از دولت‌ها و بازیگران غیردولتی است که براساس مؤلفه‌های فرهنگی با یکدیگر ارتباط می‌یابند و در این شبکه، جایگاه دولت‌ها و این بازیگران با یکدیگر یکسان است. دومین تأثیر این است که هر مقدار شکنندگی دولت‌ها بیشتر می‌شود، جایگاه بازیگران غیردولتی در شبکه ارتقا می‌یابد. سومین تأثیر این است ترکیب شبکه هویتی از بازیگران غیردولتی، دولت‌های اصلی سیستم و دولت‌های شکننده الگویی از منازعه را طراحی می‌کند که در آن، هویت و قدرت هیچ‌کدام خادم دیگری نیستند، بلکه بین آنها هم‌افزایی شکل می‌گیرد و بر همین اساس، نظم موجود منطقه نه صرفاً در خدمت قدرت، بلکه محصول عملکرد و هم‌افزایی مستقیم قدرت و هویت است و این دو عامل به ابزاری برای کنترل شبکه تبدیل می‌شوند. هدف از این پژوهش، شناخت جایگاه بازیگران غیردولتی و درک تأثیرگذاری آنها بر نظم منطقه‌ای و تأثیرگذاری متقابل آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، نظم، هویت، قدرت، بازیگران غیردولتی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، (manocheshrafiei@yahoo.com)

آینده‌بینی رابطه ایران و آمریکا بر اساس خوانش جدید از نظریه نوواقع‌گرایی توسط هنسن، تافت و ویول

تاج‌الدین صالحیان^۱

چکیده

یکی از راه‌های تحلیل و تبیین مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، استفاده از چهارچوبی است که نظریه‌های بین‌المللی ارائه می‌دهند. واقع‌گرایی از جمله نظریه‌هایی بوده است که به علت انطباق بیشتر با واقعیات بین‌المللی همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل قرار داشته است. در همین راستا، در سال‌های گذشته و هم‌زمان با تحولات نظام بین‌الملل و پیچیده‌تر شدن اوضاع امنیتی بازیگران بین‌المللی، تلاش‌های اندیشمندان واقع‌گرا علی‌رغم داشتن اصول ثابت و مشترک، سبب خلق نحله‌های مختلف واقع‌گرایی شده است که می‌توان به واقع‌گرایی ساختاری (نواقع‌گرایی) با دو گونه تدافعی و تهاجمی و واقع‌گرایی نئوکلاسیک اشاره کرد. از جمله جدیدترین خوانش‌های واقع‌گرایانه که بر پایه نظریه نوواقع‌گرایی کنت والتز نوشته شده مربوط به تلاش‌های برت هنسن، پتر تافت و آندره ویول از متفکران این حوزه است که سعی کرده‌اند ضمن حفظ مفروضات اصلی نظریه والتز، اصلاحیه‌هایی بر آن وارد کنند.

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با کمک گرفتن از مدل هنسن و همکارانش که از چهارچوبه اصلی نوواقع‌گرایی والتز (آنارشیک بودن نظام بین‌الملل، خودیاری امنیت و بقای دولت‌ها) خارج نمی‌شود و با ورود اصلاحیه‌های مذکور بر آن و نیز در شرایط کنونی و با در نظر گرفتن این اصل که اگر دولتی با یک قدرت تهدیدگر بالقوه مواجه شود مجبور است از بین «موازنه» و «دنباله‌روی» به انتخاب استراتژیک دست بزند، آینده رابطه ایران و آمریکا بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، آمریکا، برجام، نوواقع‌گرایی.

معیارهای برآورد اطلاعات راهبردی در مطالعات نظم امنیتی

حسین مسلمی^۱

چکیده

امنیت مفهومی چندوجهی و پیچیده است که بازیگران آن «امنیت» را معادل «ناامنی کنترل شده» تلقی کرده و امنیت خود را در ناامنی دیگران تعریف می‌کنند. بر این مبنا نظم امنیتی به مثابه متغیری وابسته در کنار عوامل بسیاری چون ساختار نظام بین‌الملل و دخالت قدرت‌های بزرگ، واگرایی‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای، ساختار امنیت داخلی کشورها «در حوزه اقتصاد و فرهنگ و سیاست» از یک «متغیر مستقل» مهم‌تری به نام «ناامنی» تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین مسئله اساسی در مطالعات نظم امنیتی، شناخت و اشرافیت و تحلیل‌های اطلاعاتی و امنیتی از وجوه «ناامن‌سازی» است که از سوی بازیگران در سطوح مختلف برای پیگیری امنیت و ایجاد نظم امنیتی خودخواسته دنبال می‌گردد. سؤال پژوهش حاضر این است که در مطالعات نظم امنیتی منطقه‌ای برآورد اطلاعاتی و امنیتی از چه جایگاه روش شناختی برخوردار بوده و واجد کدامین معیارهای ارزیابی است. برای پاسخ به این پرسش، با رویکرد توصیفی و تحلیلی، عناصر و مؤلفه‌های برآورد اطلاعاتی و امنیتی در مطالعات نظم امنیتی در سه حوزه توصیفی، تبیینی و تحلیلی معرفی و معیارهای شش‌گانه آن شامل: ۱. طراحی دقیق براساس قابلیت اطمینان، اعتبار و قاطعیت و الگوبندی؛ ۲. مدنظر قراردادن زوایای مختلف و گزینه‌های مرتبط «فرضیه‌های متضاد، احتمال آلفای بالا و بتای پایین و قاطعیت»؛ ۳. داده‌های صحیح، کامل و متقن «اعتبار، ارائه واقعیت‌ها و گزینه‌های مختلف، ارجاع به مستندات و پردازش مناسب، اعتبار مطالب و تمرکز بر داده‌هایی که فرضیه‌ها را رد می‌کنند»؛ ۴. قانع‌کنندگی تحلیل، نحوه ارائه داده و استدلال (قضاوت محکم) و نتیجه‌گیری و استفاده از تکنیک‌های تحلیلی، ذکر نقاط ضعفی که نمی‌توان جلوگیری کرد؛ ۵. ارتباط مستقیم داده و نتیجه‌گیری و گزینه‌ها با نیاز مصرف‌کننده؛ ۶. هشدار به موقع و صریح که احتمال وقوع تهدید را به واقعیت مبدل کند، توضیح داده شده است.

کلیدواژه‌ها: نظم امنیتی، اطلاعات راهبردی، امنیت.

۱. پژوهشگر و دانشجوی دکترا (h.moslemi9@gmail.com)

سیاست خارجی دولت سوسی در مصر از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

دکتر سیدرضی عمادی^۱؛ و دکتر مهدی علیخانی^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی مصر، تغییرناپذیری و پایداری راهبردهاست. جهت‌گیری و راهبردهای دولت عبدالفتاح سوسی نیز به‌گونه‌ای است که با وجود تغییرات محدود، تحلیلگران سیاست خارجی آن را تداوم «مبارکیسم» در سیاست خارجی دولت مصر می‌نامند. علت اصلی پایداری سیاست خارجی مصر تأثیرپذیری آن از سطوح سه‌گانه تحلیل (فردی، ملی و بین‌المللی) است که مورد توجه نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک قرار دارد. نگارندگان این مقاله درصددند با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ دهند که راهبردهای سیاست خارجی مصر در دولت سوسی چه تأثیری بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی مصر، پایداری سیاست خارجی، متغیر سیستمیک، متغیرهای داخلی، جایگاه منطقه‌ای ایران.

۱. دکترای روابط بین‌الملل

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، ایران.

بررسی و تحلیل پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴؛ مطالعه موردی موضوع خاورمیانه و غرب آسیا

سعیده امام دوست^۱؛ و موژان معارف^۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تولید علم کشور ایران در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام با موضوع خاورمیانه و غرب آسیا بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی - توصیفی و به روش کتاب‌سنجی انجام شده است. جامعه پژوهش حاضر ۹۶۴ عنوان از مقالات تألیفی ثبت شده در پایگاه فوق با موضوع خاورمیانه و ۶۹ عنوان مقاله تألیفی با موضوع غرب آسیا در دوره فوق است. به منظور گردآوری اطلاعات، سیاهه واری بر اساس اطلاعات موجود در پایگاه علوم استنادی علوم جهان اسلام جمع‌آوری شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ بیشترین تولید مقاله با موضوع خاورمیانه مربوط به سال ۱۳۹۲ با ۱۰۴ عنوان مقاله و فعال‌ترین مرکز در بین ۹۸ دانشگاه و مرکز مطالعاتی، دانشگاه تهران با تولید علم ۱۸۰ عنوان مقاله است. همچنین افرادی که وابستگی سازمانی آنها به مراکز مطالعاتی و دانشگاه‌های مربوط به تهران است در تولید مقاله با نسبت ۵۳ به ۴۷ درصد فعال‌تر بودند. در ادامه بررسی‌ها نشان داد فصلنامه مطالعات خاورمیانه در بین ۱۰۴ نشریه مندرج در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام رتبه اول تولید علم را با داشتن ۲۳۳ عنوان مقاله دارا است. همچنین مقالات این فصلنامه بالاترین استناد را در این دوره پیش‌گفته نسبت به بقیه نشریات در سال ۱۳۸۴ به خود اختصاص داده است. در ادامه بررسی‌ها حسین موسوی با داشتن ۱۵ عنوان مقاله در موضوع خاورمیانه و غرب آسیا فعال‌ترین نویسنده سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ شناسایی شد. همچنین بررسی‌ها نشان داد که بیشترین تولید علم با موضوع غرب آسیا ۱۹ عنوان و مربوط به سال ۱۳۹۳ است. فعال‌ترین نویسنده فرهنگ احمدی گیوی با داشتن ۵ مقاله و فعال‌ترین دانشگاه و مرکز مطالعاتی دانشگاه تهران و همچنین فعال‌ترین نشریه مجله فزیک زمین و فضا است.

کلیدواژه‌ها: تولید علم، علم‌سنجی، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، خاورمیانه، غرب آسیا

۱. کارشناس ارشد علم سنجی، دانشگاه تهران (s.emam47@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری بازیابی اطلاعات و دانش، دانشگاه آزاد اسلامی (Moujan_1360@yahoo.com)

فصل دوم

آینده و معماری نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا

ماهیت نظم منطقه‌ای نوظهور در غرب آسیا

دکتر محمود کلاهیجان^۱

چکیده

از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، منطقه غرب آسیا دچار تحولات زمینه‌ساز برای پذیرش نظم نوین منطقه‌ای شد. با تغییرات یادشده همواره این سؤالات مطرح بوده است که ماهیت نظم منطقه‌ای نوظهور در غرب آسیا چیست و چه سناریوهایی متصور است. فرضیه این نوشتار در رویکردی سه ضلعی بیان‌کننده آن است که با درک وضعیت منطقه در قرن ۲۱، تصور سه نوع نظم نوظهور در منطقه برای نظریه پردازان منطقه‌ای قابل درک خواهد بود: ۱. نظم همکاری منطقه‌ای در چهارچوب به وجود آمدن اتحادیه در غرب آسیا در رویکردهای قومی (عربی) و یا مذهبی (اسلامی)؛ ۲. نظم شبکه‌ای در چهارچوب هم‌پیمانان منطقه‌ای در قالب شبکه‌های همکاری و تعامل؛ ۳. نظم جزیره‌ای با رویکرد ژاندارمی برخی از کشورها و درجه‌بندی آن براساس سطح تأثیرگذاری در تحولات منطقه، مدل مفهومی یادشده در یک رویکرد روندشناسی و با بهره‌گیری از تکنیک سناریونویسی احصا، و با بهره‌گیری از روش نخبگی (دلفی) مورد بررسی جمعی قرار می‌گیرد. هدف این نوشتار حرکت به سمت جلو در تحولات منطقه‌ای، رصد منطقه و جلوگیری از غافلگیری در منطقه به جهت رصد و پشتیبانی ترتیبات جدید منطقه‌ای در غرب آسیاست.

کلیدواژه‌ها: نظم، غرب آسیا، سناریونویسی.

سناریوهای احتمالی نظم منطقه‌ای غرب آسیا

دکتر قاسم علیدوستی شهرکی^۱؛ و عشرت نوری^۲

چکیده

امروز مهم‌ترین مشکل منطقه غرب آسیا، مسئله نظم امنیتی یا مدیریت مناقشات منطقه‌ای است. این امر ناشی از تحولات و پویایی محیطی و رابطه متقابل و پیچیده میان عوامل داخلی، جهانی و به‌طور فزاینده منطقه‌ای در غرب آسیاست. چنین شرایطی خبر از دوران گذار از نظم کهن به نظم جدید مبتنی بر اقدام در محیطی پرتعارض با عدم قطعیت و نیروهای مختلف دارد که می‌تواند امنیت ملی بازیگران منطقه‌ای از جمله ج.ا.ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای به‌شدت متأثر سازد. بر این اساس، شناخت پیشران‌ها، بازیگران دخیل و سناریوهای بدیل نظم منطقه‌ای آینده غرب آسیا الزامی راهبردی خواهد بود. این مقاله درصدد است تا با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از رهیافت منطقه‌ای امنیت بری بوزان و همکارانش، ضمن شناسایی نشانگرها و شاخصه‌های نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در پنج محور شامل موازنه قدرت، نقش و مداخله قدرت‌های بزرگ، ساخت درونی دولت‌های منطقه، ائتلاف‌ها و ترتیبات نهادهای منطقه‌ای، ساخت ژئوپولیتیک منطقه و تبیین ساختار نظام منطقه‌ای مبتنی بر قطبیت، دو سناریوی احتمالی در غرب آسیا را بر دوماحور سعودی - عبری و مقاومت ترسیم کند.

کلیدواژه‌ها: نظم منطقه‌ای، بافتار منطقه‌ای امنیت، غرب آسیا، موازنه قدرت، مقاومت، اتحاد

سعودی - عبری.

۱. دکترای روابط بین‌الملل و مدیر کل مرکز مطالعات راد (a.raadstudies@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد روانشناسی

تحلیلی بر آینده پیش روی ائتلاف محور مقاومت

دکتر حسین آجورلو^۱

چکیده

این مقاله به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که ائتلاف محور مقاومت بر چه مبنایی شکل گرفته و آینده ائتلاف براساس تحولات پیش رو چگونه خواهد بود. ائتلاف محور مقاومت یکی از مؤثرترین ائتلاف‌های غرب آسیاست که برای مواجهه با تهدیداتی همچون: توسعه‌طلبی، تهدیدات هویتی، امنیتی، اجتماعی و گروه‌های تکفیری شکل گرفته و تحولات پیش روی این ائتلاف به دلیل تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر می‌رسد این ائتلاف بر مبنای فضای امنیتی و تهدیدزا حاکم بر محیط پرتنش غرب آسیا شکل گرفته که آینده آن در گرو بهینه‌سازی نقاط قوتی همچون: حمایت از مقاومت ضدصهیونیستی، پیوستگی جغرافیایی نسبی، ساختار تشکیلاتی ائتلاف و معنویت و به حداقل رسانی نقاط ضعفی همچون: ایدئولوژی‌های مختلف، فعالیت کم‌رنگ در حوزه دیپلماسی و ضعف در تبلیغات و رسانه و همچنین مدیریت تهدیدات و حداکثرسازی فرصت‌هایی همچون: ائتلاف شکننده محور محافظه‌کار، حمایت روسیه و سیاست انفعالی ایالات متحده آمریکا در غرب آسیاست.

کلیدواژه‌ها: ائتلاف‌سازی، ائتلاف محور مقاومت، محیط پرتنش غرب آسیا، تحلیل راهبردی.

۱. پژوهشگر مسائل غرب آسیا (hoajorloo@yahoo.com)

منافع و ظرفیت‌های همکاری در غرب آسیا؛ بررسی موردی روابط ایران و عربستان سعودی

دکتر مهدی آهویی^۱

چکیده

روابط بین ایران و عربستان و یا قطع روابط میان آنها، یکی از مباحثات اصلی در میان دانش‌گاہیان، سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران منطقه‌ای است. این مباحثات به‌خصوص، به‌سبب آشکار شدن رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور و پیامدهای آن برای منطقه بحران‌زده غرب آسیا افزایش یافته است. عربستان سعودی و ایران به‌عنوان دو قدرت پرنفوذ در منطقه، سهم و نقش حیاتی در تحولات آن ایفا می‌کنند. بنابراین، فهم روابط بین این دو کشور و پیش‌زمینه‌های منطقه‌ای که موجب رقابت آنها شده است، برای مفهوم‌پردازی نوع جدیدی از روابط و درحقیقت پیامد آن، که غرب آسیایی متحول است، ضرورت دارد. این مقاله ضمن بررسی تاریخ اخیر روابط بین عربستان سعودی و ایران چنین استدلال می‌کند که هر دو کشور از تنش‌زدایی معنادار بیش از موضع‌گیری‌های تعارض‌آمیز فعلی خود سود خواهند برد. دو قدرت مسلمان به شکل قابل‌ملاحظه‌ای از این روابط جدید، از سه منظر امنیتی، پیشرفت اقتصادی و مشروعیت اخلاقی بهره‌مند خواهند شد. به‌علاوه، این مقاله مدعی آن است که به‌لحاظ چشم‌انداز گسترده‌تر منطقه‌ای، شکل‌گیری روابط حسنه بین دو کشور، بستر لازم و ضروری را برای ایجاد نظم منطقه‌ای پایدار و قوی‌تر غرب آسیا را فراهم خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، همکاری، ایران، عربستان.

۱. استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، مشاور ارشد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری (ahouie@ut.ac.ir)

جعبه سیاه روابط آمریکا و عربستان و آینده نظم امنیتی در غرب آسیا

علیرضا میروسنفی اول^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین پایه‌های شکل‌دهی امنیت منطقه خلیج فارس و غرب آسیا، معادله نفت در برابر امنیت است که بیش از هفت دهه است روابط آمریکا و عربستان و بسیاری از مسائل منطقه‌ای را تحت تأثیر خود قرار داده است. نشیب و فرازهای این معادله تأثیرات خود را بر روابط دو کشور و به تبع آن، موضوعات منطقه‌ای از سوریه و مصر گرفته تا یمن و بحرین گذاشته و امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز بی‌تأثیر از این تحولات نبوده و نیست. این پژوهش سعی در واکاوی این مسئله دارد. هرچند روند تحول در روابط ایالات متحده و عربستان سعودی به‌ویژه بعد از سال ۲۰۰۳ و نزدیکی حکومت جدید عراق پس از سقوط صدام حسین به ایران شروع شده است، این روند پس از تحولات سال ۲۰۱۱ و ظهور انقلاب‌های عربی شتاب بیشتری یافته است. نبود حمایت کافی آمریکا از حسنی مبارک، به همراه شدت گرفتن اختلافات آمریکا و عربستان در بحران سوریه و ورود یک‌طرفه عربستان سعودی به جنگ یمن این اختلافات را تشدید کرده است. «مفت‌خور» خوانده شدن عربستان توسط اوباما، فشارهای فراوان بر این کشور برای مشارکت در هزینه‌های انسانی و مالی جنگ‌های آمریکا در غرب آسیا، بروز اختلافات اساسی در سه حوزه سوریه، مصر و ایران به همراه استقلال تدریجی آمریکا از واردات نفت از عربستان با توسعه فناوری نفت صخره‌ای و همچنین تصویب قانون موسوم به جاستا در سال ۲۰۱۶، نوعی از احساس خطر و تزلزل پایه‌های معادله نفت در برابر امنیت و احساس رها شدن از سوی آمریکا و غرب را به رهبران عربستان بخشیده و سیاست‌های محافظه‌کارانه این کشور را به سیاست‌های تهاجمی و نظامی تبدیل کرده است. پیشنهادهای حکام جدید عربستان به آمریکا برای ایجاد اتحادهای نوین نظامی و اخذ تضمین‌های امنیتی و یا ایجاد نیروهای واکنش سریع در غرب آسیا همگی در چهارچوب احساس تهدید از سوی این حکام جدید و همچنین جنگ قدرت و رقابت برای جلب حمایت مقامات آمریکایی مطرح گردیده‌اند؛ این پیشنهادها با واکنش سرد یا منفی طرف آمریکایی مواجه شده‌اند. در این پژوهش، ابتدا روند تحول در روابط آمریکا و عربستان سعودی، و سپس چشم‌انداز روابط آینده دو کشور و تأثیرات آن بر منطقه بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: عربستان سعودی، ایالات متحده، امنیت منطقه‌ای، نفت در برابر امنیت.

۱. رئیس گروه مطالعات خاورمیانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

بررسی پیامدهای استقلال احتمالی اقلیم کردستان عراق بر نظم غرب آسیا

دکتر بهادر زارعی^۱؛ و سعید رضانی^۲

چکیده

از زمان بروز بحران اخیر در عراق و حمله داعش به بخش‌هایی از خاک این کشور، مواضع برخی رهبران کُرد از جمله مسعود بارزانی، رئیس کردستان، در یک جمله کلیدی خلاصه شده است: «عراق وارد مرحله جدیدی شده و دیگر به مرحله قبلی باز نخواهد گشت...». حملات داعش باعث شد کردها، بلافاصله پس از شروع بحران، نیروهای نظامی خود را به شهر نفت‌خیز کرکوک روانه و اعلام کردند که دیگر از این شهر خارج نخواهند شد؛ شهری که در یک دهه گذشته محل مناقشه اقلیم کردستان و دولت مرکزی بوده است. مسعود بارزانی در روزهای آغازین بحران رسماً اعلام کرد ماده ۱۴۰ قانون اساسی دیگر محلی از اعراب ندارد و تلویحاً ادعا کرد که این ماده، اکنون به اجرا درآمده است. ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، برای تعیین وضعیت کرکوک وضع شده بود. استقلال کردستان از کشور عراق آسان نخواهد بود؛ حتی اگر در این راستا همه‌پرسی بدون پشتیبانی قانون اساسی برگزار شود و شعارهایی از قبیل تعیین سرنوشت، سرداده شود؛ زیرا جدایی احتمالی اقلیم کردستان از عراق، پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی بر این اقلیم به دنبال خواهد داشت و آغازی برای تشکیل کشورها و ایالت‌های قومی و فرقه‌ای بی‌نهایت در منطقه «غرب آسیا و اروپا» و به‌ویژه در کشورهای از قبیل ترکیه خواهد بود.

بر همین اساس، تلاش خواهد شد با روش تحلیلی - تبیینی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، پیامدهای تشکیل احتمالی کردستان مستقل بر نظم غرب آسیا بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: اقلیم کردستان عراق، استقلال، نظم غرب آسیا.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (saeedramezani1365@gmail.com)

فروپاشی نظم قدیم، وقوع تحولات کاتاکلازیمیک، و استقرار نظم منطقه‌ای جدید در خلیج فارس

دکتر نوذر شفیعی^۱

چکیده

اگر فرض را بر این بگذاریم که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نظم منطقه‌ای خلیج فارس بر پایه نظریه یا دکترین دو ستون نیکسون (عربستان و ایران) استوار بود و با وقوع انقلاب اسلامی ایران یکی از این دو ستون (ایران) فروریخت، چه واژه‌ای می‌تواند شرایط جدید تا رسیدن به نظمی نو را توضیح دهد؟ شک نیست با خلأ ژئوپلیتیکی‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای آمریکا در منطقه خلیج فارس به وجود آمد و نظم منطقه‌ای و متأثر از آن نظم بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد، اکنون به نظر می‌رسد آمریکا در صدد است با مشارکت دادن ایران در نظم منطقه‌ای خلیج فارس مجدداً نظم سابق را هرچند با ساختار و ماهیت متفاوت، اما با کارکرد مشابه (سه عنصر ساختار، ماهیت، و کارکرد در تجزیه و تحلیل نظم مهم هستند و اساساً اجزای اصلی نظم را تشکیل می‌دهند) بازگرداند. البته ظاهر تحولات منطقه به لحاظ منطقی خلاف این برداشت را نشان می‌دهد و به جای ترسیم چشم‌اندازی از بازگشت نظم، شاهد بی‌نظمی هستیم (وجود تعارض‌های گسترده و درگیری‌های متعدد در کشورهای مختلف منطقه و حتی فراتر از منطقه). اتفاقاً آنچه جنبه نوآوری این مقاله را تشکیل می‌دهد پاسخ به همین تعارض است؛ بدین معنی که به نظر می‌رسد بی‌نظمی‌های موجود، خود مقدمه‌ای برای ایجاد نظم جدید است. این بی‌نظمی‌های قبل از نظم جدید را ما با عاریت گرفتن از امیل دورکیم «تحولات کاتاکلازیمیک» می‌نامیم که در نظریه آشوب هم بدان اشاره شده است؛ پس آنچه می‌تواند شرایط بی‌نظمی کنونی خلیج فارس و در پهنه‌ای وسیع‌تر غرب آسیا را توضیح دهد، مفهوم تحولات کاتاکلازیمیک است و پس از این تحولات، که نوعی دوره گذار و تلاش قدرت هژمون برای استقرار نظم جدید است، شاهد نظم تازه‌ای خواهیم بود که به‌ناچار عربستان و ایران دو پایه اصلی آن را تشکیل خواهند داد. تبیین این تحولات (بی‌نظمی‌ها) و چگونگی زایش نظم جدید از دل آن جهت‌گیری اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نظم قدیم، نظم جدید، تحولات کاتاکلازیمیک، خلیج فارس، نظم منطقه‌ای.

۱. عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (Shafiee2@hotmail.com)

ضرورت‌ها و چالش‌های مشارکت ایران با ترتیبات همکاری جویانه در اوراسیا از سال ۲۰۱۲ به بعد

دکتر افشین زرگرا^۱ و آتنا اسفندیاری فرد^۲

چکیده

حرکت کلی سیاست جهانی در قبال منطقه‌ای شدن، خود را به صورت همگرایی‌های منطقه‌ای نشان داده است. به طور خاص و در دهه اخیر، منطقه اوراسیا این سطح از همگرایی‌ها را به خوبی نمایان کرده است. گسترش معنایی و نهادی مفاهیم همگرایی منطقه‌ای در اوراسیا در قالب وجود سازمان‌های مختلف منطقه‌ای در زمینه‌های گوناگون و از مسائل امنیتی گرفته تا اتحادهای کشورهای دارای زبان مشترک ظهور یافته‌اند. در این میان، اهمیت ژئوپلیتیکی، وسعت منطقه و همچنین وجود همسایگان متعدد، منطقه را دارای ویژگی‌های خاص کرده که سطح تأثیرگذاری همگرایی میان آنان ملموس است. در راستای بسط روابط بین‌المللی ایران و کاهش تنش‌ها با قدرت‌های تأثیرگذار نظام بین‌الملل، گسترش همکاری‌ها با سازمان‌ها، اتحادها، ائتلاف‌ها، و به طور کل، ترتیبات همکاری جویانه در سطح جهان از ضرورت‌های سیاست خارجی ایران است. بی تردید، با بسط روابط دوجانبه بین ایران و روسیه، زمینه برای تقویت همکاری‌های ایران و ترتیبات همکاری جویانه در منطقه اوراسیا فراهم خواهد شد. حال این سؤال مطرح است که حضور و عضویت ایران در اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای چگونه می‌تواند به تأمین منافع سیاسی-اقتصادی ایران کمک نماید. هدف از این مقاله، بررسی گسترش روابط همکاری جویانه و مشارکت جمهوری اسلامی ایران در حوزه اوراسیا با در نظر گرفتن ایجاد هزینه‌ها و چالش‌های جدید در راستای تأمین منافع سیاسی-اقتصادی آن خواهد بود. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر چهارچوب نظریه‌های نولیبرالیستی است.

کلیدواژه‌ها: همگرایی منطقه‌ای، روابط بین‌المللی، ایران، نظریه‌های نولیبرالیستی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (zargar.a2003@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (Atena.esfandiyari@gmail.com)

تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای؛

مطالعه موردی مجموعه امنیتی خلیج فارس

دکتر ابراهیم طاهری^۱ و امین صادقی بکیانی^۲

چکیده

مجموعه‌های امنیتی یکی از مفاهیم نوین در مطالعات امنیتی محسوب می‌شوند که هدف آن بررسی معمای امنیت است. در این راستا، به منظور بررسی امنیت ملی و منطقه‌ای باید به بررسی ساخت مجموعه امنیتی و ویژگی‌های آن پرداخت. پس از بررسی، بر اساس اینکه ساخت درونی مجموعه امنیتی، تهدیدات یا منافع مشترک را تقویت کنند، سازه‌های امنیتی فردگرایانه یا جمع‌گرایانه شکل می‌گیرد. هر کدام از سازه‌های مذکور پیامدهای خاصی در مجموعه امنیتی در بردارد و امنیت ملی و منطقه‌ای را در دو قالب امنیت‌زایی یا امنیت‌زدایی تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوشتار حاضر در صدد است که به بررسی تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای بپردازد. بر این اساس، این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تجربی (آماری)، ابتدا الگوی امنیتی موجود در خلیج فارس و پیامدهای امنیتی حاصل از آن را شرح می‌دهد و سپس، با تبیین الگوهای امنیتی حاکم بر منطقه خلیج فارس، چگونگی تدوین راهبردهای سیاست خارجی کشورهای منطقه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران را در مواجهه با چالش‌های امنیتی خلیج فارس ارزیابی می‌کند. یافته‌های مقاله بر این فرضیه استوار است که الگوی امنیتی حاکم بر مجموعه امنیتی خلیج فارس الگوی امنیتی فردگرایانه از نوع بازدارندگی یکجانبه و موازنه قواست و با توجه به قواعد حاکم بر این دو الگوی امنیتی فردگرایانه، امنیت منطقه‌ای خلیج فارس با چالش‌های امنیت‌زدایی مواجه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مجموعه امنیتی، نظریه کاتزنشتاین و باری بوزان، الگوی امنیتی، امنیت ملی، خلیج فارس

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد

۲. کارشناسی ارشد مطالعات غرب آسیا دانشگاه تهران (sadeqi.amin2081@gmail.com)

امکان و عدم امکان شکل‌گیری مجموعه امنیت منطقه‌ای غرب آسیا

دکتر نسا زاهدی^۱؛ و سیدمحمدعلی حسینی^۲

چکیده

غرب آسیا یکی از مناطق استثنائی جهان به‌شمار می‌رود که هنوز هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی توافق‌شده و پایداری در آن ایجاد نشده است. ساختار اقتصادی ضعیف و ناهمگون همراه با رانت و فساد، ثبات سیاسی ناپایدار و شکننده همراه با دولت‌سازی ضعیف و عاریه‌ای سبب درگیری‌های طولانی‌مدت قومی و مذهبی و ایجاد حرکت‌های اعتراضی اجتماعی شده است. این درحالی است که استقرار مجموعه امنیتی غرب آسیا، گسترش صلح و ثبات در منطقه را در ابعاد سیاسی و اقتصادی به‌همراه خواهد داشت. سؤال اصلی مقاله این است که شرایط و مؤلفه‌های اثرگذار بر تحقق مجموعه امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا چیست. فرضیه، تحقق مجموعه امنیتی غرب آسیا را منوط به وجود ساختارهای اقتصادی مکمل برای کشورهای عضو، افزایش سطح همکاری‌های سیاسی و کاهش مداخله قدرت‌های بزرگ می‌داند.

کلیدواژه‌ها: مجموعه امنیت منطقه‌ای، غرب آسیا، ساختار اقتصادی، ثبات سیاسی.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم (n_zahedi@ut.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه مفید قم

هرج و مرج سازنده: فرصت مقاومت برای مهار بحران؛ کالبدشکافی بحران در شامات و عراق

دکتر کابک خبیری^۱؛ و امیرحامد آزاد^۲

چکیده

بحران جمهوری عربی سوریه در حالی چهارمین سال خود را پشت سر می‌گذارد که در یک فرآیند کاملاً قابل پیش‌بینی، بخش‌های گسترده‌ای از خاک جمهوری عراق به اشغال درآمده است. روند اولیه بحران، با هدف براندازی نظام حاکم در جمهوری عربی سوریه و استقرار یک نظام جایگزین حداکثر تا اولین ماه رمضان بعد از انقلاب (مرداد سال ۹۰) شبیه‌سازی شده بود؛ اما با گذشت دو سال و اندی و خدشه‌دار شدن این الگو و پدید آمدن تصلب در روند اجرای آن، پای القاعده به بحران سوریه باز شد. ضمن آنکه واقعیتهای در منطقه به نام داعش، همگان و به‌ویژه آمریکا را به این نتیجه می‌رساند که هزینه بقای داعش بسیار بیشتر از نابودی آن است.

به نظر می‌رسد الگوی عملیاتی جدید در منطقه تابع نظریه «هرج و مرج سازنده» است. اجرای این نظریه عملیاتی زمانی پایان می‌یابد که نظم درونی آن خدشه‌دار شده و جهت خطرزایی آن به سمت منافع رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا بازگردد. مصادیق عملی چنین مسئله‌ای در یمن و پاکستان به چشم می‌خورد. چنانکه به محض خروج «هرج و مرج سازنده» از حالت سازنده بودن، آمریکا به مقابله با آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: القاعده، داعش، هرج و مرج سازنده، امنیت، ایران، آمریکا.

۱. هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی (khabiri1370@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

جهانی‌شدن و شکل‌گیری نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا: با تأکید بر رابطه توسعه پایدار با امنیت پایدار

دکتر مهناز گودرزی^۱؛ و محمد کفاش نیری^۲

چکیده

غرب آسیا به‌عنوان یکی از مناطق تأثیرگذار در نظام بین‌الملل همواره در تحولات سیاسی و اتخاذ استراتژی قدرت‌های جهانی از نقش و اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. اهمیت روزافزون منطقه غرب آسیا به‌دلیل موقعیت جغرافیایی آن و قرار داشتن سه تنگه بین‌المللی هرمز، باب‌المندب و سوئز، همچنین وجود منابع عظیم نفت و گاز، وجود منطقه بین‌النهرین به‌عنوان مهد و گاهواره تمدن انسانی در منطقه غرب آسیا و از همه مهم‌تر قرار داشتن خاستگاه آیین محمدی به‌لحاظ نقش استراتژیک، ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر جایگاه ویژه‌ای به این منطقه در دیدگاه و استراتژی قدرت‌های جهانی و به‌تبع آن در معادلات نظام بین‌الملل داده است. در این بین، امنیت منطقه غرب آسیا نیز از این امر مستثنا نبوده و هرچه بیشتر امنیت این منطقه جهانی شده، به‌گونه‌ای که تحت تأثیر امنیت جهانی شده، منطقه غرب آسیا با توجه به وجود جنگ‌های منطقه‌ای، رشد بنیادگرایی و عقاید سلفی و رشد تروریسم، این منطقه هرچه بیشتر شاهد نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است. چرخه‌ای نفوذی که به‌دلیل نبود توسعه پایدار، در آن هرچه بیشتر با ایجاد ناامنی در منطقه غرب آسیا، ضمن ناکارآمدی در ایجاد امنیت در این منطقه، حضور هرچه بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای را استحکام می‌بخشد. بدین ترتیب پرسش اصلی این مقاله این است که در عصر جهانی‌شدن، که امنیت جهانی جایگزین امنیت ملی شده است، توسعه پایدار تا چه میزان می‌تواند با ایجاد امنیت پایدار در دستیابی به نظم امنیتی منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: جهانی‌شدن، نظم امنیتی، غرب آسیا، توسعه پایدار.

۱. عضو هیئت علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) گروه روابط بین‌الملل (m.goodarzi@khuis.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) (Persicus_sinus@yahoo.com)

تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر معماری تحقق و نهادینه‌شدن منطقه‌گرایی در غرب آسیا

محمدابراهیم کاظمی بیدختی^۱

چکیده

با وجود اینکه ادبیات مربوط به منطقه‌گرایی، امروزه به یکی از مفاهیم مهم روابط بین‌الملل و بحث همکاری بین کشورها تبدیل شده است، هنوز مناطقی از جهان هستند که از این قافله عقب مانده‌اند. یکی از این مناطق، غرب آسیاست؛ منطقه‌ای که با وجود ظرفیت و توانایی‌های بالقوه‌ای که در زمینه همگرایی و منطقه‌گرایی دارد، اما در مقایسه با سایر نقاط جهان به‌خصوص اروپا، آسیای جنوب‌شرقی و آمریکای شمالی، درجه همگرایی منطقه‌ای نامطلوبی را در جهان معاصر به نمایش گذاشته است؛ از این رو از دیدگاه بسیاری از محققان و تحلیل‌گران مسائل غرب آسیا به‌عنوان یک منطقه «بدون منطقه‌گرایی» و یک «استثنا» تلقی و تشریح می‌شود. وجود منازعات و نقش و تأثیر قدرت‌های بزرگ، ساختار آنارشی، درگیری و نزاع بین رژیم صهیونیستی و همسایگان عربش، وجود هویت‌ها و هنجارهای متعارض و متضاد در کنار هم و ازسویی رقابت بین این هویت‌ها، باعث شده تا منطقه‌گرایی در غرب آسیا نهادینه نشده و در نتیجه دستیابی به نوعی هویت جمعی و منطقه‌ای در غرب آسیا به ثمر نرسد.

مهم‌ترین هدف این مقاله تفکر سیستماتیک درباره این مسئله است که چگونه ساختار نظام بین‌الملل و به‌خصوص مفهوم آنارشی و قدرت‌های بزرگ بر عدم تحقق منطقه‌گرایی در غرب آسیا تأثیر داشته است. در این نوشتار به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش اصلی هستیم که «مهم‌ترین موانع و علل ناکامی کشورهای غرب آسیا در تحقق، تداوم و نهادینه‌شدن منطقه‌گرایی کدام‌اند.» روش پژوهش مقاله «علی - معلولی» است که سعی شده است با استفاده از داده‌ها و اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین سایت‌ها و منابع اینترنتی، در مدار یافتن پاسخی علمی برای پرسش پژوهش قرار گرفته شود. همچنین سعی شده است با استفاده از الگوی ترکیبی بین نظریه‌های سازهانگاری و نواقع‌گرایی به درک بیشتری از مسائل منطقه‌گرایی غرب آسیا پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، منطقه‌گرایی، ساختار نظام بین‌الملل، هویت.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی (m.baydokhti@chmail.ir)

بررسی الگوهای نظم امنیتی (با تأکید بر الگوی امنیتی جمهوری اسلامی ایران)

دکتر حسین کریمی فرد^۱

چکیده

در این مقاله تلاش می‌شود در ابتدا الگوهای نظری امنیتی بررسی شود و سپس الگوی امنیتی براساس واقعیت‌های موجود منطقه غرب آسیا در مورد جمهوری اسلامی مورد ملاحظه قرار گیرد. با توجه به اینکه «بقا» مهم‌ترین هدف هر بازیگر سیاسی قلمداد می‌شود همه بازیگران برای رسیدن به این هدف، باید الگوی امنیتی خود را براساس وضعیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مدون کنند. سیاست‌گذاری امنیتی در جمهوری اسلامی ایران مانند هر کشور دیگری براساس ادراکات و تصورات از منافع ملی، امنیت ملی، آسیب‌پذیری‌های داخلی و تهدیدات خارجی استوار است. حیاتی‌ترین هدفی که خط‌مشی‌گذاری امنیتی به آن توجه دارد، حفظ تمامیت ارضی و گام برداشتن در مسیر ایجاد محیط باثبات امنیتی است. جمهوری اسلامی ایران بنابه دلایل متعددی، مثل آنارشیک بودن نظام بین‌الملل، حاکم بودن فضای هابزی در منطقه، همسایگی با دولت‌های ورشکسته، بازیگران غیردولتی تهدیدگر و وابسته به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، همسایگانی که برای تأمین بقای خود به قدرت‌های فرامنطقه‌ای وابسته‌اند، به این درک رسیده است که برای تأمین بقا و امنیت خود باید به توانمندی‌ها و قابلیت خود متکی باشد. نخبگان سیاسی و سیاست‌گذاران در جمهوری اسلامی معتقدند که تهدیدات علیه کشور ماهیتی ترکیبی دارد.

کلیدواژه‌ها: الگوی امنیتی، الگوی موازنه‌گرایی، الگوی هژمونیک، الگوی جامعه امنیتی، الگوی لیبرالی، الگوی امنیتی جمهوری اسلامی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

معماری نظم امنیتی غرب آسیا

فریده شریفی^۱

چکیده

غرب آسیا از مهم‌ترین کانون‌های منازعه در جهان است. شاید هیچ منطقه دیگری در جهان به این اندازه بحران‌ساز و تنش‌زا نبوده است. ریشه‌های منازعات در این منطقه راهبردی را می‌توان در اختلافات مرزی و سرزمینی، قومی و تعارضات ایدئولوژیک، منابع طبیعی، به‌ویژه نفت و گاز و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای دانست که هرکدام به‌تنهایی بر معادلات امنیتی منطقه تأثیر می‌گذارد. حال آن‌که در برخی از کشورهای منطقه، مجموعه این عوامل یا برخی از آنها موجب کشمکش با دیگر کشورها شده است.

در دوران جنگ سرد توجه مفرط به سطح نظام جهانی و تأثیرات آن بر امنیت ملی موجب بی-توجهی به ترتیبات منطقه‌ای و مزایای آن شده بود؛ اما با پایان این دوران و افزایش نقش چندجانبه-گرایی و سازوکارهای چندجانبه، منطقه‌گرایی و ابعاد متعدد آن از جمله امنیت، مورد توجه قرار گرفت؛ بنابراین اهمیت یافتن نقش سازوکارهای چندجانبه و منطقه‌گرایی و توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای و مشترک بودن تهدیدهای امنیتی در دوران پساجنگ سرد را می‌توان مهم‌ترین دلایل توجه به ترتیبات امنیتی دانست. در رهیافت جدید امنیتی، مشروعیت سیاسی، توانمندی‌های نظامی، استراتژیک و اقتصادی و ملاحظات دینی، قومی و مذهبی دخالت دارند؛ به‌عبارت دیگر غرب آسیا حوزه‌ای ژئوپلیتیکی است که فرآیندهای جهانی‌شدن در بستر آن با هم برخورد کرده و معادله امنیتی ویژه و پیچیده‌ای را برای این منطقه رقم زده است.

پرسش مطرح‌شده در این تحقیق این است که طراحی و برنامه‌ریزی یک چیدمان و معماری نوین امنیتی در غرب آسیا که بتواند ترتیبات جدیدی ایجاد کرده و به منازعات دیرینه در این منطقه پاسخ دهد، چگونه باید باشد؛ با درنظر گرفتن این پیش‌فرض که ایجاد یک چهارچوب جدید امنیتی که براساس آن همکاری منطقه‌ای بین ملت‌ها، نهادهای غیرحکومتی، فضای مجازی و غیره مبنایی ضروری است که در تصمیم‌گیری دولت‌های بزرگ تأثیر خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: امنیت، بحران، منطقه‌گرایی، مجموعه امنیتی.

نظم منطقه‌ای جدید غرب آسیا: از ناآرامی‌های عربی تا تغییر نظم منطقه‌ای پیشین

مهدی زیبایی^۱

چکیده

با پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی، موضوع نظم منطقه‌ای در نظام بین‌الملل به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در حوزه زیرنظام‌های روابط بین‌الملل بدل شد. در طول جنگ سرد جریان اصلی نظریه روابط بین‌الملل و به‌طور آشکارتر سنتز نئو - نئو نظام جهانی را عامل شکل‌دهنده به نظم منطقه‌ای و حتی دولت‌ها می‌دانست. حال آن‌که ناتوانی جریان غالب در توجیه تغییرات وسیع نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد همچون جهانی شدن اقتصاد، کم‌رنگ شدن نقش دولت به‌عنوان تنها بازیگر سیاسی در طول جنگ و برجسته‌شدن اهمیت هویت‌های مذهبی فضا را برای سایر نظریات و جریان‌های فکری در روابط بین‌الملل فراهم کرد تا به‌جای دنبال کردن نگاه بالا به پایین با نگرشی از پایین به بالا به دنبال تبیین و تفسیر تغییرات در نظام بین‌الملل باشند. یکی از نظریه‌هایی که به دلیل جامع‌نگر بودن و توجه به سطوح مختلف تحلیل در دوره پس از جنگ سرد در دپارتمان‌های دانشگاهی سیاست بین‌الملل مطرح و توجه پژوهشگران مطالعات منطقه‌ای را به خود جلب کرده است، نظریه جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل است. نقش روابط بازیگران در تبدیل یک اعتراض سیاسی صلح‌آمیز در چهارچوب مرزهای ملی یک کشور به جنگ داخلی ویرانگر - که در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به جنگی نیابتی تبدیل شده است - را می‌توان در سوریه امروزی مشاهده کرد. در واقع جنگ سوریه نشان می‌دهد که نظم منطقه‌ای زنجیره‌ای است که از درون کشورها آغاز شده و روابط بین کشورها را نیز دربر می‌گیرد. درنهایت، تأثیر نظام سرمایه‌داری بین‌الملل در اقتصاد کشورهای عربی و تغییر موازنه اجتماعی درون جوامع عربی در طول دهه‌های گذشته عواملی هستند که به‌صورت زنجیره‌ای درهم‌تنیده زمینه تغییر نظم منطقه‌ای غرب آسیا را فراهم کرده است. مقاله پیش‌رو قصد دارد که تأثیر ناآرامی‌های عربی بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا را در چهارچوب نظریه جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل و با توجه به سطوح چهارگانه تحلیل، که در بالا اشاره شد، به‌طور موجز، تجزیه و تحلیل کند.

کلیدواژه‌ها: دولت، هویت، اقتصاد، نظم منطقه‌ای و جامعه‌شناسی تاریخی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان و پژوهشگر میهمان در دانشگاه بوندسور مونیخ آلمان (zibaei.mehdi@unibw.de)

آینده نظم منطقه‌ای در غرب آسیا: رقابتی ژئوپلیتیک میان ایران و ترکیه با هدف شبکه‌سازی ژئواکونومیک

دکتر ابراهیم طاهری^۱

چکیده

از آنجایی که نظم سازمان‌دهی الگوهای رفتاری میان کنشگران است این پرسش مطرح می‌شود که سازمان‌دهی الگوهای رفتاری میان کنشگران برتر منطقه غرب آسیا یعنی ایران و ترکیه طی انقلاب‌های عربی - اسلامی چه ماهیتی داشته و چه پیامدهایی برای آینده نظم منطقه‌ای با در نظر گرفتن رویکرد شبکه‌ای داشته است. از نظر این پژوهش نظم منطقه‌ای در غرب آسیا در بستری ژئوپلیتیک رخ داده است؛ اما به‌ویژه برای شبکه منطقه‌ای ایران و ترکیه پیامدهای ژئواکونومیک داشته است؛ برای مثال شکل‌گیری این نظم بستگی زیادی به نوع رژیم حکومتی کشورهای یمن، سوریه، بحرین و چگونگی مبارزه با داعش در عراق دارد. پیروزی ایران یا ترکیه در سامان سیاسی آینده سوریه به‌میزان زیادی بر موفقیت و ناکامی شبکه ژئواکونومیک منطقه‌ای دو کشور اثرگذار است. البته هر یک از دو کشور ایران و ترکیه ظرفیت‌هایی دارند که به‌عنوان واکنش‌یاری می‌تواند بر آینده نظم منطقه‌ای تأثیر گذارد. رویکرد قدرت‌های بزرگ، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی هر یک از سه کشور و همچنین ظرفیت‌های فرهنگی آنها می‌تواند بر این امر تأثیر گذارد. هدف این پژوهش بررسی آینده نظم منطقه‌ای در خاورمیانه در پرتو تحولات اخیر است. روش پژوهش مورد استفاده قیاسی - استقرایی است؛ به‌گونه‌ای که ابتدا با استفاده از نظریه‌های رایج، مدل تئوریک خود را استخراج کرده و در مرحله بعد این مدل تئوریک را در صحنه میدانی غرب آسیا عملیاتی خواهد کرد. برای عملیاتی کردن فرضیه در مرحله اول مبانی نظری پژوهش در قالب رویکرد شبکه‌ای خواهد آمد، بخش دوم وضع کنونی نظم منطقه‌ای با رویکردی ژئوپلیتیک بررسی می‌شود، بخش سوم پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های ایران و ترکیه با هدف ایجاد نظم منطقه‌ای مورد نظر در آینده تحلیل خواهد شد. بخش چهارم با طرح سناریوهای مختلف آینده نظم منطقه‌ای در غرب آسیا را با طرح رویکرد ژئواکونومیک طرح می‌کند و بخش آخر نیز نتیجه‌گیری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: شبکه منطقه‌ای، سناریو، سامان سیاسی، ظرفیت، رژیم.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد (etaheri@yazd.ac.ir)

اسلام سیاسی و آینده نظم امنیتی غرب آسیا

دکتر جهانبخش ایزدی^۱؛ و حمیدرضا اکبری^۲

چکیده

اسلام سیاسی از عمده‌ترین جریان‌ها و گفتمان‌های اثرگذار در انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ بوده است. در تحولات معطوف به این انقلاب‌ها در منطقه غرب آسیا، رفتار اسلام‌گرایان در دو محور اصلی، قابل بررسی است؛ نخست افراط‌گرایی و خشونت با پیدایش جریان‌های جدید تکفیری مانند داعش، دوم ناتوانی در حفظ قدرت و حاکمیت توسط جریان‌های اصلی و ریشه‌دار اسلام سیاسی مانند اخوان‌المسلمین. این امر در شرایطی است که منطقه غرب آسیا دوره‌ای پرتنش و آشوب همراه با خشونت، جنگ داخلی، اختلافات مذهبی و قومی و غیره را تجربه می‌کند. فراتر از آن برای ترسیم افق امنیتی منطقه غرب آسیا شناخت مؤلفه‌ها، متغیرها، شاخه‌ها و عناصر مهم و تأثیرگذار، امری ضروری است که این موضوع بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه گفتمان اسلام سیاسی و جریان‌های اسلام‌گرا امکان‌پذیر نیست. بر این اساس، درک و فهم نقش و جایگاه اسلام سیاسی در تکوین نظم امنیتی منطقه غرب آسیا پرسش اصلی این مقاله است. آینده‌پژوهی اسلام سیاسی از طریق بررسی روندها، پیشران‌ها و سناریوهای اسلام سیاسی و جریان‌های اسلام‌گرا و نقش آنها در شکل‌دهی نظم امنیتی منطقه غرب آسیا موضوع این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: اسلام سیاسی، نظم امنیتی، انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱، غرب آسیا، آینده‌پژوهی.

۱. دکترای روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۲. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ضرورت و الزامات ایجاد امنیت پایدار در غرب آسیا

دکتر محمدعلی بصیری^۱؛ و محسن باقری^۲

چکیده

غرب آسیا را می‌توان یکی از بحران‌زده‌ترین و ناامن‌ترین مناطق جهان دانست. امنیت به مفهوم وسیع آن نیز اگرچه در دنیای کنونی کالای کمیابی است، در غرب آسیا این کالا حتی در معنای بقای صرف، به قیمت بسیار گزافی عرضه می‌شود. با به بن‌بست رسیدن نگاه رئالیستی و حتی لیبرالیستی به امنیت در دوران جنگ سرد، آنها جای خود را به نگرش‌های دیگری دادند؛ به عبارت دیگر، رهیافت مضیق به امنیت تبدیل به رهیافت موسع و نگاه سلبی به نگاه ایجابی تبدیل شد که در این بین، رویکردهای دیگر نظری از جمله سازه‌انگاری، انتقادی، فمینیستی و سیستمی و نیز مکتب کپنهاگ تعاریف متفاوتی از امنیت و به‌ویژه امنیت پایدار مطرح کردند. امنیت پایدار بر نیاز دنیای جدید برای تغییر بنیادین نگرش کنونی نسبت به امنیت تأکید می‌کند؛ مفهومی که شامل جهانی‌شدن امنیت بوده و بر مبنای ویژگی مشترک مردم دنیا، یعنی انسانیت، بنا می‌شود؛ از این‌روست که توجه به ارکان امنیت پایدار، ابعاد و مؤلفه‌های لازم برای ایجاد امنیت پایدار در غرب آسیا ضروری است.

هدف این تحقیق آشنایی با ضرورت و الزامات ایجاد امنیت پایدار در غرب آسیاست. پرسش اصلی این تحقیق نیز این است که چگونه می‌توان امنیت پایدار را در غرب آسیا ایجاد کرد. نتایج پژوهش نیز نشان‌دهنده این امر است که با توجه به تغییرات ژئوپلیتیکی در حال انجام در منطقه غرب آسیا و تضعیف بیش از پیش مؤلفه‌های امنیت ملی و امنیت انسانی در این منطقه در اثر طولانی‌شدن بحران‌های سیاسی (عراق، سوریه و یمن) اقتصادی (عقب‌ماندگی، فقر و بیکاری) اجتماعی (انفجار جمعیت و مهاجرت) زیست‌محیطی (خشک‌سالی، آلودگی محیط‌زیست و غیره) به منظور ایجاد امنیت پایدار، لازم است نگاهی نو به ارکان، ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده امنیت پایدار در این منطقه شود.

کلیدواژه‌ها: امنیت پایدار، امنیت ملی، امنیت انسانی، امنیت جهانی، غرب آسیا.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (basiri360@ase.ui.ac.ir or basiri360@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (bagheri.m12@gmail.com)

پیوند الگوهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در امنیت‌سازی غرب آسیا

دکتر علی‌اکبر جعفری^۱؛ و وحید ذوالفقاری^۲

چکیده

غرب آسیا گورستان بسیاری از نظریه‌های روابط بین‌الملل است. نظریه‌های مربوط به علل و خاستگاه جنگ، بازدارندگی، فشار و دیپلماسی در آزمون حوادث نیم‌قرن اخیر این منطقه به بن‌بست رسیده است. مصیبت‌بار این‌که این منطقه - در کنار آفریقا - مرکز ثقل بیشتر جنگ‌هاست؛ جنگ‌ها و ناامنی‌هایی که دغدغه جهانی را به همراه دارد. از چشم‌انداز تطبیقی، این منطقه پایین‌ترین میزان انسجام منطقه‌ای در جهان معاصر را داشته است. به نظر می‌رسد ریشه‌های ناامنی در منطقه خاورمیانه را علاوه بر بُعد داخلی و وجود حکومت‌های وابسته و غیرمردمی دولت‌های عربی، باید در خلق رژیم صهیونیستی و نیز مداخله‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای جست‌وجو کرد. از طرف دیگر شکنندگی سیاسی، افزایش جمعیت، توسعه نیافتگی، آسیب زیست‌محیطی و غیره در کانون ناامنی غرب آسیا واقع شده است.

در این مقاله تلاش می‌شود نظم‌های امنیتی موجود در غرب آسیا بررسی شود. این نظم‌ها شامل الگوی مدیریت پلورالیستی و چندجانبه، الگوی کنسرت قدرت‌های بزرگ، الگوی معادله امنیتی، الگوی موازنه قوا، نظم فراگیر در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ، امنیت غرب آسیا در پرتو جهانی شدن، نظم امنیتی غرب آسیا در عصر پساجنگ سرد هستند.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، اینکه چه الگوهای نظری سیاسی و اقتصادی برای برون‌رفت از ناامنی فراگیر در منطقه غرب آسیا مطرح است، تلاش شده است با بهره‌گیری از روش تبیینی، راهکارهای کاربردی‌تر سیاسی - اقتصادی تحت عناوین الگوهای اقتصادی - سیاسی برای ایجاد نظم امنیتی پایدار مطرح شود. این الگوها شامل همکاری اقتصادی کشورهای غرب آسیا در حوزه جهانی، همکاری چندجانبه با سازمان‌های موفق اقتصادی منطقه‌ای، همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و همکاری اقتصادی درون منطقه‌ای، هستند.

کلیدواژه‌ها: امنیت‌سازی، الگوهای نظری، همکاری‌های اقتصادی، درون منطقه‌ای، برون منطقه‌ای.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران (A.jafari@umz.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری سیاست‌های تطبیقی - مونیخ آلمان (zolfaghari.vahid@gmail.com)

تحول در ساخت قدرت و نظم سیاسی - امنیتی منطقه غرب آسیا

فرامرز حسن‌زاده^۱؛ و فاطمه علی‌پور^۲

چکیده

بافت سیاسی منطقه غرب آسیا آکنده از ساخت قدرت عمودی و غیردموکراتیک است که در این نوع اعمال قدرت از بالا به پایین، تفاوت فرهنگی، سیاسی و برخورد اهداف و منافع، برجسته‌تر شده و موجب بی‌نظمی دامنه‌دار در بین بازیگران منطقه می‌شود؛ بنابراین سؤال مطرح‌شده این است که نظم سیاسی - امنیتی غرب آسیا به چه صورت امکان‌پذیر است. فرض پژوهش این است که با توجه به بنیان نظری صلح دموکراتیک کانت، چنانچه تحولی در ساخت قدرت متمرکز ایجاد شده و قدرت‌های سیاسی منطقه به سمت قدرت متکثر و دموکراتیک حرکت کند، علاوه‌بر اینکه ساخت سیاسی جدید بر پایه دموکراسی موجب می‌شود تا براساس چارچوب نظری یادشده قدرت‌های دموکراتیک از منازعه بپرهیزند، پراکنش قدرت سیاسی در بین بازیگران فراملی نیز موجب می‌شود تا این بازیگران، هم در روابط خود فزای از منافع مختلف را احساس کنند و هم به مدد تکثر سیاسی برآمده از ساخت دموکراتیک قدرت، امکان اظهار خود را داشته باشند و از شکل خشونت‌بار به سمت روند غیرمتخاصم حرکت کنند. برای آزمون فرضیه یادشده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: ساخت قدرت، بافت سیاسی، صلح دموکراتیک.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه مازندران (Faramarz.Hasanzadeh_UMZ@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه مازندران (Fa.Alipour1992umz.ir@gmail.com)

مجموعه امنیت منطقه‌ای غرب آسیا در پرتو گسترش تروریسم و افراطی‌گری، ۲۰۱۰-۲۰۱۵

بابک آذرتاش مغانلو^۱

چکیده

منطقه غرب آسیا از دیرباز کانون منازعات، درگیری‌ها و بحران‌های متعدد بوده است. از آن‌جمله می‌توان به جنگ‌های متعدد داخلی، جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی، جنگ خلیج فارس، رشد بنیادگرایی و سلفی‌گری و غیره اشاره کرد که همه این موارد نشانگر وجود بحران و ناامنی در این منطقه است. سقوط دومینووار برخی از دولت‌ها در این منطقه نشان می‌دهد که منطقه غرب آسیا دچار یک بحران مزمن شده است که برخی از کشورها هنوز دچار این معضل هستند و جنگ‌های فرسایشی در برخی از مناطق مانند سوریه هنوز هم ادامه دارد و این معضل گریبان‌گیر این دولت شده است. در این شرایط قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در پی تأثیرگذاری در این منطقه هستند. منافع قدرت‌های بزرگ ایجاب می‌کند تا به بهانه تأمین امنیت و جلوگیری از رشد و گسترش افراطی‌گری و تروریسم در منطقه غرب آسیا حضور داشته باشند که البته این کشورها در این مورد با شکست روبه‌رو شده‌اند؛ زیرا حضور آنها در این منطقه نه تنها مانع از گسترش تروریسم و افراطی‌گری نشده بلکه باعث رشد ناامنی و افزایش تروریسم در این منطقه شده است. بازیگران منطقه‌ای نیز برای ایفای نقش اصلی در این منطقه تلاش می‌کنند. با توجه به تغییرات به وجود آمده در موازنه قوا در غرب آسیا هریک از بازیگران در این منطقه به دنبال تعدیل این موازنه به نفع خود و متحدان خود هستند. بحث و موضوع اصلی در این پژوهش پرداختن به مجموعه‌های امنیتی است که از جمله آنها مجموعه امنیتی غرب آسیاست. به گفته بری بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا با جنگ به وجود آمده است، برخلاف جنوب آسیا که پویا‌های نامنی منطقه‌ای آن در راستای رقابت بین قدرت‌های بزرگ تشکیل شده است. وجود ناامنی‌های داخلی در برخی از کشورهای منطقه غرب آسیا، از جمله عراق و سوریه، در امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن این منطقه نقش مهمی دارد. گسترش پدیده شوم تروریسم و افراطی‌گری محیط این منطقه را تنش‌آلود و ستیزشی کرده است و ساختار این منطقه را نامتوازن ساخته است.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، افراطی‌گری، مجموعه امنیتی، غرب آسیا.

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد کرچ

دگردیسی رهیافت امنیتی کشورهای غرب آسیا پس از برجام

محمد سوری^۱

چکیده

به‌طور کلی سرشت نظام منطقه‌ای غرب آسیا آنارشی است و هیچ‌گونه اقتدار برتری در قالب سازمان و یا نهاد منطقه‌ای نظیر آنچه در اروپا و غرب وجود دارد، حضور ندارد. همه دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت خود در شکل رئالیستی خود بوده و در این شکل تنها به دنبال موازنه قوا هستند و به عبارت بهتر به شرایط «موازنه فراگیر» دچار هستند. از طرفی مداخلات فرامنطقه‌ای هم نه تنها به بهبود وضعیت کمکی نکرده بلکه به وخامت اوضاع هم انجامیده است.

برجام تأثیراتی بر نظم ژئوپلیتیکی غرب آسیا دارد؛ به بیان دیگر هرچند مسائل و بحران‌های موجود منطقه‌ای مستقیماً در دستور کار مذاکرات قرار نداشت، مفاد توافق و خروجی آنها به صورت غیرمستقیم معادلات غرب آسیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درک این پدیده نیازمند توجه به این واقعیت است که منطقه در دوران گذار به وضعیت تثبیت‌شده جدید به سر می‌برد و در عرصه بین‌المللی شاهد شکل‌گیری مناسبات نوینی هستیم. رقبای ایران در منطقه معتقدند این توافق به واسطه ماهیتش، یک مؤلفه تعیین‌کننده و کلیدی در شکل‌دهی تحولات منطقه خواهد بود. رویکرد کلی مخالفان این بوده که برجام می‌تواند تأثیر منفی نیز بر روندهای سیاسی در غرب آسیا داشته باشد.

این مقاله می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که رویکرد غرب آسیا نسبت به برجام و سیاست ایران پس از برجام چه تغییر و دگردیسی‌ای را تجربه کرده است. فرضیه مقاله این است که به علت افزایش نفوذ ایران در منطقه در سال‌های اخیر و بهبود روابط ایران با غرب، افزایش پیوندهای ایران در اشکال متعدد با جهان، برداشته شدن تحریم و بهبود وضعیت اقتصادی ایران و غیره سبب نگرانی و ترس رقبای منطقه‌ای ایران از برجام و افزایش تصور تهدید و در نتیجه، مقابله با ایران در قالب‌های متعدد از جمله جنگ نیابتی شده است. روش مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است که مبتنی بر نظریه موازنه قوا و موازنه تهدید استغن والت اجرا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: برجام، رویکرد امنیتی، برنامه هسته‌ای ایران، غرب آسیا، رقابت منطقه‌ای.

کش جمعی، چالش دولت ملی در غرب آسیا

حسین بیگمیری^۱

چکیده

پایان جنگ اول جهانی و انعقاد معاهدات صلح بین دولت‌های درگیر جنگ به تقسیم سرزمین‌های امپراتوری‌های شکست‌خورده از جمله امپراتوری عثمانی براساس توافقنامه سائس - پیکو در غرب آسیا انجامید. براساس این توافقنامه، که بین کشورهای انگلستان و فرانسه با رضایت روسیه بسته شد، کشورهای بسیاری شکل گرفت که با گذشت بیش از نیم‌قرن دولت‌های امروزی غرب آسیا (عربی) را شامل می‌شوند. جنبش بیداری اسلامی (بهار عربی) بحران شکل‌گیری داعش، القاعده، بحران کردها در ترکیه، عراق و سوریه، بحث تشیع در عراق، لبنان، بحرین، یمن و عربستان، نقش و جایگاه سنی‌ها در عراق، لبنان، سوریه و بحرین و علویون، مسیحیان و ایزدی‌ها، در این کشورها همگی این عوامل همان‌قدر می‌تواند فرصت‌هایی را برای افزایش حوزه‌های نفوذ برای کشورهای قدرتمند در منطقه ایجاد کند.

پژوهش پیش‌رو می‌کوشد با کاربری نظریه جامعه‌شناسانه تاریخی چارلز تیلی به بررسی و درک بحران‌ها و روندهای کلان دگرگونی‌های اجتماعی با محوریت دولت‌های غرب آسیای قرن ۲۱ از طریق بررسی مبانی تاریخی خرد با استفاده از ابزار جامعه‌شناختی پردازد. چرایی بحران‌ها و دگرگونی‌های حادث‌شده در غرب آسیا ذهن پژوهشگر را متوجه این پرسش عمده ساخته که آیا بحران‌های اخیر و شکل‌گیری گروه‌های افراطی ناشی از دوره گذار به دولت - ملت (کشور) است که غرب آسیا به یک‌باره و به صورت جهشی نسبت به مدل اروپایی و اصلی طی کرده‌اند. چهارچوب تئوریک پژوهش حاضر نیز نظریه جامعه‌شناسی تاریخی تیلی است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، دولت، بهار عربی، جامعه‌شناسی.

^۱ کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان

چشم‌انداز نظم امنیتی غرب آسیا در پرتو قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

فراز خواجهوند^۱ و سجاد خواجهوند^۲

چکیده

تعارضات و ناهمگونی درون منطقه‌ای از یک سو و حضور و مداخله نیروهای فرامنطقه‌ای از دیگر سو دو عامل اساسی در بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای در غرب آسیاست. پس از حملات گسترده آمریکا به افغانستان و عراق، نظم امنیتی غرب آسیا به طور فزاینده‌ای روبه وخامت گذارد. این امر به بهانه تلاش برای مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی صورت گرفت؛ در حالی که خود مهم‌ترین عامل شکل‌گیری گروه‌های افراط‌گرای اسلامی و تشکیلات تروریستی در منطقه شد. در نگاشته پیش‌رو، امنیت به‌عنوان نبود درگیری‌های نظامی و سیاسی داخل دولت‌ها و میان دولت‌های منطقه غرب آسیا تعریف شده است. آینده نظم امنیتی غرب آسیا بیش از هر چیز تحت تأثیر دو مؤلفه توازن قوای منطقه‌ای و میزان حضور و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به‌ویژه آمریکا، است.

هدف از مقاله پیش‌رو درک بهتر تغییر و تحولات نظم امنیتی غرب آسیا با توجه به چالش‌های موجود، سیاست‌های اتخاذی و همچنین تبیین سناریوهای احتمالی با توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده این منطقه است.

کلیدواژه‌ها: نظم امنیتی، قدرت منطقه‌ای، قدرت فرامنطقه‌ای.

۱. کارشناس ارشد مطالعات روسیه (farazkhajvand@gmail.com)

۲. دانشجوی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

نقش گروه سلفی جهادی داعش در آینده نظم هویتی غرب آسیا (آینده پژوهشی و سناریوسازی)

قائم موسوی^۱

چکیده

در غرب آسیا مجموعه‌ای از ۲۴ کشور هستند که نسبت به یکدیگر سطح قدرت هم‌سانی ندارند و باتوجه به وضع توزیع قدرت منطقه، شکل چندقطبی به خود گرفته‌اند. در این منطقه، چهار سطح قدرت وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. قدرت‌های درجه اول شامل: ترکیه، ایران، رژیم غاصب صهیونیستی، عربستان و پاکستان؛ ۲. قدرت‌های درجه دوم شامل: قزاقستان و امارات متحده عربی؛ ۳. قدرت‌های درجه سوم شامل: کویت، سوریه، ازبکستان، لبنان، اردن، گرجستان، عمان، قطر، عراق، بحرین؛ ۴. قدرت‌های درجه چهارم شامل: آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و یمن. به غیر از رژیم غاصب صهیونیستی، بیشتر جمعیت این منطقه را مسلمانان تشکیل می‌دهند؛ ولی جهان اسلام، خود به دو گروه عمده شیعه و سنی تقسیم شده است که این تضاد دینی و ایدئولوژیک باعث شده هرکدام از این کشورها خوانش خاص خود از اسلام را داشته باشند؛ بنابراین، مجموعه نظم‌های هویتی در غرب آسیا باعث شده که کشورهای اسلامی با یکدیگر به رقابت بپردازند و به شکل اتحاد و ائتلاف عمل کنند که عبارت‌اند از: ۱. اتحاد و ائتلاف ایران، سوریه، عراق و حزب‌الله در قالب محور مقاومت؛ ۲. اتحاد و ائتلاف عربستان، قطر، امارات، بحرین، اردن، و ترکیه (ترکیه که به خاطر داعیه خلافت در میان اهل سنت و نزدیکی سیاست‌های کشورهای عربی نسبت به ترکیه وارد این نظم هویتی شده). بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال «آینده پژوهی» نظم منطقه غرب آسیاست و تلاش اصلی نویسنده‌گان در این پژوهش ارائه پاسخی در قالب «سناریوسازی» بدین پرسش است که گروه سلفی جهادی داعش چه نقشی را در آینده نظم منطقه‌ای غرب آسیا خواهد داشت. و آینده متصور نظم منطقه‌ای به سمت کدام اتحاد و ائتلاف تغییر خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: گروه‌های سلفی تکفیری، داعش، هویت، غرب آسیا.

تلاش برای کسب وضعیت جدید در

نظام بین‌الملل: مقایسه ایران و چین

تاج‌الدین صالحیان^۱؛ سجاد بهرامی مقدم^۲ و ضیاء‌الدین صبوری

چکیده

دولت‌ها همواره در تلاش هستند که بتوانند جایگاه نسبی‌شان در نظام بین‌الملل را ارتقا بخشند. ارتقای جایگاه، نیاز به کسب شناسایی از سوی سایر دولت‌ها دارد. در همین راستا، دولت‌ها سعی می‌کنند هویت خود را به گونه‌ای متحول کنند که تصور دیگران در مورد خود را تغییر دهند؛ به عبارت دیگر، سیاست بین‌الملل صرفاً تلاشی برای کسب امنیت و ثروت نیست، بلکه تلاشی برای کسب شناسایی نیز هست.

سازمانگاری و نظریه هویت اجتماعی به بررسی این موضوع پرداخته است. نظریه هویت اجتماعی فرض کرده است که افراد یا بازیگران از طریق عضویت در گروه‌های اجتماعی از قبیل احزاب، نهادها، ملت‌ها و سازمان‌ها کسب هویت و به تبع آن ارتقای جایگاه می‌یابند؛ یعنی بازیگران خواستار پیوستن به گروه‌هایی هستند که از یک هویت مثبت برخوردارند. به طور کلی، دولت‌ها در نظام بین‌الملل تصویری را که دیگران از هویت و وضعیت‌شان دارند نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند با تحول در هویت خویش تصور دیگران را در مورد خود تغییر دهند. آنها غالباً تصویری بهتر از تصور دیگران در مورد خود دارند.

در این مقاله ضمن توضیح سه استراتژی، به مقایسه انتخاب استراتژی‌های دو کشور چین و ایران در این زمینه پرداخته خواهد شد و گفته می‌شود که چین برای ارتقای وضعیت خود، با اینکه مؤلفه‌هایی از رقابت اجتماعی را هم دارد ولی به استراتژی تحرک اجتماعی متوسل شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، چین، نظام بین‌الملل، نظریه هویت اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل (salehiyant@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل

بررسی تطبیقی تحولات نظم امنیتی غرب آسیا قبل و بعد از ۲۰۱۱

ایمان صفرزاده^۱

چکیده

غرب آسیا از دیرباز، منطقه‌ای پرتنش و مملو از حوادث بیشمار تاریخی بوده است. خاستگاه ادیان الهی بودن این منطقه، موقعیت استراتژیک آن، منابع سرشار انرژی، مسئله فلسطین و امروزه افراط‌گرایی و تروریسم و مهاجرت مجموعه عواملی هستند که توجه جهانیان را به این منطقه معطوف می‌دارد. شکل‌گیری یک نظم امنیتی در خاورمیانه به صورت یک مجموعه امنیتی دقیقاً با فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری دولت ملت‌های جدید از طریق قرارداد سایکس - پیکو در این منطقه ظهور پیدا کرد، اما تحولات پس از ۲۰۱۱ بار دیگر نقطه عطفی را در تاریخ خاورمیانه پس از سقوط عثمانی خلق کرد، تا جایی که می‌توان گفت نقش بازیگران منطقه‌ای در ایجاد و شکل‌دهی به نظم امنیتی در خاورمیانه بسیار پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر از سابق شد.

در ورای جنگ سرد و پس از آن، دولت‌های خاورمیانه توسط بازیگران خارجی پایه‌گذاری و حمایت می‌شدند، و حفظ بقای حکومت‌های آنها همه بسته به حمایت و پشتیبانی آنها داشت. اما تحولاتی که پس از ۲۰۱۱ رخ داد منجر به سقوط دیکتاتوریهایی شد که سال‌های زیادی قدرت را با حمایت بازیگران خارجی به دست گرفته بودند، این تغییر حکومت‌ها در منطقه تا حدودی افزایش قدرت عمل بازیگران منطقه‌ای را در پی داشت. اما نتیجه دیگر تحولات پس از ۲۰۱۱ ظهور و قدرت‌گیری گروه‌های تروریستی و افراطی بود، که درصدد تغییر مرزهای خاورمیانه پس از قرارداد سایکس - پیکو بودند.

اما با وقوع انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱، نظم امنیتی مبتنی بر حکومت‌های دیکتاتوری محافظه‌کار سنتی از هم فروپاشید و هرج و مرج به وجود آمده منجر به قدرت‌گیری تروریسم تکفیری در منطقه گردیده تا جایی که دو کشور سوریه و عراق تحت اشغال این تروریسم قرار گرفته است. اگرچه ایران و عربستان هر کدام با داشتن دو ایدئولوژی متفاوت، همواره بر سر قدرت‌گیری در منطقه با یکدیگر رقابت داشتند اما پس از تحولات بهار عربی این رقابت‌ها وارد ابعاد گسترده‌تر و مستقیم‌تری شده است. ایران و عربستان هر کدام در این رقابت، بیشترین منافع و مطلوب خود را دنبال می‌کنند و تلاش دارند که بتوانند بیشترین اثرگذاری را در شکل‌دهی به نظم امنیتی جدید داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: نظم امنیتی، بهار عربی، بازیگران منطقه‌ای، بازیگران خارجی، تروریسم.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (emansafarzadeh@yahoo.com)

تغییر نظام‌های امنیتی در خاورمیانه

جواد حیران‌نیا^۱

چکیده

مطالعات امنیتی، به مرور زمان به سوی چندبُعدی‌نگری «امنیت» سوق یافته‌اند. تحولات ناشی از جهانی‌شدن و واقعه یازدهم سپتامبر نیز درک شبکه‌ای از «امنیت» را رایج ساخته است؛ از این رو، عموماً بررسی «چالش‌های امنیتی» در چارچوب این تحولات نظری، سازماندهی و مطرح می‌شوند. تحولات منطقه غرب آسیا در سال‌های گذشته نشان داده که هم موضوع امنیت و هم مرجع امنیت از تفسیر کلاسیک آن فاصله گرفته است. جایی که در رویکرد سنتی به امنیت، هدف و مرجع امنیت «دولت» قلمداد می‌شد و موضوع امنیت موضوعی «نظامی» ولی تحولات سال‌های اخیر نشان داده که امنیت دیگر نه «دولتی» است و نه صرفاً مسئله‌ای «نظامی». حاکم‌شدن این رهیافت بر مناسبات دولت‌ها باعث شده بود که نسبت به آنچه در زیر سطح دولت‌ها (یعنی چالش‌های داخلی ناشی از مشروعیت نداشتن، مشکلات مربوط به دولت رانتیر، نارضایتی‌های سیاسی) می‌گذشت بی‌توجهی شود که این مشکلات با حضور قدرت‌های بزرگ و وابستگی امنیتی رژیم‌های محافظه‌کار عرب به آمریکا به‌طور یک‌جانبه به تدریج در طی این دهه چهره خود را آشکار ساخت و در نهایت حادثه ۱۱ سپتامبر به یک معنا اوج چالش رهیافت رئالیستی در منطقه محسوب می‌شود که لازم است بازیگران منطقه در نوع مناسبات خود تجدید نظر کنند.

در این نوشتار بر اهمیت و لزوم رسیدگی به نگرانی‌های موجود در مورد وضع امنیت انسانی در کنار پیشرفت‌های به دست آمده در جریان فرآیند بهار عربی تأکید شده است. بسیاری از اعراب از لیبی در شمال آفریقا گرفته تا یمن، به امید رسیدن به آزادی از ترس، رهایی از نیاز و حق داشتن زندگی شرافتمندانه، دست به جنبش‌های دموکراسی‌خواهانه زده‌اند. این مقاله به دنبال بررسی این پرسش اصلی است که حادثه ۱۱ سپتامبر و در ادامه آن بروز انقلاب‌های عربی چه آثاری بر نظم امنیتی منطقه غرب آسیا داشته است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، نظام‌های امنیتی، یازدهم سپتامبر، رئالیستی، امنیت.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علوم و تحقیقات - دبیر گروه خلیج فارس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

اتحاد دفاعی - امنیتی کشورهای عربی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک قدرت در غرب آسیا

علیرضا رحیمی^۱

چکیده

درخصوص اهداف و دلایل تشکیل اتحادیه‌ها و ائتلاف‌ها نظرات متفاوت و گاه ضد و نقیضی مطرح شده است. وجود تصورات مشترک از خطر و ترس متقابل یا به عبارت بهتر، وجود تهدید مشترک از مهم‌ترین و محکم‌ترین مبانی تشکیل اتحاد بیان شده است. کشورهای عربی و در رأس آن مصر و عربستان، سال‌ها بود که رژیم صهیونیستی را به عنوان تهدید مشترک قلمداد کرده و سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی خود را براساس آن تنظیم و اعمال می‌کردند. مصر پس از پیمان کمپ دیوید از این جریان خارج شد؛ اما عربستان همچنان به عنوان رهبر مبارزه با اشغال‌گری رژیم صهیونیستی و دفاع از فلسطین در جهان اسلام مطرح بود. پس از بیداری اسلامی و به‌طور خاص در دو سال اخیر، تعریف امنیت ملی عربی در میان کشورهای عربی دچار تغییراتی شده و بیشتر این کشورها تعریف خود از دشمن و تهدید مشترک را تغییر دادند و بر این اساس، ایران را نماد تهدید مشترک معرفی کرده‌اند. نکته مهم دیگر پذیرفتن رهبری عربستان سعودی از طرف بیشتر کشورهای عربی بوده است؛ به‌طوری که حتی کشورهایی که چه به لحاظ اقتصادی و چه نظامی در وضعیت مناسبی به سر می‌برند، این امر را پذیرفته و بیشتر سیاست‌ها و اقدامات‌شان را با عربستان هماهنگ کرده‌اند. نشانه‌های این امر نیز در تشکیل ائتلاف حمله به یمن، ائتلاف عربی اسلامی مبارزه با تروریسم و غیره متبلور شده است. باتوجه به موارد یادشده سعی شده تا با روش توصیفی - تحلیلی تأثیر اتحادهای دفاعی امنیتی کشورهای عربی و به‌طور خاص تشکیل نیروی مشترک نظامی عربی بر ژئوپلیتیک قدرت در غرب آسیا به‌عنوان هدف اصلی بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: اتحاد، ائتلاف، نیروی مشترک عربی، عربستان سعودی، اتحادیه عرب، غرب آسیا.

۱. کارشناس ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع) (kparahimi@ihu.ac.ir)

امکان‌سنجی ایجاد بازدارندگی میان مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در غرب آسیا و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا

دلیله رحیمی آشتیانی^۱؛ و پیمان بختیاری^۲

چکیده

غرب آسیا همچنان منطقه‌ای آکنده از منازعات بی‌پایان و درعین‌حال، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست. مسائل این منطقه محل تداخل منافع بازیگران فرامنطقه‌ای است و این تداخل با ساخت قدرت در درون کشورهای منطقه پیوند محکمی دارد. روابط درونی این منطقه در بازه زمانی طولانی با عدم قطعیت و منازعه آشوب درهم‌آمیخته و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جنگ‌های میان‌دولتی، تحولات و انقلاب‌های سیاسی و خشونت‌های قومیتی، مسائل این منطقه را بیش‌ازپیش پیچیده ساخته است. آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد، تعدد بازیگران سیاسی منطقه است. در نگاه کلی می‌توان بازیگران منطقه را به سه دسته کلی بازیگران منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای، و جهانی تقسیم کرد.

در این مقاله، مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای ایران و عربستان در نظر گرفته شده‌اند؛ روسیه بازیگر فرامنطقه‌ای و آمریکا بازیگر جهانی حاضر در صحنه غرب آسیاست. سؤال اصلی مقاله این است که آیا امکان ایجاد بازدارندگی میان ایران و قدرت‌های موجود در منطقه وجود دارد. فرضیه نوشتار حاضر این است که ایران می‌تواند از طریق ایجاد توازن با عربستان، میان خود و بازیگران فرامنطقه‌ای و جهانی این منطقه بازدارندگی ایجاد کند که این مسئله در میان‌مدت به سود ایران خواهد شد و در ادامه، به چگونگی برقراری این بازدارندگی اشاره خواهد شد. در این مقاله تلاش شده است که با کمک پارادایم رئالیسم، و در چهارچوب نظریه بازدارندگی، روابط میان عمده‌ترین بازیگران منطقه‌ای (ایران و عربستان)، بازیگر فرامنطقه‌ای (روسیه)، و بازیگر جهانی (آمریکا) واکاوی شود و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ایران، آمریکا، عربستان، روسیه، بازدارندگی، توازن قوا.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران. (d.rahimiashtiani@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

واکاوی و ارزیابی عوامل و زمینه‌های همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس

ابوالفضل زمانی^۱؛ و محسن زمانی^۲

چکیده

از دید جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عوامل و عناصر جغرافیایی و به‌طور خاص مناطق جغرافیایی در رویدادها و فرایندهای سیاسی نقش دارند. یکی از این مناطق جغرافیایی خلیج فارس است که نقش بی‌بدیلی را در رویدادهای جهانی ایفا می‌کند. این منطقه بنا به علل مختلفی از جمله: انرژی، گذرگاه‌های آبی و استراتژیک و لزوم برقراری امنیت آن برای قدرت‌های بزرگ، و بازار مصرف از اهمیت زیادی در معادلات جهانی برخوردار است، به‌طوری‌که می‌توان خلیج فارس را در سرآغاز هزاره سوم، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیا قلمداد کرد. در این زمینه، ایجاد همگرایی در این منطقه ژئوپلیتیکی و افزایش زمینه‌های آن یکی از الزامات برای توسعه و پیشرفت در این منطقه ژئوپلیتیکی است که این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی عوامل و زمینه‌های بالقوه و بالفعل همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: مسائل زیست‌محیطی، عوامل ژئوکالچر، اشتراکات فرهنگی، عوامل اقتصادی، دراختیار داشتن ذخایر عظیم هیدروکربنی و منافع مشترک.

کلیدواژه‌ها: همگرایی، منطقه، منطقه ژئوپلیتیکی، خلیج فارس.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی تهران

۲. دانشجوی دوره دکتری جغرافیای سیاسی، گرایش سازمان سیاسی فضا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

فصل سوم

چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای و تأثیر مسائل نوظهور بر نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا

چالش‌های دولت ملی و تداوم ناآرامی‌ها در منطقه غرب آسیای عربی

دکتر سید عبدالامیر نبوی^۱

چکیده

ناکامی مطالبات تحول‌خواهانه در اغلب کشورهای خاورمیانه عربی پس از ۲۰۱۱ و بروز سرخوردگی عمومی، زمینه مناسب را برای دامن زدن به اختلافات قدیمی و تداوم ناآرامی‌ها در این کشورها فراهم آورده است. بالاگرفتن ستیز و درگیری که در برخی موارد به جنگ داخلی منجر شده، سبب شده است که احتمال تجزیه کشورهایی چون: سوریه، عراق، لیبی و یمن و بازتعریف مرزهای سیاسی مطرح شود. چنین بحثی گاه درباره اردن، عربستان و مصر هم به میان آمده است. همچنین با توجه به ناکارآمدی ساختاری دولت در این‌گونه کشورها و نیز ناتوانی قدرت‌های غیرعربی منطقه از مدیریت بحران، عده‌ای از تحلیلگران متذکر لزوم دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای آغاز روند دولت-ملت‌سازی بین‌المللی (از بیرون) شده‌اند. نوشته حاضر ضمن تأکید بر آنکه دولت - ملت‌سازی ضعیف در منطقه غرب آسیای عربی دارای ریشه‌های عمیق تاریخی است و با پذیرش این نکته که نقش و منزلت سنتی دولت‌ها دچار دگرگونی شده است، آغاز مرگ دولت ملی در این منطقه را اغراق‌آمیز می‌داند. براین اساس، عموم دولت‌های موجود در منطقه عربی مصداق روشنی از دولت در مانده به‌شمار می‌آیند و فاقد اراده و ظرفیت لازم برای اصلاح ساختاری هستند، برای همین همواره در معرض ناپایداری قرار دارند. باین‌حال، عامل هویت که به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و تحت تأثیر ملی‌گرایی عربی تقویت شد، زمینه را برای تجزیه - دست‌کم - دو کشور عراق و سوریه تضعیف می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، ملی‌گرایی عربی در کنار ناکامی در تحقق آرمان‌ها و وعده‌هایش، از جمله نابودی رژیم صهیونیستی موفق شد نسل‌های مختلف جهان عرب را تحت تأثیر تعریف خود از هویت ملی قرار دهد. بنابراین، از این دید، همچنان که زمان کاهش ستیز و درگیری و آغاز روند واقعی اصلاحات سیاسی و اقتصادی در منطقه غرب آسیای عربی فرا نرسیده است، به‌نظر می‌رسد انتظار شکل‌گیری دولت‌های جدید در این منطقه غیرواقعی است.

کلیدواژه‌ها: بحران دولت-ملت، دولت، دولت - ملت‌سازی بین‌المللی، هویت، غرب آسیای عربی.

۱. استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (nabavi@iscs.ac.ir)

افراط‌گرایی اسلامی و تشدید بی‌نظمی منطقه غرب آسیا؛ تحول در نقش و منزلت ایران، ترکیه و عربستان

دکتر سید اصغر کیوان حسینی^۱

چکیده

موج تحولاتی که از سال ۲۰۱۱ بر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا شکل گرفت، به مقدمه‌ای برای آغاز افراط‌گرایی دینی مسلح به الگوهای نوین تروریسم تبدیل شد؛ به این ترتیب، روند جدیدی از خشونت‌گرایی بر منطقه مسلط شد که از ابعاد گوناگونی نوظهور بود. در این شرایط، هریک از بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای به‌ویژه ایران، عربستان و ترکیه ناگزیر در صدد بازنگری در نقش و موقعیت خود متناسب با فضای جدید برآمدند. نتیجه این وضعیت، افت‌وخیز محسوسی است که گریبانگیر الگوی نفوذگذاری این دولت‌ها شد. بر این مبنای سرانجام شکل گرفته را می‌توان در ماتریسی تصویر کرد که یک ضلع آن به رفتار انفرادی بازیگران یادشده مربوط می‌شود و زاویه دیگرش نقش و منزلت آنان را دربرمی‌گیرد. در این خصوص، جمهوری اسلامی ایران کوشید اهداف ضدتروریستی افراطی خود را در جهت تعمیق ثبات‌آفرینی در منطقه پیش‌برد و از طریق بسیج منابع نرم (به‌ویژه چانه‌زنی دیپلماتیک) و سخت (حضور نظامی) قدرت، ملاحظات امنیتی مطلوب را در عمق استراتژیکی نوآورانه‌ای که دست‌کم عراق و سوریه را دربرمی‌گیرد تأمین کند. عربستان نیز دامنه ابتکارات راهبردی‌اش را در ابعاد جدیدی با دو شاخص حمایت از افراط‌گرایی و تقابل‌گرایی با ایران ترسیم کرد. بر مبنای منطق ناظر بر این نوشتار، شرایط کنونی منطقه خاصه در سایه روند ظهور، قدرت‌یابی و افول داعش از نشانه‌های نوآورانه‌ای برخوردار شده است که در نهایت، آینده جدیدی را به سیاست بین‌الملل منطقه‌ای تحمیل خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، افراط‌گرایی اسلامی، ترکیه، عربستان، ایران.

۱. دانشیار روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

نگاهی به چالش‌های حقوق بشری در غرب آسیا

دکتر محمودرضا گلشن‌پژوه^۱

چکیده

در این مقاله، وضعیت حقوق بشر در شش کشور عرب منطقه غرب آسیا و حاشیه خلیج فارس، یعنی عربستان، قطر، بحرین، یمن، امارات و کویت با استفاده از جدیدترین (۲۰۱۴ - ۲۰۱۶) گزارش‌های عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، وزارت خارجه آمریکا، و تعدادی از سمن‌ها و مراکز ناظر ملی همچون: جمعیت ملی حقوق بشر عربستان، کمیته ملی حقوق بشر قطر، مرکز حقوق بشر بحرین مورد بررسی قرار گرفته است. براین مبنای مهم‌ترین محورهای نقض، پس از تقارن گزارش‌های ذکرشده با یکدیگر و حذف موارد مشترک یا دارای اهمیت کمتر اخذ، دسته‌بندی و تدوین شده است. دیدگاه اصلی مقاله آن است که با توجه به اهمیت روزافزون مسائل حقوق بشری برای افکار عمومی، نهادهای جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی محلی و بین‌المللی و بازتاب آن در نهادهای بین‌المللی، موضوع حقوق بشر در سال‌های آتی به معضلی قابل توجه برای دولت‌های عربی منطقه بدل خواهد شد. استفاده هوشمندانه و ظریف از این موضوع، به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مدیریت روابط با این دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های موجود در طیف رقیب تا دشمن یاری خواهد رساند.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، غرب آسیا، نهاد بین‌المللی، سیاست خارجی.

۱. دکترای روابط بین‌الملل و کارشناس مسائل حقوق بشر

افراط‌گرایی مذهبی و نظم منطقه‌ای غرب آسیا: از نظم وستفالی تا امپراتوری‌های در سایه

دکتر مهدی عابدی^۱

چکیده

غرب آسیا منطقه‌ای پرتنش است. بسامد جنگ‌ها، ناامنی‌ها و آشوب‌های موجود در این منطقه دست‌کم از جنگ جهانی اول به بعد، ظهور رژیم صهیونیستی و پیدایش دولت - کشورهای عربی در مقایسه با سایر نقاط جهان بیشتر و فیصله‌ناپذیرتر بوده است. با این حال، وجود دولت‌های اتوکراتیک در این منطقه و دیکتاتورهای باثبات نسبی، دست‌کم ساختار امنیتی دولت‌محور و مبتنی بر موازنه هراس را به منزله بخشی از سرشت و طبیعت این منطقه بر آن مستولی ساخته بوده است. پیدایش تروریسم مذهبی، افراط‌گرایی و به‌ویژه رواج آن در قالب گروه‌های وابسته به القاعده و طالبان و در دوره کنونی داعش، به تدریج این نظم وستفالیایی دولت‌محور را کم‌رنگ ساخت. از سویی، منافع دولت‌های متعارض در این منطقه ایجاب کرد که در دوره‌هایی و به فراخور نوع این سازمان‌های تروریستی، اندیشه توسعه‌طلبانه این دولت‌ها موجب جذب مقطعی و مستمر برخی از این سازمان‌های تروریستی گردد، به شکلی که در حال حاضر می‌توان ادعا کرد دولت‌های منطقه از طریق این سازمان‌ها به گونه‌ای پنهان و با واسطه، مرزهای راهبردی خود را گسترش داده و در مفهومی مجازی امپراتوری‌های پنهانی را در منطقه جانشین نظم امنیتی سابق کرده‌اند. فرضیه این پژوهش بر پایه این پیش‌داخت آن است که خروج از نظم رئالیستی دولت‌محور و به‌کارگیری سازمان‌های تروریستی افراط‌گرای مذهبی، امکان بروز تنش‌های نظامی را میان دولت‌های منطقه افزایش خواهد داد و ساختار غرب آسیا را بیش از پیش آناشیک خواهد ساخت.

کلیدواژه‌ها: افراط‌گرایی مذهبی، نظم منطقه‌ای، غرب آسیا، موازنه وحشت، تروریسم.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اندیمشک، گروه علوم سیاسی.

دورنمای بحران داخلی عراق و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا

دکتر داود غرایق زندی^۱

چکیده

دورنمای وضعیت عراق بر آینده نظم امنیتی غرب آسیا و شمال آفریقا تأثیر بسیاری دارد. وضعیت عراق از آن روی واجد اهمیت زیاد است که در کنار بحران سوریه می‌تواند پیامدهای فراوانی برای نقشه غرب آسیا داشته باشد. عراق در تقریباً ۹۵ سال پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی همچنان درگیر ملت - دولت‌سازی است و حاکمیت و تمامیت سرزمینی خود را در معرض تهدید و خطر می‌بیند. روندهای طی شده در این مدت زمان باعث شده تا عراق از یک کشور ساختگی به کشوری شکست‌خورده و درنهایت، ورشکسته بدل گردد. بررسی روندهای طی شده، سه سناریوی «تداوم وضعیت نیمه‌فدرالی و نیمه‌بسیط، فدرالی، و تجزیه» را نشان می‌دهد که در هر سناریو پیشران‌ها و سدکننده‌ها مطرح شده و در ادامه نیز کارت‌های شگفتی‌ساز نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بهترین سناریو یا سناریوی ترجیحی در این مقاله سناریوی نخست و امکان تداوم وضعیت کنونی در عراق و شکست داعش برای تمامی کشورهای منطقه و فرامنطقه و برای نظم و امنیت منطقه‌ای و جهانی است. درنهایت، پیشنهادهایی در راستای منافع ملی ایران برای آینده نظم عراق و غرب آسیا مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: عراق، غرب آسیا، نظم منطقه‌ای، آینده‌پژوهی، سیاست خارجی.

۱. استادیار پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی

امنیت زیست‌محیطی غرب آسیا: روندها و چالش‌ها

دکتر داود فیاضی^۱

چکیده

امروزه اهمیت حوزه محیط زیست در جهان و در کشور از اهمیت راهبردی هرچه بیشتری برخوردار شده و به جهت پیامدهای گسترده و اجتناب‌ناپذیر خود، به تدریج از موضوعی درجه دوم و تزیینی به موضوعی اساسی در حال تبدیل شدن است. اساساً تهدیدات زیست‌محیطی تهدیداتی بدون محدودیت در زمان و مکان است و آثار فرامرزی بر کشورها دارد. امروزه در نظامات گوناگون سیاست‌گذاری، توجه به شناخت آینده به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. چالش‌های زیست‌محیطی غرب آسیا با آینده‌پژوهی و روندپژوهی این تحولات از منظری راهبردی‌تر برای فهم بهتر محیط زیست و تأثیرات آن بر امنیت ملی، واکنش‌ها، تأثیرات و پیامدها و مخاطراتی که وجود دارد، موضوعاتی هستند که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرند تا موجباتی برای ارتقاء نظام سیاست‌گذاری و شناخت کامل از مسائل، تهدید جامعه و یک اجماع نظر حاصل شود.

سؤالات اصلی مقاله حاضر این است که مسائل و چالش‌های امنیت زیست‌محیطی غرب آسیا کدامند و چه پیامدهایی برای نظم منطقه‌ای و امنیت ملی کشور دارند. نویسنده جهت پاسخگویی به این پرسش‌ها، از تحقیقات کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات، و روش روندپژوهی برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده استفاده کرده است و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که پیامدها و تبعات چالش‌ها و تحولات زیست‌محیطی بدون مرز خواهد بود. لذا نیازمند نگاهی آینده‌پژوهانه و راهبردی به حوزه مسائل امنیت ملی در حوزه محیط زیست خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: امنیت، تغییرات اقلیمی، امنیت ملی، امنیت زیست‌محیطی، غرب آسیا.

بررسی نقش افراط‌گرایی مذهبی در همگرایی منطقه‌ای آسیای مرکزی

دکتر مهدی میرمحمدی^۱؛ و محسن کریمی شیرودی^۲

چکیده

اسلام در آسیای مرکزی تا قبل از روی کار آمدن بلشویک‌ها همواره به عنوان گفتمانی هویت آفرین و بافتاری در تعاملات میان حکومت‌های این منطقه مطرح بود. با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و تشکیل تدریجی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز در این اتحاد ادغام شدند. سیاست‌های ضد مذهب در شوروی که ناشی از تفکرات کمونیستی از یک سو و الزامات تمرکزگرایی از سوی دیگر بود، اسلام را در این منطقه به انزوا راند. در این دوران و پس از فروپاشی شوروی، اسلام همواره به عنوان گفتمانی نامطلوب برای نخبگان سیاسی آسیای مرکزی به شمار رفته و رویکردی خصمانه در قبال آن داشتند. حرکت‌های بنیادگرایانه و افراطی در این منطقه نیز دستمایه تداوم و تشدید فشارها بر احزاب و گروه‌های اسلامی بوده است. بدین ترتیب حرکت‌های افراطی اسلام‌گرایانه به عنوان زمینه تهدید آفرین مشترک در تمامی جمهوری‌های آسیای مرکزی مطرح شده است. نوشتار حاضر در تلاش است تا دریابد که افراط‌گرایی مذهبی به عنوان خطری برای امنیت وجودی این جمهوری‌ها چه نقشی در همگرا ساختن و گسترش همکاری بین آنها دارد؟ نویسندگان معتقدند که همگرایی در دو وجه وضعیت و فرایند تنها دو خوانش از یک مفهوم واحد هستند و افراط‌گرایی مذهبی می‌تواند فرایندی خاص برای رسیدن به وضعیت همگرا باشد. در عین حال این شیوه از همگرایی در منطقه می‌تواند مقدمه‌ای برای این جمهوری‌ها در جهت شناخت عمیق‌تر یکدیگر و مزیت‌های بالقوه همکاری باشد.

کلیدواژه‌ها: همگرایی، آسیای مرکزی، بنیادگرایی اسلامی، وضعیت همگرا، فرایند همگرایی.

۱. دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای در دانشگاه تهران

تأثیر شکنندگی دولت سوریه بر تحولات امنیتی منطقه غرب آسیا

دکتر رضا اختیاری امیری^۱

چکیده

تحولات اخیر ژئوپلتیک غرب آسیا منجر به ظهور دولت‌های شکننده ای نظیر سوریه در منطقه شده است. دولت‌هایی که از حاکمیت مستحکمی برخوردار نبوده و حکومت در انجام کارکردهای اصلی خود با دشواری‌ها و معضلات فراوانی مواجه می‌باشد. با توجه به این مساله، سوال اصلی پژوهش حاضر بر این مبنا قرار گرفته است که شکنندگی دولت سوریه چه تأثیری تاکنون بر تحولات امنیتی ژئوپلتیک خاورمیانه داشته است.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. این پژوهش در چارچوب نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای و همچنین تفسیر موسع از امنیت یا امنیت چند بعدی که در مکتب گپنهاک مطرح می‌گردد، این گزاره را مفروض می‌پندارد که، با توجه به اهمیت استراتژیک سوریه در منطقه، شکنندگی این دولت بر مناسبات امنیتی کشورهای خاورمیانه تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشته است. به عبارت دیگر، جنگ داخلی سوریه و ضعف دولت بشار اسد شرایطی را فراهم ساخته تا کنشگران دولتی مانند ترکیه، عربستان، قطر و امارات و همچنین بازیگران غیردولتی نظیر گروه تروریستی داعش در سوریه نفوذ و دخالت کرده و متعاقباً نظم امنیتی منطقه دستخوش تغییرات چشمگیری شود. در نتیجه تقابلات استراتژیک میان کشورهای ذینفع نیز معمای امنیتی منطقه تشدید شده است. البته دخالت‌های قدرت‌های بزرگ در این ارتباط بسیار حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: دولت شکننده، سوریه، غرب آسیا، امنیت، کپنهاگ.

۱. استادیار دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی: ekhtiari2002@gmail.com

تأثیر بحران سوریه بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا

دکتر سید حمزه صفوی^۱ و سید مهدی نبوی^۲

چکیده

منطقه‌ای بسیار مهم ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا همواره محل کشمکش و منازعه بوده است. درهم‌تنیدگی امنیت اعضای این مجموعه به شکلی است که هر تحولی در بخشی از آن امنیت سایر اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، بررسی تحولات امنیتی این منطقه و تأثیرات و تبعات آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌خصوص اینکه جمهوری اسلامی ایران نیز از بازیگران اصلی منطقه است. غرب آسیا از سال ۲۰۱۰ دچار تحولاتی شده است که مهم‌ترین آنها بحران سوریه است و این تحولات روابط میان بازیگران مهم منطقه را بسته به منافعشان تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش با کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش است که بحران سوریه چه تأثیری بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا داشته است. فرضیه اصلی این پژوهش این است که بحران سوریه موجب شکل‌گیری زیرمجموعه جدیدی در مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا شده است. یافته‌های این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، با بررسی عملکرد بازیگران مهم بحران در سوریه نشان می‌دهد که سه زیرمجموعه فعلی قادر به تبیین این منازعه نیستند و به دلیل تعدد بازیگران منطقه‌ای و وجود دوقطبی مخالفان و حامیان دولت سوریه، زیرمجموعه جدیدی حول محور بحران سوریه و به‌نوعی حول حامیان و مخالفان محور مقاومت شکل گرفته است. از تبعات احتمالی شکل‌گیری این زیرمجموعه می‌توان به بروز جنگ‌های نیابتی، تشدید هویت مذهبی و شکاف فرقه‌ای و زدوبندهای فرامنطقه‌ای اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: مجموعه امنیتی منطقه‌ای، غرب آسیا، بحران سوریه، محور مقاومت.

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (Safavi@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش غرب آسیا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. (Sm.nabavi@ut.ac.ir)

(نویسنده مسئول)

تبیین زمینه‌ها و فرصت‌های ناشی از مقابله با افراط‌گرایی به‌منظور توسعه همگرایی در غرب آسیا

دکتر عنایت‌الله یزدانی^۱؛ و محسن حکمتی‌خوان^۲

چکیده

تجربه کودتا، رشد و گسترش افراط‌گرایی، افزایش خشونت و بی‌قانونی‌های دولتی در غرب آسیا در مقابل تجربه موفق تشکیل و ادامه حیات سازمان‌های منطقه‌ای به‌خصوص با اهداف امنیتی، در سایر مناطق جهان همواره ذهن پژوهشگران را به سمت کارآمدسازی اهداف و توافق‌های منطقه‌ای در غرب آسیا در قالب و چهارچوب یک سازمان منسجم معطوف داشته است. نبود امنیت منطقه‌ای و گسترش گروه‌های افراطی به‌عنوان مهره‌های قدرت‌های بزرگ در منطقه غرب آسیا و پیگیری و پیشبرد اهداف آنها، لزوم تشکیل یک سازمان منطق‌ای به‌عنوان هسته مرکزی مقاومت در برابر تروریسم افراطی و تروریسم دولتی را دوچندان کرده است. اختلاف‌های عمیق و شکاف‌های فعال مذهبی، اختلاف در مفاهیم و مصادیق گروه‌های افراطی و تروریستی، دست‌بندی کشورها در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای، دخالت‌های فرامنطقه‌ای، سود حاصل از تجارت‌های گسترده دولت‌های غربی در فروش تسلیحات و جنگ‌افزار به کشورهای غرب آسیا و دموکراسی نیم‌بند، مهم‌ترین موانع پیش‌روی شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای به حساب می‌آیند.

از این‌رو مقاله حاضر به بررسی نظریات همگرایی منطقه‌ای و تبیین اهداف مشترک و هدف‌گذاری جامع در رسیدن به یک نظم نوین منطقه‌ای می‌پردازد که در آن کسب منافع حداکثری کشورهای عضو از مهم‌ترین اهداف باشد و به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد که افراط‌گرایی می‌تواند با وجود سایر اختلافات، عامل و فرصتی برای همگرایی امنیتی در غرب آسیا شود.

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد تعیین اهداف منع فروش تسلیحات به گروه‌های افراطی و تروریستی، حمایت نکردن کشورهای عضو از این گروه‌ها، جلوگیری از عضوگیری گروه‌های افراطی و تروریستی از کشورهای عضو، کمک به کشورهای درگیر پدیده افراط‌گرایی می‌تواند در کنار گسترش مناسبات تجاری، آموزش و فرهنگ، همگرایی حول محور دین واحد فارغ از تکرر مذاهب، موجب همگرایی در غرب آسیا شود.

کلیدواژه‌ها: همگرایی، سازمان منطقه‌ای، نظم نوین، افراط‌گرایی.

۱. دانشیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (eyazdan@ase.ui.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای

دولت‌های فرومانده، تراکم بحران و تسری ناامنی: مطالعه موردی افغانستان

سمیه مروتی^۱

چکیده

امروز خاورمیانه و جهان آستان حوادثی است که بخش اعظم آن را مباحث امنیتی ناشی از ضعف نهاد دولت و افزایش نقش گروه‌های خشونت‌ورز که با تکیه بر باورهای دورنگرانه مذهبی دست به بازتعریف نقشه قدرت، هویت و ادراک بازیگران خرد و کلان در صحنه داخلی و بین‌المللی می‌زنند شده است. بازیگرانی که در دهه نود میلادی نادیده گرفته شدند و امروز فضای بین‌الملل را ناگزیر از اقدام عاجل برای رفع و حل معضلی به نام بازیگران بدون مرز کرده‌اند. در این فضا امنیت دیگر محصول نزاع میان دولت‌ها نیست و توانمندی بازیگران فروملی برای اثرگذاری بر نظم و امنیت بین‌المللی به رسمیت شناخته شد. در این میانه توجه به روند دولت - ملت‌سازی و مسائلی نظیر همگرایی ملی، هویت منسجم، تثبیت نهادهای سیاسی و... بسیاری را به سوی چرایی شرایط کنونی برخی دولت‌ها نظر افغانستان کشاند و ارتباط معناداری میان گره‌های امنیتی امروز منطقه و ساخت قدرت و حکومت در آنها یافتند.

این پژوهش بر این باور شکل گرفته که این دولت‌ها (در اینجا افغانستان) به سبب طی نکردن درست فرآیند مدرنیزاسیون، توسعه و ضعف نهاد دولت (دارا بودن شاخص‌های دولت فرومانده) در کنار تغییر فضای بین‌المللی پس از جنگ سرد، از یکسو، محمل مناسبی برای بحران‌زایی برای خود، منطقه و نظام بین‌الملل گردیده‌اند؛ و از سوی دیگر، به دلیل ضعف نهاد دولت پذیرای بحران نیز هستند. بر این مبنا، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش کلیدی است که تراکم و تسری بحران در افغانستان بعد از جنگ سرد تا چه میزان می‌توان بر اساس مفهوم مدرنیزاسیون و تبعاً فروماندگی دولت فهم و تشریح کرد؟.

کلیدواژه‌ها: دولت، دولت فرومانده، امنیت، مدرنیزاسیون، نظم بین‌الملل، امنیت بین‌الملل، افغانستان.

نارکو تروریسم در غرب آسیا: تهدید نامتقارن کنشگران هیبریدی

مهدخت ذاکری^۱ و بیژن عارف

چکیده

روند جنگ‌ها و مناقشات مسلحانه معاصر پس از جنگ سرد، از فرم سنتی و دولت‌پایه آن، که منازعه بر سر منافع ملی دولت‌ها بود فاصله گرفته و اکنون جامعه بین‌الملل با مناقشات فرادولتی و درون‌دولتی که بیشتر بر پایه منافع فروملی همچون: فرهنگ، هویت، قومیت و مذهب شکل می‌گیرد روبه‌روست. این رویدادها با درگیر شدن پارامترهایی چون: تروریسم بین‌المللی، دولت‌های فرومانده و گروه‌های جرائم سازمان‌یافته خشونت‌ورز، دچار پیچیدگی‌های بیشتری نیز شده است؛ از این‌رو، به‌ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر، تمرکز دولت‌ها و نهادهای امنیتی بین‌المللی از تهدیدات امنیتی دولت‌محور به سمت تهدیدات ازسوی کنشگران غیردولتی اعم از: سازمان‌های تروریستی و یا گروه‌های جرائم سازمان‌یافته معطوف شده است. ظهور گروه تروریستی داعش به‌مثابه کنشگری مستقل، منطقه غرب آسیا و جامعه بین‌الملل را با تهدیدات نامتقارنی مواجه نموده است. در این مقاله، فرض بر این است که پارادایم مسلط جریان اصلی که فقط مبتنی بر کنشگری دولتی بود تغییر پیدا کرده و به‌تبع این تغییر جهت پارادایمی در مفهوم کنشگر، تهدیدات و پیامدهای ناشی از فعالیت‌های این کنشگران نیز دیگر در چهارچوب سنتی تهدیدات متقارن جنگ‌ها و منازعات بین‌دولتی قابل تعریف نخواهد بود.

با این فرض، نویسنده در پی آن است که مفهوم «کنشگر هیبریدی» را در تبیین ماهیت داعش به‌کار برد و به این موضوع بپردازد که داعش دیگر فقط در چهارچوب یک «کنشگر غیردولتی خشونت‌ورز» تعریف نمی‌شود، بلکه سرشت دوگانه تروریستی - مجرمانه به خود گرفته و عملاً ماهیتی هیبریدی پیدا کرده است. ماهیت هیبریدی داعش، تهدیداتی نامتقارن علیه امنیت منطقه غرب آسیا و جامعه بین‌الملل به‌وجود آورده است. یکی از مهم‌ترین اینها نارکو تروریسم است که تهدیدی علیه امنیت انسانی و اقتصادی این منطقه محسوب می‌شود. این مقاله در بخش بعدی به تعدد تهدیدات نامتقارن این کنشگران علیه جامعه بین‌الملل با تمرکز بر نارکو تروریسم در غرب آسیا خواهد پرداخت. در پایان نیز نویسنده به پیامدها و راهکارهای احتمالی مقابله با این تهدیدات اشاره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کنشگر غیردولتی خشونت‌ورز، سازمان‌های هیبریدی، تهدید نامتقارن، نارکو تروریسم.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (mahdokht.zakeri@gmail.com)

تقابل‌های مذهبی و نظم امنیتی در منطقه غرب آسیا

(مطالعه موردی پدیده بنیادگرایی اسلامی)

حجت‌اله جهانی‌راد^۱؛ ایرج شاهوردی^۲؛ و دکتر مجتبی درفشان^۳

چکیده

امروزه مذهب و تقابل‌های برگرفته از مسائل دینی و مذهبی به یکی از مباحث اصلی مورد بررسی در علوم انسانی تبدیل شده و مؤلفه ارزشمند دین و مذهب با گرفتن جلوه سیاسی، به دستاویز حکومت‌ها برای دستیابی به امیال و خواسته‌هایشان تبدیل شده و در دنیای سیاست و قدرت نیز تمرکز بسیاری از دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان عرصه‌های مختلف قدرت را به خود جلب نموده است، تا آنجا که یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری وضعیت‌های مختلف سیاسی و بین‌المللی به‌شمار می‌رود و در تحولات حادث‌شده در مناطق مختلف جهان نقشی کلیدی و تعیین‌کننده دارد.

یکی از این مناطق حساس و حائز اهمیت منطقه ژئوپلیتیکی و حساس غرب آسیاست که تأثیرگذاری دین به‌طور اعم و بنیادگرایی دینی به‌طور اخص در آن به‌صورتی کاملاً آشکار نمایان شده و مصادیق بارز آن حوادث سال‌های اخیر در کشورهای عراق، سوریه، یمن و غیره است.

لذا در این پژوهش تلاش شده است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به استناد اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای، ضمن تبیین مفهوم بنیادگرایی اسلامی و روند آن در حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا، مؤلفه‌های مؤثر در امنیت منطقه موصوف بررسی شود و با آگاهی از ریشه‌های تنازع در این منطقه، درنهایت، پاسخی مستدل به این پرسش داده شود که تقابل‌های مذهبی و در رأس آنها پدیده بنیادگرایی اسلامی، چه تأثیری در تحولات و بحران‌های حادث‌شده اخیر در منطقه ژئوپلیتیکی و حساس غرب آسیا دارد.

کلیدواژه‌ها: تقابل مذهبی، ژئوپلیتیک، غرب آسیا، بنیادگرایی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی با گرایش مطالعات جنوب منطقه غرب آسیا

۲. دانشجوی مقطع دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه علامه طباطبایی

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه فارابی

تحلیلی بر ژئوپلیتیک عوامل بحران‌زا در منطقه غرب آسیا

ریحانه صالح‌آبادی^۱؛ و سعید صادقلو^۲

چکیده

شاید به جرأت بتوان قرن بیست‌ویک را قرن تحولات غیرقابل پیش‌بینی نامید؛ تحولاتی که باعث بحران‌های زیادی در جهان شده است. ریشه بحران را می‌توان از زمان ظهور انسان متفکر دانست؛ زیرا قلمروهایی را برای حفظ منافع خود ایجاد کرده و گاهی برای به‌دست آوردن منافع بیشتر، بر قلمرو خود افزوده‌اند که این امر باعث تنش‌های زیادی شده است. بیشتر مناطق جهان، دست‌خوش بحران شده است و تقریباً اکثر جنگ‌های به‌وقوع پیوسته در جهان از یک حالت برزخ بحرانی گذشته است. در این میان، منطقه غرب آسیا یکی از مهم‌ترین مناطق جهان محسوب می‌شود؛ زیرا از یک طرف مرکز اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است و از سویی دیگر، منابع زیادی از ذخایر فسیلی در کشورهای این منطقه متمرکز شده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به‌دنبال این است که عوامل بحران‌زا در منطقه غرب آسیا را شناسایی کند؛ بنابراین، پرسش اصلی تحقیق این است: بحران‌های موجود در منطقه از کدام نوع بحران هستند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده این موضوع است که کشورهای منطقه، بحران‌های سیاسی (بحران وجود قدرت‌های هم‌وزن، بحران دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بحران امنیتی، ظهور تروریسم و بحران داخلی)، بحران‌های اجتماعی (بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران توزیع، بحران قومی - فرهنگی، بحران اختلاف سطح اقتصادی - اجتماعی و بحران موادمخدر)، بحران‌های سرزمینی (اختلافات مرزی، ارضی، حقوقی و تاریخی) و بحران‌های منابع (هیدروپلیتیک، انرژی فسیلی و زیست محیطی) را تجربه می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، عوامل بحران‌زا، غرب آسیا.

۱. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

ائتلاف بین‌المللی علیه داعش: دلایل شکل‌گیری، دستاوردها، موانع و دیدگاه‌ها

سیدعلی نجات^۱

چکیده

اگر حوادث مربوط به سازمان تروریستی داعش را از آغاز ژوئن ۲۰۱۴ در نظر بگیریم، بی‌تفاوتی آمریکا در هجوم این سازمان تروریستی به تعدادی از استان‌های عراق را خواهیم دید. در مصاحبه‌ای که توماس فریدمن، خبرنگار و تحلیل‌گر نیویورک تایمز، با اوپاما در اگوست ۲۰۱۴ انجام داد از بی‌توجهی کشورش در برابر جرم و جنایت‌هایی که در موصل، سنجار و تلعفر در حق مسیحیان، ایزدیان و ترکمن‌ها صورت می‌گیرد، پرده برداشت و آن را مبارزه با نیروهای افراط‌گرا دانست که مسئولیت آن بردوش خود عراقی‌هاست؛ اما پس از مدت کوتاهی، موضع آمریکا از سیاست «مهار و سرمایه‌گذاری» به سیاست «تقابل و رویارویی» با گروه داعش تغییر پیدا کرد. درحقیقت، این امر زمانی صورت گرفت که داعش پا را فراتر از مرزهای مشخص شده نهاد و مسیر حمله خود را از بغداد به سمت شمال عراق تغییر داد. به‌طورکلی، نوشتار پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به چهار پرسش اساسی و به‌هم پیوسته است: ۱. دلایل شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی علیه داعش چیست؟ ۲. این ائتلاف چه دستاوردهایی داشته است؟ ۳. دلایل ناکارایی ائتلاف بین‌المللی ضد داعش چیست؟ و درنهایت ۴. روسیه، ایران، عراق و سوریه نسبت به این ائتلاف چه دیدگاهی دارند؟ فرضیه نوشتار این است که عواملی از جمله به خطر افتادن منافع آمریکا و تلاش برای بازیابی چهره مخدوش خود در نزد افکار عمومی از دلایل تشکیل ائتلاف مبارزه علیه داعش بوده است. در این میان، عواملی از جمله کارنامه ابهام‌برانگیز برخی اعضای ائتلاف، تضاد منافع اعضای ائتلاف و اعلام نکردن زمان‌بندی برای خاتمه نبرد با داعش موجب ناکارایی این ائتلاف شده است. موفق نبودن ائتلاف بین‌المللی علیه داعش نیز موجب شد که روسیه ائتلافی دیگر برای مبارزه با این گروهک با مشارکت سوریه، ایران، عراق و حزب‌الله لبنان تشکیل دهد.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، سیاست خارجی، واقع‌گرایی، داعش، عراق، سوریه، روسیه، ایران.

۱. کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه (sa.nejat@yahoo.com)

متغیر مغفول: بازبینی نقش مذهب در سیاست منطقه‌ای و بین‌الملل

مرتضی شجاع^۱

چکیده

بنابه دلایل بسیاری، اهتمام محققان غربی به نقش مذهب در سیاست منطقه‌ای غرب آسیا رقیق بود؛ اما امروزه دیگر جای تردید باقی نماند که مذهب، نقش عمده‌ای در ابعاد سیاسی و امنیتی منطقه دارد و همچنین آثار جدی در سطح بین‌المللی گذارده است. ظهور چندین کنشگر دولتی و غیردولتی با مشی مذهبی (همچون ج.ا.ایران، القاعده و غیره) در کنار کنشگرانی که مدعی علقه‌های مذهبی هستند (مثل دولت‌های اقتدارگرای حاشیه جنوبی خلیج فارس و غیره)، بررسی نقش چنین مؤلفه‌ای را به‌منظور فهم نیروهای فکری دخیل در سیاست منطقه‌ای غرب آسیا اجتناب‌ناپذیر ساخته است. مذاقه در ایدئولوژی‌های مسلط منطقه نشان می‌دهد که از زمان ظهور دولت در غرب آسیا ایدئولوژی‌های ناسیونالیسم، لیبرالیسم، مارکسیسم و غیره روبه افول نهادند؛ ولی ایدئولوژی اسلام، با قرائت‌های گوناگون، اگرچه به‌کندی، توانسته است جایگاه خود را در افکار عمومی غرب آسیا ارتقا بدهد. این فرآیند، نظم امنیتی در غرب آسیا را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است.

هدف از این مقاله بازبینی نقش مذهب در سیاست منطقه‌ای غرب آسیا و سیاست بین‌الملل است. مقاله مدعی است که علی‌رغم اینکه با امضای قرارداد وستفاليا میان شاهزاده‌نشین‌های آلمانی و امپراتوری مقدس روم و غلبه فلسفه سکولاریسم، مذهب جایگاه سیاسی - اجتماعی خود را از دست داده و تا حوزه خصوصی عقب رانده شد؛ اما هیچ‌گاه تا موقعیت یک متغیر بی‌اثر در روابط بین‌الملل تنزل نیافته است. به‌خصوص در غرب آسیا مذهب، اثرگذاری ویژه‌ای در تحولات سیاسی، چه در داخل کشورها و چه در سطح منطقه داشته است.

کلیدواژه‌ها: روابط بین‌الملل، مذهب، وستفاليا، سکولاریسم، غرب آسیا، نظم منطقه‌ای.

۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه تهران (m.shoja@ut.ac.ir)

دولت - ملت‌سازی ابتر ریشه بحران‌های اخیر غرب آسیا

محمد رامبد فرهودی مقدم^۱

چکیده

این پژوهش در پی تجزیه و تحلیل تأثیرات پروژه دولت - ملت‌سازی استعماری در ظهور دولت‌های نوین در غرب آسیا و تأثیر آن در رابطه با بحران‌های اخیر غرب آسیاست. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی دولت‌های نوین غرب آسیای کنونی پیدایش یافت. این دولت‌های نوظهور با دخالت قدرت‌های استعماری وقت در تعیین مرزبندی سیاسی و جغرافیایی متولد شدند. این تقسیم استعماری که بدون در نظر گرفتن بافت دموگرافی منطقه بود، باعث شد که این دولت‌ها خود به گرانیگاه بحران در غرب آسیا مبدل شوند. از جمله پیامدهای آن ایجاد گسل‌های اجتماعی بسیار لرزان بود که در قالب واکنش‌های تجدیدنظرطلبانه به نظم حاکم در سطوح ملی - منطقه‌ای نمود یافته‌اند. این گسل‌های اجتماعی که پیامد روند دولت - ملت‌سازی ابتر است، همواره در پی تغییر نظم و نظام حاکم به دنبال فرصت‌ها بوده‌اند و از اندک فرصت‌ها برای تبدیل شدن به بحران استفاده کرده‌اند. با وقوع تحولات اخیر دنیای عرب که سبب سقوط و بی‌ثباتی در حکومت‌های غرب آسیا شد، زمینه برای فعال شدن گسل‌های اجتماعی در این منطقه به شکل بحران‌های حاضر فراهم شده است. نویسنده در پژوهش پیش‌رو کوشیده است با بررسی روند شکل‌گیری دولت مدرن در غرب آسیا و با بهره‌گیری از نظریه سیاسی دولت - ملت‌سازی به بیان ارتباط میان دولت - ملت‌سازی ابتر در غرب آسیا با بحران‌های کنونی این منطقه و در فرجام پژوهش ضمن آزمون فرضیه به طرح پیشنهادهایی برای برون‌رفت از بحران‌های کنونی غرب آسیا خواهد پرداخت.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، نظم سایکس - پیکو، دولت - ملت‌سازی، بهار عرب، بحران‌های غرب آسیا.

۱. دانش‌آموخته رشته روابط بین‌الملل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد (rambod.farhodi@gmail.com)

نقش کردها در تحولات منطقه‌ای غرب آسیا (با تکیه بر اقلیم کردستان عراق، پ.ک.ک و شمال سوریه)

محمدعلی دستمالی^۱

چکیده

تحولات سیاسی و امنیتی در غرب آسیا و به‌ویژه از زمان حمله عراق به کویت و پس از آن مداخله غرب در منطقه و دوران بستن قرارداد نفت در برابر غذا، موجب شد که کردهای اقلیم کردستان عراق، نقش برجسته‌تری در معادلات منطقه پیدا کنند. اگرچه مبارزه‌های کردها در عراق و تلاش آنها برای دستیابی به استقلال، به دهه‌های نخست قرن بیستم و تحولات مرتبط با افول امپراتوری عثمانی و جنگ جهانی نخست بازمی‌گردد، در دوران حمله غرب برای پایان دادن به تهدیدات عراق علیه کویت، شرایط جدیدی در منطقه پدید آمد و دو حزب برجسته کُردی، یعنی حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی، به متفقینی جدی برای آمریکا و اروپا بدل شدند و از این مقطع به بعد، آنان آمادگی بیشتری برای تقویت تجارب خود در کسوت مهم‌ترین مخالفان صدام حسین پیدا کردند.

نگارنده به دنبال آن است تا با تأمل درباب محورهای زیر، این موضوعات را بیشتر مورد مذاقه و تحلیل قرار دهد:

۱. پیشینه‌ای کوتاه در مورد مطرح شدن کردها در تحولات منطقه؛
 ۲. رویکرد غرب به کردها؛
 ۳. تناقض‌های مرتبط با پرونده کُردی از جمله روابط منطقه‌ای و جهانی آنها و نیز اختلافات درونی جریان‌های کُردی و تأثیر آن بر امنیت منطقه؛
 ۴. بررسی میزان برجسته شدن نقش کردها در جنگ با داعش و سناریوهای مرتبط با آینده عراق و سوریه و اثرگذاری این موضوعات بر امنیت ایران و ترکیه.
- کلیدواژه‌ها:** غرب آسیا، کردها، داعش، ترکیه، عراق، امنیت ایران.

۱. کارشناس مسائل کردی (a.dastmali@hotmail.com)

مسائل نوظهور و نظم امنیتی غرب آسیا: مسئله کردی

سیدحامد حسینی^۱

چکیده

مفهوم امنیت اساساً ایده‌ای ترکیبی و یکپارچه است که بدون تصویرهایی که آرزوها را به واقعیت پیوند دهند، سیاست امنیتی فقط به شکل بی‌هدف، درگیر ناامنی، بحران‌های روزمره و تهدیدهای خرد و کلان در سطح داخلی و منطقه‌ای خواهد شد. به طور کلی تهدیدها، تصویر واقعی‌ای از خطرات مشترک را می‌سازند و احتمال سرایت عواقب آنها وجود دارد. محیط امنیتی منطقه‌ای تشکیل شده از واحدهای سیاسی گاه ضعیف، در درون خود عوامل بی‌ثباتی بسیاری دارد. در بررسی محیط امنیتی منطقه، تفکیک دولت‌هایی که مسائل مهم امنیتی آنها در اکثر سطوح، جنبه داخلی دارد از دولت‌هایی که مسائل مهم امنیتی و تهدیدات متعاقب آنها مربوط به خارج است برای فهم امنیت اهمیت دارد؛ به صورتی که هرچه دولت‌های یک منطقه ضعیف‌تر باشند، مسئله امنیت آنها مبهم‌تر است. به خاطر بالا بودن میزان ناامنی داخلی در واحدهای سیاسی ضعیف این ناامنی به روابط منطقه‌ای نیز سرایت می‌کند. بی‌ثباتی داخلی ایجاد روابط پایدار با همسایگان را مشکل می‌سازد. کردهای عراق با در اختیار داشتن دو مؤلفه اساسی جمعیت و سرزمین، یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های قومی منطقه هستند که کشوری از آن خود ندارند و این در حالی است که برای دستیابی به این مهم، به کرات با دولت حاکم در حال مبارزه و ستیز بوده‌اند. امروزه بر روی تهدیدات فراملی تأکید جدیدی می‌شود؛ مانند چالش‌های امنیتی ناشی از کشمکش‌های قومی. مسئله کردها در غرب آسیا به عنوان یک بحران قومی - که چهار کشور منطقه، یعنی ایران، عراق، ترکیه و سوریه را درگیر کرده - در این چهارچوب تحلیلی قابل بررسی است. به زعم نویسنده، لازمه رسیدن دولت‌های منطقه غرب آسیا به یک نظم امنیتی پایدار، از طریق حل فرآیند دولت - ملت‌سازی، دستیابی به توافقات امنیتی مستحکم در چهارچوب یک نظام دفاعی غیرمتخاصم و ایجاد یک ساختار امنیتی جدید بدون نفوذ و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای میسر خواهد بود. عامل یکپارچگی، بخش مهمی از مدیریت امنیت است. هرچه واحدهای سیاسی منطقه یکپارچه‌تر باشند، وضعیت امنیتی آنها از ثبات بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: مسئله کردی، کشمکش‌های قومی، امنیت، نظم منطقه‌ای.

۱. کارشناسی ارشد مطالعات جهان دانشگاه تهران (hamedhoseini@ut.ac.ir)

تعامل و تعارض روسیه در مواجهه با تروریسم در عراق و سوریه و تأثیر آن بر امنیت غرب آسیا

محمدحسین مرادی^۱

چکیده

تروریسم پدیده‌ای است که این روزها در قالب گروهک‌های مختلف گریبان دنیا و به‌ویژه منطقه غرب آسیا را گرفته است که داعش نمونه بارز آن است و نه تنها کشورهای منطقه، بلکه قدرت‌های فرامنطقه‌ای را نیز درگیر کرده است. قدرت گرفتن پدیده تروریسم در کشورهای غرب آسیا که مستعد ایجاد گروه‌های تروریستی و افراطی است، بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و با شروع حمله آمریکا به کشورهای این منطقه به‌خصوص افغانستان و عراق به بهانه مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری قوت گرفت و بعد از به‌وجود آمدن بحران‌های منطقه‌ای و به‌خصوص وقوع انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی در جهان عرب از اواخر سال ۲۰۱۰ باعث به‌وجود آمدن فضای مناسب در سازمان‌دهی نیروها در کشورهای مختلف، به‌خصوص در سوریه و عراق برای رشد تروریسم و افراطی‌گری شد که در این میان رهبران روسیه و آمریکا رویکردهای متفاوتی را برای مبارزه با تروریسم در کشورهای عراق و سوریه اتخاذ کردند و با همراهی این تحولات آن را به نفع خود مدیریت کرده و از این طریق مانع به خطر افتادن منافع بلندمدت، به‌خصوص منافع آمریکا در منطقه غرب آسیا شده‌اند.

در این میان، کشورهای قدرتمند منطقه هم تحت تأثیر این جناح‌بندی‌های روسیه و آمریکا قرار گرفته‌اند و در بعضی مواقع به دلیل سردرگمی در تشخیص منافع بلندمدت در مسیر سیاست‌های آمریکا و روسیه ایفای نقش می‌کنند که می‌توان به‌طور مشخص به سیاست کشورهای ایران، ترکیه، عربستان، رژیم صهیونیستی و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس اشاره کرد که به‌عنوان سرمایه‌گذاران در جریان تقویت و یا تضعیف تروریسم و افراطی‌گری ایفای نقش می‌کنند.

پرسش اصلی این پژوهش این است: سیاست خارجی روسیه و ایالات متحده آمریکا در مواجهه با تروریسم و افراطی‌گری در عراق و سوریه چگونه بوده است.

کلیدواژه‌ها: روسیه، تروریسم، غرب آسیا، عراق، افراطی‌گری.

ماهیت جنبش‌های اجتماعی و تحولات ژئوپلیتیکی در کشورهای غرب آسیا

فاطمه امیری پریان^۱

چکیده

از حیث تاریخی، پیشینه جنبش‌های اجتماعی به قدمت تاریخ جوامع است. در طول تاریخ، شورش‌ها و جنبش‌های اجتماعی متعددی از سوی بردگان، قومیت‌های نژادی، پیروان مذاهب، دهقانان و غیره رخ داده است. از سده نوزده به بعد بود که واژه جنبش‌های اجتماعی به‌کار برده شد. جنبش‌های اجتماعی، تا دهه ۱۹۶۰ در زمره جنبش‌های کلاسیک یا قدیمی محسوب می‌شدند. نقطه اولیه جنبش‌های اجتماعی جدید با تشکیل جمعیت دانشجویان طرفدار جامعه دموکراتیک در سال ۱۹۵۹ بسته شد. نخستین ایده مورد تأکید آنها دموکراسی مشارکتی و آزادی بیان در دانشگاه‌ها بود و در سال ۱۹۶۸ در اروپا و ایالات متحده آمریکا، به اوج خود رسید و ماهیت جهانی یافت. برجسته‌ترین این جنبش‌ها شورش می ۱۹۶۸ در فرانسه بود. این جنبش‌ها در شرایطی متفاوت با جنبش‌های کلان‌نگر و سنتی و با اهداف محدود و دست‌یافتنی درصدد بهبود زندگی جمعی مدرن مطرح شدند. درحقیقت هردو طیف از جنبش‌های سنتی و نوین رؤیای تغییر را در سر دارند. با این تفاوت که جنبش‌های سنتی (جنبش‌های انقلابی، جنبش کارگری، جنبش‌های ناسیونالیستی، جنبش‌های بنیادگرایی اسلامی) در پی تغییرات بنیادین بودند؛ درحالی که جنبش‌های اجتماعی نوین (جنبش دفاع از محیط‌زیست، جنبش زنان و جنبش دانشجویی) خواهان اصلاح ساختارهای مدرن هستند.

این پژوهش با هدف تبیین جنبش‌های اجتماعی اخیر در منطقه غرب آسیا و روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای در تلاش است علل و چرایی این موضوع را مورد مطالعه قرار دهد؛ زیرا زمانی که جنبش‌های اجتماعی از درون جامعه رخ دهد، دموکراسی و شکوفایی را به‌همراه خواهد داشت؛ اما هنگامی که این جنبش‌ها دیکته‌شده از کشورهای دیگر، به‌خصوص ابرقدرت‌ها و تحولات خواسته‌شده آنها باشد، نه‌تنها دموکراسی و توسعه را برای کشورهای منطقه به‌بار نخواهد آورد، بلکه منافع ملی و امنیت آنها را نیز بیشتر تهدید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: جنبش‌های اجتماعی، غرب آسیا، انقلاب اسلامی ایران، جهانی‌شدن، استبداد حکومتی، اصلاحات غرب.

۱. دانشجوی دکتری اندیشه‌های سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (fatemeh.amiriparyan@gmail.com)

تبیین جایگاه مردم در مبارزه با تروریسم در غرب آسیا

علیرضا رحیمی^۱؛ محمد مهربان^۲؛ و هادی ایمانی^۳

چکیده

تحولات موسوم به بیداری اسلامی سرآغاز شکل‌گیری روندهای جدیدی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی امنیتی در منطقه غرب آسیا شده است. در این میان، ظهور الگوهایی نوین از پدیده شوم تروریسم نسبت به نسخه‌های پیشین آن و حمایت برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از این گروه‌ها، الگویی جدید از روابط دولت - تروریسم را به نمایش گذاشته است؛ نگاهی به مناطق مورد هدف تروریست‌ها و گروه‌های مورد آماج این سازمان تروریستی نشان می‌دهد آنچه در زیر پوست ایدئولوژی‌های منتشرشده توسط گروه‌های تروریستی، در حال رخ دادن است همان تنازعات و رقابت‌های منطقه‌ای ناظر به هژمون شدن است که بسیاری از تحلیل‌گران از آن با نام جنگ نیابتی یاد می‌کنند. این مسئله، خود به تحلیل‌های مجزای دیگری نیازمند است؛ اما آنچه در این نوشتار مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است، شکل‌گیری پدیده‌های نوظهور نظامی - امنیتی در خلال این تحولات است.

فرضیه مقاله حاضر، تلاش بازیگران مخالف محور مقاومت بر جنبش محور کردن منازعه نیابتی بوده و در مقابل، راهبرد محور مقاومت تغییر استراتژی از تأکید صرف بر ارتش‌های سنتی به ترمیم و بازسازی ارتش‌های ملی و نیز مردم‌پایه نمودن دفاع ملی فراتر از گرایش‌های مذهبی موجود است.

کلیدواژه‌ها: ارتش مردم‌پایه، تروریسم، جنبش آزادی‌بخش ملی.

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع) (1392mehraban@ihu.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع) (kparahimi@ihu.ac.ir)

۳. کارشناس ارشد فناوری اطلاعات و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)

«تروریسم هیبریدی»، چالشی جدید برای امنیت بین‌الملل

علیرضا رضاخواه^۱

چکیده

داعش به‌عنوان تهدید امنیتی برای نظام بین‌الملل، نوع جدیدی از تروریسم را به‌منصه ظهور رسانده که در سه‌سطح راهبردی، ساختاری و تاکتیکی از الگوهای پیشین تروریسم متمایز است و تهدیدات نوینی را به همراه دارد. در تحقیق پیش‌رو تلاش شده تا با بهره‌گیری از رهیافتی ترکیبی و با طرح چهارچوبی جدید مفهوم تروریسم هیبریدی بررسی شود. پرسش اصلی‌ای که این مقاله به‌دنبال پاسخ‌دهی به آن است، چگونگی تأثیر «تروریسم هیبریدی» با تأکید بر نمونه داعش، بر امنیت بین‌الملل است که البته برای پاسخ به این پرسش، ابتدا باید معنی تروریسم هیبریدی به‌عنوان نوع نوینی از این پدیده تبیین شود. فرضیه تحقیق هم عبارت است از: تروریسم هیبریدی به‌دلیل ماهیت غیرخطی آن، امنیت بین‌الملل را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تهدید می‌کند. در سطح داخلی، بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی به‌دنبال دارد، در سطح منطقه‌ای به جابه‌جایی مرزها و رویارویی نظامی می‌انجامد و در سطح بین‌الملل باعث به‌هم ریختن نظم موجود و توازن قوا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، تروریسم هیبریدی، داعش، امنیت بین‌الملل، امنیت منطقه‌ای، امنیت ملی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (arezakhah@gmail.com)

چالش‌های زیست‌محیطی جنوب غرب آسیا

جواد معدنی^۱

چکیده

در عرصه جهانی شدن، یکی از مهم‌ترین موضوعات بحث‌برانگیز و پرمناقشه، محیط زیست و بحران‌های مرتبط با آن است. بی‌شک محیط‌زیست با جستارهای توسعه و امنیت واحدهای سیاسی، نسبت مستقیم داشته است؛ به طوری که هرگونه اختلال در کارکرد عناصر سازنده زیست‌بوم‌ها و زیست‌کره، زیست و مدنیت بشر را تهدید می‌کند. طرح امنیت انسانی، امنیت زیست‌محیطی و غیره باتوجه به نقش فزاینده مخرب انسان در زیست‌کره و پیامدهای فضایی آن در قالب بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی زیست‌محیطی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. قرار گرفتن جنوب غرب آسیا در کمربند خشک جهان، افزایش شوری زمین منطقه در اثر بی‌آبی، بیابان‌زایی و امکان خطر درگیری‌های سیاسی در اطراف آب محدود در دسترس، حیات اقتصادی و اجتماعی منطقه را بحرانی کرده است. این منطقه شامل گستره‌ای از کشورهای کم‌بارش و به تبع، کم‌آبی است که امنیت آبی، یکی از چالش‌های بنیادی آنهاست. همچنین باوجود داشتن پنج درصد از جمعیت جهان، تنها یک درصد آب‌های شیرین قابل دسترس را در اختیار دارد. این درحالی است که این منابع، عمدتاً به صورت مشترک، استفاده می‌شود و بیش از پنجاه درصد جمعیت این منطقه در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند؛ از این رو، طی چند دهه اخیر، کوشش برای مهار و پایش منابع آب موجود روزمینی و زیرزمینی یکی از نگرانی‌ها و به تبع راهبردهای آنها برای پاسداشت امنیت آبی و توسعه بوده است. مطالعه پیش‌رو به بررسی مسائل زیست‌محیطی منطقه جنوب غرب آسیا، به ویژه بحران و چالش‌های آب و ریزگردها به عنوان تهدیدی نوپدید برای محیط‌زیست و جامعه انسانی با استفاده از امنیت انسانی و امنیت زیست‌محیطی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: بحران آب، ریزگردها، امنیت، محیط زیست، جنوب غرب آسیا.

بررسی آثار ظهور گروه‌های تکفیری در طرح غرب آسیای جدید - با تأکید بر ظهور داعش

سعید رضانی^۱

چکیده

غرب آسیا با تاریخ پرفراز و نشیب، نمادی از تمدن شرقی و عرصه‌ای گرفتار در استعمار، جنگ و اشغال و درعین حال، مکان خیزش حرکت‌های نواندیشانه و استقلال‌طلبانه، منطقه‌ای است که با در اختیار داشتن ذخایر نفت و گاز، موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، همواره از اهمیت ویژه‌ای در صحنه بین‌الملل برخوردار بوده و هست. یکی از ویژگی‌های برجسته منطقه غرب آسیا نامنی و فعالیت گروه‌های تروریستی - تکفیری است که آثار بسیاری بر این منطقه داشته است. بنیادگرایان، با عناوین مختلف در طول چند دهه اخیر به فعالیت پرداخته‌اند. بنیادگرایی و تندروی‌های افراطی مهم‌ترین موضوع تهدیدکننده صلح و امنیت منطقه غرب آسیاست. فهم ماهیت و پیچیدگی‌های این پدیده، به‌ویژه بعد از ظهور داعش در عراق و سوریه و تأثیر آن در شکل‌گیری معادلات جدید در غرب آسیا اهمیت بسزایی دارد. داعش یکی از این گروه‌های بنیادی است و با پیشروی‌هایی که در عراق و سوریه انجام داده خود را دولت اسلامی در عراق و شام می‌نامد و شرایط منطقه را به یک معادله چندمجهولی تبدیل کرده است. این نوشتار ضمن بررسی تأثیر داعش بر تغییرات ژئوپلیتیکی غرب آسیا می‌خواهد به این نتیجه برسد که داعش ابزاری برای تسریع در روند طرح غرب آسیای جدید آمریکا و تأمین بیشتر منافع خود و امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه است.

کلیدواژه‌ها: امنیت، طرح خاورمیانه بزرگ، تروریسم، غرب آسیا، داعش.

بررسی و تحلیل چالش‌های سیاسی - امنیتی نظم جدید در حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا و راهکارهای مقابله با آن

معصومه دهمرده^۱

چکیده

منطقه غرب آسیا که از لحاظ تاریخی محل تلاقی تمدن‌ها و فرهنگ‌های متنوع است، موقعیت ژئوپلیتیکی داشته و به عنوان مرکز گفت‌وگو و تمدن‌ها و مهد ادیان الهی به ویژه اسلام می‌تواند در ارتقای امنیت جهان تأثیرگذار باشد. اشغال افغانستان و عراق پس از حادثه ۱۱ سپتامبر اهمیت این منطقه را بیشتر نمایان کرده است. سرنوشت تمام کشورهای منطقه غرب آسیا در هم تنیده است؛ به نحوی که تمامی کشورهای منطقه و نظام‌های فرعی منطقه را در عین استقلال‌شان دربر می‌گیرد؛ بنابراین باید مسائل و معضلات مربوط به منطقه را در یک گستره وسیع به نام غرب آسیا بررسی کرد. چالش‌های امنیتی و منازعاتی که در این منطقه شاهد آن هستیم، در گذشته از رقابت بین قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اکنون نیز ناشی از پروژه‌های کشورهای فرامنطقه‌ای سرچشمه می‌گیرد. وجود چند قدرت هم‌وزن در منطقه غرب آسیا و رقابت حاکم میان آنها باعث شده است که برخی از قدرت‌ها برای برهم زدن معادله قدرت به نفع خود به کشورهای فرامنطقه‌ای تکیه و پای این کشورها را به منطقه باز کنند؛ به طوری که توازن قوا در منطقه تغییر و تعداد بازیگران تأثیرگذار در منطقه افزایش داده و معادلات امنیت در غرب آسیا را بسیار پیچیده کرده است. بازیگران اصلی منطقه غرب آسیا را می‌توان به پنج دسته کلی بازیگران دولتی فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و روسیه، بازیگران دولتی فراملی منطقه‌ای مانند ایران، عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی، بازیگران دولتی منطقه مانند سوریه، عراق، مصر، یمن، بازیگران غیردولتی فراملی منطقه‌ای شامل القاعده، داعش، کردها، حزب الله لبنان و بازیگران غیردولتی فراملی نظیر انصارالله، عشایر اهل تسنن عراق و حشد الشعبی تقسیم کرد؛ بنابراین تحولات منطقه و چالش‌های سیاسی - امنیتی موجود ایجاب می‌کند تا کشورهای غرب آسیا، بیشتر به هم نزدیک شده و برای کاهش مؤلفه‌های ناامنی با یکدیگر همکاری بیشتری داشته باشند و به یک راه‌حل منطقه‌ای بیندیشند. این مقاله می‌خواهد با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی عمده‌ترین چالش‌های موجود سیاسی - امنیتی منطقه غرب آسیا پرداخته و در پایان مؤلفه‌های هم‌بستگی و اتحاد بیشتر کشورهای منطقه را ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، نظم، تروریسم، بنیادگرایی، همگرایی، غرب آسیا.

چالش‌های فراروی منطقه‌گرایی در کشورهای اسلامی غرب آسیا؛ ارائه تحلیل ژئوپلیتیکی

یاسر اسماعیل زاده امامقلی^۱؛ و سعید تجری^۲

چکیده

جهان اسلام شامل یک بدنه اصلی است که از کرانه‌های اقیانوس اطلس شروع شده است و با جهتی تقریباً از جنوب غربی به شمال شرقی، تا غرب چین امتداد می‌یابد. در این بین نقش کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا یا آنچه گفتمان غرب، آن را خاورمیانه نام نهاده است، بسیار مهم است. این ساختار، شامل عوامل متعدد هم‌گرا نظیر تهدید مشترک، منافع مشترک و متقابل و ارزش‌های مشترک و تجانس ساختاری می‌شود که زمینه پیوند بین کشورهای اسلامی را فراهم آورده است؛ از سوی دیگر عوامل ایجاد واگرایی در جهان اسلام و مایل نبودن کشورهای اسلامی منطقه به تشکیل یک گروه‌بندی وسیع منطقه‌ای در قلمرو جغرافیایی منطقه، به مجموعه عوامل درونی و بیرونی مربوط می‌شود.

در کنار این عامل، عوامل درونی‌ای که اهمیت بیشتری در این رابطه دارند، عبارت‌اند از: اختلافات و تعارضات کشورهای اسلامی با یکدیگر به خاطر ساختارهای متفاوت فرهنگی، مذهبی، قومی و زبانی. در کنار این عوامل، ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت حکومت‌ها، رقابت بر سر قدرت و منافع ملی، ضعف تعاملات اقتصادی و تفاوت سطح توسعه میان کشورهای اسلامی نیز نقش عمده‌ای در دور شدن هرچه بیشتر دنیای اسلام از یکدیگر ایفا می‌کند. مقاله حاضر سعی دارد با رویکردی توصیفی - تحلیلی به تبیین ژئوپلیتیکی نیروهای هم‌گراساز و واگراساز در کشورهای اسلامی منطقه غرب آسیا بپردازد و با طبقه‌بندی این عوامل، زمینه را برای شناخت بهتر آن‌ها فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، کشورهای اسلامی، هم‌گرایی، واگرایی، ژئوپلیتیک.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان (Esmailzadehyaser@yahoo.com)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی

تروریسم، ابزاری برای تحقق غرب آسیا جدید

یعقوبعلی اولاد^۱؛ و احسان آتش‌پور^۲

چکیده

منطقه غرب آسیا به‌عنوان پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است که بنابه دلایلی، از جمله وجود منابع سرشار انرژی، گذرگاه‌های آبی و راهبردی، رژیم صهیونیستی و امنیت آن برای قدرت‌های بزرگ، بازار مصرف منطقه و غیره در معادلات جهانی بسیار مهم است. کشور ایران با قرار گرفتن در این منطقه و موقعیت‌های ژئواستراتژیک از اهمیت ممتازی در میان کشورهای منطقه برخوردار است. ایران را یگانه قدرت چهاربُعدی منطقه برشمرده‌اند که توانمندی‌های بی‌بدیلی برای نقش‌آفرینی در معادلات منطقه‌ای و جهانی در اختیار دارد. در کنار این ابرقدرت منطقه‌ای، عربستان سعودی به‌عنوان قدرتی سه‌بُعدی و رژیم صهیونیستی به‌عنوان قدرتی دو‌بُعدی مطرح شده است. غرب به سردمداری ایالات متحده آمریکا سال‌هاست رؤیای برانداختن نظم نوین را برای منطقه غرب آسیا در سر می‌پروراند. طرح غرب آسیای جدید، تبلور بخشی از این رؤیا بوده که طی چند سال اخیر بالای تروریسم به‌عنوان مهم‌ترین ابزار تحقق آن از سوی برخی دولت‌های غربی با همکاری رژیم‌های مرتجع منطقه به جان ملت‌های سوریه، عراق و غیره افتاده است. طرح غرب آسیای جدید و تروریسم به‌عنوان یکی از ابزارهای تحقق آن، دو هدف عمده از سوی معماران و صحنه‌گردانش دنبال می‌کند: تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تأمین امنیت ملی رژیم صهیونیستی.

هدف اصلی این پژوهش یافتن پاسخی به این سؤال است که: «چگونه می‌توان معادلات این نظم نوین را جهت خلاف خواسته معماران آن، یعنی تأمین امنیت ملی ج.ا.ایران و تهدید امنیت رژیم صهیونیستی به‌هم زد. برای یافتن پاسخ پرسش اصلی این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها در قالب داده‌های کیفی استفاده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ایران، رژیم صهیونیستی، غرب آسیا، نظم نوین.

۱. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (yaliolad@alumni.ut.ac.ir)

فرصت‌ها و چالش‌های منطقه‌ای ایران با تأکید بر بیداری اسلامی در یمن

هادی ترکی^۱

چکیده

بیداری اسلامی غرب آسیا که مهم‌ترین ویژگی آن رهایی یافتن مسلمانان از دست نظام‌های استبدادی و تاحدودی مداخلات خارجی بوده بیانگر تلاش برای ایجاد نظمی نوین است که براساس مکتب و فرهنگ اسلامی با هویتی سازش‌ناپذیر با ظلم و همچنین تلاش برای به قدرت رسیدن شکل گرفته و زمینه‌هایی را برای ایران به وجود آورده که هم می‌تواند تهدیدزا و هم فرصت‌ساز باشد. این بیداری اسلامی با توجه به بافت قبل از تحولات منتهی به ۲۰۱۱م. همراه با حمایت کشورهای غرب و حکام عرب علیه محور مقاومت، باعث شده تا بیداری اسلامی ناقص بماند و همین امر به نوعی چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. همچنین با توجه به زمینه‌های دینی، فکری و هویتی، فرصت‌هایی را نیز برای ایران ایجاد کرده است؛ بنابراین، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای منطقه برای ایران، به خصوص در یمن، می‌تواند راهنمای جمهوری اسلامی در سطح کلان تصمیم‌گیری باشد. از جمله فرصت‌های ایجاد شده می‌توان تلاش برای ایجاد حکومتی مردمی، افزایش قدرت و منزلت منطقه‌ای ایران و حضور حوثی‌ها در یمن و روحیه انقلابی‌گری آنها را نام برد. همچنین از چالش‌های منطقه‌ای پیش‌رو می‌توان به تیرگی روابط ایران و عربستان، خطر تقویت ائتلاف عربی - عبری و غربی علیه ایران و انحراف از بیداری اسلامی در منطقه اشاره کرد. در این مقاله سعی بر این است با استفاده از مدل سوات فرصت‌ها و تهدیدهای تحولات یمن بیان و راهبردهای ممکن ارائه شود که از جمله مهم‌ترین راهبردها می‌توان به راهبرد پیشگامی، بازدارندگی، بازنگری و دفاعی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، یمن، ایران، فرصت‌ها، چالش‌ها.

چالش‌های نظم منطقه‌ای در غرب آسیا پس از ظهور داعش

سمیرا دردشتی^۱

چکیده

غرب آسیا در حال حاضر، پیچیده‌ترین نظم امنیتی موجود در میان مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای در جهان را دارد. تفاوت‌های قومی، مذهبی، ایدئولوژیک و رقابت‌های شدید میان کشورهای منطقه برای دستیابی به سلطه بر معادلات آن و احتمالاً منازعات آتی زیست‌محیطی، هریک به‌نحوی موجب دشواری تبیین امنیت در این منطقه می‌شوند. در کنار این پیچیدگی‌ها مداخلات نظامی قدرت‌های بزرگ نیز سبب تشدید منازعات و درگیری‌ها میان دولت‌ها و حتی گروه‌های فرودولتی در منطقه شده است.

در این میان گسترش دولت‌های درمانده در این منطقه که سبب پیدایش و ریشه‌دار شدن گروه‌های سلفی جهادی و در رأس آنها داعش شده است، امنیت را به پایین‌ترین سطح خود کاهش داد. در چنین شرایطی دولت‌های منطقه‌ای برای جلوگیری از سرایت بحران و ناامنی در درون کشورهای خود به مداخله در کشورهای درگیر با داعش کشانده شدند و این درحالی است که دولت‌های درگیر توان پایینی برای مدیریت بحران خود داشته‌اند و حضور هم‌زمان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی به ناکارآمدی هرچه بیشتر آنها انجامیده است.

به‌علاوه سیاست‌های دوگانه اغلب طرف‌های درگیر و اختلافات عمیق راهبردی و ایدئولوژیک آنها، چشم‌انداز پایان بحران را بسیار دور از دسترس می‌کند. این پژوهش در نظر دارد با مشخص ساختن صورت‌بندی دولت‌های غرب آسیا در نظم امنیت منطقه‌ای و نشان دادن نقش دولت‌های درمانده در ظهور داعش به این پرسش پاسخ دهد که نظم منطقه با ظهور این گروه چه مسیری را پیموده است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، مجموعه امنیت منطقه‌ای، بازیگران فروملی، دولت درمانده، داعش.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی (ره) (Samir.dardashti@gmail.com)

خطرهای رشد داعش در افغانستان برای امنیت ملی ایران

زهرا توکلی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی خطرهای رشد داعش در افغانستان برای امنیت ملی ایران می‌پردازد. بحث اصلی این مقاله این است که رشد داعش در افغانستان و رقابت احتمالی آن با طالبان و سایر گروه‌های افراطی در افغانستان، زمینه جدیدی برای رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌شود و از این لحاظ می‌تواند منجر به «سوریه‌ای شدن» بحران افغانستان گردد. تاکنون بحران تروریسم و افراط‌گرایی در افغانستان به نوعی در درون این کشور محدود بوده است؛ اما با ظهور داعش، جنبه جدیدی به بحران افغانستان اضافه می‌شود. اکنون در سه جنبه درگیری میان دولت افغانستان و داعش، داعش و طالبان برای تعیین مناطق نفوذ، و شکل قدیمی، درگیری میان دولت و طالبان تداوم می‌یابد. رشد و نفوذ بیشتر داعش در افغانستان بر پیچیدگی‌های بحران کنونی این کشور می‌افزاید. تحقق این وضعیت در افغانستان، امنیت ملی ایران را از لحاظ «گسترش افراط‌گرایی و ناامنی در طول مرزها»، «بی‌ثباتی داخلی افغانستان و تداوم حضور نیروهای خارجی»، و از همه مهم‌تر، رقابت‌های استراتژیک بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قالب استفاده ابزاری از داعش به خطر می‌اندازد.

کلیدواژه‌ها: داعش، افغانستان، امنیت ملی ایران، رقابت ژئوپلیتیک، قدرت‌های منطقه‌ای و

فرامنطقه‌ای.

بررسی ناکارآمدی اخوان المسلمین در بیداری اسلامی مصر

سعید خزائی

چکیده

قبل از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، گروه اخوان المسلمین به منزله تنها نیروی مخالفی بود که بهترین تشکیلات و بیشترین تأثیرگذاری را در مصر به‌ویژه در سایه ضعف و ناکارآمدی شدید نیروهای سیاسی دیگر چه چپ و چه لیبرال داشت. پس از انقلاب، این گروه در مورد تصاحب قدرت و یا عدم تصاحب آن مردد بود، تا اینکه تصمیم گرفت برای رقابت بر سر کرسی ریاست‌جمهوری نامزدی را معرفی کند؛ این تصمیمی بود که در میان اختلافات شدید دوران «مجلس مشورتی عمومی» گروه گرفته شد؛ زیرا ۵۶ عضو با این تصمیم موافق و در مقابل، ۵۲ عضو نیز مخالف آن بودند. این تصمیم برای بسیاری غافلگیرکننده بود، به‌ویژه آنکه گروه در فوریه ۲۰۱۱ تعهد داده بود که هرگز در انتخابات ریاست‌جمهوری رقابت نخواهد کرد. این تصمیم حتی بسیاری از اعضای میانی و رده‌های پایین گروه را هم شگفت‌زده کرد؛ اما آنها برای حفظ وحدت و یکپارچگی گروه مجبور به پذیرش آن شدند؛ به‌خصوص آنکه گروه در وضعیت قطب‌بندی و اختلافات شدیدی با شورای نظامی به سر می‌برد که آن زمان کشور را اداره می‌کرد.

شکست گروه اخوان المسلمین در حکمرانی تصادفی نبود، بلکه نتیجه ناتوانی آنان در سیطره بر چنگال‌های چیزی بود که «دولت عمیق» نامیده می‌شود؛ دولتی که هیچ‌گونه خصومت و دشمنی‌ای با اخوان دروغ‌نورزید. خلیل عنانی، اندیشمند مصری معتقد است این دولت عمیق مجموعه‌ای از نهادها، ساختارها، شخصیت‌ها و چهره‌هایی بود که در دامن نظام مبارک رشد کرده و پس از انقلاب ۲۵ ژانویه، برای حفظ فرهنگ فساد و منظومه سرمایه‌های سیاسی و اقتصادی خود به مبارزه علیه انقلاب روی آورده و تمام امکانات خود را برای انحراف در انقلاب و به شکست کشاندن آن بسیج نمودند. این دولت عمیق در طول یک سال حکمرانی اخوان المسلمین توانست اخوانی‌ها را دچار فرسایش کند و از ضعف تجربه و ضعف توانایی و قدرت آنان در رام کردن نهادهای دولتی به نفع منافع خود استفاده نماید. این جریان شامگاه روز ۳۰ ژوئن به اوج توحش خود رسید و چهره زشت و قبیح خود را با پایان بخشیدن به اولین تجربه دموکراتیک در مصر هویدا ساخت.

کلیدواژه‌ها: دولت عمیق، مصر، اخوان المسلمین، سیاست خارجی

چالش‌های ژئوپلیتیک زیست‌محیطی و امنیت منطقه (مطالعه موردی نقش خلیج فارس در منافع ج.ا.ایران)

حجت‌اله جهانی‌راد^۱؛ احمد حاجی‌زاده؛

صمد شماخی؛ و یاسر فتحانی

چکیده

امروزه مباحث زیست‌محیطی، یکی از مؤلفه‌های اصلی و مهم سیاست‌های جهانی است که بسیاری از مؤلفه‌های دیگر از جمله قدرت (سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره) کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از این رو، در دوران مدرن، بشر با بین‌المللی شدن مسائل زیست‌محیطی روبه‌روست و در این میان، دریاها و اقیانوس‌ها به دلیل اینکه دریافت‌کننده تمامی تغییرات و تأثیراتی هستند که به صورت طبیعی و یا بر اثر فعالیت انسانی در سطح زمین روی می‌دهند، در تعادل دینامیکی زمین نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

از میان اکوسیستم‌های آبی، خلیج فارس به دلیل وجود منابع غنی نفت و گاز و ویژگی‌های زیست‌محیطی به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق راهبردی جهان محسوب می‌شود. بهره‌برداری نامتوازن از منابع این منطقه توسط کشورهای مجاور و علایق ژئوپلیتیکی بازیگران فرامنطقه‌ای، این حوضه آبی را در معرض آلودگی‌ها و تخریب شدید قرار داده است. لذا در این پژوهش تلاش شده است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به استناد اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای، ضمن تبیین مفهوم محیط زیست و ژئوپلیتیک زیست‌محیطی، این موضوع در حوزه حساس خلیج فارس (با تأکید بر منافع ج.ا.ایران) مورد مذاقه قرار گیرد تا در نهایت، به این سؤال پاسخ مستدلی داده شود که مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی خلیج فارس کدامند و این عوامل چه تأثیری بر امنیت کشورهای حاشیه خلیج فارس (با تأکید بر منافع ملی ج.ا.ایران) دارد.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست، امنیت، خلیج فارس

۱. دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی با گرایش مطالعات جنوب غرب آسیا

موانع پایان بحران سوریه و علل تداوم آن

عاطفه باغی شادباد^۱ و بحیی زرین نرگس^۲

چکیده

با گذشت پنج سال از آغاز بهار عربی، غرب آسیا با یکی از بحرانی‌ترین مسائل خود روبه‌روست، تاحدی که امیدهای اولیه به دموکراتیزاسیون در منطقه، ناشی از امواجی که بهار عربی به‌راه انداخته بود از دست رفته است. سوریه به‌عنوان بحرانی‌ترین کشور غرب آسیا که درگیر طوفان بهار عربی است، یکی از این کشورهاست. بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ تا به امروز، همچنان وخیم است و زمینه را برای درگیری میان نیروهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرده و باعث شده است که پیچیده‌ترین بحران ناشی از تحولات جاری باشد. در همین راستا، برای درک تحولات سوریه و موانع پایان بحران و جنگ داخلی این کشور تلاش می‌شود که درکی سه‌سطحی از وضعیت این کشور ارائه شود. با عنایت به سؤال اصلی نوشتار یعنی «موانع پایان بحران سوریه و علل تداوم آن با گذشت پنج سال از آغاز اعتراض‌های مردمی این کشور چیست؟» تلاش می‌شود تا مهم‌ترین عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی که به مانعی برای پایان بحران سوریه بدل شده‌اند مورد بحث و بررسی قرار گیرند. در سطح داخلی، مسائلی چون: تلاش کردها برای کسب جایگاه خود در تحولات سوریه، بدل شدن سوریه به عرصه جولان نظامی نیروهای موافق و مخالف اسد در جهت کسب منافع گاه متضاد، ضعف اپوزیسیون سوریه و فرو رفتن سوریه به درون جنگ فرسایشی میان چندین نیروی اصلی نظامی مورد بحث قرار خواهد گرفت. در سطح منطقه‌ای، به رقابت‌ها، اهداف و منافع متضاد سه کشور ایران، عربستان و ترکیه به‌عنوان کشورهای اصلی درگیر در بحران سوریه پرداخت. در سطح بین‌المللی نیز اهداف روسیه در عملگرایی نظامی و استراتژی این کشور در بحران سوریه و سردرگمی استراتژیک آمریکا در سوریه مورد بحث قرار خواهد گرفت. فرضیه ما در پاسخ به سؤال اصلی نیز به این شکل قابل طرح است که پایداری زمینه‌های تنش و رقابت در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی میان نیروهای درگیر در بحران سوریه و اهداف و آرمان‌های متضاد میان آنها، به مانعی برای پایان جنگ و بحران سوریه و تداوم آن بدل شده است.

کلیدواژه‌ها: سوریه، کردها، نظامی‌گری، داعش، عربستان، ایران، ترکیه، آمریکا.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات جهان در دانشگاه دوشیسا در ژاپن

۲. پژوهشگر مطالعات غرب آسیا

عدم تقارن قدرت، مؤلفه تعیین‌کننده نظم امنیتی آب در غرب آسیا

احمد آدینه‌وند^۱

چکیده

قرار گرفتن غرب آسیا در کمربند خشک جهان موجب شده که این منطقه علی‌رغم داشتن شش درصد از جمعیت جهان از ۱/۴ درصد آب شیرین تجدیدپذیر برخوردار باشد که عمدتاً به صورت اشتراکی استفاده می‌شود؛ زیرا نیمی از جمعیت آن در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند. کمبود طبیعی، توزیع نامتوازن، اشتراکی و بی‌جایگزین بودن منابع آب در کنار مسائلی نظیر افزایش بی‌رویه جمعیت و مصارف آبی در کشورهای غرب آسیا، اقتصاد متکی بر کشاورزی، سوء مدیریت کلی و جمعی و تخصیصات ارضی، مرزی، قومی و ایدئولوژیکی این کشورها و نبود قوانین بین‌المللی حاکم بر آب‌های مشترک از جمله عوامل تشدید بحران آب هستند که آن را به یک منبع عمده تولید خشونت تبدیل می‌کند. و باعث شده آینده بحران آب در کل منطقه غرب آسیا نگران‌کننده شود. در حال حاضر آثار کمبود آب در بیشتر مناطق مرزی و روستایی غرب آسیا از جمله ایران هویدا شده است. این مقاله به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

کدام عوامل تاکنون مانع از تبدیل بحران آب در غرب آسیا به یک مناقشه حاد امنیتی و نظامی شده‌اند؟ و بحران آب در غرب آسیا چگونه بر امنیت ملی کشورهای این منطقه تأثیر می‌گذارد؟ فرضیه تحقیق این است که عدم تقارن قدرت در میان کشورهای غرب آسیا باعث حفظ نظم امنیتی آب در غرب آسیا شده است.

کلیدواژه‌ها: نظم امنیتی، غرب آسیا، بحران آب.

تأثیر بحران آب در روابط کشورهای غرب آسیا

فاطمه مشهدی بندانی^۱

چکیده

آب، مظهر آبادانی و توسعه است. توسعه نقش بسیار مهمی در امنیت کشورها دارد. غرب آسیا یکی از کم‌آب‌ترین مناطق جهان است. افزایش جمعیت و مصرف نادرست منابع آب، جهان را با بحران آب مواجه کرده است. حدود پنج درصد جمعیت جهان در غرب آسیا ساکن هستند؛ اما تنها یک درصد منابع آب در اختیار مردم این منطقه است. کمبود منابع آب علاوه بر تشنج‌های بین‌المللی در داخل کشورها نیز منشأ درگیری و منازعات محله‌ای و منطقه‌ای شده است. بخش مهمی از آب‌ها در مرزهای مشترک کشورها قرار دارند که این موضوع باعث ایجاد مناقشه‌هایی بین کشورها شده است. برخی از کارشناسان، جنگ آینده را جنگ آب دانسته‌اند. در پنجاه سال گذشته، ۳۷ مورد خشونت به‌خاطر آب بین کشورها گزارش شده که همه آنها به‌جز هفت مورد در غرب آسیا بوده است. کمبود آب در این مناطق، ابعاد سیاسی - امنیتی پیدا کرده است. بیش از دو سوم شهرهای ایران نیز در آستانه بحران آب قرار دارند. این مقاله با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به مطالعه ابعاد بحران آب در منطقه غرب آسیا و نقش آن در چگونگی روابط کشورهای منطقه پرداخته است. آنچه مسلم است تدوین یک برنامه جهانی و تعاملات بین‌المللی می‌تواند به حل چالش آب کمک کند. استفاده از آب شیرین و بهداشتی حق همه انسانهاست. سیاست‌های درست ملی و منطقه‌ای نیز در بهبود روابط کشورها و استفاده مسالمت‌آمیز از منابع آب بسیار مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: بحران آب، غرب آسیا، امنیت.

۱. کارشناسی ارشد مهندسی صنایع (مدیریت سیستم و بهره‌وری) (Fa.mashhadi.b@gmail.com)

فصل چهارم

ایران و نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا

محدودیت‌های ساختاری برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی^۱

چکیده

در چشم‌انداز بیست‌ساله، یکی از اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران دستیابی به جایگاه اول و ایفای نقش برتر منطقه‌ای تعریف و تعیین شده است. بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، این هدف‌گذاری را نشانه‌ای از برتری‌جویی، توسعه‌طلبی و هژمونی‌طلبی ایران در منطقه غرب آسیا تصور و تلقی کردند. تغییر و تحولات منطقه غرب آسیا، در چهار سطح کارگزاری، ساختاری، هنجاری و الگوی تعامل، پس از بیداری اسلامی از یک‌سو، و توافق هسته‌ای ایران با گروه ۱+۵ در قالب برجام از سوی دیگر، این پندار و ادراک را تجدید و تشدید کرده است؛ چون برآیند این تحولات، افزایش توان بازیگری و نقش‌آفرینی منطقه‌ای ایران و پیرو آن ارتقاء جایگاه و منزلت آن در غرب آسیا بوده است. اگرچه برتری منطقه‌ای ایران، ماهیت و انگیزه ایجابی دارد و به معنای هژمونی‌خواهی نیست؛ اما پندار و ادراک منطقه‌ای و بین‌المللی برخلاف این واقعیت است، به گونه‌ای که کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای براساس تلقی و تصور خود از برتری‌جویی و هژمونی‌طلبی منطقه‌ای ایران به آن واکنش نشان می‌دهند. کنش‌هایی که در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، برتری مسالمت‌آمیز ایران را با محدودیت‌ها و موانع ساختاری مواجه می‌سازد؛ از این رو، جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به این موقعیت منطقه‌ای، در کنار غلبه بر عوامل بازدارنده داخلی، باید بر این عوامل و متغیرهای محدودیت‌زای ساختاری نیز فائق آید.

در این مقاله، با ارائه یک رویکرد مفهومی و نظری، چگونگی و میزان محدودیت‌آفرینی نظام بین‌الملل و نظام منطقه‌ای برای تحقق برتری ایران در سه سطح تجزیه و تحلیل می‌شود: نخست،

۱. عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی و مدیرعامل موسسه ابرار معاصر تهران

ساختار مادی نظام بین‌الملل و نظام منطقه‌ای، به معنای توزیع قدرت در بین کارگزاران که به‌صورت آرایش خاص آنها یا قطبیت نظام تجلی و تبلور می‌یابد محدودیت‌زاست؛ دوم، ساختارهای غیرمادی و انگاره‌ای - هنجاری نظام بین‌الملل و منطقه‌ای است که برحسب قواعد و اصول حاکم بر روابط بین‌الملل نمود می‌یابد و برای جمهوری اسلامی ایران محدودیت رفتاری می‌آفریند؛ سوم، با توجه به شأن هستی‌شناختی کارگزاران، علاوه بر محدودیت‌های تحمیلی از ناحیه ساختارهای مادی و هنجاری نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ و قطب‌های قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای نیز برای ایران محدودیت‌سازند.

بنابراین، برتری یک‌جانبه جمهوری اسلامی ایران در منطقه با موانع ساختاری شدیدی مواجه بوده و به‌آسانی تحقق‌پذیر نیست. برای دستیابی به این هدف، سیاست چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای در چهارچوب نظم مشارکتی، همگرایی یا کنسرت مناسب و قابلیت بیشتری دارد. مهم‌ترین پیش‌شرط این سیاست نیز رفع سوء تفاهمات و اصلاح سوء برداشت‌ها و غیرامنیتی کردن از طریق تهدیدزدایی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و تعامل سازنده با نظام بین‌الملل و نظام منطقه‌ای است. تقویت هم‌پیوندی متقابل و متوازن اقتصادی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و جهانی عامل مؤثر دیگری است که می‌تواند از شدت محدودیت‌ها و موانع ساختاری برتری ایران بکاهد.

کلیدواژه‌ها: ساختار، کارگزار، نظام بین‌الملل، هژمونی، چندجانبه‌گرایی، کنسرت، موازنه قوا، هنجار، تعامل سازنده، نظم مشارکتی.

سیاست مهار آمریکا علیه ایران

دکتر ناصر هادیان^۱

چکیده

سیاست آمریکا در قبال ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست مهار به موازات تعامل گزینشی و هدف آمریکا از پیگیری این سیاست، مهار نفوذ، کم کردن وزن استراتژیک ایران در منطقه و جهان، تغییر رفتار و تغییر رژیم در ایران بوده است؛ اما مؤلفه‌های سیاست مهار آمریکا در قبال ایران شامل چه مواردی است و چه پیامدهای منطقه‌ای را متوجه ایران کرده است؟ این مقاله مدعی است راهبردهای آمریکا برای مهار ایران را می‌توان: ۱. امنیتی کردن ایران؛ ۲. به‌کارگیری اقدامات دیپلماتیک آمریکا در قبال ایران؛ ۳. تحریم‌های همه‌جانبه؛ و ۴. موازنه‌سازی از راه دور دانست. در زمینه امنیتی کردن ایران بحث برنامه هسته‌ای نقطه تمرکز است. در زمینه اقدامات دیپلماتیک می‌توان به رویکرد منزوی کردن ایران در دیپلماسی سنتی، کاهش وزن استراتژیک ایران از طریق دیپلماسی عمومی و اقدامات در چهارچوب دیپلماسی خط دو اشاره کرد. تلاش آمریکا برای اجماع‌سازی جهت تصویب و تشدید تحریم‌های سازمان ملل و اتحادیه اروپا در کنار قوانین تحریمی خود این کشور درخصوص تحریم ایران، یکی دیگر از مؤلفه‌های سیاست مهار علیه ایران است. در نهایت، آمریکا راهبرد موازنه‌سازی از راه دور را از طریق تقویت رقبا و تضعیف متحدان ایران پیگیری کرده است و به‌نظر می‌رسد در چشم‌انداز آینده این تلاش‌ها از طریق امنیتی‌سازی مجدد برنامه هسته‌ای ایران، وضع تحریم‌های جدید در موضوعاتی مانند: حقوق بشر یا فعالیت‌های موشکی ایران و تقویت تنش‌های عربستان با ایران ادامه یابد.

کلیدواژه‌ها: ایران، آمریکا، سیاست مهار، پیامدهای منطقه‌ای

کدهای ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران

دکتر امیر قدسی^۱

چکیده

تاریخ امنیتی غرب آسیا نشان می‌دهد که این منطقه جغرافیایی، بیش از سایر حوزه‌های ژئوپلیتیکی در شرایط بی‌ثباتی، ناامنی، بحران و تعارض قرار داشته است. جنگ‌های منطقه‌ای، درگیری‌های مرحله‌ای، اختلاف‌های سرزمینی، بحران‌های پایان‌ناپذیر و تکرارشونده را می‌توان در شمار عواملی دانست که ضرورت مطالعه دائمی درباره شاخص‌های امنیت منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند. استمرار این آشوبناکی به همراه پایداری کدهای ژئوپلیتیکی موجب شده است که منطقه غرب آسیا در شرایط کنونی به یکی از بحرانی‌ترین و ناامن‌ترین مناطق جهان تبدیل گردد. در این میان، پرسش اساسی این است که ایران به‌عنوان یکی از کشورها و بازیگران بسیار تأثیرگذار منطقه، نظم مطلوب خود را در تحقق کدامین شرایط جستجو می‌کند؛ از این رو، این پژوهش در پی آن است که با بازخوانی الگوهای رایج امنیت منطقه‌ای و تناسب آن با شرایط و ویژگی‌های منطقه، پس از تبیین شاخص‌های و مطلوبیت‌های خود، اولویت‌های اقدام برای استقرار نظم امنیت منطقه را مشخص نماید. روش تحقیق برپایه گردآوری و تحلیل اسنادی پژوهش‌ها و میزهای تخصصی مرتبط با موضوع بوده و برای اعتبارسنجی یافته‌ها، از ۲۵ تن از کارشناسان و خبرگان دعوت به همکاری گردید تا نقطه‌نظرات خود در قالب گویه‌های احصاشده و اولویت آن را مشخص نمایند. این نظرات در دستگاه نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس مورد تحلیل قرار گرفته و نتایج آن بیانگر آن است که مناسب‌ترین الگوی ایجاد نظم برای ج.ا.ایران بر مبنای «الگوی مشارکتی»، «تمدن و اقتصاد پایه» و با رویکرد «قدرت‌آفرینی نرم» خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: امنیت منطقه‌ای، ج.ا.ایران، الگوی مشارکتی.

بازنمایی روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در مدل سازی ماتریسی از نظم‌های امنیتی

دکتر حمیدرضا کمالی؛ و مهدی اعلایی

چکیده

ژئوپلیتیک حوزه خلیج فارس در ساختار دوگانه قطبی‌گرا (پلورالیستی) - همبستگی‌گرا (سولیداریستی) به گونه‌ای بازتعریف شده که فراتر از قیود صرفاً جغرافیایی به فضایی تبدیل می‌گردد که هر دو مدل جامعه و نظام بین‌الملل را به‌طور متقابل و همزمان بازنمایی می‌کند. به‌نظر می‌رسد مدل نظم امنیتی این حوزه، آنارشیک در ساختار، همراه با حضور چند قدرت متفاوت، و دستور کار امنیتی، سیاسی و نظامی از پیش تعیین شده است. بازیگران فرامنطقه‌ای مانند: بریتانیا و آمریکا قبل و پس از جنگ سرد در شکل دادن به ترتیبات امنیتی منطقه دخیل بوده‌اند. انقلاب اسلامی ایران موجب امنیتی‌تر شدن فضای این منطقه شد و رفتار میان دولت‌ها را بازتعریف کرد. در همین راستا، تشکیل «شورای همکاری دولت‌های عرب خلیج فارس» بر محور مطالبه چگالی نهادی قدرت بود تا در مقابل همسایه‌های شمالی، یعنی ایران و عراق، هویت متمایز و متضاد ایجاد نماید. معماری نظم در این حوزه در معرض تقویت خطوط گماین شافت و بالا رفتن غلظت بخش پلورالیستی قرار دارد و به نسبت آن، موجب تضعیف خطوط گزل شافت و نازک شدن بخش سولیداریستی در این منطقه شده است. لذا فرضیه تحقیق، مدلی حاصل از سنتز ماتریس نظم‌های امنیتی را در یک شاکله دیالکتیکی و هیبریدی متشکل از لایه‌های همبستگی‌گرا (سولیداریستی) و قطبی‌گرا (پلورالیستی) پیش‌بینی می‌کند. مدل نظم به‌دست آمده، از ترکیب دو نظم قدرت‌محور و کنسرت‌محور پدید می‌آید و آینده روابط ایران و شورای همکاری را در شبکه پیچیده‌ای از متغیرهای قدرت بازتعریف می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سولیداریسم، پلورالیسم، نظم امنیتی، ماتریس، گماین شافت، گزل شافت، ایران،

شورای همکاری دولت‌های عرب خلیج فارس، موازنه قوا.

نظامی سازی غرب آسیا و راهبرد مشارکتی امنیت جویانه جمهوری اسلامی ایران

دکتر رضا سیمبر^۱ و بهنام بابازاده^۲

چکیده

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک غرب آسیا عاملی برای توجه هرچه بیشتر بازیگران فرامنطقه‌ای (به خصوص بعد از فروپاشی نظام دوقطبی) به این منطقه بوده است؛ به همین دلیل، بسیاری از جدال‌های بین‌المللی در حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا شکل گرفته است. اختلافات مرزی- سرزمینی، اختلافات قومی- مذهبی، تعارضات ایدئولوژیکی، و نفت از مهم‌ترین چالش‌های این منطقه است. این چالش‌ها موجب شکنندگی و بی‌ثباتی محیط غرب آسیا و در نتیجه، عاملی برای تشدید نفوذپذیری آن در برابر قدرت‌های مداخله‌گر است. نفوذ قدرت‌های مداخله‌گر و تقابل اهداف و منافع آنها باهم یا با کشورهای منطقه منجر به تشدید نظامی‌سازی و بی‌ثباتی منطقه‌ای فزاینده خواهد شد که علاوه بر امکان وقوع تغییرات ژئوپلیتیکی، بقا، امنیت و منافع حیاتی بازیگران منطقه‌ای را به خطر خواهد انداخت. تحقیق حاضر با روش توصیفی- تحلیلی به دنبال ترسیم یک راهبرد دفاعی کارآمد برای جمهوری اسلامی ایران است تا ضمن ممانعت از نظامی‌سازی، امنیت و ثبات منطقه افزایش یابد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، نظامی‌سازی، غرب، راهبرد مشارکتی، ایران.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مالک اشتر تهران

بحران‌های امنیتی در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسین عصاریان‌نژاد^۱؛ محمد رستمی^۲؛ و محمدجواد رضمانی^۳

چکیده

قفقاز جنوبی منطقه‌ای مهم در امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود که از یک سو وجود بحران‌های فراوان و از سوی دیگر ویژگی ژئوپلیتیکی آن باعث شده است تا معضلات امنیتی کشورهای منطقه قفقاز بر سایر کشورهای منطقه، از جمله جمهوری اسلامی ایران، تأثیر گذاشته و امنیت این کشورها را از تحولات خود متأثر کند؛ بنابراین در این پژوهش تلاش شده تا بحران‌های قفقاز جنوبی با توجه به ویژگی‌های منطقه در چهارچوب رویکرد جهان‌سومی و امنیت منطقه‌ای و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی بررسی شود و تهدیدات ناشی از آن، با تأکید بر بحران میان روسیه و گرجستان و نبرد اخیر قره‌باغ، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی احصا شود. پایایی نتایج با ارائه به گروه نخبگان و با روش مصاحبه تأیید شده است.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، بحران، قفقاز جنوبی، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان،

ارمنستان، گرجستان.

۱. دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی

۲. دانشجوی دکتری امنیت داخلی دانشگاه عالی دفاع ملی (rostamim110@yahoo.com)

۳. دانشجوی دکتری تهدیدات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (mj.ramezani@gmail.com)

اولویت‌های ایران در محیط به شدت امنیتی شده غرب آسیا

دکتر کابک خبیری^۱ و راضیه عباسقلی^۲

چکیده

هریک از بازیگران اصلی در این روند منفعت استراتژیک خاصی را دنبال می‌کند. عربستان سعودی در حال حاضر، اصلی‌ترین دشمن ایران محسوب می‌شود. عربستان از یک سو سعی می‌کند حوزه‌های نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق، سوریه، یمن و لبنان را با چالش مواجه کرده و از سوی دیگر با منافع مشترکی که با رژیم صهیونیستی دارد، قطب جدید قدرت را در دوسوی غرب آسیا شکل دهد. در این بین، نبود استراتژی مشخص در سوریه باعث شده است که این کشور هرزمان از کشور یا گروه معارضی مانند داعش حمایت کند. رژیم صهیونیستی نیز یک چنین وضعیتی دارد. مقابله با ایران محور اصلی استراتژی رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد و برای این منظور از کشور عربستان، به دلیل نفوذی که در منطقه دارد، استفاده می‌کند. در این حال برای آنان شکل‌گیری یک دولت اسلامی تندرو در سوریه به هیچ وجه مطلوب رژیم صهیونیستی نبوده، بنابراین از یک سو سعی در جلوگیری از حضور ایران در منطقه کرده، و از سوی دیگر، سعی در نزدیک‌شدن به اسد برای دور کردن او از ایران دارد.

در چنین وضعیتی ترکیه تصمیم مشخصی را در استراتژی خود نسبت به غرب آسیا ندارد؛ از یک سو نئوعثمانیسم، احیای سرزمین‌های قدیم ترکیه را در دستور کار خود قرار داده بود و از سوی دیگر، قدرت گرفتن گروه‌های معارض این کشور نظیر پ.ک.ک و داعش و کودتای اخیر این کشور مجدداً باعث شده این کشور به سمت آمریکا و ناتو حرکت کند.

کلیدواژه‌ها: محیط امنیتی، غرب آسیا، سیاست خارجی ایران، محور جدید ژئوپلیتیکی، محور

جدید ژئواستراتژیک.

۱. هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

۲. کارشناسی ارشد از دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

امنیت خلیج فارس از نگاه جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های فراروی آن

حوا ابراهیمی پور^۱ و دکتر علی آدمی^۲

چکیده

همواره یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه، حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس در چهارچوب همکاری با کشورهای منطقه و خروج نیروهای فرامنطقه بوده است. برخلاف تلاش‌های آمریکا مبنی بر گسترش ایران‌هراسی در منطقه و حذف جمهوری اسلامی ایران از مناسبات امنیتی خلیج فارس، مسئولان نظام در تلاش بودند که مناسبات سیاسی خود را با کشورهای منطقه بهبود بخشند تا بدین وسیله بتوانند نظام امنیتی هم‌یارانه را در خلیج فارس، به وجود آورند؛ اما با وجود تلاش‌های صورت گرفته توسط جمهوری اسلامی ایران، خلیج فارس همچنان با چالش‌های امنیتی گوناگونی مواجه است. هدف این مقاله بررسی چالش‌های امنیتی پیش‌رو، برای اهداف جمهوری اسلامی ایران در منطقه است تا بدین وسیله، بهترین راهکار موجود برای حل این معضل مطرح شود.

کلیدواژه‌ها: واقع‌گرایی، رقابت تسلیحاتی، واگرایی منطقه‌ای، خلیج فارس، امنیت هم‌یارانه.

۱. دکترای علوم سیاسی از دانشگاه اصفهان (h.ebrahimipour@yahoo.com)

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

الزامات و پیامدهای راهبردی معماری منطقه‌ای ایران در پرتو بحران‌های جهانی متحول ۲۰۱۶

دکتر بهزاد خوش‌اندام^۱

چکیده

شرایط متحول و همراه با عدم قطعیت نظم جهانی در حال تبلور هزاره سوم از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران برای نظم‌آفرینی، بازتعریف و بازطراحی معماری منطقه‌ای در عرصه بین‌المللی حکایت دارد. براساس تجربیات سیاست بین‌الملل، منطقه غرب آسیا متأثر از بازتعریف نقش‌های منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ، به شدت در معرض تحولات بنیادین در مسائلی همانند مرزبندی‌های جغرافیایی، حاکمیت، بازیگران، پوشش‌های امنیتی و راهبردی، تجدید ائتلاف‌ها و اتحادیه‌ها، ظهور تهدیدات جدید و اثرگذار، اثرگذاری بازیگران فرامنطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، فرادولتی و فرودولتی و غیره بوده است.

بحران‌های جهانی مهمی همانند بحران اعراب و رژیم صهیونیستی، افغانستان، بحران اوکراین، بحران عراق، بحران سوریه، بحران لبنان، بحران اعراب، بحران یمن، بحران ترکیه و غیره حکایت از آن دارد که یک جزء مهم ثابت، اثرگذار و اثرپذیر از کلیه بحران‌های فوق، بازیگر باپتانسیل بالایی همانند ایران بوده است. آموزه‌های بحران‌های یادشده نشان می‌دهد که براساس سابقه تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بیش از صدسال اخیر ایران، معماری امنیتی پیرامونی متأثر از کنش بازیگران درون و برون منطقه‌ای در محیط همسایگی این کشور ضامنی اساسی و بنیادی در تقویت و تحکیم و یا زوال امنیتی ملی و پیرامونی این کشور بوده است. با چنین دغدغه‌هایی، مقاله پیش‌رو با یک رویکرد تحلیل محور متأثر از نگاه متن‌محور و مقایسه‌اندیش نسبت به بحران‌های فوق درصدد دستیابی به پاسخ‌های اولیه به پرسش‌های ذیل در مسیر درکی آینده‌پژوهانه از نوع کنش احتمالی ایران در واکنش به بحران‌های جهانی موجود و در حال ظهور است.

کلیدواژه‌ها: ایران، راهبرد، بحران جهانی، نظم جهانی.

۱. پژوهشگر حوزه سازمان‌های بین‌المللی و سیاست خارجی ایران (behzadkhoshandam@yahoo.com)

نظم‌های منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی و راهبرد ایران

دکتر غلامعلی سلیمانی^۱

چکیده

سند چشم‌انداز را می‌توان نقطه عطفی در اسناد بالادستی و رسمی جمهوری اسلامی ایران در مورد تأکید بر اهمیت منطقه دانست. در این سند برای نخستین بار از جغرافیای مشخصی به‌عنوان منطقه هدف نام برده شده است. منطقه مورد نظر سند چشم‌انداز بیست‌ساله «آسیای جنوب غربی» که به‌صورت یک محدوده پنج‌ضلعی و متشکل از ۲۵ کشور است، جایگزین اصطلاح سیاسی - استراتژیک غرب آسیا شده است. اگرچه برخی اصطلاح «آسیای غربی» یا «غرب آسیا» را به این دلیل که با واقعیات جغرافیایی و نقشه‌های سیاسی هم‌خوان تر است، مناسب‌تر می‌دانند، در این پژوهش نگارنده ترجیحاً از اصطلاح آسیای جنوب غربی به‌علت تأکید متن سند چشم‌انداز بهره می‌گیرد.

ویژگی‌های بافتاری منطقه، که به دو دسته عوامل ثابت و متغیر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قابل تقسیم هستند، ضرورت بهره‌گیری از رویکردهای نظری غیرغربی به‌ویژه نظریه‌های واقع‌گرا و فهم لیبرالیستی از نظم‌ها و ترتیبات امنیتی در منطقه را دوجندان می‌کند. بسیاری از عناصر اثرگذار در منطقه با رویکردهای یادشده قابل تبیین نیستند و عناصر ژئوکالچر، بحران‌های ناشی از ضعف دولت - ملت‌سازی و همچنین عناصر مداخله‌گر خارجی از قابلیت اثرگذاری به‌مراتب بیشتری در فضای منطقه‌ای برخوردارند.

در چنین فضایی از ویژگی‌های خاص و استثنایی منطقه، پرسش اساسی که این پژوهش قصد پاسخ‌گویی به آن را دارد، این است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظم منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی چیست.

کلیدواژه‌ها: منطقه، آسیای جنوب غربی، منطقه‌شدن، راهبرد، نظم‌های منطقه‌ای.

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (gholamali.soleymani@gmail.com)

اتلاف تاکتیکی ایران و روسیه در خاورمیانه جدید؛

چیستی، چالش‌ها و دورنما

دکتر علیرضا نوری^۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی الگوی همکاری سیاسی ایران و روسیه در دوره ریاست جمهوری آقای روحانی و پوتین است. در این راستا، ضمن بررسی چرایی اینکه روابط دو کشور در بسیاری از مقاطع دوره پسا شوروی، الگوی مشخصی نداشته، به تحلیل الگوی کم‌ثبات «تعامل رژیم‌های تهدیدمحور» که در مقطع مورد مطالعه این مقاله بر روابط دو کشور حاکم است، پرداخته می‌شود.

به این منظور از متدولوژی تحلیل سیستمی و رویکرد کارکردی - ساختاری در چهارچوب نظریهٔ نئورئالیسم استفاده شده و روابط ایران و روسیه در بافت تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و با توجه به ارتباط معنادار تحولات در این عرصه‌ها تحلیل خواهد شد.

نویسنده ضمن بررسی ابعاد و ویژگی‌های الگوی «تعامل رژیم‌های تهدیدمحور»، معتقد است که هرچند برخی اختلاف‌ها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی میان دو کشور وجود دارد و آنها با رویکرد رئالیستی به همکاری خارجی نگاه محدود دارند، در این شرایط نیز امکان ارتقای سطح روابط به الگوی «همگرایی نسبی - حاکمیتی» وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ایران، روسیه، تحولات منطقه‌ای، همگرایی، تحولات بین‌المللی.

منطقه‌گرایی نوین و چالش‌های روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران

دکتر بهادر زارعی^۱ و عطیه کریمی^۲

چکیده

یکی از راهکارهای گسترش همکاری در جهان، همگرایی با استفاده از الگوی منطقه‌گرایی است. در نظم موجود منطقه‌ای و جهانی، امنیت ملی هر کشور از طریق تلاش آن دولت و ملت برای کسب و افزایش ثروت ملی راحت‌تر امکان‌پذیر است تا از مسیر تلاش برای ساخت و تجمیع امکانات سخت‌افزاری تأمین امنیت ملی. این اصل اساسی امروزه از طریق همکاری منطقه‌ای و در ادامه با همکاری و وابستگی متقابل جهانی امکان‌پذیر می‌شود تا با گام‌های انفرادی و بدون همکاری و پشتیبانی منطقه‌ای و جهانی. قبل از جنگ جهانی اول بسیاری از متفکران، وجود زمینه‌های مشترک هم‌بستگی اقتصادی میان دولت‌های اروپایی را عامل اساسی برای همکاری و دورشدن از مناقشه‌ها و ستیزها می‌دانستند.

جمهوری اسلامی ایران هم به‌عنوان کشوری تأثیرگذار، با موقعیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک، با درک این ضرورت، با پایان یافتن جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت سازندگی تاکنون، گرایش منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای را متناسب با اهداف و آرمان‌های خود با فراز و نشیب‌هایی در دستور کار داشته است؛ اما شرایط خاص این کشور و تهدیدهای امنیتی، که همواره متوجه جمهوری اسلامی ایران بوده است، سبب شده که رویکرد منطقه‌گرایی ایران همواره با صبغه و برتری گرایش‌های امنیتی و سیاسی دنبال شود، حال آنکه تجربه‌های موفق منطقه‌گرایی نوین در دنیا با برتری دستورکارهای اقتصادی، نرم‌افزارانه و غیرامنیتی بوده است. این پژوهش علاوه‌بر بررسی جنبه‌های مختلف منطقه‌گرایی، دلایل اتخاذ رویکرد متفاوت جمهوری اسلامی ایران و ضرورت بازبینی با رویکرد توصیفی – تحلیلی در مقیاس کلان منطقه‌ای را بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، منطقه‌گرایی، منطقه‌گرایی نوین، چالش‌های منطقه‌گرایی،

روابط خارجی ایران.

۱. استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران دانشکده جغرافیا (atiekarimi@ut.ac.ir)

دیپلماسی زیست‌محیطی جمهوری اسلامی ایران در بحران ریزگردها (منطقه غرب آسیا)

دکتر جهانبخش ایزدی^۱؛ و مسعود طوفان^۲

چکیده

ریزگردها از سال ۱۳۸۰ تا امروز مهمان ناخوانده کشورمان بوده‌اند، براساس بررسی‌های صورت گرفته علت وقوع پدیده ریزگردها دو منشأ داخلی و منطقه‌ای دارد؛ به‌عنوان مثال پیش از این کانون‌های تولید گرد و غبار در عراق، پنج کانون بود که در سال‌های اخیر به ۴۸ کانون رسیده است. این مقاله درصدد است تا با روش تحلیلی - توصیفی و گردآوری داده‌های موجود، کارآمدی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تاکنون درخصوص یکی از بحران‌های اخیر زیست‌محیطی که جنبه فراملی دارد را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ به‌طور کلی می‌توان گفت غلبه بر بحران‌های زیست‌محیطی ریزگردها و کارآمدی آن به مقدار زیادی به ارتقای روابط دیپلماتیک و کاهش نگرانی‌های امنیتی و همکاری‌های متقابل نیاز دارد که به‌رغم پیشرفت روندهای مذاکراتی طرفین علی‌الخصوص کشورهای ایران و عراق نیازمند گام‌های سریع‌تر و عملی است. به‌نظر می‌رسد دیپلماسی زیست‌محیطی در مسائل مرتبط با بحران ریزگردها با حضور و نقش‌آفرینی کشورهای منطقه از راه مشارکت کارآمد در یک ساختار بین‌المللی همراه با شکل‌گیری ترتیبات مالی و اجرایی لازم به‌منظور شکل‌دهی به فرآیند منطقه‌ای و جهانی و در چهارچوب یک موافقت‌نامه زیست‌محیطی میسر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: ایران، کارآمدی، دیپلماسی زیست‌محیطی، ریزگرد، همکاری‌های منطقه‌ای.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (toofanbox@yahoo.com)

ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاور نزدیک از دیدگاه کنت کاتزمن

دکتر فاطمه محمدی^۱

چکیده

یکی از روش‌های ارزیابی و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها و کشورها، بررسی دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و خارجی مختلف، در این خصوص است. درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، کارشناسان و تحلیل‌گران متعددی قلم زده‌اند؛ از این‌رو نوشتار پیش‌رو تلاش دارد بر مبنای رویکرد نگاه از خارج به داخل به ارزیابی سیاست خارجی ایران از دیدگاه کنت کاتزمن بپردازد. او، دکترای علوم سیاسی و کارشناس امور غرب آسیا در امور خارجی، دفاعی و تجاری مرکز تحقیقات کنگره آمریکاست. همچنین تحلیلگر ارشد مسائل ایران، عراق، افغانستان و خلیج فارس است. از او کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری به چاپ رسیده است.

از دیدگاه کاتزمن، سیاست خارجی ایران ناشی از عوامل بسیاری است که گاه با یکدیگر در رقابت نیز هستند؛ از جمله آنها می‌توان به ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، نگرش رهبری نسبت به تهدیدات کشور و نظام، منافع ملی بلندمدت ایران و واکنش متقابل عوامل متعدد و مجلس ایران اشاره کرد. برخی از تحلیلگران معتقدند که هدف سیاست خارجی ایران تبدیل شدن به یک قدرت ساختاری در غرب آسیاست؛ به گونه‌ای که بتواند بر ایالات متحده و هم‌پیمانان او یعنی رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و سایر نظام‌های عرب مسلمان اهل سنت فایق آید؛ از این‌رو، ایران از شیعیان و جنبش‌های اسلامی تحت عنوان «ستم‌دیدگان» حمایت می‌کند. برخی دیگر معتقدند که سیاست خارجی ایران بیشتر از آن‌که ایدئولوژیک باشد، کاربردی و عملی است؛ به عبارت دیگر سیاست خارجی ایران می‌کوشد تا از ایران در برابر تلاش‌های ایالات متحده در مورد جنگ یا تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران محافظت کند. همچنین سیاست خارجی آن تاحدودی می‌تواند در راستای ارتقای وجهه بین‌المللی ایران یا اعاده شکوه تمدن ایرانی باشد.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، کاتزمن، ایدئولوژی، آمریکا، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دکترای روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی، (mohammadii.f@gmail.com)

ژئوپلیتیک شیعه و تأثیرات آن بر نظم منطقه غرب آسیا

حجت‌اله جهانی‌راد^۱؛ دکتر مجتبی درفشان^۲؛

ایرج شاهوردی^۳؛ و دکتر علی‌اکبر قیاسی^۴

چکیده

امروزه ژئوپلیتیک هر منطقه جغرافیایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در ارزش‌گذاری امنیتی و بین‌المللی آن منطقه مدنظر بوده و اهمیت این مؤلفه (موقعیت ژئوپلیتیک) تا آنجاست که نوع نگرش‌ها و دیدگاه‌های تصمیم‌گیرندگان جهانی را به مقدار زیادی تحت تأثیر خود قرار داده و در واقع همین مؤلفه است که در یک منطقه موجب فرصت‌آفرینی، در یک مکان عامل بروز چالش و یا در محلی دیگر عامل ایجاد توأمان این دو وضعیت می‌گردد. مناطق شیعی جهان، که بیشتر آنها در جنوب منطقه غرب آسیا و در حد فاصل دریای مدیترانه تا مرزهای شرقی فلات ایران گسترش یافته، از گذشته‌های دور تاکنون همیشه کانون بحران و آستن چالش‌ها و فرصت‌های مختلف بوده که این وضعیت در یک قرن اخیر به‌سبب نمایان‌تر شدن اعتقادات مذهبی شیعیان حالت ویژه‌ای به خود گرفته است، به‌طوری که بررسی ژئوپلیتیک منطقه بدون مدنظر داشتن مؤلفه تشیع عملاً نتیجه محاسبات را با اشتباه همراه خواهد ساخت. لذا در این مقاله تلاش داریم که با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از روش کتابخانه‌ای و تا حدودی میدانی و بهره جستن از شیوه توصیفی-تحلیلی، ضمن تشریح وضعیت ژئوپلیتیکی مناطق شیعه‌نشین غرب آسیا و تبیین و تشریح وضعیت امنیتی مرتبط با ژئوپلیتیک این منطقه، در پایان این فرضیه را که ژئوپلیتیک شیعه از مؤلفه‌های تأثیرگذار در نظم منطقه غرب آسیاست، به‌صورت مستند بررسی و تحلیل نماییم.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، شیعه، امنیت غرب آسیا.

۱. دانشجوی دکترای ژئوپلیتیک با گرایش جنوب منطقه غرب آسیا

۲. عضو هیئت علمی دانشکده فارابی

۳. دانشجوی مقطع دکترای مدیریت راهبردی دانشگاه علامه طباطبایی

۴. عضو هیئت علمی دانشکده فارابی

آینده نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در غرب آسیا

امید وقوفی^۱ و دکتر علی اصغر قاسمی^۲

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی در ایران در ۱۹۷۹ علاوه بر جایگزینی نظام جمهوری اسلامی به جای نظام پادشاهی منشاء تحولات مهمی در داخل و خارج از ایران شد. در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران تحت حمایت ایالات متحده آمریکا و در چهارچوب دکترین نیکسون، به عنوان ژاندارم منطقه، از قدرت و نفوذ بالایی در منطقه برخوردار بود؛ به همین دلیل برهم خوردن معادلات سیاسی و منطقه‌ای ناشی از انقلاب اسلامی در ایران می‌توانست نفوذ ایران در منطقه را به طور جدی تحت تأثیر قرار دهد. به دلیل جایگاه استراتژیک ایران در منطقه، الهام‌بخشی انقلاب اسلامی به مسلمانان منطقه ذیل گفتمان صدور انقلاب و نیز خروج ایران از اردوگاه غرب بود که کشورهای غربی و عربی در مقابل نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه از هیچ اقدامی صرف نظر نکردند. سیاست مقابله با گسترش نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه در دوران حیات جمهوری اسلامی از طرف کشورهای عربی و غربی ادامه یافته است. حمایت از حمله عراق به ایران و تلاش برای تضعیف محور مقاومت تنها دو نمونه از اقدامات این کشورها برای جلوگیری از گسترش نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه است. تقابل گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت دو شعار استقلال و آزادی با گفتمان اسلام سلفی و تکفیری از یک طرف و اسلام سکولار از طرف دیگر هرچند در طول نزدیک به چهار دهه گذشته وجود داشته، اما بی‌تردید این تقابل بعد از شروع نهضت مردمی موسوم به بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسیده است. با توجه به رقابت این سه گفتمان برای نفوذ در منطقه غرب آسیا و تأثیر نفوذ و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی بر عمق استراتژیک و امنیت ایران در منطقه، این مقاله قصد دارد با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهی و انجام مطالعه موردی بر روی سه کشور عراق، لبنان و یمن، آینده نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی را در این منطقه بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، گفتمان انقلاب اسلامی، نفوذ، عمق استراتژیک، آینده‌پژوهی.

۱. دانشجوی دکترای آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

مناسبات خارجی ایران و عربستان سعودی پس از تحولات سوریه و تأثیر آن بر نظم منطقه غرب آسیا

حسین ابراهیم‌نیا^۱ و حیدر کشاورز^۲

چکیده

غرب آسیا همواره در طول تاریخ، یکی از مناطق حساس و استراتژیک، در جهان بوده است؛ اما در سال ۲۰۱۱ این منطقه با رویدادهایی روبه‌رو شد که در حال تغییر دادن مناسبات بازیگران و حتی دگرگونی‌های ژئوپلیتیک درونی و بیرونی کشورهای منطقه است؛ در واقع پس از شکل‌گیری انقلاب یاسمین در تونس و توسعه دامنه آن به کشورهای دیگر، پادشاهی‌های عرب حوزه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، احساس خطر کردند؛ به همین دلیل همواره تلاش داشتند بر روی آن تأثیر گذارند؛ در این میان، بهترین آلترناتیو برای اثرگذاری بر افکار عمومی، شهروندان عرب جمهوری اسلامی ایران بود؛ زیرا نخست شیعه و اینکه نژاد غیر عرب بودند؛ بنابراین، پس از آغاز تحولات در سوریه مناسبات دو کشور دست‌خوش دگرگونی و تغییر شد؛ در واقع، عربستان سعودی با شکل‌دادن محوری شامل کشورهای امارات متحده عربی، قطر، ترکیه و غیره علیه محور مقاومت شیعه به ایجاد بحران در منطقه غرب آسیا پرداخته تا منافع محوری خود را دنبال کند؛ با بیان مقدمه، این پرسش اولیه به میان می‌آید که با تغییرات و تحولات استراتژیک در غرب آسیا زمینه‌های تأثیرگذاری بر مناسبات جمهوری اسلامی و عربستان سعودی فراهم شد، اکنون شکل جدید روابط میان دو کشور چگونه بر نظم منطقه غرب آسیا تأثیر خواهد گذاشت؟ آنچه به نظر می‌رسد این است که عربستان سعودی نگران تحولات شکل‌گرفته در غرب آسیاست. در این میان، عربستان به این تحولات، نخست از دیدگاه توازن قوای منطقه‌ای با ایران می‌نگرند؛ بنابراین درصدد است که جبهه ضدانقلاب‌های عربی تشکیل دهد؛ بنابراین در مرحله اولیه جبهه‌ای علیه محور مقاومت شکل داده است.

این مقاله در پی آن است که به بررسی مناسبات ایران و عربستان پس از تحولات سوریه بپردازد.

کلیدواژه‌ها: ایران، عربستان، سوریه، غرب آسیا

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه شهید مدرس و پژوهشگر مهمان مرکز مطالعات استراتژیک مطالعات غرب آسیا

(haydarkeshavarz@yahoo.com)

۲. دانش‌آموخته دانشگاه آزاد واحد کرج

ایران و شورای همکاری خلیج فارس: چگونگی شکل دهی به نظم جدید منطقه‌ای بر پایه منافع مشترک

قاسم اصولی^۱

چکیده

از زمان تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، اختلاف‌های سیاسی متعددی بین ایران و کشورهای عضو این شورا به وجود آمده است که از جمله آن می‌توان به اختلاف بر سر جزایر سه گانه، ماهیت حضور آمریکا در منطقه، انرژی هسته‌ای ایران، تحولات منطقه غرب آسیا به ویژه سوریه و یمن اشاره کرد. پرسش‌های اصلی مطرح شده در این پژوهش این است که اختلافات سیاسی از سال ۲۰۰۱ به بعد، چه تأثیراتی بر فرآیند مراودات تجاری و همکاری‌های اقتصادی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داشته است. و در این اوضاع نابسامان منطقه‌ای اتخاذ چه رویکردی بهتر می‌تواند به شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای با منافع مشترک کمک کند. به نظر می‌رسد در صورت اتخاذ دیپلماسی اقتصادی به جای سیاست امنیتی و رقابت ژئوپلیتیک، ظرفیت‌های زیادی برای بسط همکاری دو طرف و به تبع آن قوام‌بخشی به نظم جدید منطقه‌ای بر پایه منافع مشترک به وجود می‌آید. در ادامه این پژوهش این سؤال به تبع پرسش‌های قبلی مطرح می‌شود که مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده این دیپلماسی اقتصادی چه خواهد بود و به تبع آن، چه ظرفیت‌های اقتصادی، برای همکاری ایران با شورای همکاری خلیج فارس ایجاد می‌شود. گسترش روابط دو یا چندجانبه بین ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جهت‌های گوناگون مهم است؛ نخست آنکه، ایران و بیشتر این کشورها، بخش اصلی کشورهای منطقه پرتنش غرب آسیا را شکل می‌دهند که توسعه روابط تجاری متقابل می‌تواند در کاهش بحران‌های سیاسی منطقه‌ای نقش مناسبی را ایفا کند. دوم آنکه، ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ظرفیت مناسبی برای تشکیل هم‌پیوندی تجاری منطقه‌ای به حساب می‌آیند. در این پژوهش برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده، ابتدا به مهم‌ترین اختلافات سیاسی و امنیتی ایران و شورای همکاری خلیج فارس طی دهه گذشته اشاره می‌شود و در ادامه برای سنجش تأثیر این تحولات سیاسی بر روابط اقتصادی، همکاری‌های اقتصادی ایران و این شورا طی دهه گذشته بررسی می‌شود و در نهایت، به نوع دیپلماسی اقتصادی و ظرفیت‌های همکاری دو طرف در صورت تغییر نگاه امنیتی و رقابت ژئوپلیتیک و جایگزینی آن با نگاه اقتصادی، اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ایران، شورای همکاری خلیج فارس، دیپلماسی اقتصادی، تجارت، انرژی، دیپلماسی امنیتی.

ایران و نظم نوظهور منطقه‌ای غرب آسیا

زهرا معارف‌وند^۱

چکیده

واقع شدن ایران در منطقه غرب آسیا که از لحاظ ژئوپلیتیکی از مناطق استثنایی جهان به‌شمار می‌رود و سطح ثبات امنیتی در آن ناپایدار است، برای ایران در این منطقه چالش‌هایی ایجاد کرده است. ایران به‌عنوان یکی از قطب‌های قدرت این منطقه بعد از انقلاب، یک دولت خودیار و مستقل از دو قطب حاکم بر نظام بین‌الملل را در دوران جنگ سرد به‌وجود آورد. این منطقه به‌دلیل ذخایر عظیم انرژی (نفت و گاز) و موقعیت ویژه خود، به یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان تبدیل شده است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای را برای سلطه بر این منطقه به رقابت واداشته است. بعد از پایان جنگ سرد و ساختار نوین نظام بین‌الملل و یکه‌تازی ایالات متحده ترتیبات امنیتی منطقه دست‌خوش تحول شد. این منطقه که در سیاست‌های بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند باعث شده که هر بحران این منطقه تأثیر بین‌المللی داشته و عرصه را برای ورود بازیگران فرامنطقه‌ای هموار کند. جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس باعث شد راهبردهای نظامی و استراتژیک در این منطقه به‌عنوان یکی از اهداف اصلی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای قرار گیرد. ایران براساس موقعیت ژئوپلیتیک، استراتژیک و ژئوآکونومیک و باتوجه به فرهنگ و تاریخ خود و برخورداری از پتانسیل موجود در عرصه اقتصادی، نظامی و علمی یک بازیگر بالقوه در منطقه محسوب می‌شود و به‌دنبال ایجاد منطقه‌ای به‌دور از حضور نظامیان فرامنطقه‌ای و تأمین امنیت به‌وسیله کشورهای منطقه و در پی ایجاد صلح و امنیت پایدار از طریق رابطه دوستانه و حُسن هم‌جواری با همسایگان و کشورهای منطقه است. باتوجه به شرایط کنونی و نظم‌های شکل‌گرفته سیاسی - امنیتی، آینده منطقه وضعیت پیچیده و نامعلومی خواهد داشت و ایران با یک رویکرد منطقی و دیپلماسی فعال می‌تواند بحران‌ها و تنش‌های موجود را هدایت کرده و جایگاه خود را در منطقه نظام بین‌الملل ارتقا دهد. باتوجه به مطالب گفته‌شده این پرسش مطرح می‌شود که راهبرد ایران برای امنیت منطقه چیست و نقش ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و قدرت‌های دیگر منطقه در این راهبرد چه خواهد بود؟

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، امنیت، قدرت‌های منطقه‌ای، نظم منطقه‌ای، قدرت‌های فرامنطقه‌ای.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

نقش چالش‌های منطقه‌ای و نظم نوین امنیتی غرب آسیا در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی

احسان فرامرزش^۱؛ و سیدحمزه صالحی^۲

چکیده

مقاله پیش‌رو در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که چالش‌ها و بحران‌های به‌وجود آمده و به‌تبع آن نظم نوین امنیتی در غرب آسیا چه تأثیری در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی داشته است. در این راستا ضمن تشریح چالش‌ها و نتیجه آنها که ظهور نظم نوین امنیتی در منطقه بوده است به جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی پرداخته خواهد شد. چالش‌ها و بحران‌هایی مانند جنگ خلیج فارس، اشغال عراق توسط آمریکا، بهار عربی، داعش و جنگ در سوریه، همه باعث حضور مستقیم و بلامنازع آمریکا برای حفظ منافع و حمایت از هم‌پیمانانش شده است. به‌تبع این حضور سیاسی و نظامی، دولت‌مردان ایالات متحده همواره به‌دنبال شکل‌دهی به یک نظم امنیتی خاص موردنظرشان بوده‌اند. می‌توان گفت این چالش‌ها و نظم نوین امنیتی باعث شده است که ایران در سیاست خارجی خود حالت تهاجمی داشته و برای حفظ امنیت و افزایش قدرت خود در منطقه علاوه بر حضور سیاسی و نظامی به اتحاد و ائتلاف با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دست زده است. همچنین آنچه در این پژوهش مبنا و چهارچوب رویکرد ما به سیاست خارجی ایران را مشخص می‌کند، نظریه رئالیسم تهاجمی است. در واقع از نگاه این نوع از رئالیسم، وضعیت جهان عموماً هابزی و امنیت امری کمیاب است؛ در نتیجه دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن امتیازات نسبی خود به آن دست یابند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، غرب آسیا، چالش‌های منطقه‌ای، نظم نوین منطقه‌ای، سیاست خارجی.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی تهران (ehsanfaramarz919@yahoo.com)

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی تهران (m_hamzehsalehi@yahoo.com)

فضای ماورای جو و ارتقای قدرت منطقه‌ای ایران

گلاره رستگاریان^۱

چکیده

توسعه‌یافتگی و جایگاه برتر اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، دورنمایی است که سند چشم‌انداز ایران برای این کشور ترسیم کرده است. برخورداری یک دولت از نقش قدرت منطقه‌ای، که معیار اصلی آن قدرت ملی است، بهره‌مندی هرچه بیشتر از منافع ملی را برای آن به دنبال خواهد داشت و در این بین، استراتژی نیز بر این رابطه تأثیرگذار است. در بین مؤلفه‌های متعدد و تأثیرگذار، مورگتتا جغرافیا را باثبات‌ترین عامل در تشکیل قدرت می‌داند. در حوزه ژئوپلیتیک با گذار از خشکی‌ها، پهنه آب‌ها و هوا به‌عنوان محیط‌های استراتژیک در تعیین و سنجش قدرت ملی، در عصر کنونی فضای ماورای جو و به‌دنبال آن دستیابی و بهره‌مندی از فناوری فضایی زمینه‌ساز تأمین امنیت، تولید قدرت، کسب منافع ملی، پرستیژ بین‌المللی و در پی آن حتی بهره‌مندی از قدرت منطقه‌ای برای کشورها قلمداد می‌شود، افزون بر اینکه تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای مستلزم آشنایی با رقابت بر سر قدرت است.

آمریکا به‌عنوان یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا و در پی تثبیت جایگاه هژمونیک، استراتژی کلان‌نویسی در قرن بیست‌ویکم برای خود تدوین کرده است که سیاست فضایی آن را تحت تأثیر قرار داده است. در این مقاله پیش از هرچیز تصویری از رقابت‌های فضایی در قرن بیست‌ویکم ارائه خواهد شد؛ سپس فعالیت‌های فضایی ایران، تعاملات و همکاری‌های آن با دیگر قدرت‌ها در این عرصه بررسی می‌شوند و در ادامه با مورد توجه قرار دادن اهمیت رقابت فضایی برای ایران، و همچنین تهدیدهای برآمده از آن برای امنیت ملی این کشور، به راهکارهای مقابله با آنها پرداخته می‌شود، و تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که پیشرفت‌های فضایی این کشور چه تأثیری بر ارتقای قدرت منطقه‌ای آن در غرب آسیا دارد.

کلیدواژه‌ها: فضای ماورای جو، استراتژی فضایی، قدرت منطقه‌ای، قدرت ملی، فناوری فضایی،

رقابت فضایی، تهدیدات، امنیتی فضاپایه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

تهدیدات امنیت منطقه‌ای سیاست خارجی ایران در غرب آسیا

رضا سرحدی قهری^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف در سیاست خارجی کشورها دستیابی به امنیت است. هم‌بستگی و وابستگی شدیدی میان دو مقوله امنیت ملی و سیاست خارجی در راستای تأمین منافع ملی کشورها وجود دارد. بی‌شک توسعه پایدار هر جامعه و کشوری در گرو امنیت آن جامعه است؛ بنابراین در اتخاذ استراتژی‌های سیاست خارجی، توجه ویژه‌ای به مقوله امنیت می‌شود. اگر امنیت و ثبات برقرار شود، کشورها می‌توانند برنامه‌های خود را در راستای سعادت و رفاه جامعه پیش ببرند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرار گرفتن در نظام منطقه‌ای غرب آسیا، همواره با مخاطرات، چالش‌ها و تحولات عمده‌ای در محیط امنیتی خود روبه‌رو بوده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در پی آن زوال نظام دوقطبی حاکم بر روابط بین‌الملل، تهدیدات و فرصت‌های جدیدی برای ایران در محیط‌های پیرامون آن، به‌ویژه در منطقه حساس غرب آسیا، ایجاد شد. با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش تلاش می‌شود تا سیاست خارجی ایران بررسی و مطالعه شود. مهم‌ترین منابع تهدید درخصوص شکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای برای نقش‌آفرینی ملموس و موفق ایران در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای عبارت‌اند از: حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و ترس آن‌ها از ماهیت مبارزه طلب امپریالیستی انقلاب اسلامی، اختلاف نظر و دیدگاه جمهوری اسلامی با بیشتر بازیگران منطقه‌ای درخصوص شکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه. چهارچوب تئوریک استفاده شده برای این پژوهش نظریه واقع‌گرایی تهاجمی است. واقع‌گرایی تهاجمی چنین استدلال می‌کند که آنارشی، دولت‌ها را وامی‌دارد قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند. دولت‌ها می‌کوشند تا با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را افزایش دهند.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، امنیت منطقه‌ای، غرب آسیا.

جایگاه ایران در نظم نوظهور منطقه‌ای

سمانه قربان‌پور^۱

چکیده

غرب آسیا منطقه‌ای شامل سرزمین‌های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس است و از لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز تقاطع سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار گرفته است. آنچه این منطقه را دارای اهمیتی جهانی ساخته است معادن سرشار انرژی به خصوص نفت است. امتیازی که هیچ ویژگی دیگری نمی‌تواند در دنیا با آن رقابت کند و این منطقه بزرگ‌ترین ذخایر انرژی در جهان را دارد. غرب آسیا در زمره مهم‌ترین مناطق ژئواستراتژیک جهان است و این اهمیت به لحاظ مجاورت با دو اقیانوس اطلس و هند وجود دریاهایی مانند مدیترانه، دریای احمر، دریای خزر و دریای سیاه و همچنین خلیج فارس است. علاوه بر این وجود کانال‌ها و تنگه‌های استراتژیک بی‌شماری که در این منطقه وجود دارد نقش برجسته غرب آسیا را دوچندان کرده است. با توجه به تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا از جمله تحولات کشورهای عربی عراق و سوریه، پرونده هسته‌ای ایران و رقابت برای کسب رهبری منطقه، تحولات جاری در ترکیه و سایر تحولات، غرب آسیا وارد مرحله نوینی از تاریخ تحولات خود شده است.

آنچه در این مقاله بررسی خواهد شد، نظم منطقه‌ای در حال شکل‌گیری در غرب آسیا و جایگاه جدید ایران در این نظم با توجه به سایر قدرت‌های منطقه‌ای خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، استراتژیک، بازیگران دولتی، بازیگران غیردولتی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای،

نظم نوظهور.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی (Sqorbanpoor@yahoo.com)

فرصت‌ها و چالش‌های ایران در بحران‌های غرب آسیا (با تأکید بر بحران عراق و سوریه)

امیر حدادپور^۱

چکیده

وقوع هر بحران در نزدیکی مرزهای یک کشور، بزرگ‌ترین چالشی است که گریبانگیر آن کشور خواهد شد؛ به‌خصوص آنکه از نوع تروریسم و افراطی‌گرایی باشد. وقوع بحران در سوریه و عراق که موجب اختلافات داخلی و خارجی شده و ائتلاف‌های چندپارهای در کشورهای درگیر را به‌وجود آورده است موجب شده که کشورهای منطقه نتوانند به‌راحتی تشخیص دهند که با چه پدیده‌ای روبه‌رو هستند و درنهایت چه اتفاقی خواهد افتاد. باوجود این، مجموع چالش‌های پیش‌روی ایران می‌تواند امنیت، هزینه‌های نظامی، اقتصادی و چالش‌های سیاست داخلی و خارجی باشد. درگیر شدن ایران در بحران سوریه و عراق دو نوع فرصت خلق می‌کند. اول، فرصت‌های بالفعل که با ایفای نقش ایران به‌صورت خودبه‌خود ایجاد و دوم، فرصت‌های بالقوه که باید از دل بحران بیرون کشید. فرصت‌های بالفعل را می‌توان پذیرش نقش ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، پذیرش مسئولیت‌پذیری ایران در افکار عمومی علی‌رغم تبلیغات سوء ائتلاف ضدایرانی، اتحاد با روسیه برسر موضع خود در برابر ائتلاف غربی - عربی، حضور مستقیم در مناطق موردنظر و توان تأثیرگذاری بر اوضاع و در ادامه توان تصمیم‌گیری برای آینده منطقه در کنار دیگر قدرت‌ها دانست؛ اما فرصت‌های بالقوه را می‌توان یک نتیجه‌گیری عنوان کرد؛ از این‌رو در این مقاله به بحث چالش‌ها و فرصت‌های ایران در بحران عراق و سوریه به‌عنوان بخشی از بحران منطقه‌ای پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، سوریه، عراق، ایران، تروریسم، امنیت ملی، فرصت‌ها و چالش‌ها.

۱. کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (geo.hadadpour@gmail.com)

نظم مطلوب منطقه‌ای ایران

سیدعلی اکبر غنی‌زاده^۱؛ و سیدقدیر غنی‌زاده^۲

چکیده

نتایج جنگ اول و دوم جهانی ایجاد نظم‌ی جدید بود که غرب در واقع، چه به شکل نظام سوسیالیستی و چه نظام لیبرالیستی، که هر دو غربی بودند، مدیریت جهان را در اختیار گرفت. اکنون که بیش از هفتاد سال از استقرار این نظم می‌گذرد، نظم موجود در منطقه غرب آسیا، که از دید غربی‌ها خاورمیانه نامیده می‌شود، در حال تجربه تغییراتی اساسی است. غرب، نظم منطقه را برپایه اختلاف‌های قومی و دینی پایه‌گذاری کرده بود؛ بنابراین اصلی‌ترین ویژگی منطقه نفوذپذیری بالای موجود در جوامع و شکنندگی سیاسی - اجتماعی کشورها بود و این امور یعنی ساختاری بودن کشمکش و تنش در منطقه. نظم ایجادشده توسط غرب اگرچه توانسته بود منافع و خواسته‌هایشان را به خوبی برآورده کند و آنها را تنها مالک ثروت‌های فراوان منطقه کند، نداشتن شناخت کافی نخبگان غربی از اسلام شیعی یکی از مهم‌ترین ایرادهای بنیان‌گذاران نظم جدید بود. مرجعیت دینی ایران به مبارزه با این نظم پرداخته و باتوجه به یافتن پاشنه آشیل این نظم که عبارت است از اتحاد اسلامی و افزایش قدرت گروه‌های مقاومت توانست ضربات فراوانی در ایران و منطقه به این نظم وارد کند.

ایران با اعتقاد به اینکه استقلال کشورهای بالکان و قفقاز بعد از هشتاد سال از چنگال شوروی امکان‌پذیر شده است، معتقد است مردم فلسطین نیز می‌توانند بعد از هفتاد سال استقلال خود را به دست آورند. با این فرض، نظم مورد انتظار غرب با چالش بزرگی مواجه بوده و نظم مطلوب جمهوری اسلامی ایران تحقق‌پذیر خواهد بود. در نظم مورد نظر جمهوری اسلامی ایران محور نظم، قوانین مترقی دین اسلام خواهد بود. این نظم تعالی‌بخش ملت‌ها بوده و سلطه یک ملت بر دیگران را قبول ندارد.

کلیدواژه‌ها: نظم مطلوب، ایران، غرب آسیا.

۱. سطح دوم حوزوی و دانشجوی کارشناسی ارشد

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی

انعقاد برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) و تأثیر آن بر افزایش قدرت منطقه‌ای ایران

رضا ذبیحی^۱

چکیده

برجام که توافقی بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای ایران است و در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ میان ایران و شش قدرت جهانی، معروف به کشورهای گروه ۵+۱ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان) و همچنین اتحادیه اروپا در شهر وین بسته شد، سرآغازی برای تغییر و تحول در نظم منطقه‌ای غرب آسیا بوده و آن را دست‌خوش دگرگونی کرده است. در این ارزیابی با عنایت به نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک که برخلاف نواقح‌گرایی معتقد است تأثیر ساختار بر کارگزار نه به صورت مستقیم و بدون واسطه، بلکه از طریق متغیرهای میانجی و واسطه‌ای بر واحدهاست، فرضیه مذکور آزموده شده است. برجام به‌عنوان یک دستاورد در سطح بین‌المللی، که مورد توافق تمام قدرت‌های جهانی و برآمده از نظم مستقر بین‌المللی است، با عنایت به متغیرهای میانجی، به‌ویژه ادراکات و محاسبات رهبران دولت‌ها درباب قدرت نسبی، موجب شده قدرت ایران در نظم منطقه‌ای غرب آسیا ارتقا یافته و بر آن افزوده شود.

به‌منظور بررسی برای سنجش افزایش قدرت منطقه‌ای ایران برخی شاخص‌ها از جمله اظهارات رؤسای کشورهای بزرگ جهانی درباب لزوم افزایش نقش ایران در منطقه، نگرانی و اقدامات رقبای منطقه‌ای ایران پس از انعقاد برجام، تلاش قدرت‌های منطقه‌ای برای تعامل با ایران بر سر مسائل منطقه‌ای و مشروع دانستن و صاحب حق دانستن ایران برای اعمال نظر در زمره کشورهای ذی‌نفع در مسائل منطقه، افزایش قدرت اقتصادی ایران در ساختار اقتصادی منطقه، به‌ویژه در افزایش قابل توجه سهم ایران از صادرات نفت در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، نوسازی و تحول عمده در ناوگان هوایی ایران که شاخصی تأثیرگذار برای تحول در سهم ایران در عرصه صنعت حمل‌ونقل به‌عنوان یک صنعت استراتژیک که منافع قابل توجه مادی نیز دارد و همگی این موارد پس از انعقاد توافق هسته‌ای معروف به برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) حاصل شده است، به‌عنوان شاخص‌های این افزایش قدرت در سطح منطقه لحاظ شده است.

کلیدواژه‌ها: برجام، نظم منطقه‌ای، ایران، غرب آسیا، قدرت منطقه‌ای، آمریکا و اروپا.

نقش تروریسم سلفی - تکفیری در ساخت محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران

مهدی اقراریان^۱؛ و مهرداد عطایی^۲

چکیده

تهدیدات تروریستی به عنوان یکی از پدیده‌های امنیتی در سراسر دنیا، به خصوص منطقه غرب آسیا در نظام بین‌المللی از نظر سیاسی بسیار اهمیت دارد. ایران در منطقه غرب آسیا واقع شده که بستر شکل‌گیری مهم‌ترین گروه‌های تروریستی در سطح جهان است. این تهدیدات در منطقه امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران با راه‌اندازی جنگ‌های فرقه‌ای، نژادی، قومیتی و دشمنی با جبهه مقاومت و اسلام ناب تهدیدی جدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آیند.

عربستان با همکاری آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی و با کمک تروریسم سلفی - تکفیری و دیگر کشورها در حال تغییر نقشه جغرافیایی (حال چه در چهارچوب طرح خاورمیانه‌ای آمریکا و چه خارج از آن) منطقه غرب آسیا و تجزیه عراق به سه کشور شیعه، سنی و کردی و تجزیه سوریه به دو کشور سنی و علوی و الحاق بخش کردنشین سوریه به بخش کردی عراق است. گسل‌های قومی و مذهبی در کشورهای یادشده یک واقعیت میدانی است و نقشه جدید منطقه غرب آسیا دستاورد سناریوی انگلیسی - فرانسوی تجزیه عثمانی پس از جنگ اول جهانی است. شکل‌گیری کشورهای جدید به‌عنوان اعمار دشمنان جمهوری اسلامی ایران در مرزهای ایران دیگر امکان مقابله مستقیم با تهدیدات را به دلیل قوانین خاص بین‌المللی درمورد کشورها فراهم نخواهد کرد و ما وضعیتی بدتر از آنچه امروز درمورد مرزهایمان با پاکستان داریم (پاسخگو نبودن پاکستان درمورد ورود تروریست‌ها از مرز این کشور به ایران) در هم‌جواری با این کشورها خواهیم داشت؛ بنابراین شناخت نقش تروریسم سلفی - تکفیری در ساخت محیط امنیتی پیرامونی ج.ا. ضروری است تا به وسیله آن در محیط امنیتی پیرامونی ایران اسلامی سیاست‌گذاری‌های مناسبی داشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، جمهوری اسلامی، غرب آسیا، منطقه امنیتی.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (ah.mehrdad110@chmail.ir)

۲. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی علوم تحقیقات تهران

تحولات ژئوپلیتیکی قوم‌گرد و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، عراق و ترکیه

فرشته اکبریان^۱

چکیده

در عصر حاضر، یکی از الزامات توسعه کشورها، مشارکت عمومی برای همگرایی قومیت‌ها، مذاهب، اقلیت‌ها و گروه‌های قومی است و موضوع قومیت‌ها در سرفصل منافع ملی هر کشور جایگاه مهمی دارد. با توجه به پدیده جهانی شدن و ورود رسانه‌های جمعی به عرصه زندگی بشر، فرهنگ‌ها و قومیت‌ها در کنار هم قرار گرفته و شرایطی را به وجود آورده که می‌تواند به بازگشت هویت‌های قومی کمک کند و به این روند، شتاب دوچندان بخشد. همچنین می‌تواند شرایط مناسبی به وجود آورد تا در این فضا گروه قابل توجهی از گروه‌های قومی به منظور استیفای حقوق از دست‌رفته خود اقدام کنند. مشکل قومیت‌گرایی در کشورهای در حال توسعه و تازه استقلال‌یافته، وسعت و شدت بیشتری داشته و می‌توان گفت که قومیت‌گرایی پدیده‌ای داخلی و در عین حال متأثر از محیط پیرامونی سیستم سیاسی است. از سویی دیگر، پدیده‌ای جهانی است که در کشورهای چندقومیتی در حال توسعه و توسعه‌نیافته، موضوعیت و حساسیت بیشتری دارد. فروپاشی امپراتوری روسیه، اتریش و عثمانی در پایان جنگ جهانی اول باعث شکل‌گیری انبوهی از خواسته‌های قومی و ملی در بخش‌های برجای‌مانده از این امپراتوری‌ها برای کسب نوعی موجودیت مستقل و پدید آمدن مسائلی بود که هنوز هم تا حل و فصل نهایی آنها، راه دشواری در زندگی سیاسی کشورهایی که اقوام مختلف در آن زندگی می‌کنند، باقی مانده است. از آن‌جمله اقوام مسئله‌ساز در جنوب غرب آسیا اقوام کرد هستند که به صورت اقلیت‌های قومی در سه کشور ایران، عراق و ترکیه پراکنده‌اند. حضور کردها در ایران و عراق و مشابهت نژادی آنها با کردهای ترکیه، مسائل و مشکلات فراوانی را در طول تاریخ برای کشورهای یادشده، به وجود آورده است؛ به همین دلیل در مرزهای ایران، ترکیه و عراق عامل بالقوه بحران‌ساز در درجه نخست، کردها هستند و تصمیم‌گیری‌های سیاسی که در خصوص اقوام کرد صورت می‌گیرد، تأثیر هم‌زمان بر روابط ژئوپلیتیک این سه کشور دارد. این تحقیق با روش تحلیلی - توصیفی تأثیر قومیت‌گرایی کردها بر روابط ژئوپلیتیکی سه کشور ایران، ترکیه و عراق را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: روابط ژئوپلیتیکی، قومیت‌گرایی، جهانی شدن، جنوب غرب آسیا، کردها.

۱. دانشجوی دکتری مسائل ایران دانشگاه آزاد تهران مرکز (fatemeh.amiriparyan@gmail.com)

ژئوپلیتیک کشور بحرین و تأثیر آن بر امنیت منطقه با تأکید بر ایران

محمدعلی قیومی^۱

چکیده

کشور بحرین از دیرباز از نظر موقعیت استراتژیکی، جغرافیایی و قرار گرفتن در آب‌های خلیج فارس از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. این کشور از قدیم به دلیل ثروت سرشار آن به خصوص از صید مروارید محل تردد کشتی‌های خارجی بوده است؛ همچنین در اوج رقابت کشورهای اروپایی بر سر مستعمرات بحرین، صحنه جنگ و ستیز بین انگلیسی‌ها از یک سو و پرتغالی‌ها که جزایر را در اوایل قرن شانزدهم به اشغال خود درآوردند، از سوی دیگر بوده است. پس از اینکه شبه قاره هند یکی از مستعمرات مهم امپراتوری بریتانیا شد، موقعیت بحرین به عنوان راه ارتباطی بین اروپا و خاور دور اهمیت ویژه‌ای یافت و از نظر تجاری به دلیل موقعیت مناسب آن بر سر راه تجارت بین‌النهرین و هندوستان، به عنوان مرکز تجارتی ایفای نقش می‌کرد. هدف اصلی مقاله حاضر، تحلیل و تبیین ژئوپلیتیک کشور بحرین و تأثیر آن بر امنیت منطقه با تأکید بر ایران است.

به نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی بحرین در خلیج فارس به نحوی است که می‌تواند ضریب امنیتی منطقه خلیج فارس را افزایش و یا با چالش مواجه سازد. همچنین به نظر می‌رسد که حضور ناوگان پنجم آمریکا در بحرین، چالشی امنیتی برای کشورهای منطقه از جمله ایران محسوب شود و اینکه به نظر می‌رسد که منابع انرژی بحرین کم‌وبیش بر امنیت اقتصادی کشورهای منطقه تأثیرگذار است؛ و در نهایت اینکه به نظر می‌رسد قدرت یافتن و یا سرکوب شدن اکثریت جمعیت شیعه بحرین و یا اقلیت سنی این کشور، معادلات امنیتی منطقه خلیج فارس را - ایرانی و یا عربستانی- سرهم بندی خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: ایران، بحرین، امنیت، خلیج فارس، ژئوپلیتیک

روابط ایران و عربستان در دوران پسابرجام

آنا یوسفیان^۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی روابط ایران و عربستان با تمرکز بر شرایط پیش‌آمده پس از برجام و مشروعیت بیشتر نقش ایران در منطقه و برداشت عربستان از حضور پررنگ و تهدیدآمیز ایران و پاسخ به این پرسش است که آیا خطر احساس شده از جانب عربستان به ایران نگاهی است تاریخی و یا نگاهی است استراتژیک و اینکه چه راهی برای تعدیل دو نگاه می‌توان تصور کرد محور اصلی این مقاله است. این نوشته برای پاسخ به این پرسش در قالب دو تئوری به این روابط و چگونگی شکل‌گیری رابطه غالب بین آن دو می‌پردازد.

در بخش نخست با استفاده از نظریه سازه‌نگاری و نگاهی تاریخی به روابط ایران و عربستان و ذهنیت موجود در دو کشور نسبت به یکدیگر و برداشت هویتی ایران از اعراب و بالعکس و تأثیر آن در به‌کارگیری سیاست‌های خارجی این روابط تحلیل می‌شوند. در بخش دوم با استفاده از نظریه واقع‌گرایی روابط این دو کشور در سایه تحولات اخیر، مورد بحث قرار می‌گیرد. پیروی از منافع استراتژیک در منطقه توسط ایران و عربستان نقطه تقابل و تعارض آن دو در منازعات سوریه و یمن است. عدم موازات این منافع به دلایل استراتژیک و اقتصادی راه را برای یک رابطه به‌دور از تنش ناهموار کرده است.

در نهایت پویایی سیر تحولات در غرب آسیا الزاماتی برای به‌کارگیری یک سیاست فعال و درعین‌حال منسجم از سوی ایران و عربستان به‌وجود آورده است. تشکیل ائتلاف ایران، ترکیه و روسیه برای حل بحران سوریه را می‌توان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های آتی عربستان دید. تحولات اخیر منطقه در مشروعیت‌بخشی به نقش ایران در منطقه نقش بسزایی داشته و انکار این نقش از سوی عربستان در درازمدت عاقلانه نیست. از طرفی شرایط فعلی ایران در منطقه، پتانسیل لازم برای بهره‌برداری حداکثری برای اتخاذ یک سیاست فعال در قبال عربستان را به‌وجود آورده است. رهیافت مناسبی که بتواند هم در جهت سازش هویتی دو ملت ایران و عربستان راهگشا باشد و هم بتواند سبب به رسمیت شناخته شدن منافع ایران در منطقه شود.

کلیدواژه‌ها: ایران، عربستان، پسابرجام.

راهبرد امنیتی فرامرزی و بسط محور ایران و نقش مکمل روسیه (مطالعه موردی: غرب آسیا)

دکتر بهادر زارعی^۱؛ شهاب‌الدین شفیع^۲؛ و فاطمه مقدم^۳

چکیده

از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی ایران، امنیت امت اسلامی و نه فقط امنیت ملی، الویت رهبران و مسئولان طراز اول کشور بوده است. هم‌زمان با تثبیت حاکمیت نظام اسلامی، راهبردهای امنیتی ج.ا.ایران به طرز آشکاری جنبه فرامرزی خود را آشکار کرده و در این میان منطقه غرب آسیا هم به دلیل ماهیت اسلامی و هم حضور متحدان شیعی مورد توجه جدی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده از این الگوی امنیتی مانند: امنیت در داخل مرزهای ج.ا.ایران و پیروزی‌های متحدان خرد و کلان ج.ا.ایران در برابر دشمنان مشترک به تولید و تقویت بنیاد نظری راهبرد امنیتی فرامرزی و بسط محور ایران منجر شد. در این میان، فدراسیون روسیه با قدرت نظامی بالا، که دارای سیاست‌های اعلامی و عملی رقابت‌آمیز با آمریکا و برخی کشورهای اروپایی - به‌عنوان مهم‌ترین مخالفان ج.ا.ایران - است و از دیرباز راهبرد امنیتی فرامرزی داشته، به دنبال تحقق اهداف و منافع خود و شکست رقیبانش در منطقه غرب آسیاست. از نظر این پژوهش راهبرد امنیتی روسیه و ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا به‌ویژه در سال‌های اخیر به‌حالت مکمل درآمده‌اند و این نقش مکمل از اتحاد معمولی و اعلامی فراتر و کارآمدتر است.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، روسیه، امنیت، غرب آسیا، بسط‌محور، فرامرزی.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا (B.zarei@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (shahabshafi8343@gmail.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (f.moghaddam@ut.ac.ir)

استراتژی محاصره؛ طرحی بلندمدت برای مهار رقبای منطقه‌ای ج.ا.ایران

دکتر علیرضا رحیمی^۱

چکیده

مقاله حاضر به رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال قدرت‌های منطقه‌ای و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران می‌پردازد. جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا همانند جزیره‌ای تنهاست در میان دریایی از همسایگان ناسازگار (همچون کشورهای حوزه خلیج فارس و آذربایجان)، رقبای منطقه‌ای که برتری و قدرت ایران را نمی‌پسندند (مانند ترکیه و عربستان سعودی) و جریان‌های ضدشیعی، سلفی و وهابی ریشه‌دار در کشورهای عربی، پاکستان و حتی آسیای میانه. از آنجاکه ایدئولوژی سیاسی جمهوری اسلامی امکان بهره‌گیری از همیاری قدرت‌های جهانی (همچون ایالات متحده) و قدرت‌های منطقه‌ای (مانند رژیم صهیونیستی) را برای غلبه بر وضعیت تک‌افتادگی خود ندارد؛ بنابراین این کشور باید استراتژی مستقلی را برای مقابله با این وضعیت و حفظ ثبات و امنیت ملی خود درپیش گیرد. در این میان رویکرد راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال دو کشور ترکیه و عربستان سعودی، باید در گرانیگاه این استراتژی قرار گیرد؛ زیرا این دو کشور از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی قدرت‌های اصلی رقیب ایران در منطقه هستند و حتی جریان‌های سلفی و ضدشیعی و کشورهای کوچک‌تر منطقه نیز از سوی این دو کشور تشجیع و پشتیبانی می‌شوند تا سیاست‌های تقابلی در قبال ایران را درپیش گیرند. ضمن آنکه این دو کشور از حمایت‌های قدرت‌های غربی در برابر ایران نیز برخوردارند؛ ازاین‌رو پرسش اصلی مقاله مورد نظر این خواهد بود که: جمهوری اسلامی ایران در رقابت منطقه‌ای خود با ترکیه و عربستان سعودی چه استراتژی متناسبی را باید اتخاذ کند.

در پاسخ به پرسش بالا این مقاله تئوری «استراتژی محاصره» یا عنوان کمتر حساسیت‌برانگیز «استراتژی پیرامونی» را مطرح می‌کند. این مقاله از رویکرد «رنالیسم تهاجمی» برای تبیین تئوری مطرح‌شده، استفاده می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نظم منطقه‌ای، ایران، استراتژی محاصره.

علل واگرایی در روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان در یک دهه اخیر

ژیلا احمدی^۱

چکیده

جمهوری آذربایجان از جمله کشورهایی است که در حوزه تمدن ایرانی قرار داشته و از جنبه‌های مختلف، پیوندهای نزدیکی بین ملت ایران و مردم این جمهوری وجود دارد. روابط ایران و جمهوری آذربایجان با وجود زمینه‌های مختلف همکاری، از ۱۹۹۱ تا به امروز با چالش‌هایی مواجه بوده است. این مقاله تلاش دارد به این پرسش بپردازد که چه عواملی بر واگرایی در روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان در بیش از یک دهه اخیر تأثیرگذار بوده است. براساس تبیین برداشت تهران - باکو نسبت به یکدیگر در چهارچوب رهیافت سازه‌نگاری به بررسی عوامل واگرایی روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان پس از ۲۰۰۳ پرداخته می‌شود. فرضیه این نوشتار واگرایی روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان را نشئت گرفته از دو دسته عوامل داخلی و خارجی دانسته که عوامل داخلی از جمله گرایش‌های افراطی ملی‌گرایانه در جمهوری آذربایجان و تشدید بعد سیاسی - ایدئولوژیک در ایران و از بُعد خارجی بهبود روابط سیاسی جمهوری آذربایجان با غرب، آمریکا و رژیم صهیونیستی و افزایش تنش در روابط ایران با قدرت‌های غربی و تشدید فشار بین‌المللی بر ایران اشاره شده است. گرایش‌های جمهوری آذربایجان به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به‌خصوص آمریکا که برای گریز از تهدید روسیه و جلب حمایت در قبال ارمنستان در مناقشه قره‌باغ (مسائل داخلی) اتخاذ شده است، جزئی از اصول تغییرناپذیر سیاست خارجی جمهوری آذربایجان شده است. این عامل در کنار عوامل دیگر همچون رشد نگرش‌های انحرافی وحدت‌گرایانه یا تجزیه‌طلبانه، افزایش منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، ایجاد پایگاه‌های نظامی غرب، گسترش همکاری‌ها با ناتو و افزایش فشارهای بین‌المللی علیه ایران (خصوصاً به‌خاطر پرونده اتمی) در بیش از یک دهه اخیر موجب واگرایی بیشتر در روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، جمهوری آذربایجان، روابط سیاسی، رادیکالیسم سیاسی - ایدئولوژیک، امنیت ملی، هم‌گرایی و واگرایی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

لزوم بازتعریف نقشه راه ج.ا.ایران در قفقاز جنوبی

جعفر خاشع^۱

چکیده

ایران پیشینه تاریخی بسیار قوی‌ای در قفقاز دارد و در ادوار مختلف تاریخی بخشی زیادی از قفقاز جزو قلمرو ایران بوده است؛ به‌همین واسطه ایران از عمق فرهنگی زیادی در این منطقه برخوردار است. در حال حاضر هم ایران تنها قدرت منطقه‌ای است که با هر سه کشور قفقاز جنوبی روابط دیپلماتیک دارد. در حالی که دیگر قدرت‌های منطقه دویسه‌دو باهم روابط متشنجی دارند. ترکیه با ارمنستان و روسیه با گرجستان مشکلات عدیده‌ای در روابط خارجی خود دارند. این نکته مهمی است که نشان می‌دهد نگاه جمهوری اسلامی ایران، نگاه مداخله‌گرایانه‌ای در منطقه نیست. ایران نگاه مسالمت‌آمیز و سازنده در قفقاز دارد و در عملکرد ربع قرن اخیر روابط خارجی ایران در این منطقه خودش را نشان می‌دهد. یکی از رئوس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، حسن هم‌جواری با همسایگان بوده است. لزوم بازتعریف در نقشه راه ایران در منطقه را عیان می‌سازد.

باتوجه به تقابل روسیه و غرب در حوزه‌های مختلف در اوکراین جمهوری‌های بالتیک آسیای میانه و قفقاز فضاهایی برای بازیگری ایران در منطقه باز شده است ولی ما شاهد هستیم که در سال‌های گذشته متأسفانه سیاست خارجی ایران بحث قفقاز نبوده، به‌عبارتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال قفقاز عملاً در رفتار منسجم، منظم، یک‌گرایش تعریف‌شده نبوده است. جای یک سیاست منسجم قفقازی در دستگاه دیپلماسی ما کاملاً خالی است.

در همین چهارچوب باید کارشناسانی که به تدوین سیاست‌ها در این حوزه می‌پردازند فارغ از رویکرد سیاسی‌شان انتخاب شده و حضور مداوم در این عرصه داشته باشند و اگر گردش‌نخبگانی هم صورت گرفت درون منطقه صورت بگیرد و ما شاهد حضور اشخاص غیرکارشناس و ناآشنا به منطقه نباشیم.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی، قفقاز جنوبی، روسیه.

۱. کارشناس قفقاز جنوبی بنیاد مطالعات قفقاز (jafarkhashe@gmail.com)

ایران و نظم نوظهور منطقه‌ای

حسام‌الدین لعل‌آهنگر^۱

چکیده

نظم نوین منطقه‌ای در غرب آسیا، چه در درازمدت و چه در کوتاه‌مدت و توسط هر قدرت منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای که پدید آید، محکوم به تعیین میزان واگرایی یا همگرایی با جمهوری اسلامی ایران در منطقه است، نقشی تعیین‌کننده که بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا را یک‌طرفه بر سر میز مذاکره می‌نشانند. یکی از مهم‌ترین عواملی که تمرکز قدرت استراتژیک در نظم امنیتی سرزمین‌های مدعی حکومت جهانی را متأثر خود ساخته، ایدئولوژی به‌عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه حکومت‌هاست؛ به‌عبارت دیگر در هر جای دنیا که مردم سرزمین‌ها به پشتوانه ایدئولوژی خود به حمایت از رهبران، سرزمین و آرمان خود رفته‌اند، اثری پایدار و عمیق در توزیع قدرت برجای گذاشته‌اند که میزان گستردگی این اثرگذاری در منطقه یا جهان، مستقیماً متأثر از عمق اثرگذاری آن ایدئولوژی بر مردم بوده است. آنچه ایران را از دیگر بازیگران منطقه‌ای متمایز کرده است، بُعد ایدئولوژیک ایران است که طی ده قرن اخیر با ثبات ایدئولوژیک رسمی خود در میان مردمش، نماد جهانی مردم مقید و پایبند به ایدئولوژی شده است. مضافاً این‌که این ایدئولوژی، اسلام تشیع است با فقهی پویا و تطبیق‌گر با گذر زمان. به‌دست‌گیری قدرت در منطقه و بالاخص تأثیرگذاری بر قدرت و حاکمیت امنیتی ایران، کنترل‌کننده جمعیت‌های مختلف حداقل از سه قاره خواهد بود. قرارگیری ایران در مهم‌ترین نقطه از شاه‌راه‌های ارتباطی دنیا، این مهم را نافذتر کرده است. این ویژگی سبب گردیده تا تعیین‌کنندگی نظم منطقه‌ای در یکی از حساس‌ترین و استراتژیک‌ترین نقاط دنیا (غرب آسیا)، وابسته به نقش جمهوری اسلامی ایران در این منطقه شود و ایران را به مهم‌ترین عنصر بازیگر در نظم نوین منطقه‌ای تبدیل کند. قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در هر سطح و تحت هر پیمان و اتحاد بینابینی، قصد تأثیرگذاری بر نظم جدید منطقه غرب آسیا را داشته باشند، ناگزیر به تعیین تکلیف موضع امنیتی و سیاسی خود با ایران خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: ایران، نظم نوظهور، غرب آسیا.

راهبرد ایران در قبال تشکیل نظم امنیتی مطلوب در غرب آسیا

جاوید منتظران^۱

چکیده

همکاری در حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای و ایجاد یک نظام امنیتی مبتنی بر همکاری میان کشورهای غرب آسیا راهی مطمئن برای دفاع از منافع و مصالح مشترک دولت‌های این منطقه مهم و حساس جهانی است. امری که مشخص شده این است که طرح‌های امنیتی مختلف طراحی شده از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای تاکنون نتوانسته است به استقرار ثبات و امنیت در منطقه غرب آسیا کمک کند و برعکس، نزاع و آشوب را در این منطقه افزایش داده است. در واقع، نسخه‌ای که غرب برای کشورهای منطقه غرب آسیا و جهان اسلام می‌پیچد، نسخه واگرایی و تجزیه سرزمینی در قالب حمایت ظاهری و منافقانه از حقوق اقوام و اقلیت‌های مذهبی و قومی در منطقه غرب آسیا بوده است. به عبارت دیگر، غرب آسیا منطقه‌ای با ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی است و این مسئله موجب گردیده است قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش چشمگیر و مؤثری در بروز تحولات و ایجاد تهدیدات ژئوپلیتیکی علیه تمامیت ارضی در این منطقه ایفا کنند که در مجموع باعث گردیده منطقه غرب آسیا با ناامنی فراگیر و همه‌جانبه‌ای در طول سال‌های اخیر دست‌به‌گریبان باشد. علت آن این است که در واقع، قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره به جهت حفظ تفوق سیاسی و اقتصادی جهانی خود در راستای تضمین دسترسی‌شان به انرژی ارزان در غرب آسیا تلاش کرده‌اند و در این راستا، با دامن زدن به برخی مسائل اختلافی موجود در منطقه، نظیر: مباحث شیعه و سنی که در چهارچوب روابط دوجانبه یا بین منطقه‌ای قابل حل و فصل بود، این مسائل درون منطقه‌ای را به سمت بحران‌ها و تنش‌های دامنه‌دار در این منطقه سوق داده و زمینه استمرار نفوذ و حضور خود را فراهم کرده‌اند. لذا پرسش اصلی پژوهش این است که چه راهبردهایی، پیش روی جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد نظم امنیت منطقه‌ای غرب آسیا وجود دارد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است تا راهبردهایی را که در خصوص تشکیل نظام امنیتی مطلوب در غرب آسیا پیش روی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد تبیین و تحلیل نماید.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، نظام امنیت منطقه‌ای، همگرایی، واگرایی، تعامل، راهبرد.

۱. کارشناس ارشد روابط بین الملل گرایش دیپلماسی کنترل تسلیحات دانشگاه مالک اشتر تهران (Montazeran.javid@gmail.com)

توافق هسته‌ای ایران و تأثیرات آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا

ایمان احمدوند^۱

چکیده

اگرچه توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته‌شده و رسمی «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» اقدامی برای حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران با چهارچوب و ابعادی مشخص است، کمتر کسی است که به پیامدها و مقتضیات فراهسته‌ای آن باور نداشته باشد. در همین راستا می‌توان ادعا کرد که یکی از پیامدهای مهم فراهسته‌ای این توافق، تأثیرات آن بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا و امنیت آن است؛ به بیان دیگر هرچند مسائل و بحران‌های موجود منطقه‌ای به‌طور مستقیم در دستور کار مذاکرات قرار نداشت، اما مفاد توافق و خروجی آنها به‌صورت غیرمستقیم معادلات غرب آسیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال برخلاف اتفاق نظری که در میان تحلیل‌گران سیاسی در رابطه با نفس تأثیرگذاری برجام بر تحولات منطقه وجود دارد، در رابطه با چگونگی این اثرگذاری میان کارشناسان سیاسی اختلاف‌های مبنایی وجود دارد. توافق هسته‌ای تأثیرات مثبتی بر روند تحولات منطقه‌ای دارد و امکان مدیریت امنیتی مسائل منطقه‌ای را نیز فراهم می‌سازد. در واقع، اگرچه اختلافات کشورهای منطقه بر سر تحولات و موضوعات منطقه‌ای جدی است و حل و فصل این اختلاف‌ها در بستر مذاکرات هسته‌ای صورت نگرفته است، اما به نظر می‌رسد غلبه برخی اولویت‌ها و مطلوبیت‌های راهبردی در منطقه ایجاب می‌کند تا امکان تعریف دیدگاه‌های مشترک امنیتی برای مدیریت نظم امنیت منطقه به‌عنوان یک ضرورت راهبردی قابل دستیابی باشد.

مقاله پیش‌رو سعی دارد به پیامدهای برجام بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا با درک این پدیده و توجه به این واقعیت که منطقه در دوران گذار به وضعیت تثبیت‌شده جدید به‌سر می‌برد و در عرصه بین‌المللی شاهد شکل‌گیری مناسبت‌های نوینی هستیم در غالب چهارچوب مکتب کپنهاگ به‌عنوان یکی از معدود مکاتبی پدیدار که به‌صورت ویژه بحث امنیت را پیگیری کرده است.

کلیدواژه‌ها: برنامه جامع اقدام مشترک، نظم منطقه‌ای، مکتب کپنهاگ.

۱. کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا از دانشگاه مفید قم (Iman.ahmadvand66@gmail.com)

دیپلماسی عمومی ابزار مغفول مانده در تحکیم و توسعه روابط با همسایگان

حسن اشرفی^۱

چکیده

دیپلماسی عمومی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که به منظور برقراری ارتباط با افکار عمومی و انتقال پیام برای دستیابی به اهدافی مشخص انجام می‌شود. در این راستا تدوین پیام‌های کاربردی و مسیر آن برای انتقال قدرت نرم مهم است. پیام‌هایی که بازیگران در عرصه دیپلماسی عمومی مطرح می‌کنند براساس اهداف، چالش‌ها و تهدیدها تنظیم می‌شود و در صورت انتقال صحیح و برخورداری از ظرفیت تداوم در کشور هدف، قابلیت ایجاد گفتمان مطلوب و جدید و یا تغییر گفتمان غالب را دارد؛ اما دیپلماسی عمومی در پی آن است تا دامنه‌ای از ارتقای وجهه، تأمین منافع ملی و اشاعه ارزش‌ها و هنجارها تا تخریب چهره حکومت یک کشور را دربر گیرد. فعالیت‌های دیپلماسی عمومی شامل بخش‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی و فرهنگی، تبادل نخبگان و حتی ارائه کمک‌های مادی است که هدف تمامی آنها تأثیرگذاری بر مخاطبان است.

می‌توان گفت دیپلماسی عمومی به موازات دیپلماسی رسمی شامل مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جدید دیپلماتیک است که تلاش می‌کند وجهه و تصویر یک کشور در فضای بین‌المللی را ارتقا بخشد. در واقع، شرایط جدید نظام بین‌الملل سبب شده است تا کشورها نیاز بیشتری برای ارتباط با گروه‌های اجتماعی کشورهای هدف پیدا کنند.

در مقاله پیش‌رو تلاش می‌شود تا با شناسایی موانع گسترش نفوذ فرهنگی در چهارچوب دیپلماسی عمومی ایران به مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب دیپلماسی عمومی در تعامل با کشورهای همسایه پرداخته شود. در این راستا به چگونگی ایجاد زمینه‌های داخلی برای طراحی یک دیپلماسی عمومی فعال پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم.

بررسی تأثیر اقدامات بالادستی افغانستان در خصوص آب‌های مرزی شرق ایران (رودخانه هیرمند) و پیامدهای آن در ایجاد ثبات و امنیت مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان (شهرستان زابل)

علیرضا شولی^۱؛ جبار وطن‌فدا^۲؛ و محمدرضا حاجی‌حسینی^۳

چکیده

ایران پس از روسیه و چین، بیشترین تعداد همسایه را داشته که با تمام آنها مرز مشترک آبی نیز دارد. در مقوله امنیت ملی، مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب مناطق مرزی، بسیار مهم است. از مشکلات تأمین امنیت این است که بسیاری از برنامه‌ریزی‌های کلان در مناطق مرزی، تنها از دیدگاه نظامی و سیاسی بوده و از نقش و تأثیر بسزای آب و رودخانه‌های مرزی در ایجاد ثبات و امنیت این مناطق غافل می‌ماند. دسترسی محدود کشورهای پایین‌دست از اطلاعات منابع آب و همچنین اقدامات بالادستی رودخانه‌های مشترک، چالشی جدی در مدیریت، سیاست‌گذاری و بهره‌برداری از منابع آبی مرزی را به همراه داشته است.

یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های مرزی ایران، رودخانه مشترک هیرمند، اصلی‌ترین منبع آبی شرق کشور است که تأثیر قابل توجهی بر کشاورزی، اقتصاد، محیط‌زیست و به‌خصوص امنیت این بخش از کشور را دارد. این پژوهش در پی یافتن علل نوسان آب هیرمند و کاهش جریان آن به سوی دلتای سیستان متأثر از اقدامات بالادستی کشور افغانستان است. نوسان جریان آب هیرمند و کاهش آب ورودی به سمت دلتای سیستان، همواره مشکلاتی را برای ایران و افغانستان به‌وجود آورده است. در این تحقیق ابتدا سیر تکوینی روابط سیاسی دو کشور ایران و افغانستان بررسی شده و سپس با توجه به تعهدات و موافقت‌های آبی شکل گرفته در دوره ۱۸۵۷-۱۹۷۳ م. پیامدهای ناشی از اقدامات توسعه بالادستی کشور افغانستان در افق زمانی گذشته و برنامه‌های توسعه این کشور در حوضه آبریز هیرمند، تأثیر اجرای آن بر منابع آب ورودی به ایران و به تبع آن مشکلات مرزی و امنیتی منطقه تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: رودخانه فرامرزی هیرمند، تالاب‌های مشترک هامون، مهاجرت، امنیت مناطق مرزی.

۱. مدیر امور مرز معاونت عملیات ستاد کل نیروهای مسلح

۲. مدیر کل دفتر رودخانه‌های مرزی و منابع آب مشترک وزارت نیرو

۳. کارشناسی ارشد مهندسی منابع آب دانشگاه تربیت مدرس تهران (mrhajih@gmail.com)

فصل پنجم

**قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و
نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا**

عربستان سعودی و نظم مطلوب منطقه‌ای: چالش‌ها و استراتژی‌ها

دکتر حمید احمدی^۱

چکیده

گرچه در پژوهش‌های روابط بین‌الملل، اعم‌از: بحث‌های نظری و تاریخی آن، واژه‌های سامانه یا نظام پیشینه کهن‌تری دارد و بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل از این واژه استفاده، و ترکیب نظام بین‌المللی را با یکی از واژگان مهم علوم سیاسی تبدیل کرده‌اند، واژه دیگری، یعنی «نظم» در ادبیات متأخر روابط بین‌الملل پیدا شده و از برخی جنبه‌ها واژه «نظام» را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. هرچند در آغاز، واژه «نظم» را - در مقایسه با «نظام» - سیاستمداران و مقامات سیاسی بیشتر به‌کار می‌بردند تا پژوهشگران یا نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، با توجه به پیوستگی میان نظریه و عمل ازیک‌سو، و پیوند کانون‌های دانشگاهی با نهادهای سیاست‌گذاری ازسوی‌دیگر، از واژه «نظم» در پژوهش‌های تحلیلی و نظری روابط بین‌الملل نیز بهره گرفته شد. این به‌ویژه زمانی بود که واژه ترکیبی «نظم جهانی» و درپی آن «نظم نوین جهانی» از دهه پایانی قرن بیستم وارد واژگان علوم سیاسی شد و به موضوع مقالات و کتاب‌های مهمی در این رشته و رشته‌های پیوسته با آن تبدیل گردید، به‌گونه‌ای که برخی پژوهشگران درپی آن برآمدند که مفهوم نظم و ویژگی‌های آن در نظریه‌های گوناگون روابط بین‌الملل را محور پژوهش خود قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: عربستان سعودی، نظم منطقه‌ای، روابط بین‌الملل.

راهبرد امنیتی روسیه در غرب آسیا: مقابله با تهدیدات نزدیک و افزایش نقش بین‌المللی

دکتر جهانگیر کرمی^۱

چکیده

این نوشته با هدف تحلیل راهبرد امنیتی روسیه در غرب آسیا، آن را در سطح کلان در سه مفهوم کلان «ثبات راهبردی جهانی»، «سد نفوذ منطقه‌ای ناتو»، و «کنترل داخلی و خارجی تروریسم» بررسی کرده است. در مورد مفهوم سوم، که محور اصلی بحث این مقاله است، نگارنده این ایده را مطرح کرده که کرملین می‌کوشد در مناطق مجاور از آسیای جنوبی تا آسیای مرکزی، قفقاز و غرب آسیا از طریق نهادهای منطقه‌ای مانند: سازمان همکاری شانگهای، سازمان پیمان امنیت جمعی، روابط دوجانبه با دولت‌ها و سرانجام، عملیات نظامی به مهار و کنترل افراط‌گرایی و تروریسم بپردازد. این راهبرد امنیتی در چند سال اخیر با یک تغییر اساسی روبه‌رو شده و با خروج از ناکارکردی انزوایی به کارآمدی هجومی بر جلوگیری از تهدیدات برخاسته از افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم و به هم خوردن موازنه منطقه‌ای تأکید نموده است که برای تحقق آن، از راهبرد همکاری فراگیر با دولت‌های منطقه و تعادل در روابط منطقه‌ای، حفظ موازنه منطقه‌ای میان بازیگران اصلی منطقه و سرانجام بهره‌گیری از عملیات نظامی برای جلوگیری از به هم خوردن این وضعیت بهره گرفته و در شیوه عملیات نظامی مستقیم به شکل بمباران هوایی، بدون ورود به جنگ زمینی توانسته است متحد منطقه‌ای خود را حفظ، و از همه مهم‌تر، از تشدید تنش و تشنج در منطقه به‌خاطر سقوط دولت‌ها جلوگیری کند. این سیاست را می‌توان راهبرد آسان و کم‌هزینه نامید.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، روسیه، بحران سوریه، ایران، ترکیه، عربستان، راهبرد امنیتی، تروریسم.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا

دکتر ابراهیم متقی^۱ و هادی خسروشاهین^۲

چکیده

تبیین راهبرد امنیتی بازیگران در هر محیط منطقه‌ای، ارتباط مستقیم با شکل‌بندی قدرت و سیاست جغرافیایی دارد. آمریکا جزو بازیگران مداخله‌گر و تأثیرگذار بر نظم منطقه‌ای غرب آسیا محسوب می‌شود. محور اصلی راهبرد امنیت منطقه‌ای آمریکا را «موازنه خارج از حوزه جغرافیایی» تشکیل می‌دهد. چنین رویکردی به مفهوم آن است که جغرافیای امنیتی و راهبردی ایالات متحده در سیستم‌های تابع منطقه‌ای، براساس نشانه‌هایی از نقش‌آفرینی، اثربخشی و مداخله‌گرایی تداوم یافته است.

در فرایند شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای در غرب آسیا، نشانه‌هایی از بحران‌سازی و تهدید مشاهده می‌شود. اگرچه بازیگران منطقه‌ای در این فرایند از سازوکارهای مربوط به «جنگ‌های نیابتی» و گسترش «منازعات نامتقارن» بهره می‌گیرند، واقعیت آن است که چنین نشانه‌هایی از بحران و منازعه بدون توجه به نقش ساختاری قدرت‌های بزرگ حاصل نمی‌شود. ارزیابی سیاست امنیتی آمریکا در غرب آسیا تابعی از مؤلفه‌های هویتی و شکل‌بندی‌های ساختاری قدرت محسوب می‌شود.

در این مقاله این پرسش اصلی مطرح می‌شود که «راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا دارای چه ویژگی و نشانه‌هایی است؟» و فرضیه آن این است که «راهبرد امنیتی آمریکا در غرب آسیا براساس موازنه منطقه‌ای، دربرگیری و مهار ایران شکل گرفته است». در تبیین این مقاله، از رهیافت «هویت و قطبیت» باری بوزان استفاده می‌شود. چنین رهیافتی بیانگر آن است که کنش سیاسی و الگوی رفتاری آمریکا در تعامل با بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ مبتنی بر نشانه‌هایی از هویت‌گرایی و کنش ساختاری است. هویت محور اصلی موازنه قدرت بازیگران منطقه‌ای در راهبرد امنیتی آمریکا محسوب می‌شود. گسترش رقابت‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک ایران و عربستان را می‌توان در چهارچوب راهبرد موازنه منطقه‌ای، دربرگیری و مهار ایران دانست.

کلیدواژه‌ها: هویت، ساختار، موازنه منطقه‌ای، غرب آسیا، راهبرد امنیتی آمریکا.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

چین در غرب آسیا: ثبات خواهی و گشایش جویی

دکتر محسن شریعتی نیا^۱

چکیده

نظم امنیتی غرب آسیا در حال گذار است. تغییر در نقش مدیریتی قدرت‌های بزرگ از ابعاد کلیدی این گذار محسوب می‌شود. حضور و نقش‌آفرینی تدریجی چین در این منطقه را می‌توان یکی از نمادهای مهم تغییر در نقش قدرت‌های بزرگ محسوب کرد. مقاله حاضر معطوف به تبیین منطق اقدام سیاست خارجی چین در غرب آسیا و پیامدهای نقش‌آفرینی این کشور بر نظم امنیتی این منطقه است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که خیزش مسالمت‌آمیز به‌عنوان مفهوم کلیدی سیاست خارجی چین و مسیر ژئواکونومیک قدرت‌یابی این کشور، ثبات‌خواهی و گشایش‌جویی را به عوامل کلیدی شکل‌دهنده به منطق اقدام آن در غرب آسیا تبدیل کرده است. تأثیرات نقش‌آفرینی روبه‌افزایش چین ثبات‌خواه و گشایش‌جو در قالب تغییر در نقش مدیریتی قدرت‌های بزرگ، حفظ موازنه قدرت شکننده در این منطقه و ایجاد پنجره‌های فرصت مقطعی برای بازیگران بومی قابل تبیین است.

کلیدواژه‌ها: چین، غرب آسیا، ثبات، نظم امنیتی، موازنه قدرت.

ترکیه و نظم امنیتی غرب آسیا

دکتر جمع‌فحق پناه^۱

چکیده

«غرب آسیا» مفهومی نوپدید در مطالعات منطقه‌ای است که دلالت بر منطقه‌ای نفوذپذیر و بحران‌خیز و مشتمل بر خرده نظام‌های: خلیج فارس، شامات، آسیای مرکزی، قفقاز و شرق و غرب ایران می‌شود. در این خرده نظام‌ها علاوه بر قدرت بزرگ و جهانی، قدرت‌های منطقه‌ای نیز نقش موثری بر شکل‌دهی به نظم یا بی‌نظمی مناطق و ترتیبات امنیت منطقه‌ای دارند. ترکیه از جمله قدرت‌های منطقه‌ای موثر و فعال در خرده نظام‌های گفته شده به شمار می‌آید که نقش آفرینی آن بیش از سایر بازیگران منطقه‌ای بر منافع و امنیت کشورمان تاثیر سلبی و یا ایجابی دارد. نقش آفرینی این کشور به‌ویژه طی سال‌های گذشته به لحاظ کمی و کیفی دستخوش دگرگونی شگرفی شده است و جای این پرسش را وامی‌نهد که سیاست منطقه‌ای ترکیه تابع چه ملاحظاتی بوده و چه تاثیری بر پویای قدرت در این خرده نظام‌ها خواهد نهاد. در مقام فرضیه، این نوشتار ترکیبی از متغیرهای زمینه‌ای در محیط سیاست داخلی، متغیرهای واسطه که گویای تغییرات جدی در دینامیسم قدرت در غرب آسیا را مدنظر قرار داده تا فرایند تحول در سیاست‌های این کشور و گذار از انزواگزینی، تعادل‌گرایی، اقتصادگرایی و میانجی‌گری به سمت مداخله‌گرایی، بکارگیری قدرت سخت به جای قدرن نرم و اقتصاد و اتخاذ رویکردهای تهاجمی را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

این تحقیق به روش تحلیلی انجام می‌شود تا با اتکا به تکنیک مصاحبه و مشاهداتی نشان دهد بیشترین تحول در سیاست خارجی و امنیتی غرب آسیا به حوزه غرب ایران و شامات مربوط بوده و ناشی از خروج آمریکا، تحول گفتمانی در داخل ترکیه و نگرانی از بهره‌گیری رقبای مانند ایران از خلاء قدرت در منطقه بوده است.

کلیدواژه‌ها: نظم امنیتی، غرب آسیا، منافع ملی، امنیت ملی، ترکیه.

راهبرد امنیتی هند در غرب آسیا

دکتر مجیدرضا مؤمنی^۱

چکیده

سیاست خارجی هند در سال‌های اخیر به‌خصوص پس از پایان جنگ سرد تاکنون دستخوش تحولات بنیادین شده است. هندوستان یکی از کشورهای در حال توسعه است که توانسته در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان یک قدرت نوظهور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. این تحول در جایگاه این کشور به‌عنوان یک کنشگر تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل منجر به تغییراتی در معادلات و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز شده است. لذا، پژوهش حاضر درصدد درک و فهم دقیق‌تری از راهبرد امنیتی هند در بستر سیاست خارجی این کشور در عرصه بین‌المللی و به‌ویژه در قبال منطقه غرب آسیاست. بنابراین، سؤال اصلی که در این مقاله این است که راهبرد امنیتی هند در قبال غرب آسیا بر چه اصولی استوار است. فرضیه نیز مبتنی بر این امر است که کشور هند با توجه به مقتضیات داخلی و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، راهبرد امنیتی خود را در قبال غرب آسیا براساس این مؤلفه‌ها شکل می‌دهد: ۱. دسترسی به منابع انرژی؛ ۲. مهار گسترش افراطی‌گری به جنوب آسیا؛ ۳. دسترسی ایمن به منطقه آسیای مرکزی و همچنین گسترش روابطش با ایران، رژیم صهیونیستی و شورای همکاری خلیج فارس. این مقاله از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل و با روش تبیینی - تحلیلی و با کاربرد منابع اولیه شامل: اسناد، گزارش‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و منابع ثانویه شامل: کتب و مقالات نشریات علمی به بررسی موضوع می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد امنیتی، هند، غرب آسیا، سیاست خارجی، ایران، رژیم صهیونیستی، عربستان

سعودی.

۱. عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (majidreza.momeni@atu.ac.ir)

نظم و امنیت تراویخت در تفکر رژیم صهیونیستی

علی ثابت^۱

چکیده

نظام معرفتی و منظومه دانایی و قالب‌های ادراکی در هستی‌شناسی و مبانی نظم و امنیت در تفکر رژیم صهیونیستی امری قدسی است. این قالب‌ها نظم و امنیت را در رژیم صهیونیستی براساس ادبیات و آموزه‌های صهیونیسم شکل جدی‌تر و عملیاتی‌تری می‌دهد. قواعد و آموزه‌های نظم و امنیت و امنیتی کردن به معنی خارج شدن پدیده از حوزه عمومی به حوزه ذات‌شناسانه مفهوم نظم و امنیت در (قالب فرهنگ راهبردی) ذهنیت صهیونیستی است که متغیرها و تهدیدهای وجودی و کیانی در نظام تفکر گتویی به آن معنا می‌بخشد. هستی‌شناسی تفکر امنیتی رژیم صهیونیستی در یک منحنی و فرایند تاریخی و پیچیده همواره در یک وضعیت عدم قطعیت قرار دارد و «حدود وجودی» (ذهنی و عینی) این رژیم همواره در سیالیت منحصر به فردی در جریان است.

در این مقاله تلاش شده است مبانی هستی‌شناسی تفکر نظم و امنیت تراویخت رژیم صهیونیستی با توجه به تحولات منطقه مورد بررسی قرار گیرد. روش مطالعه در این مقاله توصیفی و تحلیل محتوا براساس واحد تحلیل متون و مفردات و تمرکز بر داده‌های مطرح در ادبیات تولیدی در محافل رژیم صهیونیستی است.

کلیدواژه‌ها: حدود وجودی، هستی‌شناسی امنیتی، نظم امنیت گتویی، تراویخت.

مقایسه قدرت نرم چین و هند در منطقه غرب آسیا

دکتر علی امیدی^۱ و سجاد امری^۲

چکیده

شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده است تا مؤلفه‌های جدیدی در ساختارهای رسمی بین‌الملل نقش ایفا کنند و کشورها برای دستیابی به اهداف و خواسته‌های خود به‌منظور تأمین منافع ملی، ابزارها و راه‌های جدیدی را به‌کار گیرند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به بهره‌گیری از قدرت نرم به-جای قدرت سخت اشاره داشت.

در سال‌های اخیر هند با یک برنامه مشخص، و اصلاحی درصدد تعریف دوباره جایگاه خود در سیاست جهان است. این کشور، علاوه بر روابط حسنه با کشورهای همسایه با دیگر کشورهای غرب آسیا، شمال آفریقا و ایران رابطه خوبی دارد که این روابط از دید جهانیان، قدرت نرم این کشور را نشان می‌دهد. قدرت نرم هند، به تدریج، همواره با فرهنگ و تمدن مسلطش، که ارتباط زیادی با پراکندگی هندیان در سراسر جهان دارد، شکوفا می‌شود. موفقیت شرکت‌های هندی نظیر این فوسیز و همچنین، موفقیت شرکت‌های چندملیتی وابسته به هند مثل گروه تاتا، تصویر جدیدی از هند به‌عنوان کشور توسعه‌یافته را نشان می‌دهد. نقش روزافزون رسانه‌های گروهی سبب شده هند بیش از پیش فرهنگ تساهل‌گونه، تاریخی و متمدن خود را به جهانیان عرضه کند و به یکی از مهم‌ترین ابزارهای افزایش قدرت نرم در سیاست بین-الملل دست یابد. سیاست خارجی هند بر پایه ارزش‌های اخلاقی بنا شده است. به عقیده بیشتر تحلیل‌گران، هند از توانایی و قابلیت زیادی برای آشتی و میانجی میان دو طرف درگیر در روابط بین‌الملل برخوردار است. این اعتبار و قابلیت دیپلماتیک، از منابع قدرت اقتصادی و نظامی این کشور ناشی نمی‌شود، بلکه از قدرت نرم این کشور حکایت دارد. این مقاله سعی دارد منابع و چگونگی استفاده از قدرت نرم در غرب آسیا توسط دو کشور هند و چین را بازگوید. همچنین این پرسش طرح می‌کند، اهداف حضور و نفوذ دو کشور در این منطقه به چه دلایلی است. متدولوژی تحقیق در این نوشتار، مقایسه تطبیقی رویکردهای قدرت نرم دو کشور هند نسبت به چین در غرب آسیاست.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، مقایسه تطبیقی، غرب آسیا، هند، چین.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (al.omidi@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (sajad.amri@yahoo.com)

واکاوی سیاست خارجی روسیه در مورد غرب آسیا - روسیه در قبال موضوع کردها

دکتر محمدرضا تخشید^۱؛ و مرتضی شجاع^۲

چکیده

هدف از این مقاله بررسی توصیفی-تحلیلی سیاست خارجی روسیه در قبال کردها در غرب آسیا و بازخوردهای آن بر نظم امنیتی منطقه‌ای است. یکی از واقعیات نظم امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا از زمانی که نظام دولت در منطقه، در پی قرارداد سایکس - پیکو، شکل گرفته این بود که هم قدرت‌های فرامنطقه‌ای تمایل عمیق به حضور چندسطحی در منطقه مذکور را داشته‌اند و هم دولت‌های منطقه، حتی قدرت مسلط منطقه‌ای نیز چنین حضوری را خواستار بوده است. شاید در این زمینه، ایران پس از انقلاب اسلامی، تنها مورد استثنا باشد. در پی تحولات عدیده از جمله خیزش‌های عربی و بازسازی موازنه قوای منطقه‌ای فضای امنیتی جدیدی در منطقه مستقر شده که قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به بازیابی و بازسازی سیاست غرب آسیایی خود واداشته است. در چنین فضایی روس‌ها نیز در نظر دارند تا اهداف کلان سیاست خارجی غرب آسیایی خود را پیگیری نمایند و در این مسیر به کردها چشم دوخته‌اند. این خط مشی روسیه مورد استقبال کردها قرار گرفت. مهم‌ترین نیروی محلی مقابله-کننده با جریان افراطی، مخصوصاً داعش و غیره از جمله مهم‌ترین دلایل اهمیت کردهاست.

علاوه بر موارد یادشده، روسیه در رقابت راهبردی با ترکیه است و بنابراین در این مسیر می‌تواند از کردها بهره‌گیرد. دیپلماسی روسیه در غرب آسیا را می‌توان در قالب «دوستی با همه» یا «دوستی با هرکس» مفهوم‌سازی کرد. جالب است در حالی که روابط روسیه با عربستان در خصوص بحران سوریه تنش‌آلود شده، ولی هیچ‌گاه روابط سیاسی قطع نگردید و در حالی که مقامات روس از سرنگونی یک فروند جنگنده خود توسط ترکیه به خشم آمده بودند، اما روابط دیپلماتیک خود با آنکارا را خاتمه ندادند. در واقع روس‌ها تلاش دارند تا سیاست خارجی آنها به گونه‌ای پیش‌نرود که از مزیت‌های روابط با بازیگران غرب آسیا محروم شوند. بدیهی است روس‌ها تلاش کنند تا با کردها، که در سیاست و امنیت منطقه‌ای جایگاه برجسته‌ای یافته‌اند، روابط پایداری را برقرار کنند.

کلیدواژه‌ها: روسیه، کردها، دیپلماسی دوستی با همه، افراط‌گرایی، انرژی.

۱. عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه تهران (m.shoja@ut.ac.ir)

بررسی رویکرد سیاست خارجی هندوستان در قبال نظم منطقه‌ای در غرب آسیا

دکتر ماندانا تیشه‌یار^۱

چکیده

روابط میان مردمان جنوب و غرب آسیا پیشینه‌ای به قدمت تاریخ دارد. از دیرباز اشتراکات فرهنگی، همکاری‌های سیاسی و تبادلات اقتصادی زمینه‌ساز پیوند میان باشندگان این سرزمین‌ها شده است؛ از این رو، می‌توان نمونه‌های تاریخی بسیاری از سرنوشت مشترک مردمان این دو گوشه از قاره آسیا را یافت و همین را موجب فهم بهتر این مردم از جوامع یکدیگر دانست.

در دوران کنونی نیز حضور میلیون‌ها هندی در کشورهای آسیای غربی برای کار و زندگی و نیز حضور ده‌ها هزار جوان از کشورهای مسلمان غرب آسیا در دانشگاه‌های هندوستان برای تحصیل در رشته‌های گوناگون، زمینه‌ساز پیوندهای نوین اقتصادی، فرهنگی و علمی میان این کشورها شده است. در این میان، رشد سریع اقتصادی هند در دهه‌های اخیر، موجب شده است که این کشور به یکی از مهم‌ترین خریداران انرژی برای تأمین نیازهای اقتصاد صنعتی روبه‌رشد خود تبدیل شود؛ از این رو، از دهه ۱۹۷۰ رفته‌رفته تمایل هند برای گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای تولیدکننده انرژی، به‌ویژه در منطقه آسیای غربی افزایش یافته است. همچنین تمایل هند به دستیابی به بازارهای مصرف حوزه اوراسیا برای فروش کالاهای تولیدشده در این کشور، سبب شده است که به‌دنبال گسترش ترابری دریایی و زمینی با هدف راه یافتن از غرب آسیا به آسیای مرکزی، قفقاز و حتی بازارهای اروپایی باشد. در این نوشتار تلاش خواهد شد تا با بررسی رهیافت‌های تازه در سیاست خارجی هندوستان در قبال کشورهای منطقه آسیای غربی، با تأکید بر حوزه خلیج فارس، چشم‌انداز روابط هند با این کشورها و نیز آینده حضور هندوستان در این منطقه واکاوی شود. این بررسی‌ها در چهارچوب نظریه‌های هویت‌ساختی (سازهانگاری) انجام خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: هندوستان، خلیج فارس، موازنه قوا، سازهانگاری، ترابری، انرژی، هویت.

۱. دکترای مطالعات بین‌الملل از دانشگاه جواهرلعل نهر و هندوستان و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

رویکرد اتحادیه اروپا به منطقه غرب آسیا

دکتر علی صباغیان^۱

چکیده

منطقه غرب آسیا به دلایل تاریخی و جغرافیایی مورد توجه جامعه و سپس اتحادیه اروپا قرار داشته و در کانون سیاست خارجی آن بوده است. در دو دهه اخیر این منطقه بستر مناسبی برای ایفای نقش بین‌المللی اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بازیگر جهانی فراهم کرده است. جامعه اروپا از اوایل دهه ۱۹۷۰ به دلیل منافع حیاتی‌ای که برای خود در این منطقه متصور بود توجه خاصی به آن معطوف کرد. از دهه ۱۹۹۰ به بعد و با جایگزین شدن جامعه اروپا با اتحادیه اروپا این اتحادیه سعی کرده است برای مدیریت چالش‌هایی که از جهت منطقه غرب آسیا متوجه آن است به شکل یک بازیگر راهبردی در این منطقه فعال باشد. به این ترتیب، اتحادیه اروپا ضمن حضور فعال در فرآیند صلح غرب آسیا تلاش کرد تا در چهارچوب فرآیند بارسلون با تصویب یک استراتژی منطقه‌ای جامع مشترک رویکردهای خود به منطقه غرب آسیا را روشن‌تر کرده و سازوکارهای نهادینه‌تری برای مدیریت چالش‌ها و پیشبرد منافع خود تنظیم کند. این استراتژی که «مشارکت اروپایی-مدیرانه‌ای» نام دارد سعی کرده است در چهارچوب سه‌نوع مشارکت سیاسی و امنیتی، مشارکت اقتصادی و مالی و مشارکت اجتماعی، فرهنگی و انسانی روابط اتحادیه اروپا با همسایگان جنوبی را تنظیم کند. با توجه به تحولاتی که سیاست اتحادیه اروپا در قبال همسایگان جنوبی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا طی دو دهه اخیر تجربه کرده این سؤال مطرح است که رویکرد اتحادیه اروپا به منطقه غرب آسیا به‌ویژه امنیت و امنیت‌سازی در این منطقه چیست و برای تحقق آن چه اقداماتی انجام داده است. این مقاله سعی دارد پاسخی در حد امکان برای این پرسش بیابد.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، غرب آسیا، امنیت، فرآیند بارسلون، سیاست همسایگی اروپا.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (sabbaghian@ut.ac.ir)

راهبرد امنیتی اتحادیه اروپا در غرب آسیا

بهزاد احمدی^۱

چکیده

امروزه منطقه غرب آسیا یا آنچه در ادبیات بحث در اروپا از آن با نام منطقه منا (شمال آفریقا و خاورمیانه) یاد می‌شود، بیش از هر زمان دیگری اتحادیه اروپا و بازیگران مهم آن را به چالش کشیده است. نگرش اتحادیه اروپا به نظم در منطقه غرب آسیا از زمان پایان جنگ سرد تا به امروز همواره در حال تغییر و تکامل بوده و به نوبه خود بواسطه برداشت متفاوت از این نظم در زمان‌های مختلف، به اتخاذ راهبردهای متفاوت و گاه متضاد انجامیده است. لذا سوال اصلی این مقاله این است که درک اتحادیه اروپا از نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا چیست و بر اساس این درک چه راهبردی را اتخاذ کرده است؟. از آنجا که بازیگران مهم اتحادیه نقشی پررنگ در شکل‌دهی و اجرای راهبردهای آن دارند دو سوال فرعی دیگر نیز مطرح می‌شود و آن اینکه نگاه آلمان و فرانسه نسبت به نظم امنیتی در منطقه غرب آسیا چیست و چه ابزارهایی را برای پیگیری منافع و سیاست‌های خود در اختیار دارند. فرضیه اصلی مقاله این است که تغییر بافت مشتمل بر تغییر ساختار و بازیگران باعث شده تا درک اتحادیه اروپا از منطقه بیش از پیش امنیتی‌تر شود و راهبردهای حفظ ثبات و امنیت در آن اولویت یابد. هرچند این نوع رویکرد جدید نیست اما اتحادیه اروپا به سبب نوع تحولات نظم در غرب آسیا در وضعیتی نیست که بتواند نظم منطقه‌ای مطلوب خود را به تنهایی و حتی با کمک آمریکا و متحدان آن حفظ یا ایجاد کند و این امر می‌تواند فرصت‌های متعددی را برای جمهوری اسلامی ایران بوجود آورد. دو کشور آلمان و فرانسه نیز با درکی مشابه از نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا اما با اولویت‌های متفاوت سیاسی، امنیتی و اقتصادی سعی در تامین منافع خود با بهره‌گیری از ابزارهای اتحادیه اروپا و نیز ابزارهای ملی خواهند داشت. در این راستا در این مقاله با یک رویکرد تحلیلی تلاش شده است تا با بررسی اسناد سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا از جمله راهبرد جهانی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶، راهبرد امنیتی اتحادیه اروپا در غرب آسیا تبیین شود. در ادامه با توجه به اسناد بالادستی فرانسه و آلمان، به تفاوت‌های الگویی در نگاه این دو کشور در قبال منطقه و سیاست‌ها و ابزارهای آنها پرداخته شده و در نهایت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در راهبرد امنیتی اتحادیه اروپا و کشورهای فوق و پتانسیل‌ها و محدودیت‌های آن بررسی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، غرب آسیا، امنیت، نظم، آلمان، فرانسه، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی (ahmadi@tisri.org)

نقش ترکیه در بحران سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی خارجی جمهوری اسلامی ایران

دکتر جمشید شریفیان^۱؛ مجتبی درفشان^۲؛ و حسین عبدالله‌پور^۳

چکیده

در دهه اخیر، غرب آسیا با چالش‌های سیاسی و امنیتی و نظامی پیچیده‌ای روبه‌رو بوده است. آمریکا و متحدانش راهبردهای خود را در این منطقه به صورت‌های مختلف تعریف و پیگیری نموده است. بی‌ثبات‌سازی محیط امنیتی پیرامونی رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین دستاویزها و اهدافی بوده است که آمریکا در طول سالیان گذشته پیگیری کرده است. راهبرد آمریکا و غرب برای تولید بحران داخلی و بی‌ثباتی در سوریه متناسب با تحولات غرب آسیا به منظور تأثیرگذاری بر محور مقاومت از سال ۱۳۹۰ آغاز شد و در این راستا، کشورهایی همچون: ترکیه، قطر و عربستان سعودی در راستای اهداف آمریکا و غرب در بحران سوریه مداخله کرده و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از مخالفان سوریه به عمل آورده‌اند. این مقاله به بررسی نقش ترکیه در بحران سوریه با هدف براندازی حکومت بشار اسد بر مبنای نظریه واقع‌گرایی تهاجمی پرداخته و به این فرضیه رسیده است که تداوم این نقش علاوه‌بر تأثیرگذاری بر روابط دوجانبه ترکیه و ایران، امنیت ملی خارجی ایران، شامل: مقاومت اسلامی، نفوذ و قدرت منطقه‌ای، عمق راهبردی و امنیت نظامی ج.ا.ایران را نیز تهدید می‌کند. مقاله با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری کتابخانه‌ای به تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی بحران سوریه و کمک‌های آموزشی و تسلیحاتی ترکیه برای مخالفان سوریه و سیاست خارجی ایران و ترکیه و آثار این بحران بر امنیت ملی خارجی کشورمان پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: بحران سوریه، روابط ایران و ترکیه، امنیت ملی خارجی ج.ا.ایران، عمق راهبردی.

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشکده فارابی (نویسنده مسئول) (jam_sharifian@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری تهدیدات امنیتی و مرئی دانشکده فارابی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حفاظت اطلاعات دانشکده فارابی

نظریه افول و دوگانگی در سیاست خارجی آمریکا و پیامدهای آن بر منطقه خلیج فارس

دکتر سیدمهدی حسینی‌متین^۱

چکیده

ظهور و افول قدرت‌های بزرگ و فرسایش توانایی‌ها و محدودیت‌های قدرت آنها همواره یکی از نظریه‌های مهم و بنیادین در ادبیات روابط بین‌الملل بوده است. از سوی دیگر، به جز دوره‌های محدود، رفتار سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، زمان پیدایش این قدرت بزرگ، تاکنون نیز به‌طور مستمر بر پایه قدرت‌مندی بلامنازع این کشور شکل گرفته است؛ به‌عبارتی، ایالات متحده چه در دوره جنگ سرد و چه پس از آن، به‌درست یا غلط، خود را در جایگاه ابرقدرت و هژمون تصور کرده و رفتارهای این کشور در این چهارچوب قابل درک و تبیین بوده است. این موضوع در دوره پس از جنگ سرد و به‌عنوان تنها ابرقدرت بازمانده از دوران رقابت با اتحاد شوروی در نظام دوقطبی، از موضوعیت بیشتری برخوردار بوده است؛ اما در مدت یک‌دهه اخیر و یا بیشتر، به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نوشته‌ها و نظریه‌های چندی از جمله از سوی کسانی در خود ایالات منتشر شده است که صحبت از افول قدرت آمریکا به‌میان می‌آورند و گاه حتی با توجه به فرسایش برخی از ابعاد قدرت‌مندی آمریکا از جمله قدرت اقتصادی از تبدیل ساختار نظام بین‌الملل کنونی به یک نظام چندقطبی و یا سلسله‌مراتبی سخن گفته‌اند. این پرسش قابل طرح است که با توجه به آثار متقابل تحولات عینی و نظریه در روابط بین‌الملل، طرح نظریه افول در یکی دو دهه اخیر چه آثاری بر سیاست خارجی آمریکا بر جای گذاشته است. و در مرحله دوم، این نظریه چه پیامدهایی بر سیاست خارجی این کشور نسبت به منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس به‌دنبال داشته است.

فرض نوشتار حاضر بر این است که با توجه به تغییر پارادایم سیاست خارجی آمریکا از ژئوپلیتیک‌گرایی به ایدئولوژیک‌گرایی در دو دهه اخیر (پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱)، «طرح نظریه افول قدرت آمریکا باعث ایجاد نوعی دوگانگی نظری در سیاست خارجی این کشور شده است؛ به‌گونه‌ای که هم خود را در جایگاه تنها قدرت برتر نظام بین‌الملل می‌بیند و هم توانایی و قدرت رهبری خود را حتی در میان متحدانش از دست داده است.»

کلیدواژه‌ها: آمریکا، افول، قدرت، سیاست خارجی، ژئوپلیتیک‌گرایی، تروریسم، ایدئولوژی، پارادایم.

۱. دکترای روابط بین‌الملل و پژوهشگر مسائل بین‌المللی

الگوی ترکیه در نظم امنیتی منطقه‌ای؛ تعامل و تقابل با ایران و عربستان سعودی

الیاس واحدی^۱

چکیده

بازیگران منطقه‌ای در کنار قدرت‌های بزرگ، در نظم امنیتی منطقه‌ای آتی غرب آسیا نقشی برجسته‌تر از قبل دارند که برخی این را از الزامات دوران پساجنگ سرد می‌دانند. در این میان، اگر رژیم صهیونیستی را به گونه‌ای در داخل جهان غرب محسوب کنیم می‌توان گفت که نقش اصلی را ایران، ترکیه و عربستان دارند.

در بین بازیگران یادشده، ترکیه مانور زیادی در سیاست خارجی داشته است. پایان جنگ سرد، سبب نزول اساسی جایگاه ترکیه نزد غرب شد و آنکار را به جستجوی منافع استراتژیک کشور در محیط‌های دیگر نظیر: اوراسیا و غرب آسیا رهنمون ساخت.

ترکیه با رویکرد جدید هم به محور شرقی نزدیک و هم از اهداف بلندمدت غربی دور نخواهد شد که سبب پر بودن دست این کشور در یارگیری می‌گردد. عربستان سعودی نیز سعی می‌کند به جز ایران، با همه بازیگران در تعامل باشد؛ ولی نظام سیاسی غیردموکراتیک، این کشور را آسیب‌پذیر ساخته و از توجه غرب به آن می‌کاهد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران خط‌مشی مشخص‌تر و کم‌تغییری دارد که قدرت مانور دیپلماسی ایران را کاهش می‌دهد. پیش‌فرض مقاله این است که سه کشور یادشده بنابر جبر جغرافیایی امنیت ملی در هم تنیده‌ای دارند و برای کاهش تبعات ناامنی مجبورند باهم حتی به‌طور نسبی همکاری یا سازش نمایند که در خوش‌بینانه‌ترین شکل می‌توان شاهد ائتلاف این سه بازیگر در ترسیم نظم امنیتی جدید منطقه شد؛ ائتلافی موقتی یا موردی که به دلیل ساختار امنیتی متراکم منطقه بین عوامل درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای و نیز جایگاه متفاوت سه کشور در نظام جهانی، تبدیل این ائتلاف به یک مجموعه امنیتی بلندمدت ناممکن به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: نظم امنیتی منطقه‌ای، ایران، ترکیه، عربستان، ائتلاف امنیتی منطقه‌ای، بازسازی سیاست خارجی ترکیه، منطقه‌گرایی ترکیه.

رقابت چین و هند در غرب آسیا و نقش ایران و پاکستان

محمدحسین دهقانیان^۱

چکیده

چین و هند رقبای دیرپایی هستند که با رشد اقتصادی چشمگیر خود در حال برهم زدن معادلات منطقه‌ای در غرب آسیا هستند و ورود آمریکا به این رقابت با جانبداری از هند بُعدی فرامنطقه‌ای به آن بخشیده است. این دو کشور به‌عنوان دو قدرت تشنه انرژی در جهان و برخوردار از اقتصادهای روبه‌رشد و پویا و نیز به‌عنوان دو کشور پرجمعیت جهان، نگاه ویژه‌ای به آسیای مرکزی دارند و ضمن آنکه این منطقه را منبع انرژی مناسبی برای خود تلقی می‌کنند، به اهمیت راهبردی آن در رقابت دیرپای خود نیز واقفند. در این میان، چین به دلیل همسایگی بلافصل منطقه غرب آسیا برتری قابل توجهی نسبت به هند دارد و این درحالی است که هند دسترسی مستقیمی به منطقه ندارد و به دلیل خصومت با پاکستان قادر به استفاده از خاک این کشور هم نیست. راهکار هند برای دور زدن پاکستان جهت دسترسی به آسیای مرکزی استفاده از مسیر ایران است و در همین راستا، دهلی نو به سرمایه‌گذاری در بندر چابهار روی آورده است. در مقابل، چین با سرمایه‌گذاری سنگین در بندر گوادر پاکستان قصد دارد آن را به یک قطب ترانزیت در راهبرد راه ابریشم جدید خود تبدیل کند. در واقع، پروژه «دالان اقتصادی چین - پاکستان» با عبور از بزرگراه قره قروم پاکستان به بندر گوادر منتهی خواهد شد و چین اخیراً قراردادی را با پاکستان به ارزش بیش از چهل میلیارد دلار امضا کرد. از سوی دیگر، روابط ایران و پاکستان نیز از زمانی که پاکستان به قدرت گرفتن طالبان در افغانستان کمک کرد، با مشکلات و تنش‌هایی همراه شده و به‌خصوص متمایل شدن این کشور به سوی ارتقاء روابط با عربستان سعودی و همراهی غیرمستقیم با عربستان در ائتلاف به رهبری عربستان در غرب آسیا برای ایران آزاردهنده بوده است. پرسش اصلی ما این است که رقابت فزاینده چین و هند در غرب آسیا و رویکرد پکن به تقویت پاکستان در برابر هند چه تأثیر و پیامدهایی بر منافع ایران در منطقه دارد. در پاسخ به این سؤال می‌کوشیم ضمن بررسی مقایسه‌ای رویکردهای چین و هند در غرب آسیا، به نقش آمریکا در مورد هر دو کشور نیز اشاره کنیم و جایگاه ایران و پاکستان را در این رویکردها مورد بررسی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: چین، پاکستان، ایران، غرب آسیا.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

نقش اتحادیه اروپایی در نظم جدید منطقه‌ای در غرب آسیا

دکتر سعید خالوزاده^۱

چکیده

منطقه غرب آسیا امروز دوره‌ای گذار و بحرانی را پشت سر می‌گذارد که بازیگران زیادی آن را به وجود آورده‌اند و البته هیچ قدرتی تصور نمی‌کرد منطقه غرب آسیا با چنین وضعیت نابسامان، مزمن و فرسایشی‌ای روبه‌رو شود. اتحادیه اروپایی در منطقه ژئوپلیتیکی غرب آسیا قرار دارد و هم‌اینک با شرایط بسیار دشواری مواجه شده است که از جنگ جهانی دوم تاکنون بی‌سابقه بوده است. افزایش ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه و در نزدیکی مرزهای جغرافیایی اروپا، تحرکات گسترده گروه‌های تکفیری و تروریستی، رشد و تقویت گروه‌های بنیادگرای تندرو در منطقه و در حوزه اروپایی، موج گسترده هجوم پناهجویان به داخل کشورهای اروپایی، ناشی از هجوم پناهجویان سوری، عراقی و غرب آسیایی، همه اینها باعث شده تا اروپا با شرایط بسیار شکننده و دشواری روبه‌رو شود.

غرب آسیا به دلیل اهمیت استراتژیکی و ژئواکونومیکی آن، از ازنه دور در مرکز توجه کشورهای بیگانه و قدرت‌های استعماری جهان قرار داشته است. به نظر می‌رسد با پیشرفت سریع این گروه‌های تروریستی و اقدامات جنایتکارانه‌شان طی دو سال اخیر، اتحادیه به عمق خطرات این گروه در عراق و سوریه و کل منطقه ژئوپلیتیکی غرب آسیا آگاه شده و با تجزیه تحلیل اوضاع کنونی، در حال اتخاذ اقدامات جدیدتری است. تداوم خشونت در غرب آسیا بی‌ثباتی را در منطقه گسترش داده و امنیت اروپا را دچار چالش کرده است. وابستگی شدید اتحادیه اروپایی به منابع انرژی، موقعیت آن را شکننده می‌سازد؛ بنابراین مشارکت در یک نظم نوین منطقه‌ای می‌تواند در سند استراتژی امنیتی اتحادیه اروپایی که هم‌اکنون در حال تدوین است مورد توجه رهبران اروپایی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، اتحادیه اروپا، نظم نوین منطقه‌ای.

۱. استاد دانشگاه و پژوهشگر مطالعات اروپا (saidkhaloozadeh@yahoo.fr)

حوزه‌های همکاری میان ایران و اتحادیه اروپا برای مقابله با چالش‌های موجود در غرب آسیا

دکتر محمدرضا مجیدی^۱ و دکتر علیرضا نمودی^۲

چکیده

منطقه غرب آسیا هم‌اکنون با چالش‌های مختلفی از جمله چالش‌های امنیتی، سیاسی و زیست‌محیطی روبه‌روست. وجود دولت‌های ورشکسته، ظهور گروه تروریستی داعش، رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بحران داخلی در ترکیه و بحران‌های دیگر همگی از عوامل ایجاد بی‌ثباتی در این منطقه است. بروز ناامنی در غرب آسیا همچنین موجب افزایش مهاجرت به سوی کشورهای اروپایی و در واقع، سرریز بحران امنیتی به داخل مرزهای دولت‌های عضو اتحادیه اروپا شده است. هم‌اکنون اتحادیه اروپا با چالش‌هایی جدی از جمله: منازعه با روسیه بر سر اوکراین، بحران مهاجرت، حملات تروریستی گروه داعش و خروج بریتانیا مواجه است. در راهبرد جدید اتحادیه اروپا با عنوان «چشم‌انداز مشترک، اقدام مشترک: اروپای قوی‌تر» که ژوئن ۲۰۱۶ منتشر شد، پنج حوزه موضوعی با عنوان اولویت‌های اتحادیه اروپا در حوزه سیاست خارجی مورد اشاره قرار گرفت. این پنج اولویت عبارت بودند از: امنیت اتحادیه اروپا، بهبود وضعیت اجتماعی و دولتی در شرق و جنوب اروپا، بهره‌مندی از رویکرد منسجم در قبال منازعه‌ها و بحران‌ها، نظم‌های منطقه‌ای دسته‌جمعی، و حکمرانی جهانی در قرن بیست‌ویکم. سؤال اصلی این است که پس از امضای برجام و غیرامنیتی شدن برنامه هسته‌ای ایران و کاهش نسبی تنش میان ایران و کشورهای اروپایی، تهران و بروکسل در چه حوزه‌هایی می‌توانند همکاری‌های خود را افزایش دهند. به باور نویسندگان مقاله، مقابله با افراط‌گرایی، مبارزه با تروریسم، افزایش همکاری‌های اقتصادی و زیست‌محیطی از مهم‌ترین حوزه‌های همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپاست که می‌تواند زمینه را برای شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید در غرب آسیا فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، ج.ا.ایران، نظم منطقه‌ای، تروریسم، مهاجرت، غیرامنیتی شدن.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم

حوزه‌های همکاری میان ایران و اتحادیه اروپا برای مقابله با بحران‌های غرب آسیا

دکتر نسا زاهدی^۱؛ و دکتر علیرضا ثمودی^۲

چکیده

منطقه غرب آسیا هم‌اکنون با چالش‌های مختلفی از جمله چالش‌های امنیتی، سیاسی و زیست‌محیطی روبه‌روست. وجود دولت‌های ورشکسته در منطقه، ظهور گروه تروریستی داعش، رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بحران‌های داخلی در ترکیه و بحران‌های دیگر، همگی از عوامل ایجاد بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیاست. بروز ناامنی در منطقه غرب آسیا همچنین موجب افزایش مهاجرت به سوی کشورهای اروپایی و در واقع سرریز بحران امنیتی به داخل مرزهای دولت‌های عضو اتحادیه اروپا شده است. هم‌اکنون اتحادیه اروپا با چالش‌های جدی از جمله منازعه با روسیه بر سر اوکراین، بحران مهاجرت، حملات تروریستی گروه داعش و خروج بریتانیا روبه‌روست. در راهبرد جدید اتحادیه اروپا با عنوان «چشم‌انداز مشترک، اقدام مشترک: اروپای قوی‌تر» که ژوئن ۲۰۱۶ منتشر شد، به پنج حوزه موضوعی به‌عنوان اولویت‌های اتحادیه اروپا در حوزه سیاست خارجی اشاره شد. در این سند، ضمن اشاره به برجام و اجرای آن، به این موضوع اشاره شده است که اتحادیه به تدریج با ایران در حوزه‌هایی همچون تجارت، تحقیق، محیط‌زیست، انرژی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مهاجرت و تغییرات اجتماعی وارد تعامل خواهد شد و روابط خود با تهران را افزایش خواهد داد. پس از امضای برجام، میان جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱ در سال ۲۰۱۵ و از بین رفتن فضای امنیتی ایجادشده در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، امکان تعامل میان تهران و بروکسل، بیش از پیش فراهم شده است. پرسش اصلی این است که پس از امضای برجام و غیرامنیتی شدن برنامه هسته‌ای ایران و کاهش نسبی تنش میان ایران و کشورهای اروپایی، تهران و بروکسل در چه حوزه‌هایی می‌توانند همکاری‌های خود را افزایش دهند. به عقیده نویسندگان مقاله، مقابله با افراط‌گرایی، مبارزه با تروریسم، افزایش همکاری‌های اقتصادی و زیست‌محیطی از مهم‌ترین حوزه‌های همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپاست که می‌تواند زمینه را برای شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید در غرب آسیا فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: اتحادیه اروپا، ج.ا. ایران، نظم منطقه‌ای، تروریسم، مهاجرت، غیرامنیتی شدن.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم

بررسی سیاست خارجی مصر بعد از ژانویه ۲۰۱۱

دکتر جلال درخشه^۱ و طیبه سلامت^۲

چکیده

سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر متغیرهای گوناگونی شکل می‌گیرد. به‌طور سنتی در کشورهای غیردموکراتیک و جهان سوم، همواره دو گزاره رهبران حاکم و نیروهای بین‌المللی اهمیت فراوانی داشته‌اند؛ اما با وقوع تحولات چندسال اخیر در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا، این قاعده پایدار نماند و نیروهای فراملیتی در روند حوادث و جابه‌جایی قدرت و به‌تبع آن تعیین خط‌مشی سیاست خارجی مؤثر بودند. این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که میزان تأثیرگذاری گروه‌های سیاسی در داخل و خارج از مصر، اعم از دولتی و غیردولتی، بر جهت‌گیری سیاست خارجی مصر چگونه بوده است. برای پاسخ به این پرسش از دو شیوه مطالعاتی استفاده شده است: نخست، تعاملات انقلابیون با جهان خارج، از دو طریق فضای مجازی و نمادهای انقلابی‌ای همچون میادین و شعارهای الهام‌بخش. دوم، بررسی سیاست خارجی دولت انقلابی. به این منظور مباحث مطروحه در عرصه سیاست خارجی در سه حوزه کشورهای همسایه، کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و کشورهای فرامنطقه‌ای مطالعه شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جریان‌های سیاسی مصر و در رأس آن اخوان المسلمین با وجود مقبولیت در میان توده‌های مردم ادامه حیات خود را به قدرت‌های خارجی وابسته می‌دانستند و دولت پس از کودتای ۲۰۱۳ نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. در واقع، نبود شناخت صحیح دوست و دشمن در عرصه نظام بین‌الملل و تنظیم مناسبات سیاسی براساس منافع ملی باعث شد تا در دوره یادشده شاهد سردرگمی در میان دولت‌مردان مصری و بی‌اعتمادی به نظام حاکم در میان مردم باشیم و مجموعه عوامل یادشده باعث شد تا این کشور بیش از هر زمان دیگر در عرصه بین‌الملل منزوی شود.

کلیدواژه‌ها: مصر، سیاست خارجی، کودتا.

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی (ts.policymaker@yahoo.com)

استراتژی‌های رژیم صهیونیستی در قبال بحران سوریه

دکتر سید یوسف قرشی^۱

چکیده

جنگ سوریه، در ابتدا موضوعی داخلی محسوب می‌شد و کمتر کسی برای آن ابعاد بین‌المللی و منطقه‌ای متصور بود. جنگ مذکور، از این حیث رنگ بین‌المللی به‌خود گرفت که مسئله پناهندگان سوریه، تبدیل به یک بحران سیاسی بزرگ برای اروپا شد. رهبران این اتحادیه، با اتخاذ سیاست‌های متضاد در قبال پذیرش آوارگان به‌جامانده از بحران، عملاً یک پارچگی امنیتی، سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا را به خطر انداختند.

علاوه بر این، موضوع سوریه در بُعد منطقه‌ای هم، مبنایی برای تغییر در مناسبات قدرت در غرب آسیا به واسطه درگیری‌های منطقه‌ای بود. این بحران، چشم‌انداز یک حکومت خودمختار کردی را در مرز سوریه و ترکیه ایجاد کرد و سبب شد، ترکیه به ارزیابی مجدد سیاست‌هایش در قبال کردهای ساکن در ترکیه و اتخاذ تصمیم در رابطه با اعطای سهم سیاسی در حکومت بپردازد. همچنین تضعیف حکومت در سوریه، به توفیق هرچه بیشتر داعش در فتح بخش‌هایی از سرزمین‌های سوریه و عراق و استفاده از منابع این سرزمین‌ها برای پشتیبانی از هسته‌های خود در غرب آسیا انجامید که این امر، حضور قدرت دیگر منطقه‌ای، یعنی ایران، را اجتناب‌ناپذیر ساخت.

رژیم صهیونیستی، تقویت تسلیحاتی حزب‌الله لبنان برای حضور در جنگ داخلی سوریه را اساساً به معنی تقویت بنیه نظامی این گروه و تضعیف موقعیت آتی خود می‌داند. این موجودیت، دخالت روسیه در بحران را معادل تحکیم برتری ایران در منطقه قلمداد می‌کند. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه موقعیت استراتژیک بلندی‌های جولان را فراموش نکرده است و جنگ داخلی سوریه را به‌مثابه فرصتی برای فشار بر حکومت اسد برای عقب‌نشینی از ادعای خود در قبال بلندی‌های جولان دانست. در نهایت این‌که، محدودسازی گروه‌های مبارزه سنی زمانی صورت می‌پذیرد که این گروه‌ها، ناامنی در مرزهای رژیم صهیونیستی، به‌ویژه مرز با اردن و مصر، را رقم بزنند.

کلیدواژه‌ها: رژیم صهیونیستی، جنگ سوریه، ایران، استراتژی، منفعت.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز (sy.ghorashi@gmail.com)

تحول در سیاست غرب آسیای روسیه: زمینه‌ها و پیامدها

دکتر حمیدرضا عزیزی^۱

چکیده

فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، واقعه‌ای بود که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی (در ارتباط با هریک از کشورهای پیشین اتحاد) به دنبال داشت. چالش‌های فراوانی که روسیه در ابتدای فروپاشی شوروی با آنها دست به گریبان بود، بر سیاست خارجی این کشور هم تأثیر گذاشت و موجب نوعی ابهام و آشفتگی در این سیاست شد. روسیه جدید باید خود را با جهانی تطبیق می‌داد که این کشور دیگر در آن یک ابرقدرت به‌شمار نمی‌رفت. مشکلات شدید اقتصادی، وجود اقلیت‌های روس تبار در جمهوری‌های اطراف و همچنین گسترش ناتو به شرق در فضای بین‌المللی پس از جنگ سرد، از جمله چالش‌های جدید پیش‌روی روسیه بود. این آشفتگی و سردرگمی، سطوح مختلف سیاست خارجی روسیه و به تبع آن روابط خارجی آن کشور را به یک نسبت تحت تأثیر قرار می‌داد.

از آغاز سومین دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۱۲، سیاست خارجی روسیه در عرصه‌های مختلف، روندی متفاوت را تجربه کرده که ویژگی اصلی آن، تأکید بیش از پیش بر جایگاه روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و استفاده از مجموعه ابزارهای موجود برای تثبیت این جایگاه بوده است. با در نظر گرفتن این مسائل، این مقاله درصدد است ضمن ارائه سیری مختصر از تحولات سیاست خارجی روسیه در قبال منطقه غرب آسیا از ابتدای فروپاشی شوروی تاکنون، تمرکز خود را بر روابط روسیه با منطقه طی دو سال اخیر قرار داده و به این پرسش پاسخ دهد که دلایل فعال شدن سیاست خارجی روسیه در غرب آسیا طی دو سال گذشته، چه بوده است. در این راستا، هدف نگارنده این است که از تحلیل‌های اغلب تک‌عاملی موجود فاصله گرفته و دیدی چندعاملی و کل‌نگرتر نسبت به موضوع طرح کند. به‌علاوه، در این مقاله تلاش خواهد شد تا قدمی فراتر رفته و پیامدهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت سیاست جدید روسیه در منطقه غرب آسیا، به‌ویژه از جنبه تأثیرات آن بر نظم امنیتی موجود در منطقه، بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: روسیه، غرب آسیا، پوتین، سیاست خارجی.

۱. استادیار پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی (hr_azizi@sbu.ac.ir)

موقعیت امنیتی رژیم صهیونیستی در قالب مؤلفه‌های جدید منطقه‌ای

دکتر وحیده احمدی^۱

چکیده

تحولات و روندهایی که در منطقه غرب آسیا در چند سال اخیر به وقوع پیوسته است و همچنان در جریان است، تأثیرات و پیامدهای قابل ملاحظه‌ای را بر بازیگران این منطقه برجای گذاشته است. یکی از این بازیگران مهم، رژیم صهیونیستی است که اگرچه به نظر می‌رسد کمترین تأثیرات را از این فضا به خود دیده است، روندهای جاری در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و اجتماعی که رژیم صهیونیستی با آن روبه‌روست، نشان‌دهنده تأثیر فضای پیرامونی بر این رژیم بوده است. مقاله پیش‌رو بر آن است تا با تبیین مؤلفه‌های منطقه‌ای تأثیرگذار بر رژیم صهیونیستی، موقعیت امنیتی این رژیم را تبیین و پیامدهای این تأثیرات را تحلیل کند.

کلیدواژه‌ها: رژیم صهیونیستی، سرمایه نظامی، سرمایه نمادین، جبهه مقاومت، توافق هسته‌ای ایران، جنگ سوریه، نظام رفتاری - هنجاری.

جایگاه مصر در معادلات سیاسی - امنیتی غرب آسیا با تأکید بر تحولات پس از به قدرت رسیدن سیسی

داود احمدزاده^۱

چکیده

مصر در دنیای اسلام به عنوان یکی از کنشگران اصلی در کنار ایران و عربستان و ترکیه کلید ایجاد یا تغییر توازن استراتژیک در غرب آسیا و شمال آفریقا است؛ بنابراین هرگونه تغییر در نوع و ماهیت نظام سیاسی این کشور، به مثابه تغییر در توازن استراتژیک و به دنبال آن تغییر در ترتیبات امنیتی و مناسبات سیاسی منطقه خواهد بود.

مصر همانند ایران و ترکیه ضمن داشتن هویت تاریخی و فرهنگی مستقل از فردای استقلال از امپراتوری عثمانی، سابقه دولت - ملی قوی‌ای دارد و بر این مبنای داعیه دار رهبری دنیای عرب و نقش آفرین در مسائل منطقه‌ای بوده و هست. به همین ویژگی‌های خاص با غلبه مؤلفه‌های هویتی متفاوت در دهه‌های گذشته تکیه بر پان عربیسم در دوره ناصر و ناسیونالیسم در دوره سادات و نیز هویت چندمجهولی در دوره مبارک و نیز بازگشت به هویت اسلامی - سلفی در دوره مرسی و بازگشت دوباره السیسی به هویت ملی گرایانه با چاشنی خشونت نشان می‌دهد که با وجود فراز و فرودها و دگردیسی‌های موجود در شکل‌گیری سیاست خارجی، مصر همچنان دروازه ورود به خاورمیانه عربی و شمال آفریقا است. هدف این پژوهش، تبیین نظری جایگاه مصر و اثرگذاری آن بر مناسبات سیاسی و الگوهای سیاسی حاکم بر نظام منطقه‌ای پس از به قدرت رسیدن نظامیان در مصر و برکناری اسلام‌گرایان از قدرت است.

در این مقاله تلاش میشود تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: نزدیکی روابط مصر و عربستان در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در نحوه شکل‌دهی به مهندسی قدرت در غرب آسیا چه تأثیری می‌تواند بر جایگاه ایران و ترکیه در این منطقه داشته باشد؟ فرصت‌ها و تهدیدهای پسا کودتا در مصر برای بازیگران منطقه‌ای چیست؟

کلیدواژه‌ها: مصر، غرب آسیا، امنیت منطقه، نظم منطقه‌ای، سیسی، اخوان المسلمین.

۱. دانشجوی دکتری سیاست گذاری عمومی واحد علوم تحقیقات و کارشناس مصر

طرح جدید روسیه برای پایان بخشیدن به مناقشه قره‌باغ: نظم امنیتی جدید در قفقاز جنوبی

ولی کوزه‌گر کالجی^۱

چکیده

از مناقشه قره‌باغ در کنار مناقشه‌هایی چون آبخازیا، اوستیای جنوبی و چچن به‌عنوان «منازعه‌های حل‌نشده» و یا «مناقشه‌های منجمدشده» یاد می‌شود که مخرج مشترک تمامی آن‌ها حاکمیت وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بر این مناطق طی دو دهه گذشته است. بی‌تردید، از میان مناقشه‌های یادشده، مناقشه قره‌باغ یکی از مهم‌ترین مناقشه‌های منطقه قفقاز محسوب می‌شود که محور آرایش سیاسی و امنیتی در منطقه قفقاز جنوبی حول آن شکل گرفته است و از این رو هر نوع تغییر در روند مناقشه قره‌باغ، به‌صورت مؤثری بر ترتیبات و معادلات سیاسی و امنیتی این منطقه تأثیر خواهد گذاشت. ازجمله تحولات مهم و جدیدی که در رابطه با پایان بخشیدن به مناقشه قره‌باغ در حال شکل‌گیری است، طرح جدید دولت روسیه است که ترکیبی از اصول مادرید مصوب گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا در ۲۰۰۷ میلادی و طرح صلح غازان روسیه در ۲۰۱۱ میلادی است. به‌موجب این طرح پیشنهادی که دوسالی است روس‌ها در حال پیگیری و رایزنی آن هستند، هفت منطقه پیرامون قره‌باغ طی سه مرحله به حاکمیت جمهوری آذربایجان باز خواهد گشت و برای تأمین امنیت بخش اصلی قره‌باغ (ارمنی‌نشین) و هفت شهر پیرامونی آن (آذری‌نشین) مستقر خواهند شد. تحولات سیاسی و نظامی دو سال اخیر، نظیر افزایش بی‌سابقه بودجه دفاعی آذربایجان، جنگ چهار روزه آوریل ۲۰۱۶ میلادی، بحران گروگان‌گیری در ارمنستان، تغییر نخست‌وزیر در ارمنستان که تقویت جناح قره‌باغی‌ها در این کشور را به‌دنبال داشته است و افزایش تحرک دیپلماتیک روس‌ها در سطح منطقه گویای آن است که تحولات جدیدی در منطقه مورد مناقشه قره‌باغ در جریان است که در صورت تحقق، نظام امنیتی جدیدی را در قفقاز جنوبی شکل خواهد داد. با عنایت به اهمیت استراتژیک این تحولات برای امنیت و منافع ملی ایران، در این مقاله کوشش خواهد شد درک بهتری از ماهیت و ابعاد تحولات جدید سیاسی و امنیتی در منطقه مورد مناقشه قره‌باغ به‌دست آید.

کلیدواژه‌ها: قره‌باغ، آذربایجان، وضعیت حقوقی - سیاسی، روسیه.

۱. پژوهشگر معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل در مرکز تحقیقات استراتژیک

ابعاد رقابت قدرت‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای قفقاز

دکتر هادی اعظمی^۱؛ منوره محمودی^۲؛ و محسن سلطانی^۳

چکیده

کشورهای مختلف با توجه به اهداف و منافع ملی خود، همواره در صدد توسعه دامنه نفوذ و اثرگذاری در آن سوی مرزهای خود و به‌ویژه همسایگان مهم خویش هستند. کشور آذربایجان بعد از استقلال، به دلیل موقعیت جغرافیایی مهم در منطقه قفقاز جنوبی، وجود ذخایر عظیم انرژی، پیوستگی‌های تاریخی، قومیتی و فرهنگی، همواره مورد توجه ایران و ترکیه قرار داشته و هرکدام از دو کشور یادشده برای نفوذ بیشتر در این کشور، در عرصه‌های مختلف با هم رقابت داشته‌اند.

هدف پژوهش کنونی با رویکردی توصیفی - تحلیلی، بررسی وضعیت ایران و ترکیه در مبادلات تجاری، ارتباطات زمینی، میزان مشارکت در استخراج و انتقال انرژی آذربایجان، سطح همکاری‌های نظامی - امنیتی، مقایسه تصمیم‌های سیاسی اتخاذشده در رابطه با بحران قره‌باغ و آثار ثانویه این تصمیم‌ها، نقش پان‌ترکیسم و قومیت‌گرایی در روابط ترکیه و ایران با آذربایجان و رقابت‌های ایدئولوژیک و بررسی راهبردهای نفوذ فرهنگی این دو کشور در آذربایجان بوده است و تأثیر این رقابت‌ها بر نظم ژئوپلیتیکی قفقاز در غرب آسیا را بررسی می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی عملکرد این دو قدرت منطقه‌ای در جمهوری آذربایجان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی - امنیتی یادشده، نشان‌دهنده برتری چشمگیر ترکیه نسبت به ایران است.

کلیدواژه‌ها: رقابت، قدرت منطقه‌ای، ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان، نظم منطقه‌ای.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (Aazami@um.ac.ir)

۲. کارمند آموزش و پرورش نیشابور.

۳. دانش‌آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (sorena_698842@yahoo.com)

سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای و امنیت غرب آسیا در دوران پسابرجام (ایران، عربستان، ترکیه و مصر)

محمد عبدالخانی^۱

چکیده

کشورهای غرب آسیا با توجه به شرایط داخلی و ساختار نظام بین‌الملل با یک ناامنی فراگیر و همه‌جانبه مواجه‌اند. این کشورها نمی‌توانند در بُعد امنیتی از تأثیر نظام بین‌الملل بر سمت‌گیری‌ها و سیاست‌های خارجی خود چشم‌پوشی کنند. به‌کارگیری استراتژی مناسب و مطلوب به‌منظور کاهش تنش‌ها از جمله ضرورت‌هایی است که اهمیت فراوانی برای اثرگذاری و تعامل سازنده و مؤثر با کشورهای منطقه دارد. با توجه به اینکه امنیت منطقه‌ای ناشی از همکاری‌های اقتصادی، فنی، تجاری و مراودات فرهنگی است، اشتراک‌های موجود بین کشورهای منطقه پشتوانه ارزشمندی برای رسیدن به همکاری و امنیت دسته‌جمعی در غرب آسیا به‌شمار می‌آید. به‌نظر می‌رسد با توجه به رویکرد دولت یازدهم در تعامل با جهان و بنیانگذاری اصل احترام متقابل و تکریم در توسعه روابط با کشورها و به‌علاوه توافق هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ به‌عنوان قدم اول در شکل‌گیری چشم‌انداز روشن در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در غرب آسیا، رهیافت «امنیت مبتنی بر همکاری» بهترین راهکار امنیت برای منطقه خلیج فارس باشد؛ زیرا امنیت مبتنی بر همکاری برای تسهیل پیوند بین طیف وسیعی از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قلمداد شده و درصدد ایجاد اعتماد بین دولت‌های منطقه از طریق بحث، مذاکره، همکاری و توافق است.

پژوهش پیش‌رو از نظر روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی و به‌لحاظ نحوه گردآوری داده‌های موردنیاز، کتابخانه‌ای و اسنادی است. با توجه به این‌که موضوع پژوهش، پدیده‌ای در جریان یا در حال وقوع را بررسی می‌کند، نتایج به‌دست‌آمده می‌تواند در جهت‌گیری‌های آینده، کاربردی واقع شود. بر این اساس با در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای و جهانی، رویکردها و مواضع سیاسی بازیگران منطقه‌ای در ارتباط با دو متغیر اساسی امنیت خلیج فارس و توافق هسته‌ای، بررسی و تجزیه و تحلیل شود. سرانجام در راستای یافته‌های به‌دست‌آمده، نتیجه‌گیری لازم از فرآیند پژوهش انجام خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: توافق هسته‌ای، خلیج فارس، امنیت، غرب آسیا، سیاست خارجی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (اندیشه‌های سیاسی) علامه طباطبائی تهران (mohamadabdolkhani@gmail.com)

نقش رژیم صهیونیستی در تحولات غرب آسیا و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای

سمیرا زرغامی^۱

چکیده

این پژوهش به بررسی چگونگی نقش رژیم صهیونیستی در تحولات غرب آسیا و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای می‌پردازد. اگرچه در سال‌های اولیه تأسیس رژیم صهیونیستی، کشورهای عربی غرب آسیا به رهبری مصر در صدد رویارویی با این رژیم بودند، کم‌کم و پس از دخالت‌های آمریکا در مسائل غرب آسیا شرایط برای پذیرش این رژیم از سوی کشورهای مختلف عربی پذیرفته شد؛ به عبارتی دیگر، وجود دولت غیرعربی و غیرمسلمان به‌ناگاه باعث شد تا نظم حاکم بر غرب آسیا از بین برود. این درحالی است که رژیم صهیونیستی همواره می‌خواست نظم مورد نظر خود در غرب آسیا را ایجاد کند. در قرن ۲۱ و درحالی‌که نزدیک به هفتاد سال از ایجاد رژیم صهیونیستی می‌گذرد، شمار کشورهای عربی‌ای که حاضر به ایجاد روابط دوستانه با آن هستند افزایش یافته است و این مسئله یک خطر بزرگ برای مقاومت فلسطینیان است. شاید به جرأت بتوان گفت که به‌جز ایران و سوریه در غرب آسیا بیشتر کشورها به برقراری روابط دوستانه با رژیم صهیونیستی تمایل دارند. این بدان معنی است که رژیم صهیونیستی از انزوای خود، که طی دهه‌های گذشته وجود داشته است، خارج شده است و قصد دارد تا متحدان جدیدی در غرب آسیا برای خود پیدا کند و بدین‌گونه مسئله فلسطین هم به فراموشی سپرده شود. به‌هرحال این یک بازی برد-برد برای رژیم صهیونیستی است که از یک‌سو در تلاش برای خروج از انزوای خود است و از سوی دیگر قصد دارد تا از تلاش فلسطینیان برای ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی جلوگیری کند. پس از آغاز جنگ آمریکا علیه عراق، جنگ لبنان، جنگ لیبی و گسترش داعش در عراق و همچنین جنگ یمن و فرآیند تغییر رژیم در مصر، مقامات رژیم صهیونیستی دیدگاهی جدید درباره‌ی طرح قدیم خود مطرح کردند تا بتوانند کشورهای تضعیف‌شده‌ی عرب را به قلمرو خود ضمیمه کنند که این مسئله، خطری بزرگ برای نظم غرب آسیاست. رژیم صهیونیستی هم‌اکنون قصدی برای جنگ با کشورهای عربی ندارد؛ اما شرایط به‌گونه‌ای پیش می‌رود که اوضاع به نفع این رژیم است.

کلیدواژه‌ها: نظم منطقه‌ای، غرب آسیا، رژیم صهیونیستی، فلسطین، کشورهای عربی.

سناریوهای پیش‌روی اتحادیه اروپا در غرب آسیا و جایگاه امنیتی ایران

دکتر حسین مفیدی احمدی^۱

چکیده

نظم منطقه‌ای پس‌برجام احتمالاً به میزان قابل توجهی با نظم پیش از آن متفاوت خواهد بود. مسئله‌ای که تا حدود زیادی ریشه در تغییر شرایط منطقه از جمله تضعیف فرآیند امنیتی کردن سیاست خارجی ایران، شفاف‌تر شدن این مسئله که مهم‌ترین بازیگران امنیت‌زدا و امنیت‌ساز در منطقه کدام بازیگران هستند و بازگشت ایران به میز مدیریت بحران‌های منطقه‌ای است. نکته دیگر آنکه برجام فرصتی برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت ایران خواهد بود. بدیهی است در چنین شرایطی تصمیم‌سازان کشور باید با حساسیت زیاد، فرصت‌هایی که شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی برای پیشبرد منافع ملی کشور و ارتقای جایگاه ایران در نظم منطقه‌ای و جهانی مهیا می‌سازد را مورد توجه قرار دهند. در این بین، استفاده از ظرفیت‌های اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگری مهم در عرصه نظام بین‌الملل برای پیشبرد اهداف بلندمدت راهبردی ایران مسئله‌ای مهم است.

از دیگرسو ناظران و تحلیل‌گران مسائل بین‌الملل هم‌عقیده‌اند که اتحادیه اروپا با توجه به چالش‌های متعددی که در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و مهاجرتی/ پناهجویی با آن روبه‌روست و اخیراً با پدیده خروج انگلستان از اتحادیه اروپا مواجه شده است، دوران گذار نهادی خود را طی می‌کند. در این چهارچوب است که بررسی سناریوهای پیش‌روی این اتحادیه و تأثیر آنها بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای این اتحادیه برای کشورهای چوون ایران مهم خواهد بود. در واقع، حداکثرسازی استفاده ایران از ظرفیت‌های تعامل با اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی، تنها در صورت استفاده از نگاهی آینده‌پژوهانه و بررسی شاخصه و پیش‌ران‌های متحقق‌کننده سناریوهای پیش‌روی اتحادیه اروپا و تأثیر آنها در رابطه ایران با این نهاد بین‌المللی مهم خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: برجام، اتحادیه اروپا، پس‌برجام، آینده‌پژوهی.

جایگاه منطقه غرب آسیا در سیاست خارجی و امنیتی آلمان

در دوره پس از جنگ سرد: مطالعه موردی مسئله فلسطین و بحران سوریه

دکتر علی آدمی^۱؛ و جبار خدادوست^۲

چکیده

با وحدت آلمان و فروپاشی نظام دوقطبی، سیاست خارجی و امنیتی این کشور نیز دچار تغییر و تحول گسترده‌ای شد. آلمانی که در دوران جنگ سرد زیر چتر حمایتی آمریکا قرار داشت و تمامی برنامه‌هایش متأثر از فضای دوقطبی بود، با پایان جنگ سرد و رهایی از زیر بار تهدید شوروی، کاهش وابستگی به آمریکا، قدرت اقتصادی، جمعیت و موقعیت ژئوپلیتیکی‌اش شرایط و موقعیت کاملاً جدیدی نیز برای ایفای نقش فعال‌تری در عرصه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله منطقه حساس غرب آسیا پیدا کرد. از طرفی دیگر، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا و وجود منابع عظیم انرژی و همچنین ایجاد مسائل و بحران‌های متعدد و پی‌درپی در این منطقه نیز باعث شده است اهمیت و حساسیت این منطقه بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و به‌ویژه بعد از بحران ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی حتی افزایش بیشتری نسبت به دوره جنگ سرد پیدا کند.

فرضیه مقاله این است که با توجه به اهمیت و جایگاه خاص غرب آسیا در سیاست خارجی و امنیتی آلمان، این کشور در حل مسئله فلسطین و بحران سوریه تاکنون بیشتر بر همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی برای رسیدن به تفاهم و برقراری صلح، ثبات و امنیت تأکید داشته است. این پژوهش قصد دارد با استفاده از روش تحقیق تبیینی - تحلیلی و گردآوری منابع به روش کتابخانه‌ای، جایگاه منطقه غرب آسیا در سیاست خارجی و امنیتی آلمان در دوره پس از جنگ سرد و تبیین نقش این کشور در تحولات این منطقه مهم و تأثیرگذار در معادلات جهانی را بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: آلمان، سیاست خارجی و امنیتی، دوره پس از جنگ سرد، غرب آسیا، اتحادیه اروپا.

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده مسئول (Aliadami2002@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (khodadoost@ut.ac.ir)

اهداف راهبردی آمریکا برای مدیریت افراط‌گرایی مذهبی در چالش‌های منطقه غرب آسیا

منصور میرزایی^۱

چکیده

دولت ایالات متحده در منطقه غرب آسیا با توجه به موقعیت استراتژیک آن، همواره منافع و اهداف راهبردی کلانی داشته است و در طول دهه‌های گذشته برای تحقق و تأمین این اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های خاصی را طراحی و اجرا کرده است. اجرای این سیاست‌ها که به شکل‌های سخت، نرم و مستقیم و غیرمستقیم به‌منصه ظهور رسیده، منطقه غرب آسیا را دست‌خوش حوادث و طوفان‌های سهمگین، چالش‌ها و منازعات متعددی کرده است که در برخی از منازعات، آمریکایی‌ها با دخالت مستقیم، حوادث و تبعات سخت و سنگینی را بر کشورها و ملت‌های منطقه تحمیل کرده‌اند. دولت آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی در دهه‌های اخیر همواره با طراحی، تشکیل و مدیریت افراط‌گرایی مذهبی از نوع گروه‌های تکفیری تروریستی در کشورهای اسلامی، به‌ویژه منطقه غرب آسیا، به‌دنبال دستیابی به اهداف استراتژیک خود بوده است؛ بنابراین در چند دهه گذشته، سازمان تروریستی القاعده را تشکیل داده است که در شکست و بیرون راندن ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق از افغانستان به‌عنوان رقیب راهبردی آمریکا نقش بارز و بی‌بدیلی را ایفا کرده است. در این مقاله سعی شده است به پرسش اصلی آن مبنی بر اهداف راهبردی آمریکا برای مدیریت افراط‌گرایی مذهبی در چالش‌های منطقه غرب آسیا پاسخ داده شود.

در این پژوهش از روش تحلیلی - توصیفی مبتنی بر روش مطالعه‌ای و اسنادی استفاده شده است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز از طریق فیش‌برداری است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که تأمین و تضمین منافع و حیات رژیم صهیونیستی، مقابله و مهار اسلام سیاسی با محوریت ایران از جمله اهداف راهبردی کلان دولت ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیاست و ضرورت مدیریت گروه‌های تکفیری تروریستی در منطقه غرب آسیا، برای تحقق این اهداف بسیار مهم است.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، اهداف راهبردی آمریکا، افراط‌گرایی مذهبی، چالش‌های منطقه غرب آسیا.

بررسی سیاست امنیتی آلمان در غرب آسیا با تأکید بر سند امنیتی و چشم‌انداز دفاعی آلمان (Weissbuch 2016)

محسن فرخانی^۱

چکیده

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و طرح کلیدواژه نظم نوین جهانی توسط رئیس جمهوری وقت آمریکا، جرج بوش پسر، جهان شاهد شدیدتر شدن تحرکات کشورهای غربی در مسیر عملی کردن نظم نوین مورد نظر ایالات متحده آمریکا بوده است. در روند انتقالات قدرت در سطح جهان، حضور کشورهای درحال توسعه‌ای همچون چین، هند و برزیل در زمره قدرت‌های نوظهور، تغییر هژمونی غرب آسیا و سنگینی کفه ترازو به سمت ایران، شکست‌های پی‌درپی نظامی آمریکا و متحدان آن در رسیدن به هدف تغییر نظم موجود توسط روش‌های نظامی، نظام تک‌قطبی آمریکا در جهان را درحال فروپاشی قرار داده است.

حال، پس از زوال قطبیت آمریکا، چهارمین قدرت اقتصادی جهان و اولین در اروپا، یعنی آلمان، برای حفظ جایگاه ژئوپولیتیک و اقتصادی خود در جهان به دادخواهی برخاسته است. در شرایط کنونی، آلمان تنها راه حفظ و اعتلای جایگاه خود را، خروج از سایه و ایفای نقش‌های گوناگون در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در چهارچوب منافع ناتو، پیمان اقتصادی فراتلانتیک و شرکای نزدیک و در صدر آنان، ایالات متحده آمریکا می‌داند.

در شرایط کنونی به دلیل جهانی‌سازی، وجود رقابت بین کشورهای جهان در ایجاد بیشترین نفوذ در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و تحول در نظم ژئوپولیتیک، آلمان به‌علت بهره‌مندی از اقتصادی شکوفا، خود را در بهترین موقعیت برای کسب جایگاهی شایسته در روند جهانی‌سازی یافته است.

باتوجه به اهمیت ژئوپولیتیک و امنیتی انرژی غرب آسیا، وجود رژیم صهیونیستی، اقتدار هژمونیک جمهوری اسلامی ایران، توانایی این منطقه در تأثیرگذاری در امنیت و تصمیمات بین‌المللی و اعلام علنی جمهوری فدرال آلمان به حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی، حضور آلمان در عرصه‌های مختلف در این منطقه، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: آلمان، ایران، غرب آسیا، روندهای جهانی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات جهان گرایش مطالعات کشورهای آلمانی‌زبان دانشگاه تهران (mohsen.farkhani@ut.ac.ir)

تقابل سیاست‌های روسیه و آمریکا در سوریه و منافع جمهوری اسلامی ایران

دکتر میرابراهیم صدیق^۱؛ و محسن صبری

چکیده

روسیه و ایالات متحده از شروع بحران در سوریه و جنگ داخلی در این کشور سیاست‌ها و راهبردهای خاص خود را دنبال کرده‌اند که در تقابل با یکدیگر بوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل منافع استراتژیک، ژئوپلیتیک، امنیتی و همچنین در چهارچوب زنده نگهداشتن خط مقدم جبهه مقاومت، در سوریه حضور مستقیم داشته است. بدین صورت بحران سوریه عرصه بازی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد و پرداختن به موضوعی در این باره با عنایت به تمامی گزاره‌ها قابل تحلیل و بررسی است؛ بنابراین دخالت روسیه، آمریکا، ایران و سایر بازیگران تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و همچنین متأثر از معادلات بین‌المللی است که اهداف گسترده‌ای را به دنبال داشته است. این مقاله در یک پژوهش چندمتغیره در پی دستیابی به اثرگذاری تقابلات روسیه و آمریکا در بحران سوریه بر منافع جمهوری اسلامی ایران است. در واقع سیاست‌های این دو قدرت بزرگ در این بحران از یکسو تهدیدهای منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در پی داشته است و از سوی دیگر این تقابلات برخی مزیت‌های منافع و امنیت ملی را برای ج.ا. ایران به وجود آورده است. بر این اساس پرسش اصلی مقاله پیش‌رو عبارت است از: سیاست‌های تقابل‌گرایانه روسیه و آمریکا در سوریه چه تأثیری بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است.

پاسخ موقت به پرسش فوق این است که سیاست‌های تقابل‌گرایانه روسیه و آمریکا در ابعاد سیاسی، امنیتی، راهبردی و مبارزه با تروریسم در سوریه موجب افزایش نقش ج.ا. ایران در منطقه و روند تحولات شده که در نهایت سبب افزایش منافع راهبردی و سیاست‌های مقاومت شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های روسیه، سیاست‌های آمریکا، منافع ج.ا. ایران، تحولات سوریه

سیاست امنیتی فرانسه در غرب آسیا: جست‌وجوی منافع ملی در پرتو همکاری‌های شکننده

طاهره مقری موزن^۱

چکیده

خوانش فرانسه از امنیت در سال‌های اخیر، متأثر از درک گیدنز از جهانی‌سازی بوده و چتر سیاست خارجی و امنیتی این کشور را در مناطقی، مانند غرب آسیا گسترش داده است. هدف این پژوهش، شناسایی چهارچوب سیاست خارجی فرانسه در غرب آسیا بوده و به این پرسش پاسخ داده است که آیا فرانسه در این منطقه رهیافت‌هایی در چهارچوب رهبری اتحادیه اروپا را دنبال می‌کند، یا منافع و سیاست‌های ملی خود را در اولویت قرار داده است. طبق فرضیه پژوهش، فرانسه در غرب آسیا با بهره‌گیری از رویکردی تلفیقی، هم از فرصت‌هایی استفاده می‌کند که چهارچوب رهبری اتحادیه اروپا برای این کشور فراهم می‌آورد و هم سیاست‌هایی با محوریت تأمین منافع ملی خود را پیش می‌برد. روش پژوهش تحلیلی از نوع کیفی و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی در قالب همگرایی نوکارکردگرایانه است. از خلال بررسی اسناد امنیت ملی، اظهارات مقامات سیاسی فرانسه و کنش این کشور در منطقه، اهداف و راهبرد جدید امنیتی فرانسه در غرب آسیا تبیین شده است. اگرچه فرانسه در سال ۲۰۰۳ با مداخله در عراق مخالف بوده است، در سال ۲۰۰۸، با بازتعریف سند دفاعی و امنیت ملی خود در چهارچوبی جهانی و تصمیم‌گیری‌هایی مانند مداخله در لیبی، گردش در سیاست خارجی خود ایجاد کرده است. این کشور با معرفی برخی سیاست‌ها، مانند سیاست عدم اشاعه، جنگ مشروع علیه تروریسم، و حمایت از حقوق بشر به‌عنوان ارزش‌های سیاست خارجی خود، به حضورش در غرب آسیا مشروعیت بخشیده است. فرانسه در روندی تدریجی توانسته است سیاست خارجی خود را از فرصت‌طلبی و یک‌جانبه‌گرایی غیراصولی در دوران ریاست‌جمهوری سارکوزی، به نخستین گام‌ها در مسیر چندجانبه‌گرایی و حرکت در چهارچوب رهبری اروپا در دوران ریاست‌جمهوری اولاند نزدیک سازد. بخش پایانی مقاله با درنظر گرفتن یافته‌های پژوهش، آثار و پیامدهای رویکرد سیاست خارجی و امنیتی فرانسه در غرب آسیا برای ایران را مورد توجه قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: فرانسه، غرب آسیا، اتحادیه اروپا، نوکارکردگرایی، سیاست خارجی.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه ابرار معاصر تهران، (mogh124@gmail.com)

رویکرد امنیتی روسیه در اندیشه نواوراسیاگرایی

بهناز اسدی کیا^۱

چکیده

با پایان جنگ سرد و تغییر ساختار نظام دوقطبی، عرصه عمل برای قدرت‌های درجه دو، به‌ویژه در مناطق مهم ژئوپلیتیکی جهان از جمله در غرب آسیا فراخ شد. وقوع تحولات سیاسی پی‌درپی در این منطقه و تغییر ساختار سیاسی کشورها، منافع قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را با چالشی جدی مواجه ساخت که سبب حضور و دخالت مستقیم و نظامی آنان در این حوزه شد. از طرفی، این واقعیت قابل تأمل است که امنیت، مؤلفه‌ای است که بازیگران سیاسی نمی‌توانند به‌طور انفرادی قواعد آن را تعیین و در عرصه آن بازی کنند. در ساختار دوقطبی، قواعد بازی‌های امنیتی توسط دو ابرقدرت تعیین می‌شد؛ درحالی‌که در ساختار چندقطبی فعلی، بازیگران مهم منطقه نیز می‌توانند نقش‌های تأثیرگذاری در تعریف نظم امنیتی برای خود در نظر بگیرند. بازی‌های چندجانبه با تأثیر و تأثر بر کنشگری واحدهای سیاسی در جریان است؛ کنشگرانی که هریک در پی بیشینه‌سازی منافع ملی خود وارد گروه‌بندی‌ها و سازوکارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌شوند. از این‌رو برای بازی درست در صحنه امنیتی منطقه لازم است چهارچوب فکری و مبانی نظری و دیدگاه‌های امنیتی روسیه به‌عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه به‌درستی تبیین و درک شود؛ به‌عبارتی هیچ‌یک از کشورهای منطقه بدون در نظر گرفتن اهداف امنیتی روسیه نمی‌توانند در صحنه منطقه‌ای انفرادی بازی کنند.

این نوشتار با تمرکز بر روسیه، و بررسی رویکرد امنیتی این کشور تلاش می‌کند به دورنمایی از چهارچوب امنیتی آینده منطقه دست یابد. باتوجه به تقویت و جولان اندیشه نواوراسیاگرایی در صحنه عمل و نظر، به‌ویژه در دوره پوتین، واکاوی زوایای این اندیشه در ترسیم بازیگری روسیه مهم است. تفکر نواوراسیایی با تأکید بر چندقطبی‌گرایی، ضدیت با غرب، تأکید بر گستره اوراسیایی امپراتوری روسیه، و ملی‌گرایی ژئوپلیتیکی مبناي نظری این بررسی خواهد بود. شناخت رویکرد امنیتی روسیه و مبانی نظری آن، تعیین حدود امنیت در تفکر نواوراسیاگرایی، تعریف روسیه از امنیت در خارج نزدیک و محیط پیرامونی، هدف اصلی در این مطالعه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: امنیت، روسیه، اوراسیاگرایی، ژئوپلیتیک.

هند و نظم منطقه‌ای غرب آسیا

محمدتقی امراللهی^۱

چکیده

هند در نیمه اول قرن بیست و یکم در حال تبدیل شدن به یک قدرت جهانی غیرقابل انکار است. تمایل این کشور برای گسترش نقش آفرینی‌های بین‌المللی آن، پافشاری برای دست یافتن به کرسی دائم شورای امنیت سازمان ملل، ترسیم منافع فرامنطقه‌ای در گستره راهبردهای کلان، توجه به برقراری روابط مبتنی بر صلح و دوستی پایدار با کشورهای منطقه، علی‌رغم اختلاف‌نظرها، پیمان‌های استراتژیک با کشورهای قدرتمند جهان و رقابت برای به‌دست آوردن بازارهای جدید اقتصادی، همه و همه تمایلات هند را در جهت تغییرات پیوسته، اما آهسته برای نقش‌آفرینی فعال و پایدار این کشور در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد. از سوی دیگر منطقه غرب آسیا در مرکز تحولات سریع و ناگهانی جهانی قرار گرفته است که دلیلی بر تکان‌های شدید دوران گذار در عرصه روابط بین‌الملل در دوران حاضر است. چنانچه به مقوله‌های جدید روابط بین‌الملل نظر بیفکنیم از مسائل محیط‌زیستی و امنیت انرژی گرفته تا تروریسم، افراط‌گرایی و حقوق بشر، این منطقه بیش از هر نقطه‌ای در جهان در میانه کنش‌ها و واکنش‌ها قرار دارد و حتی برخی آن را موش آزمایشگاهی جهان می‌دانند. اهمیت منطقه غرب آسیا در چهارچوب راهبرد کلان سه دایره هم‌مرکز هند و در دومین آنها تعریف می‌شود. مقصود از سه دایره هم‌مرکز به ترتیب منطقه شبه‌قاره هند، سپس آسیا و به‌طور ویژه، آسیای جنوب شرقی و آسیای غربی و شمال آفریقا و در نهایت حوزه‌های اروپا و آمریکاست.

مسیری که در تعریف خواسته‌های این قدرت آرزومند از اقیانوس هند آغاز شده است، بی‌تردید به سمت غرب کشیده خواهد شد تا فرصت کافی را برای نقش‌های جدید بین‌المللی هند در منطقه راهبردی غرب آسیا مهیا سازد و در این مسیر هند بیش از شناسایی دشمن به‌دنبال یافتن متحدان استراتژیکی برای خود است تا در روندی مسالمت‌آمیز جایگاه خود را در میان دولت‌ها و ملت‌های منطقه به‌عنوان یک کشور قابل اعتنا و اجتناب‌ناپذیر تثبیت کند.

کلیدواژه‌ها: نظم منطقه‌ای، هند، غرب آسیا، قدرت جهانی.

دکترین قدرت نرم در امنیت رژیم صهیونیستی برای مهار ایران با توجه به نقش کشورهای همسایه ایران

میلاد ربانی^۱

چکیده

دستیابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای و افزایش قدرت روزافزون این کشور به معمایی برای دیگر کشورهای غرب آسیا تبدیل شده است. برخورد رژیم صهیونیستی با این مسئله، چیزی است که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود. برخی گفته‌اند که قدرت، توانایی تأثیرگذاری بر دیگران به‌منظور دستیابی به اهداف و نتایج دلخواه است و قدرت نرم، توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای رسیدن به نتایج و اهداف از طریق جذابیت به جای زور و اجبار است. ازجمله اهداف استراتژیک رژیم صهیونیستی، مهار جمهوری اسلامی ایران است. رژیم صهیونیستی در گذشته امنیت خود را در منابع سخت قدرت و به‌خصوص نوع نظامی آن جست‌وجو می‌کرد؛ اما امروز، یکی از راه‌کارهای رژیم صهیونیستی برای مقابله با گسترش نفوذ ایران در منطقه، افزایش منابع قدرت نرم این رژیم ازجمله همکاری و نزدیک شدن به کشورهای عرب منطقه، به‌خصوص عربستان سعودی، است که هم به‌لحاظ جغرافیایی به ایران نزدیک است و هم تضاد ایدئولوژیکی عمیقی با ایران دارد. جنگ دو کشور به‌عنوان نماد دو مذهب در جهان اسلام است که البته عربستان در متحد کردن جهان اسلام علیه ایران چندان توفیق ندارد؛ اما این دو عامل امنیت و بقای این رژیم در حال رنگ باختن است و این رژیم نیز این امر را به‌خوبی فهمیده است؛ بنابراین با نزدیکی به کشورهای همسایه ایران سعی در افزایش مؤلفه‌های قدرت نرم خود در منطقه خواهند داشت. دو امری که در این نوشتار بسیار تأکید شده است، روی آوردن رژیم صهیونیستی به مؤلفه‌های قدرت نرم در کنار مؤلفه‌های قدرت سخت و با تأکید بیشتر بر مؤلفه‌های قدرت نرم برای مهار ایران و نزدیک شدن این رژیم به کشورهای منطقه، به‌خصوص عربستان، برای فشار بر ایران است.

کلیدواژه‌ها: ایران و تکنولوژی هسته‌ای، قدرت نرم، جامعه بین‌الملل، مهار هسته‌ای، تقابل ایران و رژیم صهیونیستی، تضاد ایدئولوژی، ایران و عربستان، قدرت نرم رژیم صهیونیستی.

۱. کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی گرایش صلح و امنیت (Miladrabbani@gmail.com)

بررسی قدرت ساختار و کارگزار در سیاست خارجی ترکیه و اثرات آن بر نظم امنیتی غرب آسیا بعد از سال ۲۰۱۰

مهدی وحیدی^۱

چکیده

جهانی شدن به عنوان پروسه‌ای از تحولات و دگرگونی‌های خرد و کلان، سطح تحلیل اثرگذاران و متأثران وقایع بین‌المللی را در شکل‌دهی به نظم‌های امنیتی مناطق ژئواستراتژیکی‌ای همچون غرب آسیا تحت تأثیر خود قرار داده است. تبیین سازه قدرت ساختار و کارگزار در سیاست خارجی ترکیه به عنوان کلیدی تحلیلی از نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در حوزه روابط بین‌الملل در دستور کار این تحقیق بوده است. حدود تئوریک ساخت قدرت در رابطه ساختار - کارگزار در مدل سیاست خارجی ترکیه با بررسی سه وجهی گفتمان‌های نئورئالیستی، نئولیبرالیستی و سازه‌انگاری و ترکیب این گفتمان‌ها در مدل پیش‌نظریه جیمز روزنا صورت گرفته است. به دنبال بررسی هستی‌شناسانه پارادایم قدرت، کنش‌هایی با مبانی مادی، معنایی، فردی، اجتماعی و تاریخی در حوزه ساخت قدرت ساختار و کارگزار در سیاست خارجی ترکیه مدنظر قرار گرفته است.

در این مقاله به منظور تبیین تئوریک ساخت قدرت کارگزاران و ساختارهای سیاست خارجی ترکیه از مدل پیش‌نظریه جیمز روزنا استفاده شده است. بر اساس طرح پیش‌نظریه روزنا چهار عامل و متغیر مستقل مؤثر در سیاست خارجی ترکیه در قالب ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و پنج سطح تحلیل فرد، نقش، حکومت، جامعه، نظام بین‌الملل در تبیین رفتارهای مؤثر ترکیه بر نظم امنیتی منطقه غرب آسیا مشابه‌سازی می‌شوند. این الگوی تلفیقی رابطه تعاملی بین محورهای سیاست خارجی و داخلی، نفوذ قدرت‌های بزرگ (آمریکا، اتحادیه اروپا) بر رفتارهای ترکیه و تأثیر تحولات داخلی ترکیه (کودتای نافرجام اخیر) در شکل‌گیری سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه را مدنظر قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، نظم امنیتی، غرب آسیا، ایران.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل (commentator1980@gmail.com)

حساسیت‌زدایی اجتماعی، سومین مرحله از فرآیند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی

محمد محسن فایضی^۱

چکیده

با گذشت شش دهه از اشغال سرزمین‌های فلسطینی و پذیرش رژیم جعلی صهیونیستی در مجامع بین‌المللی، روابط اعراب و رژیم صهیونیستی روند بسیار پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. پس از پایان جنگ‌های چهارگانه میان اعراب و رژیم صهیونیستی، فرآیند عادی‌سازی اعراب و رژیم صهیونیستی همواره مورد توجه رسانه‌ها و نخبگان منطقه غرب آسیا بوده است. آنچه در این نوشتار بررسی خواهد شد، نشان دادن یک فرآیند سه مرحله‌ای برای دستیابی به عادی‌سازی و رساندن روابط میان کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی به سطح راهبردی از سال ۲۰۰۰ به این سوست. فرآیند عادی‌سازی اعراب و رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده نظم منطقه‌ای در دهه پیش‌روست.

فرآیند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و اعراب را می‌توان در قالب سه مرحله ساده‌سازی کرد. مرحله نخست، پذیرش و ایجاد روابط امنیتی و سیاسی پنهان، مرحله دوم پذیرش عادی‌سازی روابط در فضای نخبگان و تبیین لزوم آن برای جامعه و در مرحله سوم که مهم‌ترین بخش فرآیند عادی‌سازی است، حساسیت‌زدایی اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: رژیم صهیونیستی، فلسطین، کشورهای عربی، صلح، حساسیت‌زدایی اجتماعی، عادی‌سازی روابط، ایران، محور مقاومت.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای غرب آسیا و شمال آفریقا دانشگاه علامه طباطبائی (Mohsenfaezi313@gmail.com)

تبیین آینده سیاست آمریکا در غرب آسیا

سحر کریمی^۱؛ و اژدر پیری سارمانلو^۲

چکیده

غرب آسیا در طول دهه‌های گذشته در ابعاد مختلف از مهم‌ترین مناطق در عرصه بین‌الملل بوده است. این اهمیت باعث حضور و نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در این منطقه شده و بعد از خروج انگلستان از غرب آسیا، ایالات متحده آمریکا اصلی‌ترین قدرت بزرگ حاضر در منطقه بوده است.

در شرایط کنونی نیز به‌رغم مطرح‌شدن اطلاعات و تحلیل‌های مختلف در مورد نوع نقش‌آفرینی آمریکا در آینده منطقه از جمله با برجسته‌شدن تمرکز بیشتر واشنگتن بر شرق آسیا در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما هنوز هم آمریکا به‌عنوان قدرت بزرگ اصلی در غرب آسیا محسوب می‌شود. آشکار است در شرایط کنونی، بررسی آینده سیاست آمریکا در غرب آسیا از دیدگاه‌های مختلف مهم است. نخستین مؤلفه این است که آمریکا اصلی‌ترین قدرت بین‌المللی است که در منطقه غرب آسیا حضور و تأثیرگذاری دارد. مسئله مهم دیگر دگرگونی‌هایی است که در قدرت و راهبردهای بین‌المللی آمریکا وجود دارد و نیز ابهام‌هایی که درباره نظام بین‌الملل مطرح است.

این نوشتار سعی دارد با بررسی جایگاه غرب آسیا راهبردهای آینده آمریکا، رفتارها و اولویت‌های آمریکا در غرب آسیا را شناسایی کند. در قسمت‌های بعدی نیز اهداف و منافع کلان آمریکا در منطقه و برداشت آمریکایی‌ها از موازنه قدرت در منطقه و روابط میان بازیگران منطقه‌ای تبیین می‌شود. براساس تحقیقات انجام‌شده، اهداف و منافع راهبردی ایالات متحده در دو دهه گذشته تغییرات چندانی نداشته و به‌نظر نمی‌رسد که طی سال‌های آینده نیز دست‌خوش دگرگونی‌های خاصی شود؛ باوجود این، توانمندی این کشور برای تحقق و عینیت بخشیدن به این اهداف، بسته به شرایط محیطی، همواره متفاوت بوده است. در این میان آنچه برای واشنگتن ضرورت دارد، ایجاد نوعی توازن قوا به نفع ایالات متحده و هم‌پیمانان سنتی آن در منطقه و جلوگیری از شکل‌گیری بازیگران متعارض نوظهور و تقویت اردوگاه مخالفان حضور این کشور در غرب آسیاست.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، غرب آسیا، بازیگران منطقه‌ای.

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، مدیر مسئول نشریه علمی - تخصصی پژوهش ملل (Sahar.karimi25@yahoo.com)

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، سردبیر نشریه علمی - تخصصی پژوهش ملل (piri.azhdar@gmail.com)

واکاوی روندشناسانه رویکردهای مختلف به مسئله فلسطین در پرتو تحولات زیرسیستم‌های امنیتی در منطقه غرب آسیا پس از بیداری اسلامی از ۲۰۱۱ تاکنون

علی صمدزاده^۱ و محمودرضا صنم‌زاده^۲

چکیده

مطالعه ابعاد مختلف سیاسی - امنیتی منطقه غرب آسیا بدون توجه و در نظر آوردن سه ابرمسئله نفت، اسلام سیاسی و مسئله فلسطین، که به‌نوعی تمامی مسائل این منطقه را به‌شکلی مستقیم و یا با واسطه تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، چندان ممکن و شدنی به‌نظر نمی‌رسد. یکی از موارد مزبور مسئله فلسطین است که همواره سیستم امنیت منطقه و بسیاری از تحولات و رویدادها ناگزیر از توجه و تأثیرپذیری متقابل در ارتباط با آن بوده است. ازسوی دیگر و در پس تحولات گسترده و عمیقی که از سال ۲۰۱۱ در منطقه غرب آسیا به‌وقوع پیوست، که در پررنگ‌ترین و برجسته‌ترین قرائت از آن به بیداری اسلامی تعبیر شده است، شاهد تغییرات قابل توجهی در هندسه قدرت و زیرسیستم‌های امنیت منطقه‌ای بوده و هستیم. این مهم خود محمل و مبدایی برای طرح پرسش‌ها و پژوهش‌های پرشماری در این مورد شد. با این‌همه، پرسش اصلی مقاله حاضر نیز این است که تحولات مربوط به بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا از سال ۲۰۱۱ تاکنون چه تغییراتی را در زیرسیستم‌های امنیت منطقه ایجاد کرده است.

در پاسخ به پرسش فوق، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با کاربست نظریه سیستم‌ها نسبت به منطقه غرب آسیا تلاش شده است تا نشان داده شود که تحولات ناشی از بیداری اسلامی زیرسیستم‌های امنیت منطقه غرب آسیا را با دگرگونی‌های درخور تأملی روبه‌رو ساخته که در ورای آن سه بلوک مختلف قدرت با تلقی‌ها و مواضع متفاوتی درباره مسئله فلسطین و در مواجهه با رژیم صهیونیستی تشکیل شده است. از یافته‌های این مقاله می‌توان به بازشناسی سه بلوک قدرت اخوانی، بلوک سلفی، و بلوک مقاومت در منطقه غرب آسیا پس از تحولات بیداری اسلامی حول مسئله فلسطین اشاره کرد که هر یک اتخاذ رویکرد و رفتاری خاص و البته متفاوتی در قبال مسئله فلسطین و ارتباط با رژیم صهیونیستی را باور دارند.

کلیدواژه‌ها: مسئله فلسطین، رژیم صهیونیستی، منطقه غرب آسیا، زیرسیستم‌های امنیت منطقه‌ای،

بلوک‌های نوظهور قدرت، بیداری اسلامی

۱. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای غرب آسیا دانشگاه علامه طباطبایی

۲. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

اثرگذاری بحران‌های داخلی عربستان سعودی بر تغییرات در سیاست منطقه‌ای و خارجی این کشور

داریوش درویشی^۱

چکیده

عربستان سعودی جدی‌ترین رقیب منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید که در بیشتر تحولات منطقه غرب آسیا آثار این رقابت مشهود است. این بازیگر منطقه‌ای در سال‌های اخیر به دلایلی از رفتار محافظه‌کارانه در سیاست خارجی‌اش سرپیچی کرده و رویکردی جدید و فعال در پیش گرفته است. تغییر رفتار این کشور در رویارویی با تحولات منطقه و جهان و در سایه توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۱+۵، نوعی رقابت آشکار و رودررو با جمهوری اسلامی ایران را به تصویر کشید که در نهایت سبب قطع ارتباط دیپلماتیک دو کشور شد.

در این پژوهش ابتدا براساس تئوری‌های بحران و مدیریت بحران به وضعیت روبه رشد بحران‌های داخلی عربستان سعودی (با محوریت چهار بحران مشروعیت، هویت، کارآمدی و جانشینی) در طول سالیان حکومت سوم آل سعود پرداخته شده است و نحوه مواجهه آل سعود با این بحران‌ها، بی‌توجهی به رشد و گسترش آنها در جامعه و در نهایت نهادینه‌شدن آنها در اثر تحول و توسعه جهانی در قرن ۲۱ بررسی و تحلیل شده است. هرچند عربستان سعودی در سال‌های اخیر سعی کرده است با سرکوب گسترده (در داخل) و صرف سرمایه‌های کلان (در خارج کشور) این بحران‌ها را مدیریت و کنترل کند، ولی سیاست‌های غلط در برخورد با آنها و بی‌توجهی به عوامل ریشه‌ای و همچنین تلاش برای حفظ ساختار سیاسی سنتی سبب تعمیق بحران‌های داخلی شده است که همین موضوع این بازیگر منطقه‌ای را مجبور به تغییر در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی‌اش کرده است.

کلیدواژه‌ها: عربستان سعودی، سیاست خارجی، غرب آسیا، بحران‌های داخلی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) (Da.darvishi@gmail.com)

فروپاشی و نظم‌یابی منطقه‌ای در روند راهبرد تهاجمی عربستان سعودی

کامران کرمی^۱

چکیده

خیزش‌های جهان عرب موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ که به گفته بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران، نقطه عطفی در هویت‌خواهی جدید، فروپاشی نظم پیشین و نظم‌یابی جدید در منطقه غرب آسیا بوده است، ظرفیت تغییر مرزها، فعال کردن شکاف‌های قومی - مذهبی و دگرگونی ماهیت ائتلاف‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای را داشته و دارد. در چنین وضعیتی ترسیم نظم جدید که بتواند ماهیت نیروهای درگیر و اصول موازنه را روشن سازد، حتی برای خود سعودی‌ها امری دشوار شده است. در این میان، مقامات آل سعود - که از زمان روی کار آمدن ملک سلمان و تیم سیاسی، امنیتی جدید، نوعی سیاست خارجی تهاجمی و پرخاشگرایانه را در دستور کار قرار داده‌اند - به دنبال نقشه راهی هستند که بتواند روند معادلات را به سمت مدیریت آشوب، به‌ویژه در سطح شبه جزیره عربی از یک سو و به شکست کشاندن نفوذ ایران در جهان عرب از سوی دیگر هدایت کنند.

این نقشه راه بر چند متغیر اصلی استوار است: ۱. شکل‌دهی به ائتلاف اسلامی - عربی با محوریت ترکیه و حفظ مصر بر مدار سعودی؛ ۲. تلطیف روابط با رژیم صهیونیستی به‌ویژه همکاری‌های امنیتی - اطلاعاتی؛ ۳. بازسازی روابط با آمریکا و متنوع کردن شرکای راهبردی بین‌المللی؛ ۴. فعال کردن ظرفیت‌ها و قدرت چانه‌زنی از مجرای سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ۵. یارگیری از نیروهای نیابتی و فعال کردن آن در مرزهای ایران. در واقع موفقیت یا شکست این پروژه تا حد زیادی منوط به بحران سوریه از حیث گذار به سازوکارهای اثربخش و یا فرآیندهای بحرانی است و به‌عبارت بهتر، بحران سوریه تکلیف صحنه پرآشوب غرب آسیا را بر نقش و جایگاه بازیگران منطقه‌ای که خود بر فروپاشی نظم کنونی و نظم‌یابی جدید نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، روشن خواهد ساخت.

واژگان کلیدی: نظم منطقه‌ای، الگوی کنش، سوریه، ایران، عربستان سعودی.

۱. پژوهشگر مطالعات خلیج فارس (kamrank63@gmail.com)

تعامل چهار قدرت منطقه با محوریت عربستان سعودی و شکل‌گیری نظم منطقه بر مبنای این تعامل

رضا نجابت^۱

چکیده

منطقه غرب آسیا به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین مناطق جهان، چشم‌های بسیاری در عرصه روابط بین‌الملل را به خود دوخته است. این منطقه ضمن اینکه از حیث ژئوپلیتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، از گذشته تا زمان حال نقشی کلیدی‌ای در تحولات بین‌المللی بازی می‌کرده و منابع انرژی نیز این ایفای نقش را پررنگ‌تر کرده‌اند. نظم منطقه‌ای در غرب آسیا در طول قرون و سالیان گذشته، از قدرت‌های بزرگ در این منطقه تأثیر گرفته که در طول تاریخ متفاوت بوده است. در هر دوره زمانی، قدرت‌های گوناگونی بوده‌اند که نظم منطقه‌ای را رقم زده‌اند.

عربستان سعودی، ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی چهار بازیگر کنونی منطقه هستند که بی‌شک منطقه بر مدار قدرت آنها می‌گردد. هرکدام از این کشورها در سطحی به ایفای نقش در تحولات منطقه پرداخته و مدیریت‌کننده فعل و انفعالات منطقه هستند. هرچند قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز با واسطه و یا بی‌واسطه در نظم کنونی منطقه مؤثر هستند، اما بدیهی است که تحولات جدی، متأثر از نقش جدی این چهار قدرت است. ترکیه با مختصات خاص خود و به‌عنوان کشوری با زبان و ادبیات متفاوت با عموم کشورهای دیگر منطقه و با رویکرد توسعه‌طلبی منطقه‌ای به‌عنوان کشوری لائیک اکنون توانسته با تمسک به اسلام سکولار در میان کشورهای منطقه نفوذ کند و با اقتصاد نسبتاً پویا و فعالیت‌های نظامی گسترده، نقش خود را در تحولات منطقه ایفا کند.

این چهار کشور، اثرگذاران اصلی بر تحولات منطقه و تعیین‌کننده نظم کنونی منطقه هستند بدیهی است که اثرگذاران و بازیگران دولتی و غیردولتی دیگری چون سازمان ملل متحد و یا کشورهای دیگری چون قطر و یا مصر نیز بر نظم منطقه‌ای اثرگذار هستند؛ اما این تأثیر در حدی نیست که این بازیگران را در زمره تعیین‌کننده نظم منطقه‌ای دانست. این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و در راستای تبیین تعاملات این چهار قدرت منطقه‌ای با محوریت عربستان سعودی و شکل‌گیری نظم کنونی منطقه بر این مبناست.

کلیدواژه‌ها: ایران، عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش غرب آسیا و شمال آفریقا دانشگاه تهران

بررسی علل افزایش هزینه نظامی عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا

حمید جهان‌آرا^۱

چکیده

در این پژوهش تلاش می‌شود با استفاده از مکتب نظری کپنهاگ، علل افزایش هزینه نظامی عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا بررسی شود. در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل یکی از مسائلی که به دغدغه اصلی تمامی کشورها تبدیل شده است، امنیت و چگونگی پیشگیری از خطراتی است که تمامیت ارضی و منافع دولت‌ها را تهدید می‌کند. با توجه به نقش تعیین‌کننده قدرت نظامی در تأمین امنیت هر کشور و تعاملی که بین ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی به‌عنوان قدرت ملی وجود دارد، میان امنیت و قدرت نظامی رابطه منطقی وجود دارد. هرچند ممکن است در چند دهه پیش، قدرت نظامی و امنیت نظامی اهمیت سابق خود را نسبت به سایر ابعاد امنیت، از جمله ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از دست داده باشند یا از نظر اهمیت در ردیف‌های بعدی از مؤلفه‌های قدرت ملی قرار گرفته باشند، اهمیت قدرت نظامی بار دیگر به‌علت تحولات بین‌المللی و جنگ‌های اطلاعاتی در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم مورد توجه قرار گرفت؛ به‌طوری که در سال‌های اخیر، ابزارهای نظامی بیش از هر وسیله دیگر مورد بهره‌برداری سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ علیه یکدیگر یا علیه سایر کشورهای جهان قرار گرفته است. تغییر و تحولات جدید غرب آسیا که با‌عنوان بهار عربی در منطقه شناخته شد، تأثیرات مهمی بر کشورهای منطقه برجای گذاشت که در این میان، عربستان سعودی به‌عنوان یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار غرب آسیا، آثاری را در بُعد داخلی و منطقه‌ای پذیرا شد و همین مسئله باعث شد تا این کشور واکنش‌هایی را از خود نشان دهد؛ بنابراین پرسش پیش‌روی این پژوهش این است که علل افزایش هزینه نظامی عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا چیست. فرضیه عبارت است از اینکه عربستان سعودی با افزایش هزینه نظامی، تلاش دارد خود را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای، به‌ویژه در بخش نظامی در منطقه غرب آسیا مطرح کند.

هدف از پژوهش پیش‌رو پاسخ به پرسش مطرح‌شده با استفاده از روش تحلیلی - تبیینی، با بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. به‌همین منظور این پژوهش با مطالعه منابع با رویکردهای نظری - تجربی و بررسی روندها و تحلیل داده‌ها انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: عربستان سعودی، هزینه نظامی، بهار عربی، غرب آسیا، قدرت.

توازن از راه دور غرب آسیایی در پرتو سیاست جهانی آمریکا؛ گذاری بر «وضعیت مطلوب» برای منافع ملی آمریکا در غرب آسیا (۲۰۱۰-۲۰۱۵)

دکتر مهرداد حلال‌خور^۱

چکیده

در پی پایان یافتن جنگ جهانی دوم و با تبدیل شدن آمریکا به یک قدرت جهانی، براساس واقعیت‌های روابط بین‌الملل، این کشور تعریفی جهانی از منافع و اهداف سیاست خارجی خود ارائه داد؛ بدین معنا که سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا با در نظر گرفتن ابزارهای سیاست خارجی و در چهارچوب سیاست‌های جهانی آن طراحی می‌شود و سیاست‌های کشوری آمریکا نیز ابتدا بر مبنای سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و دوم براساس ملاحظات کشوری هر واحد سیاسی ارزیابی می‌شود. با در نظر گرفتن روند تغییر دکترین‌های سیاست خارجی آمریکا در مورد غرب آسیا، با تغییرات در سیاست جهانی این کشور این پرسش به ذهن می‌رسد که «وضعیت مطلوب» غرب آسیا برای آمریکا به چه صورت خواهد بود. با در نظر گرفتن پیش‌فرض محوریت گذار به شرق در سیاست جهانی آمریکا، به نظر می‌رسد که اواما در چهارچوب سیاست جهانی خود تلاش دارد تا نیروها و هزینه‌های خود را در شرق آسیا و با اولویت آن منطقه به کار گیرد.

در فرضیه مطرح شده، پژوهشگر ضمن طرح دکترین جهانی گذار به شرق و استراتژی منطقه‌ای کنترل از راه دور در سیاست خارجی اواما، وضعیت منافع ملی آمریکا در دوره زمانی ۲۰۱۰ - ۲۰۱۵ و ارزیابی «وضعیت مطلوب» از دیدگاه آمریکا را بررسی خواهد کرد. برای انجام پژوهش مورد نظر از روش تحلیلی - توصیفی استفاده شده است تا ضمن پوشش دادن تمام ابعاد کیفی موضوع مورد بحث، از داده‌های کمی موجود نیز بهره برده و پژوهش از نقص‌های مربوط به تحلیل‌های کیفی صرف، دور باشد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، آمریکا، وضعیت مطلوب.

۱. دکترای مطالعات آمریکای شمالی دانشگاه تهران (Mehrdad_tiarah@yahoo.com)

راهبرد سیاست خارجی کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در قبال غرب آسیا: مطالعه افغانستان

دکتر احمد بخشی^۱؛ حسین ابراهیمی^۲؛ و مهدی خوشرفتار^۳

چکیده

یکی از ابعاد مورد توجه کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده برای پیروزی در انتخابات، تبلیغات در حوزه راهبرد سیاست خارجی است. غرب آسیا همواره یکی از مناطق مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است که اهمیت استراتژیک این منطقه را نشان می‌دهد. بر این اساس با پایان دوره اوپاما شاهد تلاش دموکرات‌ها و جمهوری خواهان برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری هستیم. با توجه به حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا و به ویژه افغانستان، پیروزی هریک از این کاندیداها می‌تواند بسترساز تصمیم‌گیری‌های خاصی در حوزه سیاست خارجی در مورد غرب آسیا و افغانستان باشد. فرضیه مورد ارزیابی ما این است که با پایان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شاهد تغییر و تداوم در سیاست خارجی آمریکا در قبال غرب آسیا خواهیم بود. دولت جدید برای حفظ منافع و پرستیژ ایالات متحده، برنامه‌های دولت قبلی را ادامه خواهد داد و از سویی دیگر، دولت جدید ناچار به انجام تغییراتی در رفتار سیاسی خود خواهد بود. پرسشی مورد نظر این است که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چه تأثیری بر سیاست خارجی ایالات متحده در قبال غرب آسیا خواهد گذاشت. و چه سناریوهایی پیش روی ما قرار می‌دهد. برای تحلیل و ارزیابی داده‌ها از مدل ساختار - کارگزار استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، غرب آسیا، انتخابات، ایالات متحده، افغانستان.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند (Bakhshi@bijand.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (Hossein.ebrahimi1387@yahoo.com)

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد

بازنگری سیاست‌های امنیتی ترکیه درباره غرب آسیا با تأکید بر سوریه پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ در ترکیه

مرضیه قاسمی^۱

چکیده

با نگاهی گذرا به اقدامات ترکیه به‌ویژه پس از قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه (سال ۲۰۰۲)، می‌توان تغییرات در سیاست خارجی ترکیه را مشاهده کرد. ترکیه برای رسیدن به جایگاه والاتر در جهان اسلام و عرصه روابط بین‌الملل تلاش می‌کند که نمود بارز آن را می‌توان در گسترش روابط این کشور با کشورهای اسلامی و غرب آسیا مشاهده کرد. آنکارا پس از مدت‌ها گرایش یک‌جانبه به غرب، اکنون از طریق سیاست «نوعثمانی‌گرایی» مواضع متعادل‌تری را نسبت به همسایگان و غرب آسیا در پیش گرفته و متناسب با منافع ملی خود، روابطش با جهان اسلام و غرب را گسترش می‌دهد. تلاش‌های این کشور برای برقراری رابطه متوازن با قدرت‌های جهانی، قطبیت در جهان اسلام و سیاست صفرسازی تنش با همسایگان را می‌توان در این راستا تحلیل کرد.

مقاله حاضر تلاش دارد تا مؤلفه‌های این تغییر سیاست آنکارا را با توجه به نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» باری بوزان و الی ویور تحلیل کند و تأثیر آن را بر غرب آسیا، به‌ویژه سوریه و اکاوی کند. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و براساس منابع اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نوعثمانی‌گرایی، حزب عدالت و توسعه، کودتای ترکیه،

بحران‌های منطقه‌ای.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی (Marziehghasemi30@gmail.com)

نگاهی به موقعیت خلیج فارس و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آن

بهمن کرمی کیا^۱

چکیده

منطقه خلیج فارس در طول چند دهه گذشته، مهم‌ترین منطقه جهان محسوب شده و در قرن جدید همچنان در سیاست‌های بین‌المللی نقش مهمی خواهد داشت. دلایل زیادی برای اهمیت خلیج فارس وجود دارد؛ اول آنکه ذخایر عظیمی از نفت و گاز جهان در کشورهای ساحلی و درون خلیج فارس نهفته و تمرکز یافته است؛ به عبارت دیگر در افق تأمین نیازهای نفت و گاز جهان منطقه دیگری به غنای خلیج فارس وجود ندارد تا بتواند انرژی کشورهای دنیا، به‌ویژه قدرت‌های صنعتی و یا در حال رشد و توسعه در آمریکا، اروپا، ژاپن، چین، کره و شبه‌قاره هند را در قرن جدید تأمین کند. این موضوع به اندازه‌ای مهم است که اگر بر اثر حوادثی نظیر جنگ، انقلاب و شورش این منطقه نتواند به صدور نفت و گاز خود ادامه دهد، فشار کشورهای مصرف‌کننده انرژی در سطح بین‌المللی سبب خواهد شد تا صحنه خلیج فارس را به‌گونه‌ای تنظیم و در چهارچوب‌های مورد نظر درآورند که به جریان تولید و عبور انرژی، اختلال جدی وارد نیاید و به منافع اساسی ایشان لطمه چندانی وارد نشود؛ بنابراین منطقه خلیج فارس به دلیل ذخایر عظیم انرژی آن و موقعیت ژئوپلیتیکش به مهم‌ترین منطقه جهان تبدیل شده است. بنابر یک راهبرد بین‌المللی که قدرت جهانی را در اختیار کسانی می‌داند که بر منابع و خطوط انرژی تسلط داشته باشند، قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای بسط سلطه خود بر این منطقه در حال رقابت هستند. این رقابت از امپراتوری بریتانیا آغاز شد و امروز نیز توسط قدرت‌هایی چون آمریکا، اروپا، روسیه، چین، هند، پاکستان و ترکیه ادامه دارد.

کلیدواژه‌ها: خلیج فارس، قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ایران، موازنه قدرت.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز (bahman.karamikia@gmail.com)

جایگاه تقابل اطلاعاتی ایران و عربستان در نظم امنیتی نوین منطقه غرب آسیا

علیرضا خرم‌روز^۱

چکیده

منطقه غرب آسیا به دلیل وجود عواملی چون نظام‌های ایدئولوژیک و تنگناهای ژئوپلیتیکی همواره دچار چالش‌های چندبُعدی بوده‌اند. در میان کشورهای این منطقه درگیری طولانی‌مدت داشته‌اند، ایران و عربستان بسیار مورد توجه هستند. از سوی تقابلات ایدئولوژیک شیعی - وهابی که در سیاست طرفین تأثیر بسزایی گذاشته است، خود را به نمایش درآورده و از سوی دیگر یارگیری منطقه‌ای با هدف ایجاد عمق استراتژیک نشان‌گر تنگناهای ژئوپلیتیکی شده است. ویژگی خاصی که تنگناهای ژئوپلیتیکی به وجود می‌آورند، انتقال تقابلات به عرصه مرزهای اطلاعاتی است و یا به معنای دیگر تولید «جنگ‌های اطلاعاتی» است.

ایران و عربستان به عنوان دو کانون قدرت در غرب آسیا که پشتیبان جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای هستند، همواره با نگاه دو تهدید به یکدیگر چشم دوخته‌اند. از ابتدای انقلاب اسلامی ایران اکنون که رابطه دیپلماتیک عربستان با ایران دچار چالش شده است، همواره نگاه طرفین به یکدیگر با شک و تردید عمیق همراه بوده است. عده‌ای این دیدگاه را ناشی از عمق اختلاف فارس و عرب می‌دانند و آن را به پدیده تقابلات تاریخی میان ایران و عربستان منتسب می‌کنند؛ اما دسته دوم بحث شیعه و سنی را عنوان می‌کنند و اصالت تقابل طرفین را در مذهب و ایدئولوژی می‌دانند، نگاه سومی نیز وجود دارد که بحث ژئوپلیتیکی را مطرح می‌کند و دایره رقابت و خصومت ایران و عربستان را در هاله گسترش عمق استراتژیک تفسیر می‌کند. در این پژوهش با سنجش و بررسی ویژگی‌ها، زمینه و نتایج تقابلات اطلاعاتی ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا، سعی بر آن است تا با اعمال متغیر امنیت منطقه‌ای نتیجه‌ای آینده‌نگرانه در زمینه امنیت منطقه غرب آسیا به دست آورد. روش پژوهش با استناد به روش کیفی قابل پیاده‌سازی است و همچنین ابزار پژوهش بنابه اقتضای محتوا کتابخانه‌ای است. هدف از این پژوهش تحلیل و شناخت جایگاه تقابل اطلاعاتی ایران و عربستان در راستای درک بهتر از مفهوم نظم امنیتی آینده منطقه غرب آسیاست.

کلیدواژه‌ها: جنگ اطلاعاتی، غرب آسیا، ایران، عربستان، امنیت منطقه‌ای.

۱. کارشناس ارشد مطالعات غرب آسیا و شمال آفریقا از دانشگاه علامه طباطبائی (ره) (alirezakhoramruz@yahoo.com)

بررسی نقش و اهداف سیاست خارجی ترکیه در تحولات سیاسی سوریه

نیکنام ارشدنیا^۱

چکیده

در هزاره جدید تحولات موسوم به بهار عربی، تأثیرات شگرفی بر ساختار قدرت و ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا برجای گذاشته است. این تحولات با اعتراض‌های مردم علیه حکومت‌های خودکامه برای دستیابی به دموکراسی و حاکمیت قانون از تونس آغاز شد و سپس به کشورهای دیگر از جمله مصر، لیبی، یمن، بحرین و سوریه سرایت کرد. این وضعیت در تونس و مصر به سرنگونی حکومت بن علی و حسنی مبارک انجامید و در لیبی و سوریه سبب جنگ داخلی شد. در این میان، ترکیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار تلاش داشته تا منافع ملی و امنیتی خود در این بحران‌ها را تأمین و سیاست‌های خود را در این منطقه مستحکم کرده و تسری بخشد. این کشور متناسب با هر بحران، سیاست خاص خود را اتخاذ کرده است ولیکن سیاست تهاجمی را نسبت به تحولات سوریه در پیش گرفته است. این مقاله درصدد است تا مواضع سیاست خارجی ترکیه در ارتباط با تحولات داخلی سوریه را مطالعه و ارزیابی کند. فرضیه مقاله بر این اساس شکل گرفته است که ترکیه با ادعای حمایت از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی‌های مدنی درصدد تأمین حداکثری منافع ملی، الگوسازی از نظام سیاسی خود و ایجاد هم‌گرایی و اتحاد سیاسی به رهبری خود است. روش استفاده‌شده در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و چهارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی است.

کلیدواژه‌ها: اعتراضات مدنی، بحران داخلی، منافع ملی، امنیت منطقه، سیاست خارجی.

نقش و جایگاه روسیه در غرب آسیا با تأکید بر تحولات سوریه (۲۰۱۲-۲۰۱۶)

عباس والی

چکیده

روی کار آمدن پوتین سبب توجه دوباره روسیه به منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به‌ویژه کشورهایایی (مصر، عراق، سوریه، فلسطین و یمن) شد که در گذشته حوزه نفوذ اتحاد شوروی بودند. علت توجه جدی روسیه به غرب آسیا در دوره جدید چیست؟ به‌نظر می‌رسد که تلاش روسیه برای حضور در این منطقه راهبردی، به دلیل ضرورت‌هایی مانند احیای نقش روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت قادر به رقابت با آمریکا با هدف حضور دایمی و ایفای نقش تثبیت‌شده در تحولات منطقه، فروش سلاح و دست‌افزارهای نظامی به کشورهای منطقه، ترس از گسترش تروریسم و افراطی‌گری از غرب آسیا و شمال آفریقا به مناطق مسلمان‌نشین جنوب این کشور در صورت غفلت از این منطقه و درنهایت، تجارت کالاها و خدمات با این کشورها بود؛ به‌همین دلیل است که روسیه تلاش کرد تا افزون بر گسترش روابط با ترکیه، ایران و عربستان سعودی، در کشورهایایی همچون مصر، یمن، عراق، سوریه، فلسطین و رژیم صهیونیستی به‌عنوان حوزه نفوذ حاضر شود. هدف این نوشتار بررسی سیاست خارجی روسیه در غرب آسیا در دوره پوتین با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی است. در مجموع، وضعیت کشوری مانند سوریه، چه از نظر معادلات داخلی و جبهه‌بندی نیروهای سیاسی - اجتماعی خود و نیز موضع قدرت‌های بزرگ خارجی و بازیگران منطقه‌ای با نمونه‌های شمال آفریقا بسیار متفاوت است. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین علل تداوم بحران سوریه و طولانی شدن جنگ داخلی در این کشور و عدم حل آن (تغییر رژیم و یا پایان اعتراض‌ها و اعمال کنترل حکومت مرکزی بر تمام کشور) را باید در نوع جبهه‌بندی قدرت‌های بزرگ خارجی و اختلافات شدید بین آنها جست‌وجو کرد.

فرضیه این نوشتار عبارت است از اینکه گفتمان امنیتی - راهبردی اوراسیاگرای نوین به‌مثابه عامل اساسی تقویت‌کننده پرستیژ و هویت سیاسی امنیتی روسیه در سیاست خارجی فدراسیون روسیه (۲۰۱۲-۲۰۱۵) در سوریه عمل کرده است.

کلیدواژه‌ها: روسیه، غرب آسیا، سوریه، سیاست خارجی.

سیاست ترکیه در مورد غرب آسیا در دوره حزب حاکم عدالت و توسعه

دکتر رضا صولت^۱

چکیده

شکست ترکیه از پیوستن به اتحادیه اروپا باعث شد که ترکیه چرخشی تکمیلی در سیاست خارجی خود به سمت شرق در دوره حزب عدالت و توسعه داشته باشد. این چرخش با سیاست خارجی سنتی ترکیه که در خصوص غرب آسیا و مسائل مختلف کشورهای آن مدت‌ها سیاست بی‌طرفی و انزوا را در پیش گرفته بود، نقطه عطف مهمی به‌شمار می‌رفت. در این پژوهش، به بررسی ماهیت سیاست خارجی ترکیه در غرب آسیا و نیز تحولات موسوم به بهار عربی پرداخته‌ایم. سؤال اصلی این پژوهش، پرسش از ماهیت سیاست خارجی ترکیه در منطقه غرب آسیا، قبل و بعد از بهار عربی است. نگارنده معتقد است که سیاست ترکیه در مورد غرب آسیا در سال‌های گذشته مصداق سیاست‌های این کشور در سایه قدرت هوشمند است.

کلیدواژه‌ها: سیاست ترکیه در مورد غرب آسیا، قدرت هوشمند، بهار عربی، دیپلماسی عمومی.

۱. دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

تبیین الگوی رفتاری عربستان سعودی در قبال ایران از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵

وحید محمدی^۱؛ و امیر مشتاقی^۲

چکیده

غرب آسیا را می‌توان بین‌المللی‌ترین منطقه جهان دانست. مسائل آن محل تلاقی منافع بازیگران مختلف بوده که همواره با نوعی منازعه و کشمکش همراه است؛ به همین علت، همواره قدرت‌محوری، بقامحوری و خودیاری پیوند محکمی با سیاست خارجی کشورهای عضو این منطقه دارد؛ موضوعی که درک رفتارهای این کشورها را در عرصه سیاست خارجی با پیچیدگی‌های فراوان مواجه نموده است.

در همین راستا، نوشتار حاضر به دنبال بررسی چرایی رفتار سیاست خارجی عربستان سعودی در برابر ج.ا.ایران با کمک نظریه موازنه قواست. این مهم با علم به این موضوع صورت می‌گیرد که آزاد شدن نیروهای سرکوب‌شده مناطق پس از پایان جنگ سرد و افزایش استقلال سطح منطقه‌ای، امکان به‌کارگیری نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل را بدون جرح و تعدیل درخصوص این سطح دشوار ساخته و در این میان، نظریه موازنه قوا نیز از این قانده مستثنا نیست. بر همین اساس، نوشتار حاضر استدلال می‌کند که تحولات چند سال اخیر غرب آسیا سبب دنبال شدن الگوی رفتاری موازنه قوا در سیاست خارجی عربستان شده، اما موازنه قوا به‌کاررفته از نوع فراگیر است. یافته‌های تحقیق از طریق توصیف وقایع چند سال اخیر غرب آسیا و تحلیل تأثیر این رویدادها بر موازنه قوای منطقه‌ای نشان می‌دهد که سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال این تحولات ناشی از تأثیر آن بر توازن قدرت میان این کشور و مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای اش یعنی ج.ا.ایران بوده است. تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، قدرت‌های منطقه‌ای، توازن قدرت، الگوی موازنه قوای فراگیر، عربستان سعودی.

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

۲. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای (خلیج فارس) از دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

نقش عربستان سعودی و امارات متحده عربی در کودتای نظامیان علیه دولت مرسی

سعید خزائی؛ و دکتر طاهره ابراهیمی فر^۱

چکیده

مصر به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور عربی، از چند دهه گذشته جزو تأثیرگذارترین بازیگران منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. تحولات داخلی در مصر و شکل‌گیری جنبش مخالف فراگیر در مقابل رژیم مبارک که بعد از تحولات تونس و فرار بن علی، رئیس‌جمهور این کشور آغاز شد، نشانگر آغاز مرحله جدیدی در حیات سیاسی مصر است که ساختار و فضای سیاسی داخلی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آن کشور را با دگرگونی‌هایی، هرچند متفاوت، روبه‌رو می‌کند. تغییرات سیاسی در مصر نیز در دل مجموعه روابط قدرتی صورت می‌گیرند که در آن مؤلفه‌های خارجی عنصر تعیین‌کنندگی بالایی دارند. وابستگی شدید اقتصاد مصری به دلارهای کشورهای رانتی عرب و کمک‌های غرب بر این شکنندگی ثبات سیاسی افزوده است. عربستان و امارات متحده عربی به‌سرعت پس از استقرار دولت، منابع مالی را به مصر تزریق می‌کنند تا چرخ اقتصاد این کشور به‌خوبی بچرخد. بهبود وضعیت اقتصادی موجب خواهد شد که مردم به سطح حداقلی از رفاه برسند و دولت جدید را به دوران اخوان که با مشکلات فراوان اقتصادی روبه‌رو بودند ترجیح دهند. علت حمایت عربستان از وقوع ناآرامی‌های اخیر مصر تضاد ایدئولوژیکشان با اخوان المسلمین است. البته عربستان و امارات نیز از گستره سیاست‌های آمریکا خارج نیستند. تمامی این کشورها در جهت رویکردهای سیاسی و راهبردی آمریکا حرکت می‌کنند. آمریکا قصد ندارد تمامی گزینه‌های خود را در یک سبد قرار دهد. در این نوشتار سعی می‌شود ضمن بررسی علل و عوامل تحولات اخیر مصر، نقش امارات متحده و عربستان سعودی در کودتای نظامیان علیه دولت مرسی مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین، سؤال اصلی این است که امارات متحده عربی و عربستان سعودی چه نقشی در کودتای نظامیان علیه دولت مرسی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، آشوب، شورش و قیام، جنگ و دخالت خارجی، جنگ داخلی، اعتراض، کودتا، اخوان المسلمین.

۱. عضو هیات علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

آمریکا و نظم مطلوب صهیونیسم محور در غرب آسیا؛ تحلیل ژئوپلیتیک

مجتبی روستایی^۱

چکیده

تحولات اخیر در غرب آسیا، نظم پساجنگ جهانی اول در این منطقه را به لرزه درآورده و توازن قوا را در آن تغییر داده است. با افزایش تعداد بازیگران تأثیرگذار در منطقه، معادلات قدرت در غرب آسیا نیز بسیار پیچیده و درهم تنیده شده است. با تزلزل در نظم منطقه و حرکت به سوی نظم جدید، بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال تثبیت یا افزایش نقش خود هستند. ایالات متحده آمریکا به عنوان یک بازیگر دولتی فرامنطقه‌ای که منافع زیادی را در منطقه غرب آسیا داراست، نقش مؤثری در شکل‌گیری نظم آینده منطقه خواهد داشت. بر این اساس، این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که نظم مطلوب آمریکا برای منطقه غرب آسیا چیست و این نظم چگونه در منطقه اجرا خواهد شد. فرضیه این مقاله آن است که ایالات متحده در پی ایجاد نظمی با محوریت امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه خواهد بود و این نظم را از طریق تضعیف ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه اجرایی خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، نظم مطلوب، غرب آسیا، رژیم صهیونیستی، ژئوپلیتیک.

چین در غرب آسیا؛ بهره‌گیری از خلأ حضور آمریکا

احسان صادقی چیمه^۱

چکیده

ابتکار «یک کمربند، یک جاده»، طرح اقتصادی بلندپروازانه چین است که به معنای حرکت چین به سمت مرزهای غربی خود و حضور در مناطق آسیای میانه و غرب آسیا، و همچنین انجام مانورهای دیپلماتیک و تلاش برای حل و فصل تنش‌های منطقه بوده است. در طرف مقابل، با توجه به اینکه راهبرد ایالات متحده آمریکا خروج از غرب آسیا بوده و کم شدن وابستگی نفتی این کشور به منطقه و همچنین کاهش وابستگی هم‌پیمانان این کشور به آمریکا را به دنبال داشته است، سؤالی که در اینجا مدنظر قرار گرفته این است که آیا چین با حرکت به سمت مرزهای غربی خود و منطقه غرب آسیا خواهان بهره‌گیری از خلأ قدرتی است که به دلیل خروج تدریجی آمریکا در فضای غرب آسیا ایجاد شده است.

در این مقاله، این فرضیه مورد آزمون قرار گرفته است که چین با حرکت به سمت مرزهای غربی خود و منطقه غرب آسیا آن‌هم در ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی درصدد رقابت با آمریکا برای گشودن یک فضای تنفسی جدید برای خود با توجه به تشدید حضور نظامی آمریکا در منطقه شرق آسیاست و تلاش دارد به شکل انتخابی، در مسائل غرب آسیا اثرگذار باشد. چین با توجه به اصول موردنظر خود همچون همکاری برد-برد و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر درصدد است از کشورهای منطقه در بازی بزرگ خود در تقابل با آمریکا بهره‌بردار.

کلیدواژه‌ها: چین؛ آمریکا؛ غرب آسیا؛ یک کمربند، یک جاده؛ رقابت؛ همکاری.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی (Sadeghie10@yahoo.com)

سیاست هند در قبال منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر ایران

حسین عسگریان^۱

چکیده

میل به تبدیل شدن به قدرتی جهانی همیشه جزء اصلی سیاست خارجی هند بوده است. بلندپروازی‌های این کشور در این راستا از زمان نخست‌وزیری جواهر لعل نهرو و تلاش برای رهبری جهان سوم آغاز شد؛ اما تا دهه ۱۹۹۰، هند به این آرمان خود دست نیافته بود. سخنرانی اخیر مودی در ایالات متحده و اشاره‌اش به لزوم درس گرفتن از این کشور برای تبدیل شدن به قدرتی جهانی به خوبی این نکته را نشان می‌دهد. شاید نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، بهترین گزینه برای گسترش روابط این کشور با کشورهای غرب آسیا نباشد؛ اما با تغییرات ژئوپلیتیک اخیر و افزایش ارزش راهبردی این منطقه برای هند، همچنین کاهش نسبی علاقه ایالات متحده به حضور در غرب آسیا، راه را برای حضور دیگر قدرت‌های بزرگ در این منطقه از جهان افزایش داده است. می‌توان گفت در حالی که برای سال‌ها، رابطه هند با کشورهای غرب آسیا صرفاً بر محور اقتصاد چرخیده است، اکنون مسائل راهبردی نیز به میان آمده‌اند. در مقاله حاضر تلاش شده است موضوعات زیر مورد بررسی قرار گیرند: نگاه راهبردی هند به ترتیبات منطقه‌ای در غرب آسیا در متن محیط جدید جهانی، اهمیت امنیت انرژی و جایگاه این عامل در نگاه هند به منطقه غرب آسیا، روابط هند با کشورهای تأثیرگذار نظیر: رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، سیاست هند در قبال مهار چین و پاکستان همچنین روابط هند و افغانستان از جمله بحث کریدور شمال-جنوب، تأثیرات سیاست‌های هند در قبال مسائل فوق بر امنیت و جایگاه ایران در ترتیبات امنیت منطقه‌ای.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، سیاست خارجی هند، امنیت انرژی، روابط منطقه‌ای، ترتیبات امنیتی،

امنیت ایران.

۱. عضو هیئت علمی موسسه ابرار معاصر تهران

پیشران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی ج.ا.ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا

حسین مینایی^۱؛ و دکتر ابراهیم حاجیانی^۲

چکیده

دیپلماسی دفاعی، بخشی از سیاست‌های دولت است که به‌عنوان یک ابزار مهم در تحقق اهداف کلان نیروهای مسلح نقش‌آفرینی می‌کند و هدف آن را می‌توان ایجاد شرایط سیاسی و ملی و بین‌المللی مطلوب برای حفظ و گسترش ارزش‌های ملی و حیاتی کشور در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه دانست. از ویژگی‌های دیپلماسی دفاعی در شرایط موجود این است که، به‌عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاست دفاعی و راهبردی کشورها تلقی می‌گردد. روابط ایران و عربستان در سال‌های اخیر از رقابت به سمت رویارویی مستقیم در حال حرکت است. جنگ‌های نیابتی عربستان با ایران در عراق و سوریه و تلاش برای جلوگیری از قدرت‌گیری شیعیان در یمن و بحرین باعث شد، سعودی‌ها خود را درگیر جنگ‌های فرسایشی کنند که از اثرات آن بحرانی شدن روابط این کشور با ج.ا.ایران است. شناسایی پیشران‌های اصلی و کلیدی یکی از الزامات اساسی هر پروژه آینده‌نگاری می‌باشد. براساس این مقاله با هدف شناسایی پیشران‌های اصلی و کلیدی دیپلماسی دفاعی ج.ا.ایران با کشور عربستان در منطقه غرب آسیا نگارش و با ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی مانند مرور، منابع، پانل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع و با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک انجام شده است. در جهت اجرای این پروژه از نظرات خبرگی صاحب‌نظران حوزه دفاعی و سیاست خارجی بهره‌برداری و پیشران‌های اصلی و کلیدی در نتایج ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: پیشران، عربستان، دیپلماسی دفاعی ج.ا.ایران.

۱. دکترای آینده‌پژوهی و عضو هیئت علمی دافوس آجا (hoseinminae2@gmail.com)

۲. دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شاهد (Ebhajyani@gmail.com)

تحلیل سیاست خارجی پسا کودتایی ترکیه و آینده نظم و امنیت منطقه

عصمت عارفی^۱؛ عطیه بلبل امیری^۲؛ و محمدرضا محمدی^۳

چکیده

اگرچه در غرب آسیا نشانه‌های قابل توجهی از تضاد و درگیری بین بازیگران مختلف وجود دارد، اما کشورهای منطقه دارای ویژگی‌های مشترکی نیز می‌باشند. بی‌ثباتی و عدم تعادل در موازنه قدرت بین بازیگران را می‌توان اولین و مهم‌ترین ویژگی مشترک در بین کشورهای خاورمیانه دانست. این ویژگی مشترک همواره زمینه‌ساز رویدادهای دیگری از جمله بی‌ثباتی سیاسی، اختلافات مرزی، کودتا، جنگ داخلی و منطقه‌ای خواهد شد که این مؤلفه‌ها را می‌توان اصلی‌ترین نشانه‌های کنش سیاسی کشورهای منطقه پرتنش خاورمیانه دانست. در واقع بسیاری از کشورهای خاورمیانه فاقد ایدئولوژی لازم برای انتخاب شرکای دائم خود هستند و به همین دلیل است که روابط میان کشورهای منطقه با کوچک‌ترین اتفاقی دستخوش تغییر می‌شود. کودتای پانزدهم ژوئیه ۲۰۱۶ در ترکیه یکی از همین رویدادهای منطقه محسوب می‌شود که بار دیگر این مسئله را اثبات نمود.

صرف‌نظر از گمانه‌زنی‌ها در مورد واقعی یا ساختگی بودن ماهیت این کودتا، به نوعی نقطه عطفی در تاریخ ترکیه محسوب می‌شود و از موضوع این پژوهش خارج است اما قطعاً این رخداد، پیامدهای گوناگونی را چه در سطح داخلی و چه در عرصه سیاست خارجی برای ترکیه در پی خواهد داشت که به نظر می‌رسد تا سال‌ها با تأثیرات و عواقب آن دست به گریبان باشد. در واقع گذشته از موقعیت استراتژیک و اهمیت این کشور، نقش تأثیرگذار ترکیه در تحولات منطقه، حضور پررنگ سیاسی - نظامی آمریکا در این کشور، حضور آوارگان سوری و جمعیت قابل توجهی از کردها در خاک ترکیه و از همه مهم‌تر حمایت‌های سیاسی و لجستیکی این کشور از تروریست‌های تکفیری در سوریه و عراق، که به افزایش دامنه این توجهات به کودتا و آینده آن افزوده است، باید دید پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ترکیه سیاست خارجی و متعاقب آن، معادلات منطقه‌ای چگونه تغییر خواهد کرد؟

کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، ترکیه، امنیت، نظم منطقه‌ای.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران (Arefi.esmat@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران (amiriatyeh@yahoo.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران (mohammazrezamohamadi13681989@gmail.com)

بررسی تحلیلی حمایت عربستان سعودی از گروه‌های تروریستی و نظم جدید منطقه‌ای در چارچوب رئالیسم تهاجمی

آرش قدرتی‌فرا^۱ و محمدرضا محمدی^۲

چکیده

زمانی که در ۱۹۷۹ انقلاب اسلامی در ایران به وقوع پیوست، زنگ خطر برای نظام‌های پادشاهی محافظه‌کار منطقه به صدا درآمد. با آغاز بی‌ثباتی‌های سیاسی که در کشورهای مختلف خاورمیانه از جمله در مصر، تونس، یمن و بحرین در اواسط ۲۰۱۱ توسعه پیدا نمود و عربستان سعودی در نقش یک نیروی ضد انقلاب به حمایت از رژیم‌های سیاسی مستقر پرداخت. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه خود از طریق شکل‌گیری یک انقلاب مردمی بر سرکار آمده بود به پشتیبانی از انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی منطقه پرداخت و از این انقلاب‌ها تحت عنوان بیداری اسلامی یاد کرده است. با توجه به اینکه ایران و عربستان هر دو به دنبال افزایش نفوذ و امنیت خود در منطقه غرب آسیا می‌باشند و از آنجا که سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل سوریه را «بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند. بنابراین بدیهی است که این کشور در کشمکش‌های بین ایران و عربستان که هر دو داعیه قدرت منطقه‌ای را دارند، نقش مهمی را ایفا نماید. پژوهندگان سعی دارند در غالب این نوشتار، تلاش اعراب به ویژه عربستان سعودی را در جهت تغییر نظم منطقه‌ای به سود خود، از طریق حمایت از گروه‌های تروریستی - تکفیری، در سوریه و عراق، در چارچوب رئالیسم تهاجمی بررسی نموده و به تحلیل آینده نظم منطقه بپردازند.

کلیدواژه‌ها: رئالیسم تهاجمی، نظم منطقه‌ای، ایران، عربستان سعودی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران (arashghodratifar@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران (mohammadrezamohammadi13681989@gmail.com)

سیاست خارجی ترکیه در مسیر دستیابی به قدرت منطقه‌ای؛ تناقض تعامل گرایی و چالش زایی

محسن حسن تبار^۱

چکیده

در گذشته، ترکیه سیاست انزوا از موضوعات منطقه‌ای را برگزیده و در پی شکل‌دهی راهبردی بنیادین با اروپا و متحدان غربی خود به‌خاطر محذورات تحمیلی برآمده از نظم حاکم دوقطبی بود؛ اما در سال‌های گذشته شاهد حضور به‌ظاهر فعال و تعامل‌گرایانه آنکارا و نقش‌آفرینی آن در منطقه آسیا هستیم. سیاست‌های عمل‌گرایانه اخیر ترک‌ها در این حوزه جغرافیایی حساس و مستعد بحران، در دوران زمامداری اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه، فرصت‌هایی را برای آنها به ارمغان آورد که سبب شد برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رویکردی جدید را دنبال کرده و خط‌مشی سیاست‌گذاری‌های خود را در قبال این منطقه با حزم و احتیاط پیش برند؛ اما نکته اساسی که سبب شده این نوشتار در پی یافتن پاسخی برای آن باشد وجود تناقض و تضادهای بسیار در رفتار سیاست خارجی ترکیه، به‌خصوص از سال ۲۰۱۱ تاکنون است. حزب عدالت و توسعه ترکیه طی چند سال با پیگیری دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اگلو به موفقیت‌هایی دست یافت و در سیطره‌های ادعاهای خویش دستاوردهایی در مسائل داخلی و خارجی خود کسب کرد؛ اما در چند سال منتهی به حضور داوود اگلو در منصب نخست‌وزیری و همچنین پس از این دوره، سیاست‌های متناقضی در مواجهه با پدیده تروریسم تکفیری داعش و بحران سوریه و نیز رفتارهای پرتنش با روسیه و برخی از همسایگان خود داشته است. در واقع نوعی به‌هم‌ریختگی و آشوب در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه نمود پیدا کرده است.

از همین‌رو سعی شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و کتب و مقالات تخصصی، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، این مسئله واکاوی شود.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، غرب آسیا، حزب عدالت و توسعه، دکترین عمق استراتژیک، سیاست

خارجی.

۱. دانش‌آموخته رشته نرم‌افزار دانشگاه علم و صنعت (politicalresearch@chmail.ir)

بررسی پیامدهای سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر نظم امنیتی منطقه خلیج فارس

یاسر اسماعیل زاده امامقلی^۱

چکیده

اساساً یکی از الزامات سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، که به‌عنوان هسته اصلی سیاست‌های این کشور در نظام بین‌الملل مطرح است و باعث پیچیدگی و بی‌نظمی در حوزه امنیت بین‌الملل و منطقه گردیده، حضور این کشور در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس است. امنیت منطقه غرب آسیا و خلیج فارس موضوعی چندلایه و پیچیده است که حدود پنج قرن، بازیگران بین‌المللی را در منطقه‌ای که با انواع چالش‌ها دست به‌گریبان بوده، درگیر کرده است. در دهه‌های اخیر، آمریکا عمده‌ترین بازیگر امنیتی و منطقه‌ای بوده و میزان درگیری، سطح و عمق کنش و واکنش امنیتی ایالات متحده با کمتر بازیگر بین‌المللی دیگری در این منطقه، قابل مقایسه است. تمام رؤسای جمهور آمریکا از دوران بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون به خلیج فارس به‌عنوان بخشی از منافع جدی و بعضاً حیاتی ایالات متحده نگریسته‌اند و کمتر موضوع امنیتی در خلیج فارس را می‌توان یافت که آمریکا نقشی در آن نداشته باشد یا جزئی از اجزای تشکیل‌دهنده در قالب‌های ایجابی و سلبی با عنصر آمریکا و رفتار امنیتی آن، پیوند نخورده باشد. با توجه به برجستگی عنصر آمریکایی در امنیت خلیج فارس، پرسشی مهم و اساسی به‌وجود می‌آید و اینکه سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس را چگونه می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. خلیج فارس در دنیای امروز به‌عنوان حساس‌ترین، کلیدی‌ترین و مهم‌ترین منطقه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک جهان شناخته شده است؛ از این‌رو، این منطقه مورد توجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله، ایالات متحده آمریکا است. در این نوشتار سعی شده است که با بررسی دلایل اصلی حضور آمریکا از گذشته تا به امروز، نقش آمریکا در این منطقه حساس از جهان و فعل و انفعالات آن مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گیرد و جغرافیای سیاسی و ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس مطالعه و بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، امنیت، خلیج فارس، نفت، جغرافیای سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان (نویسنده مسئول) (Esmailzadehyaser@yahoo.com)

بررسی سیاست خارجی چین در قبال غرب آسیا

عباس رئیس‌زاده^۱

چکیده

چین پس از گام نهادن در مسیر اصلاحات اقتصادی توانسته است خود را به‌عنوان یک ابرقدرت اقتصادی نو در صحنه بین‌المللی مطرح کند. این رشد اقتصادی پرشتاب منجر به افزایش قابل توجه مصرف انرژی، به‌ویژه نفت خام در این کشور شده است. لذا لزوم همکاری گسترده این کشور را با کشورهای حوزه خلیج فارس ضروری می‌سازد.

روابط سیاسی و تجاری ایران و چین دارای سابقه تاریخی است که همواره دو ملت را به یکدیگر نزدیک کرده است. همچنین نگاه به شرق در چند سال اخیر توسط دولتمردان ج.ا.ایران باعث تبادلات اقتصادی و سیاسی میان تهران و پکن شده است.

کنش چین در بحران سوریه را می‌توان گسستی از سنت دیپلماسی بی‌سروصدای این کشور به‌شمار آورد. رویکرد چین به بحران سوریه و توی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل ریشه در دغدغه آن برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حفاظت از اصول منشور ملل متحد دارد.

در این مقاله، سؤال اصلی این است که چین در مواجهه با منطقه غرب آسیا چه نوع اهدافی را دنبال می‌کند و نیز این فرضیه مطرح می‌شود که پکن به دنبال افزایش قدرت هژمون خود با توجه نظم نوین منطقه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: چین، غرب آسیا، امنیت انرژی، ایران.

بررسی نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نظم منطقه‌ای نوظهور

موسی مرادقلی؛ و مریم کنگرانی فراهانی^۱

چکیده

تحولات نظم بین‌المللی در سال‌های اخیر باعث جابه‌جایی سریع قدرت در عرصه جهانی شده و نظم مذکور به دلیل جهانی شدن و پیامدهای آن تحت تأثیر قرار گرفته است. بسیاری از کارشناسان علوم سیاسی بر این باور هستند که در عصر حاضر امنیت بین‌الملل به گونه‌ای از پایین به بالا شکل می‌گیرد و این مناطق هستند که شکل دهنده نظام بین‌الملل می‌باشند. در این راستا، واقعیت‌ها و پویایی‌های جدید در منطقه غرب آسیا باعث تقویت نقش پیشران‌های منطقه‌ای شده که طبعاً کارکرد مداخله‌گرایانه عوامل فرامنطقه‌ای و در رأس آنها آمریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در همین اثنا قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سعی در تأثیرگذاری و جابجایی قدرت در راستای منافع خود را داشته که می‌توان در دو سطح منطقه‌ای شامل کشورهای ایران، عربستان و ترکیه و فرامنطقه‌ای شامل کشورهای روسیه، چین و آمریکا با روش توصیفی _ تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به آنچه بیان شد هدف نوشتار حاضر «تشریح اهداف قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نظم منطقه‌ای نوظهور در منطقه غرب آسیا» با فرضیه‌ای ناظر بر این گزاره که «ایران با استفاده از ظرفیت‌های خود و بهره‌گیری از فرصت‌ها موجود می‌تواند به تحقق نظام چند قطبی و دستیابی به استراتژی امنیتی مشارکت جویانه» در منطقه کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: منطقه غرب آسیا، قدرت‌های منطقه‌ای، قدرت‌های فرامنطقه‌ای، امنیت

مشارکت جویانه، ایران، عربستان، ترکیه، آمریکا، روسیه، چین.

نقش روسیه در شکل دهی به نظم نوین منطقه‌ای در غرب آسیا

احمد و خشینه^۱

چکیده

با روی کار آمدن «ولادیمیر ولادیمیرویچ پوتین» در سال ۲۰۰۰ در فدراسیون روسیه، این کشور آرام با آرام توانست به بازسازی پایه‌های اقتصادی خود بپردازد و رفته‌رفته بحران هویتی که به واسطه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پدید آمده بود را پشت سر گذارد. توسعه و به‌دنبال آن ایجاد رفاه در داخل روسیه این فرصت را به دولتمردان کرملین داد تا بار دیگر همچون چند دهه قبل به ایفای نقش در حوزه بین‌الملل بپردازند.

روسیه در دوران پوتین همواره فرازونشیب‌هایی را در حوزه سیاست خارجی درک کرده است؛ از بحران قره‌باغ تا اوکراین و سوریه. اگرچه با روی کار آمدن اواما در ایالات متحده آمریکا، به‌موجب طرح ریست تاریکی‌های روابط مسکو - واشنگتن روبه سفیدی حرکت کرد؛ اما بحران اوکراین و سوریه سبب شد تا روسیه به‌طور ویژه وارد کارزار غرب آسیا شود. روس‌ها برخلاف آنکه در موضوع اوکراین هیچ‌گونه سازش و مذاکره‌ای را نپذیرفتند و حتی کریمه را نیز اشغال کردند، در بحران سوریه دریافتند که با توسل به ائتلاف و گفت‌وگو با دیگر قدرت‌های حاضر در این بحران می‌توانند به نتیجه نسبی مطلوب خود دست یابند؛ از همین رو بود که علی‌رغم همه موضع‌گیری‌های تند خود و قهر سیاسی دوساله میان رؤسای جمهور دو کشور روسیه و آمریکا، به یک‌باره پوتین به بهانه حضور در مجمع سازمان ملل به نیویورک سفر می‌کند تا با همتای خود به گفت‌وگو و مذاکره بنشیند. دیداری که پس از آن به ایجاد ائتلاف ضد‌داعش منتج شد و اگرچه با فراز و فرودهایی همراه بود؛ اما حاکی از نقش روسیه برای حل بحران در منطقه غرب آسیاست؛ تلاشی البته براساس منافع ملی کرملین‌نشینان.

در مقاله پیش‌رو نگارنده درصدد است تا سناریوهای احتمالی ازسوی روسیه برای ایجاد نظم منطقه‌ای در غرب آسیا براساس منافع ملی این کشور را تبیین و بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: روسیه، غرب آسیا، نظم منطقه‌ای، پوتین.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مطالعات روسیه) در دانشگاه دوستی ملل روسیه (ahmadvakhshiteh@gmail.com)

راهبردهای اتحادیه اروپا با تأکید بر محور برلین - پاریس در منطقه غرب آسیا در چهارچوب استراتژی جهانی اتحادیه اروپا

دکتر حسین غریبی^۱

چکیده

به رغم تشدید روند منطقه‌گرایی طی دو دهه اخیر در سراسر جهان، منطقه غرب آسیا از منظر تطبیقی در جهان معاصر، از پائین‌ترین درجه همگرایی منطقه‌ای نسبت به سایر نقاط جهان برخوردار بوده است. منطقه غرب آسیا به‌عنوان حیات خلوت اروپا با امنیت اقتصادی، نظامی و ثبات سیاسی اروپا پیوند خورده است از این رو این منطقه همواره به‌عنوان کانون ژئوپولیتیک جهان، دارای یک موقعیت محوری در سیاست اتحادیه اروپایی محسوب شده است. در این نوشتار تلاش شده است با عنایت به عدم توفیق سیاست‌های راهبردی پیشین اتحادیه اروپا در منطقه غرب آسیا و نیز تشدید فضای آنارشی منطقه‌ای که موجب افزایش نقش آفرینی و قدرت خرد و فروملی شده است به این سوالات پاسخ داده شود که اساساً اتحادیه اروپا در قالب استراتژی جدید جهانی و با تغییر رویکرد سیاسی و امنیتی خود، قادر به کنشگری و ایفای نقش فعالانه در خاورمیانه می‌باشد؟ ابزارهای اتحادیه اروپا و همچنین چالش‌ها و موانع آن برای نیل به اهداف خود چیست؟ آیا الگوی امنیتی واحدی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا در قبال خاورمیانه وجود دارد؟ و مهمتر اینکه نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در الگوی امنیتی اتحادیه اروپا در خصوص منطقه چیست؟.

مدلول نهایی گزارش با توجه به شواهد موجود و قرائن تاریخی حکایت از آن دارد که اتحادیه اروپا توان اجماع‌سازی بر یک الگوی امنیتی واحد را ندارد و کشورهای بزرگ اتحادیه نظیر آلمان و فرانسه با لحاظ کردن منافع کلی اتحادیه اروپا (منهای انگلستان) که همان ایجاد ثبات سیاسی و امنیتی در منطقه است، هر یک به‌صورت انفرادی در قالب یک الگوی امنیتی مستقل در پی ظاهرشدن در قامت یک بازیگر ژئواستراتژیک در منطقه می‌باشند و نقش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کنشگر فعال و تاثیرگذار در منطقه در هر یک از مدل‌های امنیتی کشورهای اروپایی به‌خوبی ملحوظ گردیده است.

کلیدواژه‌ها: استراتژی جهانی اتحادیه اروپا، الگوی امنیتی، غرب آسیا

فصل ششم

اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا

اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظام نوظهور منطقه‌ای غرب آسیا

دکتر حسین پورا احمدی^۱؛ و عارف بهرامی^۲

چکیده

در این مقاله، با کاربرد رویکرد اقتصاد سیاسی بین‌الملل (که شامل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اقتصاد و سیاست بر یکدیگر و بر سایر حوزه هاست)، به بررسی تحولات و روند همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای در غرب آسیا می‌پردازیم. در این میان، روند این همکاری‌ها به دلیل موانع متعددی که بر سر راه آن وجود داشته ضعیف بوده است. این موانع شامل موارد زیر است: سطح پایین اقتصادهای مکمل و عدم توسعه صنایع و عدم اقتصاد باز و آزاد رقابتی، نقش پررنگ و انحصاری دولت‌ها در اقتصاد، اختلافات و تنش‌های ایدئولوژیکی، چالش‌های تجاری، و حمایت‌گرایی. ادعای ما در این مقاله این است که با توجه به گردشی که در نظام بین‌الملل از دوقطبی جنگ سرد به نظام نوین اقتصاد جهانی در بعد از سال ۱۹۹۱ داشته‌ایم - که طبق آن مسائل نظامی و استراتژیکی جایگاه غالب خود را در سیاست جهانی به توسعه اقتصادی‌ای داده که صبغه غالب در نظام جهانی یافته است - همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند در رفع این موانع راهگشا باشد؛ اما ملزومات این همکاری‌ها شامل اصلاحات نظام‌های اقتصادی در جهت یک نظام باز و آزاد رقابتی بازارمحور و نظام‌های سیاسی دموکراتیک پاسخگوست که در آنها، نهادهای غیردولتی و خصوصی، فعال و تأثیرگذار باشند. البته باید گفت که این فرایندی طولانی‌مدت و پیچیده است و درنهایت، به تغییر تفکر سیاست‌گذارانه از ملاحظات سیاسی‌ای که ماهیتی غیردموکراتیک دارند به منطق اقتصادی هزینه - فایده می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی بین‌الملل، جنگ سرد، نظام نوین اقتصاد جهانی، نظام منطقه‌ای غرب آسیا، همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای.

۱. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (h-pourahmadi@sbu.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (arefbahrami1370@gmail.com)

اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی در سایه امنیت اقتصادی با تأکید بر امنیت ملی و نظم منطقه‌ای

دکتر حسین امیری^۱ و دکتر محمد جعفری^۲

چکیده

امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی است. اجرای سیاست‌های اقتصادی داخلی و خارجی مهم‌ترین عواملی هستند که امنیت اقتصادی را در صدر توجهات امنیتی قرار داده است؛ به‌طوری که فراهم کردن بسترهای مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی در کشورها، بدون وجود امنیت اقتصادی امکان‌پذیر نیست. در این بین نباید نقش پول در پیشبرد سیاست‌های اقتصادی داخلی را فراموش کرد؛ به‌طوری که می‌توان ارتباط بین سیاست‌های پولی و امنیت ملی و منطقه‌ای را در قالب ثبات قیمت و ثبات مالی، بررسی کرد. در این مقاله ارتباط بین امنیت ملی و امنیت اقتصادی از دو بُعد ثبات قیمت‌ها و ثبات مالی و در نهایت تأثیرپذیری نظم منطقه‌ای از امنیت اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه ثبات قیمت‌ها اگرچه تورم در برخی سال‌ها حالت کاهشی داشته است، روند آن طی سال‌های مورد بررسی، همواره افزایش داشته است. از دیدگاه ثبات مالی نیز آمارهای بخش بانکی نشان‌دهنده روند نه‌چندان مطلوب شاخص‌های سلامت بانکی است. بدین منظور پیشنهادهایی همچون شفافیت بیشتر فضای اقتصادی، رعایت استانداردهای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، تقویت نظام کنترل‌های داخلی و خارجی بانک‌ها، افزایش سرمایه بانک‌های دولتی به‌منظور افزایش نسبت کفایت سرمایه، افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها، بهبود فضای کسب‌وکار، اتخاذ سیاست‌های اثبات در بازار پول و مدیریت مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز به‌منظور افزایش و بالابردن امنیت اقتصادی به‌خصوص در بخش‌های پولی و مالی و ارتقای جایگاه ایران در منطقه مطرح می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست‌های پولی و مالی، امنیت اقتصادی، امنیت ملی، نظم منطقه‌ای

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی تهران (Hossienamiri@gmail.com)

۲. پژوهشگر (manager@tier.ir)

نقش ایران در توسعه اقتصادی سوریه و نظم منطقه‌ای

مهدی چقازردی^۱؛ و دکتر سجاد برخورداری^۲

چکیده

سوریه از جمله کشورهای عربی است که روابطی دوستانه با قدمتی طولانی با ایران داشته و همواره سران دو کشور برای حفظ و توسعه این روابط در تلاش بوده‌اند. سوریه تنها کشور عرب در غرب آسیاست که در طول هشت سال جنگ تحمیلی، حامی ایران در برابر عراق بوده و به اشکال مختلف تسلیحات مورد نیاز ما را تاحدودی تأمین می‌کرده است. درمقابل، ایران نیز از نظام حاکم بر سوریه در برابر تروریست‌ها و گروه‌های مخالف حمایت کرده و با ابزارهای مختلف تجاری توانسته است تاحدودی ضربه‌های ناشی از تشدید شدن تحریم‌های اقتصادی اروپا و آمریکا علیه اقتصاد این کشور در طول پنج سال اخیر را تضعیف کند. در شرایط فعلی، بسیاری از زیرساخت‌های اقتصادی سوریه آسیب جدی دیده است. با توجه به روابط نزدیک ایران و سوریه، در دوره بعد از گروه‌های تکفیری، فرصت‌های توسعه روابط اقتصادی گسترده‌ای بین این دو کشور وجود دارد. توسعه این روابط نه تنها به نفع دو کشور، بلکه بیشتر به نفع منطقه و ثبات منطقه خواهد بود. در این مقاله، فرصت‌های اقتصادی توسعه روابط بین ایران-سوریه و آثار آن بر نظم و ثبات منطقه‌ای بررسی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که حوزه‌های کشاورزی، کالاهای سرمایه‌ای، و خدمات فنی و مهندسی از بخش‌های دارای مزیت اقتصادی برای توسعه روابط اقتصادی بین دو کشورند که می‌توانند در پیشبرد اهداف ثبات منطقه‌ای بسیار مهم باشند. در توسعه روابط اقتصادی بین دو کشور، نیاز است که مسائلی چون: سوریه بعد از جنگ داخلی، تقویت حضور بخش خصوصی، و تضمین دولت سوریه برای روابط بخش خصوصی دو کشور مورد توجه قرار بگیرند.

کلیدواژه‌ها: سوریه، ایران، فرصت‌های اقتصادی، ثبات منطقه‌ای.

۱. پژوهشگر اقتصادی

۲. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

آثار امنیتی سناریوی پیوستن ایران به BRICS در مواجهه با آمریکا

دکتر بهنام سرخیل^۱

چکیده

صورت‌بندی اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های جدید بین‌المللی همچون گروه بریکس که متشکل از قدرت‌های نوظهور برزیل، هند، روسیه، چین و آفریقای جنوبی در صحنه بین‌المللی است، بسیاری از مناسبات سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی را تحت تأثیر قرار داده و شرایط نوینی را پیش‌روی دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران نهاده است.

این درحالی است که ایران در صحنه سیاست خارجی و به‌ویژه حوزه مباحث امنیتی، به دلیل قرار گرفتن در موقعیت منحصربه‌فرد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک غرب آسیا، نه تنها با مسائل و فرآیندهای بحران‌ساز منطقه‌ای مواجه است بلکه در راستای حفظ محیط راهبردی خود لازم است تا به رصد دایمی معادلات جهانی پرداخته و به تبع مزایا و معایب سناریوهای مختلف را بررسی کند.

یکی از این سناریوها مربوط به نحوه مواجهه ایران با بریکس است. در همین راستا پژوهش حاضر درصدد بررسی جنبه‌های سیاسی - امنیتی موضوع به‌شیوه تحقیق توصیفی - تحلیلی و پاسخ به این پرسش است که با فرض امکان پیوستن ایران به گروه بریکس، چه آثار و پیامدهای امنیتی‌ای بر ایران وجود خواهد داشت. و اصولاً پیوستن ایران به بریکس چه جنبه‌هایی از راهبرد امنیتی ج.ا.ایران در برابر آمریکا را محقق می‌سازد.

پاسخ موقت به‌عنوان فرضیه اصلی پژوهش آن است که پیوستن ایران به بریکس از دیدگاه واقع‌گرایی تدافعی موجب تحقق مؤلفه‌های راهبرد امنیتی ج.ا.ایران در حوزه‌هایی مانند موازنه‌سازی در برابر سیاست‌های آمریکا، تقویت امنیت انرژی در قالب همگرایی‌های اقتصادی و درنهایت، امنیت همکاری‌جویانه یا شراکتی ایران با بریکس خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، بریکس، آمریکا، واقع‌گرایی تدافعی، امنیت.

۱. دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (behsarkheil@yahoo.com)

وزن ژئوپلیتیک جبهه‌بندی‌ها و بلوک‌بندی‌های بزرگ اقتصادی

دکتر کیومرث یزدان پناه^۱؛ و نرجس‌سادات حسینی نصرآبادی^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین روش‌های افزایش قدرت و وزن ژئوپلیتیکی در سطح بین‌الملل، حضور فعال در بازار جهانی و داشتن اقتصادی مقاوم است. در عصر جهانی شدن، کشورها برای بالا بردن کیفیت فعالیت‌های اقتصادی خود و گسترش نفوذ خود در نقاط مختلف جهان، از دستاوردهای این فرایند (جهانی شدن) استفاده می‌کنند تا خود را جهانی سازند. در واقع، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی این راه را پیش روی کشورها قرار می‌دهد تا ثروت خود را افزایش دهند و در نتیجه، به قدرت‌های بزرگ عرصه بین‌الملل تبدیل شوند. در اینجا است که نقش اقتصاد سیاسی پررنگ می‌شود. این رشته با یک روش ترکیبی از روش‌های تحلیلی و نظریه‌های رشته‌های علوم اجتماعی برای شناخت مجموعه‌ای از مسائل که عمدتاً از تعامل میان دولت و بازار به‌عنوان تجسم سیاست و اقتصاد (قدرت و ثروت) در دنیای جدید به‌وجود آمده‌اند، کارایی پیدا می‌کند.

در حال حاضر، اقتصاد سیاسی به همگرایی دولت‌ها در زمینه اقتصادی، برای پیشبرد اهداف سیاسی خود توجه خاصی دارد. این مهم سبب شده است که دولت‌هایی که از نظر بالقوه دارای منبع خاصی از ثروت یا قدرت هستند، دور هم جمع شوند و با فعالیت اقتصادی به سیاستگذاری‌های جهانی جهت‌گیری‌های خاصی دهند. در واقع، بلوک‌بندی‌ها و جبهه‌بندی‌های بزرگ اقتصادی یا به تعبیری عام، گول‌های بزرگ اقتصادی در عرصه بین‌الملل به‌وجود آمده‌اند یا در حال به‌وجود آمدن هستند، که سیاست دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و یک ارتباط متقابل بین دولت و بازار ایجاد می‌کنند که در روند تحقیق به برخی از این بلوک‌بندی‌ها اشاره خواهد شد.

تحقیق بنیادی حاضر با روشی توصیفی و با دید نظری در پی اثبات این فرضیه است که در جهان کنونی، بلوک‌بندی‌ها و جبهه‌بندی‌های بزرگ اقتصادی قدرت زیادی در دست دارند و سیاست بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و این مهم در افزایش وزن ژئوپلیتیکی آنها تأثیر چشمگیری دارد.

کلیدواژه‌ها: دولت، بازار، ثروت، قدرت، سیاست، اقتصاد، بلوک‌های اقتصادی، وزن ژئوپلیتیک.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (kyzandanpanah@ut.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی (narjessadat65@gmail.com)

تأثیر خطوط لوله انتقال گاز طبیعی بر وابستگی متقابل اقتصادی ایران و همسایگان

محمود حق پناه^۱

چکیده

در دنیای کنونی، مسائل اقتصادی بیش از آنکه به سیاست داخلی یک دولت مرتبط باشد، به مجموعه رفتارهای کشورهای دیگر نیز وابسته است و دولت‌ها به دلیل اهمیتی که به رفاه ملی خود می‌دهند، ناچارند از طریق دیپلماسی و ابزارهای مسالمت‌آمیز، با کشورها رابطه داشته باشند. این امر به نوبه خود، یک نوع وابستگی متقابل بین دولت‌ها به وجود می‌آورد تا هرچه بیشتر در جست‌وجوی راه‌حل‌های مشترک صلح‌آمیز به جای تأکید بر خشونت برآیند.

دیپلماسی انرژی در نظام وابستگی متقابل، دو مقوله درهم‌تنیده اقتصاد و سیاست را به یکدیگر پیوند می‌زند و با اجرای این دو کارکرد، به ثبات محیط سیاسی کشورها کمک می‌کند. در این راستا، دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی، جهت‌گیری تأمین انرژی کشورهای همسایه را مورد توجه قرار داده است که در این خصوص توسعه خطوط گاز از دو جهت مهم است. نخست به مثابه عامل ایجاد درآمد و سرمایه لازم برای توسعه کشور و دوم به عنوان بستری برای تعامل سازنده در سیاست خارجی با همسایگان، که مورد اخیر می‌تواند مجدداً سبب تنش‌زدایی و رفع موانع و کسب امکانات بین‌المللی و منطقه‌ای لازم برای توسعه باشد. از طرفی سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده با همسایگان، از طریق برقراری روابط متعادل و همراه با اعتمادسازی، فضای مناسب سرمایه‌گذاری خارجی و ورود فناوری خارجی به کشور را فراهم کند.

پژوهش پیش‌رو سعی دارد تا از دیدگاه اقتصادی دیپلماسی انرژی گازی و در فضای وابستگی متقابل اقتصادی ایران و همسایگان، فرآیندهای موجود، نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و چالش‌های توسعه خطوط لوله گازی و انتقال انرژی گاز طبیعی و دیگر فرآورده‌های گازی به همسایگان را تحلیل و بررسی کند و در ادامه، ضمن شناخت ابعاد این همکاری اقتصادی، آسیب‌شناسی این همکاری‌ها و نیز حساسیت‌های موجود را نیز مورد توجه قرار دهد و در نهایت در جمع‌بندی گزارش، پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی را مطرح کند.

کلیدواژه‌ها: گاز طبیعی، دیپلماسی انرژی، اقتصادی، وابستگی.

برنامه‌های آتی رژیم صهیونیستی در گسترش و بهبود وضع انرژی

سید محمدمهدی قادری^۱

چکیده

گال لوفت، کارشناس شهیر و مشاور شورای امنیت انرژی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۰ معتقد بود که کشف منابع جدید هیدروکربنی در رژیم صهیونیستی را نمی‌توان صرفاً یک پدیده کوچک ژئوپلیتیکی دانست. او نیز همچون ولید خدوری، دیگر چهره به‌نام این عرصه، معتقد بود که اهمیت ژئوپلیتیکی این مسئله، منحصر به روابط یا مناقشات میان رژیم صهیونیستی و فلسطین نیست و لاقلاً چندین دولت عرب و اسلامی دیگر نیز درگیر این ماجرا هستند. از دید خدوری، دولت‌های منطقه‌ای که به صادرات گاز مبادرت می‌ورزیدند و به‌ویژه آنهایی که سودای صادرات منابع انرژی به اروپا را داشتند به‌نوعی مستقیم با اکتشافات گازی در حوزه دریای مدیترانه سر و کار پیدا می‌کردند. اگرچه که تا حد زیادی سخنان این پژوهشگران درست است؛ اما گذشته از این درگیری‌ها، خیزش‌های سال ۲۰۱۱ میلادی در کشورهای عربی دامنه مناقشات منطقه‌ای و رویارویی‌های مستقیم را به آن نحو گسترش داد که حتی کشورهایی همچون ایران نیز بیش از پیش درگیر بازی شده و کوچک‌ترین پدیده یا رخدادی مورد رصد و پایش دایمی همه کشورهای قرار می‌گیرد.

این پژوهش به دنبال آن است تا مختصات عمل رژیم صهیونیستی در خصوص برنامه‌های آتی‌اش برای بهبود وضع انرژی و حفظ امنیت در آن، با توجه به چندین متغیر را بررسی کند. ذکر این نکته ضروری است که از آنجایی که نهایتاً آنچه در زندگی مردم سرزمین‌های اشغالی و حتی در بخش‌هایی همچون صنعت و تجارت به‌صورت ملموس از انرژی فهم می‌شود انرژی الکتریکی است، کمتر با داده‌های مربوط به سوخت‌های فسیلی روبه‌رو هستیم. البته واضح است که نمایش کم‌فروغ سوخت‌ها و منابع هیدروکربنی در بخشی که در آن سیاست‌های آتی رژیم صهیونیستی در خصوص وضع انرژی-اش مورد بررسی قرار خواهد گرفت بدان معنا نیست که این نوع از منابع اهمیتی در آینده سرزمین‌های اشغالی نخواهند داشت؛ بلکه به‌عکس حتی صنعت تولید برق در سرزمین‌های اشغالی بر پایه این نوع از سوخت‌ها و به‌ویژه گاز حرکت می‌کند و بنابراین اگر در متن کمتر شاهد نام بردن از این منابع و تمرکز بیشتر بر روی انرژی برق هستیم، در حقیقت باید اهمیت آنها را در تولید برق مستتر دانست.

کلیدواژه‌ها: انرژی، رژیم صهیونیستی، امنیت.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه تهران

بررسی نقش ظرفیت‌های ژئواکونومیکی غرب آسیا در نظم منطقه‌ای

داود رضایی سکه‌روانی^۱؛ و علیرضا محمدزاده^۲

چکیده

مناطق جغرافیایی عموماً یک سلسله پدیده‌های مشابه و عوامل پیونددهنده‌ای دارد که این اجزا به خوبی آشکار و قابل تشخیص هستند. صرف نظر از این عامل، سلسله عوامل پیونددهنده فرهنگی، سیاسی، اقتصادی می‌تواند با ایجاد نظم و ساختار مناسب، یک محیط را از سایر محیط‌های پیرامونی متمایز سازد. کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا بسترهای متعددی برای ایجاد نظم بخشی بیشتر به منطقه دارند؛ اما به دلیل اهمیت استراتژیک و تأثیرات سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و غیره بر سایر مناطق پیرامونی، در ادوار گذشته خود، به شکل‌های مختلف بستر ساز تنش و درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و هم‌اکنون به‌عنوان یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان شمرده می‌شود. بر همین اساس هدف این پژوهش بررسی نقش ظرفیت‌های ژئواکونومیکی غرب آسیا در تعامل و همکاری بیشتر بین کشورها و تأثیر آن در نظم منطقه‌ای است. این پژوهش کاربردی بوده و با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع اسنادی تنظیم شده است. نتایج بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد ویژگی‌های منحصربه‌فرد ژئوپلیتیکی (موقعیت ارتباطی) این منطقه به همراه افزایش روند تقاضای کشورهای صنعتی به نفت و گاز (به‌خصوص کشورهای در حال توسعه) به‌همراه کاهش فزاینده منابع فسیلی در سایر مناطق جهان، به‌مرور زمان بستر رقابت‌ها برای سرمایه‌گذاری، نفوذ سیاسی و نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تنظیم سیاست‌ها و کنترل و نظارت بر کشورهای منطقه را فراهم کرده، به‌طوری‌که می‌توان گفت روند روبه رشد وابستگی کشورهای صنعتی به انرژی غرب آسیا و راهبرد برخی از این قدرت‌ها به‌منظور بهره‌برداری از ظرفیت‌های انرژی به‌منظور کنترل رقبای خود نقش بی‌بدیلی در بی‌نظمی، کشمکش و تنش‌های موجود در منطقه غرب آسیا دارد و در واقع تصمیمات و سیاست‌های دیکته‌شده از طرف شرکا و هم‌پیمانان فرامنطقه‌ای کشورهای غرب آسیا، ناظر بر سیاست و راهبردهای داخلی و منطقه‌ای عمده کشورهای این منطقه است.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، غرب آسیا، نظم منطقه‌ای.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص)

(d.rezaei77@yahoo.com)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

الگوی اتحاد مشارکتی برای تحقق نظم و امنیت عمومی در منطقه غرب آسیا

علی اصغر بهمنی^۱

چکیده

نظم امنیت به‌عنوان زیربنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی پایدار، ارزش بنیادی برای هر نوع اجتماع و جامعه‌ای دارد. به‌دست آوردن این موضوع در جوامعی که از قبل نظم و امنیت داشته‌اند، آسان‌تر به‌نظر می‌رسد؛ اما در جوامعی که بافت‌هایی با تناجس و امنیت کمتری دارند به‌دست آوردن نظم و امنیت دشوارتر به‌نظر می‌رسد، به‌خصوص زمانی که بازیگران متعددی در آن نقش ایفا می‌کنند و منافعی دارند؛ در این صورت امنیت و نظم به دغدغه عمومی تبدیل می‌شود که به توجه و همکاری عمومی نیاز دارد. برای به‌دست آوردن این نوع اشتراک نیاز به برنامه جامع و اقدامات حساب‌شده عمومی و براساس منافع عمومی دارد که تمام کشورها و گروه‌ها در آن به‌طور مشترک به امنیت، نفع و نظم عمومی برسند. البته این موضوع با چالش‌های مشترکی روبه‌رو بوده است که نیاز به برنامه‌ای عمومی، دقیق و حساب‌شده دارد. به‌نظر عاملی که می‌تواند پایه تمامی برنامه‌ریزی‌ها قرار بگیرد همکاری‌های اقتصادی است. با توجه به این‌که همکاری‌های اقتصادی در جهت پیشرفت عمومی می‌تواند منافع و علایق عمومی را به هم نزدیک کند جایگزینی برای نوع تعامل مناقشه‌انگیز سیاسی - نظامی حاکم موجود تواند بود.

پرسش بررسی شده این است که برای به‌دست آوردن نظم و امنیت اشتراکی در جهت نفع عمومی چگونه باید اقدام کرد. فرضیه مورد نظر و مورد بررسی این‌گونه دنبال خواهد شد که برای رسیدن به نفع عمومی باید در ابتدا بر سر میزان منافع و نوع نفع طرفین راهی را پیشنهاد کرد و به‌نظر ایجاد کارویژه‌های اقتصادی برای همکاری‌های اقتصادی می‌تواند به‌عنوان الگوی اساسی در جایگزینی مناقشات سیاسی و نظامی باشد.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، اتحاد مشارکتی، امنیت، فعالیت اقتصادی.

ضرورت توجه به گسترش همکاری‌های غیرسیاسی در توسعه روابط منطقه‌ای

حامد مؤذنی^۱

چکیده

همکاری‌های سیاسی همواره یکی از فاکتورهای تعیین‌کننده در سطح روابط کشورها با یکدیگر بوده است؛ اما تابلوی همکاری‌های سیاسی، خود در لوای پیچیده عناصر دیگری شکل می‌گیرد که تجمیع آن عناصر، شکل‌دهنده کنش کشورها در روابط بین‌الملل است و نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات میان بازیگران دارند؛ چنانچه اگر روابط سیاسی را یک ردای تمام‌عیار از مناسبات کشورها بدانیم، تاروپود آن ردا از عناصری مانند فرهنگ یکسان، مناسبات اقتصادی، تاریخ مشترک، نگاه مردم دو کشور به یکدیگر و مواردی از این قبیل تشکیل شده است که درکل، منافع ملی یک کشور را رقم می‌زنند و حاکمان کشورها را وامی‌دارند در مدار این گستره حرکت کنند و درنظر داشتن چنین ملاحظاتی است که خط‌مشی و جهت‌گیری سیاسی یک کشور در بسیاری از موارد را تعیین می‌کند؛ به عنوان مثال در حادثه سرنگونی جنگنده روسیه توسط ترکیه، بحرانی جدی در روابط میان مسکو و آنکارا به‌وجود آمد که بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند تا زمانی که اردوغان بر مسند قدرت باشد، روابط میان دو کشور عادی نخواهد شد؛ اما به‌رغم چنین باورهایی، شاهد از سرگیری روابط میان دو کشور، بسیار زودتر از آنچه تصور می‌شد، بودیم. در اینجا عامل اقتصادی خط‌مشی سیاسی دو طرف را تغییر داد و نیاز اقتصادی به یکدیگر درنهایت، موجب تغییر مواضع دو کشور شد؛ بنابراین در این پژوهش سعی شده به عوامل غیرسیاسی تعیین‌کننده در توسعه روابط بازیگران در سطح منطقه پرداخته شود که در ذیل به‌طور خلاصه به عوامل مهم غیرسیاسی تعیین‌کننده در توسعه مناسبات منطقه‌ای بازیگران اشاره می‌شود و در ادامه پژوهش به‌طور مفصل‌تر به هرکدام از این اهرم‌ها پرداخته می‌شود.

باتوجه به روابط چندبُعدی و پیچیده امروزی بازیگران که دائماً درحال دگرگونی است، توجه و استفاده از فاکتورهایی غیر از بده‌بستان‌های سیاسی به‌منظور تأثیرگذاری بر طرف مقابل و دستیابی به منافع ملی، امری ستوده و معقول است که در این پژوهش تلاش شده بر استفاده از این‌گونه عوامل تأکید شود.

کلیدواژه‌ها: همکاری‌های غیرسیاسی، توسعه روابط، آسیای مرکزی و قفقاز، مناسبات علمی،

فرهنگی، اقتصادی.

۱. کارشناس روسیه در بنیاد مطالعات قفقاز (Hamedmoazzeni@yahoo.com)

رهبران نسل پنجم چین و جاده ابریشم نوین: راهبرد برون‌گرایی نرم

محمدرضا حق‌شناس^۱

چکیده

پراکندگی و سیالیت قدرت در قالب نظم «چندقطبی / بی‌قطبی» در نظام بین‌الملل، توان و نقش قدرت‌های بزرگ سنتی (عموماً غربی) برای درگیری مستقیم و استراتژیک در مناطق جهان به‌ویژه غرب آسیا را کاهش داده است. به‌همین نسبت، قدرت‌های نوظهور و منطقه‌ای به بازیگرانی فعال تبدیل شده‌اند و می‌کوشند در این فضای نوین، قدرت و جایگاه خود را ارتقا بخشند؛ اما چنین شرایط جدید کنشگری در محیط‌های منطقه‌ای، همراه با دوگانه‌های «نظم - بی‌نظمی، ثبات - بی‌ثباتی، رشد - فروپاشی» است. آن‌گونه که تشدید بحران‌های منطقه‌ای و بازخیزش رقابت‌های درون‌منطقه‌ای، اهمیت و ابعاد نوینی از غرب آسیا و شمال آفریقا را، که سابق بر این بیشتر یک منبع صرف تأمین انرژی بود، برای قدرت برتر نوظهور جهانی چین برجسته کرده است.

رهبران چین نگران هستند که تحولات و روندهای موجود، مانند سقوط دیوار برلین و انقلاب‌های رنگی تهدیدی برای رشد اقتصادی، ثبات سیاسی / اجتماعی و انحصار قدرت سیاسی رژیم حزب کمونیست باشد. سقوط رژیم قذافی در لیبی و بحران سوریه و یمن باعث شده است تا چین برای حفاظت بهتر از منافع خود و دوری از به حاشیه رانده شدن در بازی رقابت برای نفوذ در بین قدرت‌های بزرگ در منطقه غرب آسیا، نقش فعال‌تری را برعهده گیرد. در هر سه بحران یادشده، گرچه چین با اعمال حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل، قادر به اثرگذاری بر فرآیندهای موجود بوده است، رهبران چینی مجبور به در نظر گرفتن اصول چینی و موقعیت‌های مرتبط با هر مداخله مستقیم هستند. این دوگانگی، چالش‌های جدیدی برای نفوذ بیشتر چین در منطقه را به دنبال داشته است و مقامات چینی وادار شده‌اند که درک خود از پیچیدگی‌های نظم منطقه‌ای غرب آسیا را بهبود بخشند.

در نهایت اینکه، مقاله حاضر درصدد است با تکیه بر چهارچوب نظری میان‌منطقه‌گرایی (به‌عنوان حوزه‌ای نوین در مطالعات منطقه‌ای) و همچنین نظر به رویکرد تاریخی چین به منطقه‌گرایی، به بررسی ریشه‌ها، ابعاد، چگونگی اجرا و پیامدهای کنش‌گری‌های جدید چین (ابتکار جاده ابریشم نوین و اهداف چندگانه این ابتکار) بر نظم امنیت منطقه‌ای غرب آسیا بپردازد.

کلیدواژه‌ها: چین، جاده ابریشم، قدرت نرم، راهبرد.

۱. کاندیدای دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس (M_haghshenas@modares.ac.ir)

نقش و جایگاه کشورهای منطقه غرب آسیا در تأمین امنیت انرژی و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران

مصطفی آذری

چکیده

امروزه باتوجه به اهمیت غیرقابل انکار انرژی در توسعه و پیشرفت جوامع، امنیت انرژی از جایگاه مهمی در سیاست‌های اقتصادی و سیاسی کشورها برخوردار است. در این میان، منطقه غرب آسیا از سال‌های دور، به دلیل برخورداری از حجم بالای منابع نفت و گاز، مبدأ اصلی صادرات انرژی بوده و انتظار می‌رود که در دهه‌های آینده نیز این نقش ادامه داشته باشد. این وابستگی حتی با فرض پیشرفت مستمر در صرفه‌جویی انرژی، بهبود عمده در عرضه سوخت‌های تجدیدشدنی و افزایش اساسی در عرضه انرژی از ناحیه گاز، زغال‌سنگ، نیروی اتمی و منابع تجدیدپذیر، همچنان حفظ خواهد شد. حال، باتوجه به جایگاه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک ایران در منطقه غرب آسیا توجه به ظرفیت‌های موجود در کشور و برنامه‌ریزی برای ارتقای جایگاه ایران در تعاملات بین‌المللی ضروری است؛ از این‌رو برای رسیدن به این هدف مواردی از قبیل تبیین استراتژی امنیت انرژی جمهوری اسلامی و پیگیری دیپلماسی انرژی و اقتصادی در سطح منطقه، همکاری و تعامل وزارت نفت با وزارت خارجه در ارتقای دیپلماسی کشور و نیز انتخاب مشتریان راهبردی برای تأمین امنیت تقاضای نفت و گاز ایران توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امنیت انرژی، منطقه غرب آسیا، ایران.

انقلاب نفت و گاز شیل و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن بر بازار انرژی غرب آسیا

محمد صیادی^۱؛ و یونس خداپرست^۲

چکیده

تعامل میان انرژی و سیاست را به بهترین وجه می‌توان در سیاست‌های مداخله‌گرایانه ایالات متحده آمریکا در عرصه انرژی مشاهده کرد. ایالات متحده طی دوره‌های مختلف، سیاست‌های متنوعی برای کاهش آسیب‌های ناشی از وابستگی فراینده به منابع انرژی در پیش گرفته است که در نتیجه آن، وابستگی این کشور به واردات انرژی در سال‌های اخیر به طرز چشمگیری کاسته شده است. افزایش تولید داخلی انرژی به دنبال توسعه صنعت نفت و گاز نامتعارف (شیل) و نیز صرفه‌جویی در مصرف انرژی از عمده‌ترین دلایل این کاهش وابستگی است. بررسی‌های این تحقیق براساس رویکرد تحلیلی و توصیفی نشان می‌دهد حرکت به سوی استقلال انرژی به واسطه پیشرفت‌های فنی در صنعت نفت و گاز شیل، چهره اقتصاد سیاسی حوزه انرژی را دگرگون کرده و قدرت مانور آمریکا در بازار انرژی را به نحو چشمگیری افزایش داده و پیامدهای اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای در بازار انرژی جهان و منطقه غرب آسیا به همراه داشته است. در این راستا لزوم اتخاذ سیاست‌های حوزه نفت و گاز کشور مبتنی بر واقعیات موجود بازار جهانی انرژی، از جمله حرکت در مسیر کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی، به منظور افزایش قدرت واکنش کشورمان به تغییرات بازار جهانی نفت و نیز تعامل سازنده با سایر کشورهای تولیدکننده نفت خام به منظور مدیریت عرضه جهانی نفت بیش از پیش آشکار می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده، سیاست، استقلال انرژی، صنعت نفت و گاز شیل.

۱. استادیار گروه اقتصاد انرژی و منابع دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی تهران

۲. دانشجوی دکترای اقتصاد نفت و گاز دانشگاه علامه طباطبائی تهران

دیپلماسی اقتصادی چین در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نظم نوظهور غرب آسیا

سعیده احمدی^۱؛ و فرزانه صمدیان^۲

چکیده

امروزه کشورها پذیرفته‌اند که تفاوت در عملکرد نهادهای سیاسی و اقتصادی یکی از علل تفاوت در نقش اثرگذاری دولت‌ها در معادلات جهانی است؛ از این رو، دیپلماسی اقتصادی به جزء لاینفک سیاست خارجی کشورها، به خصوص کشورهای پیشرفته، تبدیل شده است. چین به‌عنوان یکی از اقتصادهای نوظهور با استفاده از دیپلماسی اقتصادی توانسته به بسیاری از اهداف اقتصادی و سیاسی خود در سطح جهانی دست یابد. در این مطالعه، خلاصه‌ای از ابزارهای به‌کار رفته در دیپلماسی اقتصادی چین، نقش ایران و منطقه غرب آسیا در این نوع دیپلماسی، چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی ایران و واکنش قدرت‌های جهانی به دیپلماسی اقتصادی پکن در قبال غرب آسیا مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی اقتصادی، اقتصاد سیاسی بین‌المللی، غرب آسیا.

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه علوم تحقیقات تهران (s.ahmadi@srbiau.ac.ir)

۲. کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه علامه طباطبائی تهران (F.Samadian90@gmail.com)

ژئواکونومیک و بازیگران نوظهور در منطقه خلیج فارس مطالعه موردی: چین و هند

محمود نورانی^۱

چکیده

یکی از مفاهیم نوینی که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در عرصه روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک به‌منظور تحلیل مسائل راهبردی و بین‌المللی و رقابت قدرت‌ها از آن استفاده می‌شود، رویکرد ژئواکونومیک است. این رویکرد از ترکیب سه عامل جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و روابط جغرافیا، قدرت و اقتصاد و تعامل این سه عنصر را در جهت کسب قدرت دولت‌ها بررسی می‌کند. در قرن حاضر، انرژی به‌ویژه نفت و گاز در فرآیند توسعه، تعیین امنیت و ایجاد کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان روح ژئواکونومیک نقش‌آفرینی می‌کند. غرب آسیا و پیرو آن منطقه خلیج فارس به‌عنوان یک سیستم ناهماهنگ، ساختار ژئوپلیتیکی (عوامل، محیط جغرافیایی و روابطی که میان عوامل یک کل وجود دارد و جوهره آن قدرت است) و به‌تبع آن کارکردی ناهماهنگ دارد که علی‌رغم وجود سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه به وحدت نظر از حیث اقتصادی و امنیتی و سیاسی و غیره نرسیده که باعث شده در طول تاریخ، بستر بی‌نظمی‌ها و جولان دادن قدرت‌های برتر در این منطقه باشد. طبق نظریه ساختار ژئوپلیتیکی کوهن، مناطق ژئواستراتژی بری (چین) و منطقه ژئوپلیتیکی مستقل (هند) از دیرباز منافع و تهدیدات درگیر به‌هم از دید ژئوپلیتیک منطقه‌ای داشته‌اند. خلیج فارس به‌لحاظ نظریه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست که از نظر منابع انرژی، فضای ژئواکونومیکی مهمی را برای ایفای نقش بازیگرانی چون چین و هند در قالب همکاری، رقابت و منازعه فراهم می‌کند. در این پژوهش سعی شده است اهمیت منابع و انرژی‌های موجود در خلیج فارس برای دو کشور چین و هند بررسی شود، اگرچه با توجه به وابستگی متقابل منافع این کشورها به‌نظر می‌رسد روابط آنها در راستای نوعی رقابت همراه با همکاری در آینده بیشتر قابل پیش‌بینی است. این تحقیق توصیفی - تبیینی و روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: ژئواکونومی، بازیگران خلیج فارس، چین، هند.

۱. کارشناس ارشد جغرافیا، پژوهشگر در حوزه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تبریز (Mahmod.nourani@gmail.com)

اتصال خطوط انرژی و کریدورهای ترانزیتی؛ سناریویی برای ایمن‌سازی حاشیه مرزها؛ مطالعه موردی قفقاز

موسی عبداللهی^۱

چکیده

تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منطقه قفقاز به صورت کامل در سیطره ابرقدرت بلوک شرق قرار داشت و نیروهای فرامنطقه‌ای به دلیل وجود «دیوار آهنین» ایجاد شده در این منطقه توسط مسکو، امکان حضور پررنگ در قفقاز را نداشتند. با فروپاشی شوروی در پایان سال ۱۹۹۰ وضعیت به صورت کامل تغییر یافت. دیدگاه‌های غربگرایانه رهبران جدید روسیه، بحران اقتصادی عمیق روسیه به عنوان میراث‌دار شوروی، بی‌اعتمادی کشورهای تازه استقلال یافته به مسکو و غیره سبب شد که فضا برای حضور نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در فضای پسا شوروی و قفقاز ایجاد شود. وجود ذخایر عظیم انرژی در این منطقه و تلاش قدرت‌های بزرگ برای دسترسی به منابع انرژی و رقابت‌های ایجاد شده برای در دست گرفتن انحصار ترانزیت و انتقال منابع انرژی، سبب ایجاد یک منطقه با اهمیت بالای ژئوپلیتیکی شده است.

این مقاله ضمن ترسیم فضای قفقاز از نقطه نظر طرح‌های ترانزیتی و کریدورهای انرژی که توسط کشورهای مختلف در حال اجراست؛ بهترین وضعیت برای تأمین منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ایران، قفقاز، کریدور انرژی، خطوط ترانزیتی، امنیت.

۱. پژوهشگر مسائل روسیه در بنیاد مطالعات قفقاز (Mousaabdollahi@ut.ac.ir)

**Abstracts of 1st Tehran security Conference:
Regional Security Order in the West Asia**

Compiled by:

*Dr. Seyyed Jalal Dehghani Firouzabadi
and Behzad Ahmadi Lafuraki*

International Studies and Research Institute
Abrar Moaser Tehran

2016

Contents

Chapter 1. Theoretical and conceptual principles and the nature of regional security order in West Asia	17
Emerging driving forces in West Asia’s order and security	
Mohammad Reza Dehshiri.....	19
Development of conceptual and theoretical recognition of security order in the West Asia	
Keyhan Barzegar	20
Six approaches to west Asia studies: With emphasis on the concept of order / security	
Qadir Nasri.....	21
Models of regional order in West Asia	
Farzad Poursaeed.....	22
Analysis of Factors of conceptual evolution of security in West Asia	
Ahmad Jansiz, & Mustafa Tarin	23
Review of power based geopolitical approach in analysis of West Asia security order	
Mahdi Moradi Siasar	24
New order in West Asia, a product of synergism of power and identity	
Manouchehr Shafiei	25
Foreign policy of Sisi’s government in Egypt from viewpoint of neoclassic realism and its effect on regional standing of the Islamic Republic of Iran	
Seyyed Razi Emadi, & Mehdi Alikhani	26
Identifying the west Asia emerging Order in terms of Game Dynamics	
Reza Madjidzadeh, & Bahar Ganji	27
Developmental approach: The missing link of Iran’s security policy in West Asia	
Abdolrasoul Divsalar.....	28
Internationalization of state and its failure in West Asia: Case study of Iraq from 2003 until 2016	
Rohallah Talebiarani, & Yahya Zarrinnarges.....	29
The Qualitative-comparative Analysis of national power in West Asian Countries: a Phases Approach	
Masoud Chari Sadegh, & Seyed Morteza Hezhabrolsadaati	30

4	Abstracts of 1 st Tehran security Conference	
	Iran-US relations in the Future based on the Neo-realism?	
	Tajeddin Salehian	31
	Strategic intelligence Estimate Measures in the Security Order Studies	
	Hussein Moslemi	32
	Explaining the patterns of world powers competitive and cooperative in the regional conflicts (Case Study: West Asia)	
	Mehdi Hedayati Shahidani	33

Chapter 2. The Prospect and the Architecture of regional security order in West Asia	35
Nature of the emerging regional order in West Asia	
Mahmoud Kolahchian	37
Comparative study of developments in West Asia security order before and after 2011	
Iman Safarzadeh	38
Change in Power structure and Political-security Order in West Asia	
Faramarz Hasanzadeh, & Fatemeh Alipour.....	39
Change of security systems in West Asia	
Javad Heirannia	40
Analysis of future outlook for the resistance axis coalition	
Hossein Ajourlou.....	41
Analysis and assessment of factors and grounds for convergence in geopolitical region of the Persian Gulf	
Abolfazl Zamani, & Mohsen Zamani	42
Feasibility of creating deterrence between most important regional and transregional actors in West Asia and its impact on regional order	
Dalileh Rahimi Ashtiani, & Peyman Bakhtiari	43
Capacities for cooperation in West Asia: Case study of relations between Iran and Saudi Arabia	
Mehdi Ahouei	44
Necessities and challenges facing Iran's partnership with cooperative arrangements in Eurasia from 2012 onward	
Afshin Zargar, & Atena Esfandiari-fard	45
The effect of building security complexes on regional security: Case study of Persian Gulf security complex	
Ebrahim Taheri, & Amin Sadeqi Bakyani.....	46
Possibility and impossibility of forming a regional security complex in the West Asia	
Nesa Zahedi, & Seyyed Mohammad Ali Hosseini.....	47
Architecture of West Asian security order	
Farideh Sharifi	48

Linkage of inter-regional and extra-regional patterns in Security making in West Asia	
Aliakbar Jafari, & Vahid Zolfaghari	49
Necessity and requirements of sustainable security in the West Asia	
Mohammadali Basiri, & Mohsen Bagheri.....	50
The Future Regional Order in the West Asia: Geopolitical Competition between Iran and Turkey aimed at Geo-economic Networking	
Ebrahim Taheri	51
The new regional order in the West Asia: Arabic Uprisings and the Changes in Former Regional Order	
Mehdi Zibaiee.....	52
The West Asia regional security complex under the shadow of terrorism and radicalism expansion, 2010-2015	
Babak AzarTash MoghanLu	53
Collective action: A nation-state challenge in the West Asia	
Hussain Beig Miri.....	54
The Prospect of Security Order in the West Asia in the Light of the Regional and Trans-Regional Powers Role	
Faraz Khajevand, & Sajjad Khajevand.....	55
Constructive Chaos: the Resistance axis Opportunities to Containing Crisis; Autopsy of the Levant and Iraq Crises	
Kabok Khabiri, & Amir Hamed Azad.....	56
Globalization and constitution of regional security order in West Asia: With an emphasis on relationship between development and sustainable security	
Mahnaz Goodarzi, & Mohammadkafash Naieri	57
The Arab Countries Defense-Security Alliance and its Implication on Power Geopolitics in the West Asia	
Alireza Rahimi.....	58
Security Order Models (with an emphasis on Iran's security model)	
Hossein Karimi Fard	59
The impact of International system structure on the dilemma of institutionalisation of regionalization in West Asia	
Mohammadebrahim Kazemi Bidokhti	60
Attempts to gain new status in the international system: comparison between Iran and China	
Taj Aldin Salehiyan, Sajad Bahrami Moghadam, & Ziaoldin Sabori	61
The Black box of US-Saudi relations and the future outlook of security order in West Asia	
Alireza Mir-Yousefi Avval	62
The Role of Jihadi-Salafi ISIS Terrorist Group in the Future Identity Order in the West Asian Region	

6	Abstracts of 1 st Tehran security Conference	
	Ghaem Mousavi.....	64
	Possible Independence of Iraqi Kurdistan Territory and its Consequences on West Asia order	
	Bahadur Zarei, & Said Ramezan.....	65
	Political Islam and the future of security order in West Asia	
	Jahanbakhsh Izadi, & Hamidreza Akbari	66
	JCPOA and Changes in Middle Eastern Countries Strategies towards Iran	
	Mohammad Souri.....	67

	Chapter 3. Regional challenges and opportunities and the impact of emerging issues on the regional security order in West Asia	69
	National government challenges and continuation of unrest in the Arab West Asia	
	Seyyed Abdolamir Nabavi	71
	Islamist extremism and escalating chaos in West Asia region: Changing roles and status of Iran, Turkey, and Saudi Arabia	
	Seyyed Asghar Keivan Hosseini.....	72
	A glance at human rights challenges in West Asia	
	Mahmoud Reza Golshanpazhouh	73
	Religious extremism and regional order in the West Asia: From Westphalian order to shadow empires	
	Mehdi Abedi	74
	Outlook of Iraq's domestic crisis and its impact on regional order in the West Asia	
	Davoud Gharayaq Zandi	75
	Environmental security in West Asia: Trends and challenges	
	Davoud Fayyazi.....	76
	Narcoterrorism in the West Asia: An asymmetrical threat posed by hybrid actors	
	Mahdokht Zakeri, & Bijan Aref.....	77
	Geopolitical environmental challenges and regional security: Case study of the role of the Persian Gulf in meeting the Islamic Republic of Iran's interests	
	Hojjatollah Jahani-Rad, Ahmad Hajizadeh, Samad Shammakhi, & Yaser Fathani.....	78
	Religious confrontations and security order in West Asia: Case study of Islamist fundamentalism	
	Hojjatollah Jahani-Rad, Iraj Shahverdi, & Mojtaba Dorafshan	79
	Effect of Syria crisis on West Asia regional security complex	
	Seyyed Hamzeh Safavi, & Seyyed Mehdi Safavi	80
	Threats posed to Iran's national security through growth of Daesh in Afghanistan	

Zahra Tavakkoli.....	81
Failed states, accumulation of crisis and spread of insecurity: Case study of Afghanistan	
Somayyeh Morovvati.....	82
Study of the role played by religious extremism in regional convergence in Central Asia	
Mehdi Mir-Mohammadi, & Mohsen Karimi Shiroudi	83
The Impact of Syrian Fragile Situation upon the West Asia’s Security Developments	
Reza Ekhtiari Amiri.....	84
The vain nation-state building as a root of recent crisis in the West Asia	
Mohammad Rambod Farhoodi Moghadam.....	85
An ignored factor: review of religion role in regional and international politics	
Morteza Shoja.....	86
The Role of the Kurds in Regional Developments of West Asia	
Mohammad Ali Dastmali.....	87
Emerging Issues and the Security Order in the West Asia: Kurds Issue	
Seyyed Hamed Hosseini.....	88
The International Coalition against ISIS: Formation, Achievements, Challenges and Perspectives	
Seyyed Ali Nejat.....	89
Developing convergence in West Asia and countering extremism	
Enaytollah Yazdani, & Mohsen Hekmati khan.....	90
Geopolitical analysis of the factors causing crisis in West Asia	
Reihaneh Salehabadi, Said Sadegloo.....	91
Terrorism; a Tool for Realization the New West Asia	
Yaaghob Ali Olad, & Ehsan Atashpoor.....	92
The impact of water crisis on interactions of West Asia countries	
Fatemeh Mashhadi Bandani.....	93
Hybrid Terrorism: A New Challenge for International Security	
Ali Reza Rezakhah.....	94
South West Asia environmental challenges	
Javad Madani.....	95
The Emergence of Takfiri Groups and the New West Asia plan with an Emphasis on the rise of ISIS	
Saeed Ramezani.....	96
The challenges of regionalization among Islamic states of West Asia: A geopolitical analysis	
Yaser Esmaeilzadeh Imamgoli, & Saeed Tajari.....	97
Asymmetric Power; Determinant Component of Water Security Order in the West Asia	

8	Abstracts of 1 st Tehran security Conference	
	Ahmad Adinehvand.....	98
	The nature of social movements and geopolitical developments in the West Asia	
	Fatemeh Amiri Parian	99
	Review of Muslim Brotherhood’s inefficiency during Islamic Awakening in Egypt	
	Saeed Khazaei.....	100
	Russia's interaction and conflicts in coping with terrorism in Iraq and Syria and their impact on security in the West Asia	
	Muhammad Hussein Moradi	101
	Iran's Regional Opportunities and Challenges Considering the Islamic Awakening in Yemen	
	Hadi Turki.....	102
	Obstacles to end the Syrian crisis and reasons for its persistence	
	Yahya Zarrinnarges, & Atefeh Baghi Shadbad.....	103
	 Chapter 4. Islamic Republic Iran and regional security order in West Asia	105
	Structural limitations facing regional supremacy of the Islamic Republic of Iran	
	Seyyed Jalal Dehqani Firouzabadi.....	107
	West Asia’s geopolitical codes and desirable regional order for Iran	
	Amir Qodsi	109
	Representing Iran's relations with the Persian Gulf Cooperation Council through matricial model of security orders	
	Hamid Reza Kamali, & Mehdi Alaei.....	110
	Iran's strategy for establishment of desirable security order in West Asia	
	Javid Montazeran.....	111
	Geopolitics of Shiism and its impacts on regional order in West Asia	
	Hojjatollah Jahani-Rad, Mojtaba Dorafshan, Iraq Shahverdi, & Ali Akbar Qiyasi	112
	Militarization of the West Asia and cooperative security approach of the Islamic Republic of Iran	
	Reza Simbor, & Behnam Babazadeh.....	113
	Outer Space and its Impact on Iran's Regional Power	
	Gelare Rastegarnia.....	114
	Evaluation of I.R. Iran foreign policy in near-east based on Kenneth Katzman views	
	Fatemeh Mohammadi.....	115
	New Regionalism and challenges of I.R. Iran foreign relations	
	Bahador Zareei, & Atieh Karimi.....	116
	Regional orders in south West Asia and strategy of Iran	
	Gholamali Soleimani.....	117

The Role of the Regional Challenges and the New Security Order of the West Asia in Iran's Foreign Policy	
Ehsan Faramarz Manesh, Seyyed Hamzeh Salehi	118
Iran and the New Regional Order	
Zahra Maarefvand	119
JCPOA and its Effects on West Asia Regional Order	
Iman Ahmadvand	120
Iran and the Persian Gulf Cooperation Council: How a new regional order is shaped on common interests	
Ghassem Osuli.....	121
Iran's West Asia foreign policy regional security threats	
Reza Sarhaddi Gahri.....	122
Iran's Position in the Emerging Regional Order	
Samaneh Ghorbanpoor.....	123
Iran's chances and challenges in West Asia crisis (with an emphasis on Syria and Iraq crisis)	
Amir Hadadpour.....	124
Iran's Desired Order in the Region	
Seyed Ali Akbar Ghanizadeh, & Sayid Qadir Ghanizadeh	125
The Iranian Priorities in the Securitized West Asia	
Kabok Khabiri, & Raziieh Abbasgholi.....	126
The Necessity of Redefining the Islamic Republic of Iran Roadmap in the Southern Caucasus	
Jafar Khashe.....	127
Concluding of the JCPOA and its impact on the enhancement of Iran's regional power	
Reza Zabih.....	128
Security Crises in Southern Caucasia and their Implications on National Security of the Islamic Republic of Iran	
Hussein AssarianNejad, Mohammad Rostami, & Mohammad Javad Ramazani	129
The Effect of Iran on the Regional Order in the light of Global Crisis: Requirements and strategic Consequences	
Behzad Khoshandam.....	130
Public Diplomacy: Neglected Tool in Strengthening and Developing Relations with Neighbors	
Hasan Ashrafi	131
Bahrain Geopolitics and its Impact on Regional Security with an Emphasis on Iran	
Mohammad Ali Ghayoomi	132
Saudi-Iran relation during post-JCPOA (Joint Comprehensive Plan of Action)	
Anna Yousfeian.....	133
Persian Gulf Security and Challenges from the Perspective	

10	Abstracts of 1 st Tehran security Conference	
	of the Islamic Republic of Iran	
	Hava Ebrahimipour, & Ali Adami.....	134
	The Reasons of Divergence in Azerbaijan- Iran Political relations in the Past Decade	
	Jila Ahmadi.....	135
	Iran's Cross-border and expansion-driven Security Strategy and the Russia Complementary Role (Case Study: West Asia)	
	Bahador Zaraei, Shahab Aldin Shafi, & Fatemeh Moghadam.....	136
	The Effects of Afghanistan Upstream Activities on the Iran's East Territorial waters (Helmand River) and its Consequences for the Stability and Security of the Border Areas of Sistan-Baluchistan Province (City of Zabol)	
	Alireza Sholi, Jabbar Vatankhah, & Mohammad Reza Hagi Hossainy.....	137
	Tactical coalition of Iran and Russia in new West Asia; nature, challenges and prospects	
	Alireza Nouri.....	138
	Iran and Saudi Arabia Relationship in the Aftermath of the Syrian Crisis and its implications on the order in the West Asian Region	
	Hosein Ebrahimnia, Heidar Keshawarz.....	139
	The role of Salafi-Takfiri terrorism in building peripheral security environment of Iran	
	Mahdi Eghrarian, Mehrdad Atayi.....	140
	Geopolitical Developments Related to the Kurdish Ethnic Group and Its Implications on National Security of the Islamic Republic of Iran	
	Fereshteh Akbarian.....	141
Chapter 5.	Regional and transregional powers and regional security order in West Asia.....	143
	Saudi Arabia and optimal regional order: Challenges and strategies	
	Hamid Ahmadi.....	145
	Security strategy of the United States in West Asia	
	Ebrahim Mottaqi, Hadi Khosrow Shahin.....	146
	Modified order and security according to Zionist regime's security thought	
	Ali Sabet.....	147
	China in West Asia: Seeking stability and opening	
	Mohsen Shariatinia.....	148
	Russia's security strategy in West Asia: Countering near threats and boosting international role	
	Jahangir Karami.....	149

India's security strategy in West Asia	
Majid Reza Mo'meni.....	150
EU's security strategy in West Asia	
Behzad Ahmadi.....	151
The foreign policy of regional actors and West Asia security in post-JCPOA era (Iran, Saudi Arabia, Turkey and Egypt)	
Mohammad Abdolkhani.....	153
India's policy in West Asia region and its effect on Iran	
Hossein Asgarian.....	154
China in West Asia: Taking advantage of US void?	
Ehsan Sadeqi Chimeh.....	155
Review of the role of regional and transregional powers in emerging regional order	
Mousa Moradqoli, & Maryam Kangarani Farahani.....	156
Rivalry between China and India in West Asia and roles of Iran and Pakistan	
Mohammad Hossein Dehqanian.....	157
The US and desirable Zionism-based order in West Asia: A geopolitical analysis	
Mojtaba Roustaei.....	158
Review of China's foreign policy approach to West Asia	
Abbas Reiszadeh.....	159
Role of Saudi Arabia and UAE in military coup d'état against Morsi's government	
Saeed Khazaei, & Tahereh Ebrahimifar.....	160
Explaining Saudi Arabia's behavioral model toward Iran from 2001 to 2015	
Vahid Mohammadi, & Amir Moshtaqi.....	161
Cooperation fields between Iran and the EU to counter existing challenges in West Asia	
Mohammad Reza Majidi, & Ali Samoudi.....	162
Turkey's policy in the West Asia under the ruling Justice and Development Party	
Dr. Reza Solat.....	163
Turkey's model of regional security order: Interaction and confrontation with Iran and Saudi Arabia	
Elias Vahedi.....	164
Role of Turkey in the Syria crisis and its impact on foreign national security of the Islamic Republic of Iran	
Jamshid Sharifian, Mojtaba Dorafshan, & Hossein Abdollahpour.....	165
The contrast of Russia and the United States policies in Syria and the Islamic Republic of Iran interests	
Mir Ebrahim Sedigh, & Mohsen Sabri.....	166
French Security Policy in West Asia: Searching National	

12 Abstracts of 1st Tehran security Conference

Interests in the Light of Fragile Cooperation	
Tahereh Moghri Moazen.....	167
Main driving forces behind defense diplomacy of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in West Asia region	
Hossein Minaee, & Ebrahim Hajiyani.....	168
Analysis of Turkey’s post-coup foreign policy and future outlook for regional order and security	
Esmat Arefi, Atiyeh Bolbol Amiri, & Mohammad Reza Mohammadi.....	169
Analytic study of Saudi Arabia’s support for terrorist groups and new regional order within framework of offensive realism	
Arash Qodratifar, & Mohammad Reza Mohammadi.....	170
Egypt position in West Asia political-security equations; focusing on developments after Alsisi	
Davood Ahmadzadeh.....	171
Competition of Iran and Turkey as regional powers in Azerbaijan Republic and Its impact on regional order in Caucasus	
Hadi Azami, Monavareh Mahmoudi, & Mohsen Soltani.....	172
The new plan of Russia to terminate Karabakh conflict: The new security order in south Caucasus	
Vali Kozehgar Kaleji.....	173
Israeli Regime role in the West Asia developments and its impact on regional order	
Samira Zarghami.....	174
European Union future scenarios in the west Asia and security status of Iran	
Hossein Mofidi Ahmadi.....	175
The Place of The West Asia in Post-cold War Germany’s Foreign and Security Policies: A Case Study of the Issue of Palestine and the Crisis in Syria	
Ali Adami, & Jabar Khoda Doust.....	176
The Security Policy and strategy of Germany in the West Asia (Weissbuch2016)	
Mohsen Farkhani.....	177
The EU approach towards West Asia	
Ali Sabbaghian.....	178
India's foreign policy approach to regional order in West Asia	
Mandana Tisheh Yar.....	179
Analysis of Russia's West Asia foreign policy considering Kurds issue Mohammad Reza Takhshid	
Morteza Shoja.....	180
India and West Asia regional order	
Mohammad Taghi Amrollahi.....	181
Comparing the soft power of China and India in West Asia	

Ali Omid, & Sajad Amri	182
US future policy in West Asia	
Sahar Karimi, & Azdar Piri Sarmanloo	183
A transformation in Russia's West Asia policies:	
Roots and consequences	
Hamid Reza Azizi.....	184
Israeli Regime's Strategy about Syria Crisis	
Seyyed Yousef Gorashi.....	185
Regional Collapse and Ordering in Saudi's Track of Offensive Strategy	
Kamran Karami	186
An Examination of Egyptian foreign policy After January 2011	
Jalal Derakhshesh, & Tayyebeh Salamat	187
The Areas of Cooperation between Iran and the EU in Coping with the West Asian Crises	
Nesa Zahedi, & Alireza Samoudi	188
Position of the Zionist Regime within the New Regional Arrangements	
Vahideh Ahmadi.....	189
Russa's role in construction of new regional order in West Asia	
Ahmad Vakhshiteh.....	190
USA foreign policy impacts on Persian Gulf security order	
Yaser Esmailzadeh Imamgoli.....	191
The foreign policy of the US presidential candidates Towards West Asia with an emphasis on Afghanistan	
Ahmad Bakhshi, Hossein Ebrahimi, & Mehdi Khoshraftar.....	192
Turkish Security Policy Review on West Asia After the 2016 Coup D'état with Emphasis on Syria	
Marzieh Ghasemi.....	193
Increasing the Power of "Axis of Resistance" and The Emerging Balance of Threat in the Arab-Israeli relations	
Mojtaba Rostaee	194
Power Balance in West Asia and the favorable conditions for US National Interests (2010-2015)	
Mehrdad Halalkhor.....	195
The Interaction between Four Regional Powers Led by Saudi and Formation of a New Regional Order on Its Basis	
Reza Nejabat.....	196
Impacts of Saudi Arabia's Internal Crises on the Changes of its Regional and Foreign policy	
Daryoosh Darvishi.....	197
Approaches to Palestine issue: Changes in security sub-systems in West Asia after Arab spring	
Ali Samadzadeh, & Mahmood Reza Sanamzadeh	198

14 Abstracts of 1st Tehran security Conference

Social desensitization, the third step in normalization of relations between Israeli Regime and Arab countries	
Mohammed Mohsen Fayezi.....	199
The role of structure and agent in Turkey's foreign policy and its effects on West Asian security order after 2010	
Mehdi Vahidi.....	200
Israeli Regime's soft power doctrine to restrain and control Iran with regard to the role of Iran's neighbors	
Milad Rabbani.....	201
The Russian Security Approach and Neo-Eurasianism	
Behnaz Asadikia.....	202
Religious Extremism Management in West Asia: US Strategic Objective	
Mansoor Mirzaiee.....	203
Turkish Foreign Policy on Track to Achieve Regional Power; Engagement and creating challenges contradictions	
Mohsen Hasantabar.....	204
Iran, USA and the Balance of Threat in the Persian Gulf: A New Window into the prevalent Security Dilemma in the west Asia	
Shahireh Nozar.....	205

Chapter 6. International political economy and regional security order in West Asia.....	207
International political economy and emerging regional order in West Asia	
Hossein Pourahmadi, Aref Bahrami.....	209
Geopolitical weight of major economic entrenchments and blocs	
Kioumars Yazdanpanah Daro, & Narjes Sadat Hosseini Nasrabadi.....	210
Iran's role in economic development of Syria and regional order	
Mehdi Chaqazardi, & Sajjad Barkhordari.....	211
The Effect of the Gas Pipeline on the Economic Interdependence of Iran and its Neighbors	
Mahmood Haghpanah.....	212
Role and position of the West Asian countries in energy security and the relevant strategies of the Islamic Republic of Iran	
Mustafa Azari.....	213
The effects of monetary and financial policies in light of economic security we get focus on national security and regional order	
Hussein Amiri, & Muhammad Jafari.....	214
Shale oil and gas revolution and its impact on energy market in the West Asian region	
Muhammad Sayyadi, & Younos Khodaparast.....	215
Chinese economic diplomacy in international political	

economy and emerging order in West Asia	
Saideh Ahmadi, & Farzaneh Samadian	216
Israeli Regime's Future Plans to Expand and Improve Energy	
Seyed Mohammad Mehdi Qaderi	217
West Asian geo-economic potentials and the regional order	
Dawood Rezai Sekkeravani, & Ali Reza Mohammad Zadeh.....	218
Energy and Transit Corridors: A scenario for Secure the Borders (Case Study: Caucasus)	
Mousa abdollahi	219
Fifth-generation leaders of China and the New Silk Road: Soft extroversion Strategy	
Mohammad Reza Haghshenas	220
Public order and security in West Asia: an allied cooperation model	
Ali Asghar Bahmani	221

Chapter 1

Theoretical and conceptual principles and the nature of regional security order in West Asia

Emerging driving forces in West Asia's order and security

Mohammad Reza Dehshiri¹

Abstract

Since emerging driving forces are those factors, which cause change in West Asia's order and security, this paper will try to scrutinize role of structures, actors and emerging processes, as intertwined and interrelated factors, in regional security arrangements.

Among these structures, one can refer to the collapse of strategic systems and absence of an ordering principle in view of dynamics of geopolitical developments; the instability resulting from internal gaps; weakening of the nation-state structure and ambiguities surrounding alternative models and patterns; increased role of the region in the decision-making structure and its down-to-top impact on the security structure; resurgence of geopolitical rivalries among Iran, Saudi Arabia and Turkey; relative disturbance in regional balance of powers and changes in that balance in view of shifting roles; relative role of transregional powers in West Asia's security order and the possibility of a paradigm shift on their part in regional crises; as well as the breakout of asymmetrical wars and low-intensity battles in addition to lasting conflicts and prolongation of regional crises. In conclusion, the author first explains two patterns known as puzzle-shaped (complicated game based on a unilateral approach to demanding maximum share and fending off threat on the basis of a self-centered understanding) and chess-like (cautious measures based on avoiding both union and severe animosity with emphasis on minimum degree of cooperation due to a security-centered mentality). Then, he offers his proposed pattern which is based on smart interaction and strategic resilience, and has its roots in such fundamentals as boosting efficiency of regional governments through sustainable development, avoiding dual thinking based on zero-sum game, desecuritization for the purpose of managing unrest, and attention to asymmetrical, multilayered, overlapping and all-out balance with emphasis on endogenous order.

Keywords: emerging driving forces, order, security, West Asia, asymmetrical balance

1. Associate professor of political science at the School of International Relations

Development of conceptual and theoretical recognition of security order in the West Asia

Keyhan Barzegar

Abstract

This paper studies the process of development in recognizing conceptual and theoretical fundamentals of security order in West Asia (Middle East). The main discussion is that the method for the recognition of security order in West Asia has changed through the region's developments over past decades and it is now carried out on the basis of the method used to provide "regional / transregional security." To develop this discussion, the author first identifies historical turning points in development of this security order in four stages: following World War II, collapse of the former Soviet Union, terrorist attacks on September 11, 2001, and the Arab Spring developments, especially the emergence of Daesh. He then shows how regional developments have made the influential role of the international structure and foreign powers compatible with dynamics and role of regional actors.

At present, conflicts within regional countries and rivalries among them are somehow connected to international security and this issue has encouraged foreign actors to boost regional cooperation in order to manage the ongoing security conflicts. With regard to conceptual development of security order, the author explains how the emergence and spread of terrorism, (especially emergence of the Daesh Takfiri group) in West Asia, and the risks it poses to national security of countries, have bolstered the tendency toward strengthening the role of governments and the existing political and security structures in the regional order. they have also connected this issue to two more issues related to recognition of security issues in West Asia, that is, "globalization and politico-economic integration" in the field of international relations and "good governance and democratization" in the field of political science and, as such, have made a bridge between them. Finally, with regard to theoretical development, the author explains how the ongoing multilayered crises in West Asia region have limited the possibility of recognition of security order through mere reliance on a dominant current in international relations such as liberalism, realism and constructivism. At present, a better understanding of regional security order would be possible through a combination of the aforesaid theories and by reliance on issues related to economic development (liberalism), national security of regional countries (realism) and also by reliance on identity-based and value-based (constructivist) ideas.

Keywords: West Asia, regionalism, statism, globalization, terrorism, good governance

Six approaches to west Asia studies: With emphasis on the concept of order / security

Qadir Nasri¹

Abstract

The course of events in the Middle East (West Asia) during past 70 years has been indicative of intensification of crisis and the region's propensity for crisis. Mere emphasis on a valuable past or intervention by foreigners as well as mistakes committed by leaders cannot explain all these crises. A more basic issue is why this much intervention, attention to the past and mistakes only take place in this region? What is the missing link in the West Asia studies, which has rendered researchers unable to predict the rise of such actors as al-Qaeda and Daesh or explain extreme attention to identity and occupation and decline?

To answer this question, the present paper explores those works, which aim to understand the logic behind continuation and change in the West Asia. Therefore, more than 50 works on the West Asia have been reviewed and categorized within six general approaches: psychological approach, security – strategic approach, political culture approach, political economic approach, cognitive – intellectual approach, and security complex or regional texture approach. This research aims to answer this question: What are dominant methods and ideas in study of the West Asia's issues and what are their weaknesses and strengths? This paper assumes that a comprehensive approach to understanding development and stability in the West Asia is one, which would remain loyal to three key rules.

Keywords: psychological approach, political culture approach, political economic approach, security – strategic approach, cognitive – intellectual approach, regional texture approach, West Asia

1. Associate professor of political science at Kharazmi University of Tehran and graduate of political thought from Tarbiat Modares University

Models of regional order in West Asia

Farzad Poursaeed

Abstract

About a hundred years after the conclusion of the Sykes-Picot Agreement between Britain and France, the contractual borders, which were based on some form of Westphalian order in West Asia, are falling apart. The present paper first explains this situation and enumerates its reasons and then studies models of regional order for West Asia region. The paper will then answer this question: What models of desirable security order exist for West Asian powers under present conditions, what outlook exists for regional order in West Asia over the short term (up to 2020), and what model is more probable to be realized? In response, the author has taken the transitional state of West Asia for granted before elaborating on four desirable models of regional order, that is, “a hierarchical regional order with supremacy of Israeli Regime,” “creating unilateral balance of power against the Islamic Republic of Iran,” “revival of the Ottoman geopolitical conditions,” and “establishment of some form of regional unity against the Zionist regime.” Finally, and in the last part of the paper, these four models have been taken as the basis for delineation of future outlook of the security order in West Asia on the basis of three scenarios of “continued regional rivalry with tension,” “reduction of tension in regional relations,” and “renewed US interventionism,” which the author believes constitute models of West Asia security order for vision 2020.

Keywords: West Asia, regional order, models of security order, regional security complexes, regional entrenchments, interventionism of transregional powers, vision 2020

Analysis of Factors of conceptual evolution of security in West Asia

Ahmad Jansiz¹, & Mustafa Tarin²

Abstract

Security as a key term in Politics has evolved during the past decades along with international developments. In traditional approach based on Westphalia thought, security is linked with militarism, and foreign threats against state. But the modern school of thought emphasized that security is multi-aspect concept and military is merely one aspect among them. With the transition from modern to post-modern discourse, the recent one suggests philosophical change in the nature of security. This discourse challenges the key status of state in security conceptualization and focuses on human reference of security. This article tries to analyze the evolution of security concept in West Asia and seek to explain its reasons. Authors argue that some factors such as Soviet collapse, and Structural changes in International system, forced states to change their perception of security.

Keywords: Security, West Asia, Conflict, Military technology, communications

1. Associate professor of Politics at Gilan university

2. Graduate student of IR at Gilan university

Review of power based geopolitical approach in analysis of West Asia security order

Mahdi Moradi Siasar¹

Abstract

There have been two traditional approaches of Realism and Idealism in IR. Geopolitics is categorized in Realist tradition of IR. According to realism, states are the main actors and their goal is to achieve national interest and security. Author argues that domination of this approach is the origin of especial kind of arrangements in West Asia. Author tries to discuss that which theoretical approach of IR could best analyze the developments of West Asia. His Hypothesis is that power based geopolitics is the more useful approach to explain this region.

Keywords: West Asia, Geopolitics, Trans-regional actors

1. Mahdi.moradi95@chmail.ir

New order in West Asia, a product of synergism of power and identity

Manouchehr Shafiei¹

Abstract

Following the Arab spring and its spread to Syria, West Asia was faced with new non-state actors in a new form and this encounter put them at the center of security studies. Before that, and like what happened in Afghanistan after its invasion by the Soviet Union, or in the post-Saddam Iraq after its invasion by the United States, such groups fought against the foreign enemy while showing respect for the systemic order. However, Daesh group is an anti-system group, which fights to change the system and its aim is integration under the aegis of the caliphate. Emergence and spread of Daesh in West Asia, of course, did not led to a systemic change, but had new effects on regional order. Its most important effect was forming a network of identity-based actors in West Asia comprising both states and non-state actors, which connect to each other on the basis of cultural factors, and in this network, states and other actors enjoy relatively equal positions. The second impact was that to the extent that fragility of states increases, position of non-state actors is bolstered within the network. The third effect is that the composition of the identity-based network, which consists of non-state actors, main states in this system and failed states, depicts a pattern of conflict in which identity and power do not serve each other, but there is synergism between them. Therefore, the existing order in the region is not merely at the service of power, but is the product of direct synergism between power and identity and these two factors turn into a tool to control the network. The goal of this research is to identify position of non-state actors and understand their impact on the regional order as well as their impact on the interests of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: West Asia, order, identity, power, non-state actors

1. Master's degree graduate of international relations; University of Tehran;
manouchehrshafiei@yahoo.com

**Foreign policy of Sisi's government in Egypt
from viewpoint of neoclassic realism and
its effect on regional standing of
the Islamic Republic of Iran**

Seyyed Razi Emadi¹, & Mehdi Alikhani²

Abstract

One of the most important features of Egypt's foreign policy is lack of change and lasting nature of its strategies. The orientation and strategies adopted by the government of Abdel Fattah el-Sisi is such that despite limited changes, foreign policy analysts have come to describe it as the continuation of "Mubarakism" in the Egyptian government's foreign policy. The main reason behind sustainability of foreign policy in Egypt is the effect that three levels of analysis (personal, national, and international) have on this policy and from this viewpoint, it has been a focus of attention by the theory of neoclassic realism. The authors are trying through the theory of neoclassic realism and a descriptive-analytical method to answer this question: what effect will Egypt's foreign policy strategies under Sisi's government have on the Islamic Republic of Iran's regional standing in the West Asia?

Keywords: Egypt's foreign policy, sustainability of foreign policy, systemic variable, internal variables, Iran's regional standing

1. Doctoral degree in international relations

2. Assistant professor and faculty member; Islamic Azad University; Political Science Group; Takestan Branch, Iran

Identifying the west Asia emerging Order in terms of Game Dynamics

Reza Madjidzadeh¹, & Bahar Ganji²

Abstract

West Asia is on the edge of important developments. In recent years, several revolutions taken place in the region on the one hand and war, terrorism and the great powers interventions has challenged independent and territorial integrity of some regional countries on the other hand. Although the current West Asia situation is chaotic and it seems has not a specific process, but the chaotic status is depended to the primary conditions according to the chaos theory, and it can be possible understanding the causes of such processes through identifying the historical tracks and drawing the regional order perspective according to the processes. Thus, the causes of frequent rabbit hunting equilibrium in the region, in the course of history, will identified and studying the future West Asia order states becomes possible. The paper review the procedures leading to establishment of the current crossing state in the West Asia and dynamics of social order in the region and identifying the processes leading the shaping its future structure relying on conceptual and methodological components of game dynamics. If we consider the field of confrontation and conflict of interests in the West Asia as a game, the game state space or its dynamic system will have a specified distribution of strategies and efficiency. Then, it can be possible studying the future strategies and actions of regional actors and drawing the possible regional order states.

Keywords: West Asia, games theory, terrorism, revolution

1 . MA in Development and Economic Planning

2 . MA in Development and Economic Planning

Developmental approach: The missing link of Iran's security policy in West Asia

Abdolrasoul Divsalar¹

Abstract

Iranian security policy in West Asia in order to maximize utilization of power elements and stabilize Iran's position as a regional power, in addition to international responsibility, needs to apply an approach which empowers Iran to play role in constitution of security order. Such an approach legitimizes and stabilize security role of Iran in West Asia. Author argues that reliance on military and defense policy wouldn't guarantee achievement of that goal. The main question of this article is how to legitimize Iran's security role in the region and how to promote Iran's ability in constitution of security order. Author proposes to take developmental approach in security policy and adjust security-development relation in Iran's Macro regional security policy. He claims that mixing development with security policy could increase positive aspects of Iran's regional power and legitimize her role in constitution of security order.

Keywords: Security, Development, Security order, Defense power, Developmental security, Security legitimacy

1. PHD candidate of political science in Tehran university, adivsallar@ut.ac.ir

Internationalization of state and its failure in West Asia: Case study of Iraq from 2003 until 2016

Rohallah Talebiarani¹, & Yahya Zarrinnarges²

Abstract

A large part of crisis in West Asia is concerned with the failure of internationalization of state in this region. Until the identity of state in West Asia countries has not shaped, we can expect different conflicts in the region. Domestic problems in different aspects of statecraft (social, economic and military), provides the ground for external interventions and consequently the failure of state building under the subnational and transnational pressures. Authors argue that the destructive interaction of domestic factors (constitutive factors) and external intervention (consolidating factors) is the main cause of state building failure. They case study this argument in Iraq from 2003 until 2016. They believe that the outcome of interaction between domestic factors and external factors in Iraq has been the failure of state building.

Keywords: Constitutive factors, Consolidating factors, Failed state, Iraq, International state

1. Assistant professor of IR in SBU, aranipolitics@gmail.com

2. Graduate student of regional studies, yahyazarrin@gmail.com

The Qualitative-comparative Analysis of national power in West Asian Countries: a Phases Approach

Masoud Chari Sadegh¹, & Seyed Morteza Hezhabrolsadaati

Abstract

National power is important in the achievement of the national goals and interests. States usually face difficulties and emergency conditions in their mutual relations and their national power is a determining factor in the way they pass such situations. They can shift the situation to their own favour if they are powerful enough and the weaker states have to tolerate defeat and ignore their interests most of the time.

The security of a country is mostly dependent on its power. Factors like geographical position, population, economic conditions, government type and nature, national identity, history, ideology, etc. define the power level and power orientation of a country. In most cases, national security and national power are considered the same. There are various substantial and insubstantial sources for national power importance and value of which is not fixed over the time. So, considering the geo-political position of the West Asia and the cultural similarities of its actors, a comparative analysis must be done to learn about the necessary strategies and prerequisites to gain a superior national power in the region.

Keywords: National power; Gross National Product (GNP); Domestic power; Ethnic, Language, and Religious gap; Phases comparative analysis; West Asia

1. charimasoud@gmail.com

Iran-US relations in the Future based on the Neo-realism?

Tajeddin Salehian¹

Abstract

Neorealism is one of the important approaches in exploring regional and international issues. The developments and changes occurred in the world security and the increase in the actors' number has led to new versions of realism. Structural realism (neorealism) has two versions: defensive and offensive. We can also refer to neoclassic realism. The most recent versions of realism which are based on the neorealist approach of Kenneth Waltz, are related to Bert Hansen, and Peter Toft two scholars of this field. They have tried to apply some changes to Waltz's approach while preserving its basics. They insisted on preserving the status quo but at the same time, were studying the effects of partial power, partial security, and partial ideology on the state strategies' becoming offensive or defensive.

This essay tries to study future Iran-US relations in the framework of Hansen et al approach. This model doesn't reject the principles proposed by Waltz (the anarchy in the international system, states self-help to gain security and survival). According to this framework, if a state faces a threatening power, it must make a strategic decision between 'balance' and 'follow'.

Keywords: Iran, The United States, JCPOA, Neo-realism

1. salehiyant@yahoo.com

Strategic intelligence Estimate Measures in the Security Order Studies

Hussein Moslemi¹

Abstract

Security is a multi-dimensional and complex concept and its actors regarded "security" as "controlled insecurity" and considered their own security in others insecurity. Security order as a dependent variable along with many factors such as the structure of the international system and the intervention of the Great Powers, regional divergences and convergences, national security structure in the field of economy, culture and politics ... affected by "insecurity" as an independent variable. So the substantial subject in the security order studies is understanding, superiority and security and intelligence analysis from the destabilization dimensions that actors perusing in their favorite security and order. The paper question is that what is the position and measures of intelligence and security analysis in the regional security order studies? To answer this question, through the descriptive and analytical approach, elements and components of the intelligence and security analysis in security studies explained in the three areas, description, explanation and analysis of the six criteria that included: 1) detailed design based on reliability, credibility and determination and patterning; 2) Taking into account the different angles and options related to "conflicting hypotheses, high alpha and probability low beta and decisiveness"; 3) accurate and complement data that are valid, providing facts and options, refer to the documentations and proper processing, credibility and focus on data that refute hypotheses; 4) analyze compelling, data presentation and argument (solid judgments) and conclusion and the use of analytical techniques, noting weaknesses which cannot be prevented; 5) direct contact between data, conclusions and options with the consumers; 6) Timely and explicit warnings that convert the probability of threat to reality.

Keywords: security order, strategic intelligence, security

1. PHD candidate

Explaining the patterns of world powers competitive and cooperative in the regional conflicts (Case Study: West Asia)

Mehdi Hedayati Shahidani¹

Abstract

One of the most important tools to create a regional order is power. However, in the process of creating order in a region, the tool faced with resistance so that may play a larger role in the process of establishing regional order. After the end of the Cold War, as the space was prepared for the use of unilateralist patterns by America to create a regional order unilaterally, by contrast, resistance also took place with this process from other global powers. The most important strategic reactions to American actions come from other global powers that are present around the conflict areas. This will be mainly due to the normative rationality of actors and not a physical one. For example, with the decrease in the willingness of the United States in various geopolitical fields, differences between the country and the central powers increased. The powers should tries to take an independent sphere of influence for their own. Reacting to the America's behavior in East Europe (including NATO expansion and missile defense shield) from Russia, China concerns about the change of gravity to Asia-Pacific strategy from United States in 2013 and so on are most important signs of such reactions to the behavior of hegemony in the regions. International trends indicate that countries such as China, Russia and even Europe are concerned about the sustainability of America's leadership.

The West Asia Troubled region issues such as Syria are the most important instances that both Russia and the United States are seeking implicit cooperation to make decision to its final.

Keywords: world powers, competition, cooperation, balance of power, America, Russia

1. member of the Department of Political Science, University of Gilan

Chapter 2

The Prospect and the Architecture of regional security order in West Asia

Nature of the emerging regional order in West Asia

Mahmoud Kolahchian¹

Abstract

During late 20th century and early years of the 21st century, West Asia region underwent developments, which paved the way for acceptance of the new regional order.

The aforesaid changes have raised questions about the nature of the emerging regional order in West Asia and scenarios that can be imagined for it. This paper's hypothesis is based on a three-dimensional approach, which explains that given the general situation of the region in the 21st century, three forms of emerging order can be imagined for West Asia: 1. a regional cooperative order through creation of a union in West Asia based on ethnic (Arab) or religious (Islamic) approaches; 2. Networked order through having regional allies by forming cooperation and interaction networks; and 3. a regional order based on separate entities in which some countries play the role of a regional gendarme, and they are ranked on the basis of their impact on regional developments. The aforesaid conceptual model is collectively discussed here through an approach to study of the existing trends and by taking advantage of the scenario planning technique and Delphi method.

This paper aims to take a forward step in direction of regional developments, monitor the region and prevent being taken by surprise in the region through monitoring all new regional arrangements in West Asia.

Keywords: order, West Asia, scenario planning

1. Faculty member; Imam Baqer University

Comparative study of developments in West Asia security order before and after 2011

Iman Safarzadeh¹

Abstract

Since a long time ago, West Asia has been a region full of tension and countless historical incidents. It has been a cradle of divine religions and a constant focus for global attention because of its strategic position, abundant energy resources, the issue of Palestine, and currently, due to such phenomena as extremism, terrorism and immigration. Evolution of a security order in the West Asia, as a security complex, started right after the fall of the Ottoman Empire and through establishment of new nation-states on the basis of the Sykes-Picot Agreement. However, developments that unraveled after 2011 have come to be known as a new turning point in the history of the West Asia following the fall of the Ottoman Empire, so that, one can claim that the role of regional actors in creation and establishment of the new regional order in the West Asia has become more effective than the past. Following the Cold War, Middle Eastern governments were built and supported by foreign actors and survival of those governments depended on their support. However, developments that unraveled after 2011 led to collapse of dictatorships, which had been in power for many years through support of foreign actors. This change of governments in the region to some extent increased the maneuvering room for regional actors. However, another outcome of developments, which have taken place since 2011, was the rise and increasing power of terrorist and extremist groups that aimed to change borders in the West Asia, which had been set in accordance with the Sykes-Picot Agreement.

Following Arab revolutions in 2011, the past security order, which had been forged by traditional dictatorships, fell apart and the subsequent chaos paved the way for Takfiri terrorist groups to gain power in the West Asia and they became so powerful that they managed to occupy the two countries of Syria and Iraq. Although Iran and Saudi Arabia, which follow different ideologies, have always been competing to increase their regional power, their rivalry developed into new dimensions and became more outright following the Arab Spring developments. Iran and Saudi Arabia pursue realization of a maximum degree of their interests and are trying to have the strongest effect on shaping the new security order in the region.

Keywords: security order, Arab Spring, regional actors, foreign actors, terrorism

¹ Master's degree student of Middle East studies at Iranian Foreign Ministry's School of International Relations

Change in Power structure and Political-security Order in West Asia

Faramarz Hasanzadeh¹, & Fatemeh Alipour²

Abstract

Political context in West Asia is full of vertical and non-democratic power structures in which application of power is up to down. This type of power application intensifies political and cultural differences, highlights interest conflicts and cause extensive dis-order among regional actors. The main question of this article is how to shape political-security order in West Asia? Authors argue that disorder lies in power structure in the region and claim democratic peace theory brings a good framework to change the power structure from centralized to democratic and pluralistic structures. They believe that democratization of power deters the regional actors from conflict and violent disputes.

Keywords: Power structure, Political context, Democratic peace

1. Faramarz.Hasanzadeh_UMZ@Yahoo.com

2. Fa.Alipour1992umz.ir@gmail.com

Change of security systems in West Asia

Javad Heirannia¹

Abstract

Security studies have evolved to multi-dimensional approaches in analysis of security. Globalization and developments after 9/11, in turn has spread network conception of security. The recent upheavals in West Asia show that security issues and references in this region have been differentiated from its classical views. While in traditional view the goal and reference of security is state and security issues are mainly military, but the new upheavals underlines that security is neither state-based nor military. Author argues that the dominance of realistic approach in the region is the main cause of regional disorders, because in this view analysts do not care about sub-national issues which are the focal point of regional insecurities. This article proposes to change security approach in the region from realistic to human security school and tries to explain 9/11 and Arab spring impacts on security orders in the region.

Keywords: West Asia, Security systems, Security, September eleventh, Realism

1. PHD candidate of IR in Islamic Azad university, the chief editor of Persian gulf group in center for middle east studies

Analysis of future outlook for the resistance axis coalition

Hossein Ajorlou¹

Abstract

This paper aims to answer the question that on what basis has the resistance axis been established and what is the future outlook for this coalition in view of the forthcoming developments? The resistance axis coalition is one of the most effective coalitions in West Asia, which has been established to counter such threats as expansionism; identity, security, and social threats; as well as Takfiri groups, and developments ahead of this coalition are of special importance due to the impact that it has on regional and international equations.

It seems that this coalition has been formed on the basis of the security conditions and threatening atmosphere that governs West Asia and its future fate depends on optimizing such strengths as supporting anti-Israeli resistance, relative geographical continuity, coalition's organizational structure, and spirituality in addition to minimizing such weaknesses as different ideologies, low-key diplomatic activities and publicity weaknesses. Other factors that affect its future include management of threats and maximum use of such opportunities as the fragility of the conservative axis' coalition, Russia's support and the United States' passive policy in West Asia.

Keywords: building coalition, resistance axis coalition, tense environment of West Asia, strategic analysis

1. West Asia researcher: hoajorloo@yahoo.com

Analysis and assessment of factors and grounds for convergence in geopolitical region of the Persian Gulf

Abolfazl Zamani¹, & Mohsen Zamani²

Abstract

From the viewpoint of political geography and geopolitics, geographical factors and elements, and specifically geographical regions, play a role in political events and processes. One of these geographical regions is the Persian Gulf, which plays a unique role in global developments. Due to various factors, including energy resources, waterways, strategic factors, its significance for big powers, a big consumer market and so forth, this region is of high importance in global equations, so that, the Persian Gulf can be considered as the most internationalized region of the world in the early years of the third millennium.

Therefore, creating convergence in this geopolitical region and strengthening it necessary grounds are considered as a requisite for development and progress in this geopolitical region. This research uses a descriptive-analytical method to study potential and active factors and grounds for convergence in the geopolitical region of the Persian Gulf. The research findings show that the most important of these factors include environmental issues, geo-cultural factors, cultural commonalities, economic factors, and existence of huge hydrocarbon reserves in addition to common interests.

Keywords: convergence, region, geopolitical region, Persian Gulf

1. Master's degree student of political geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University

2. Doctoral student of political geography, Political Organization of Space, Faculty of Geography, University of Tehran

Feasibility of creating deterrence between most important regional and transregional actors in West Asia and its impact on regional order

Dalileh Rahimi Ashtiani¹, & Peyman Bakhtiari²

Abstract

The West Asia continues to remain a region of endless disputes while being the most internationalized region in the world as well. Issues of this region have provided a ground for the overlap among interests of transregional actors and this overlap has close ties with the power structure within regional countries.

Internal relations in this region have been mixed with uncertainty and unrest for a long period of time while interventions by transregional powers and wars among governments in addition to political developments and revolutions and ethnic violence have made this region's problems more complicated. Meanwhile, the issue that seems to be important is the high number of political actors in the region. On the whole, regional actors can be divided into three general categories: regional, transregional and global.

In this paper, Iran and Saudi Arabia have been considered as the most important regional actors while Russia is the transregional actor and the United States is the global actor present in the West Asia. The main question of the paper is will it be possible to create deterrence between Iran and the existing powers in the region?

The assumption of the present paper is that Iran can create deterrence between itself and transregional and global actors through forging balance with Saudi Arabia and this issue will be beneficial to Iran in medium term. The paper then focuses on the ways of creating this deterrence. This paper also tries to explore relations among the most important regional actors (Iran and Saudi Arabia), the transregional actor (Russia), and the global actor (the United States) by taking advantage of realism as a paradigm and within the framework of the deterrence theory, while discussing their effect on Iran's foreign policy.

Keywords: Iran, the US, Saudi Arabia, Russia, deterrence, balance of powers

1. Master's degree student of international relations; University of Tehran: d.rahimiashtiani@gmail.com

2. Master's degree student of international relations; University of Tehran

Capacities for cooperation in West Asia: Case study of relations between Iran and Saudi Arabia

Mehdi Ahoei¹

Abstract

Existence or lack of relations between Iran and Saudi Arabia has been a major topic of study for academics, policymakers and regional analysts. Such discussions have been increased due to revelations about geopolitical rivalries between these two countries and its consequences for the critical region of the West Asia. As two influential powers in the region, Saudi Arabia and Iran play a vital role in its developments. Therefore, understanding their relations and regional conditions that cause their rivalry are necessary for conceptualizing a new type of relations whose outcome will be a different West Asia.

This paper reviews contemporary history of relations between Iran and Saudi Arabia, arguing that both countries will be benefited by détente in their relations more than current hostile positions. The two Muslim powers will be considerably benefited by this type of new relations from viewpoints of security, economic progress and moral legitimacy. In addition, this paper claims that in terms of more expanded regional relations, cordial ties between the two countries will provide necessary grounds for the creation of a sustainable and more powerful regional order in West Asia.

Keywords: cooperation, West Asia, Iran, Saudi Arabia

1. Assistant professor; Faculty of World Studies; University of Tehran; senior advisor at Center for Strategic Studies

Necessities and challenges facing Iran's partnership with cooperative arrangements in Eurasia from 2012 onward

Afshin Zargar¹, & Atena Esfandiari-fard²

Abstract

The general approach taken to regionalization by world politics has revealed itself in various forms of regional convergence. Specifically, and during past decades, Eurasia has made a good display of such convergence. Conceptual and institutional expansion of various concepts of regional convergence in Eurasia has become manifest in the form of various regional organizations, which cover different issues from security issues to coalitions among countries speaking the same language. This region has been characterized by geopolitical importance, its vast area as well as existence of many neighboring countries, which have been under tangible influence of convergence. Expansion of collaboration with cooperative organizations, coalitions, alliances and other cooperative arrangements has been among necessities of Iran's foreign policy in order to expand the country's international relations and reduce tensions with those powers that are influential in international system. Without a doubt, expansion of bilateral relations between Iran and Russia will pave the way for bolstering cooperation between Iran and cooperative arrangements in Eurasia. the question is how Iran's presence and membership in regional unions and organizations can help secure the country's political and economic interests? This paper discusses expansion of cooperative collaboration and partnership relations of the Islamic Republic of Iran in Eurasia taking into account relevant costs and new challenges facing Iran in its effort to meet its political and economic interests.

This paper uses a descriptive-analytical method with emphasis on the framework of neoliberal theories.

Keywords: regional convergence, international relations, Iran, neoliberal theories

1. Faculty member, Islamic Azad University, Karaj Branch: zargar.a2003@gmail.com

2. Master's degree student of international relations; Islamic Azad University, Karaj Branch: Atena.esfandyari@gmail.com

The effect of building security complexes on regional security: Case study of Persian Gulf security complex

Ebrahim Taheri¹, & Amin Sadeqi Bakyani²

Abstract

Security complexes are among new concepts in security studies, whose goal is to study the security puzzle within a security complex. To study national and regional security, one must first study the security complex and its characteristics. Following the study, individualist or collective structures are building based on whether the internal structure of the security complex bolsters threats or common interests. Each of these structures has certain outcomes within the security complex and influence national and regional security within two main formats of securitization or desecuritization.

The present paper aims to study the impact of building security complexes on the regional security. This research takes advantage of a descriptive-experimental (statistical) research method to first scrutinize the present security model in the Persian Gulf and its security outcomes. Then, it explains security models governing the Persian Gulf region to study the way that foreign policy strategies of regional countries, especially the Islamic Republic of Iran, are formulated in the face of security challenges in the Persian Gulf. The paper's findings are based on this hypothesis that the security model governing the Persian Gulf security complex is an individualist security model based on unilateral deterrence and balance of powers. Therefore, in view of rules that govern these two individualist models of security, regional security in the Persian Gulf faces desecuritizing challenges.

Keywords: security complex, Katzenstein and Barry Buzan theory, security model, national security, Persian Gulf

1. Assistant professor of political science, Yazd University

2. Master's degree in Middle East studies, University of Tehran: sadeqi.amin2081@gmail.com

Possibility and impossibility of forming a regional security complex in the West Asia

Nesa Zahedi¹, & Seyyed Mohammad Ali Hosseini²

Abstract

The West Asia is among exceptional regions of the world, so that, no agreed and lasting security arrangements have been established there. A weak and incongruous economic structure characterized by rent seeking and corruption, fragile political stability along with a feeble and a borrowed state building process have led to long ethnic and religious conflicts and creation of protest movements in this region. In the meantime, establishment of a security complex in the West Asia will lead to development of peace and stability in the region in both political and economic fields. The main question of this paper is what conditions and components affect establishment of a regional security complex in the West Asia? The hypothesis of the paper makes realization of a security complex in the West Asia conditional on existence of complementary economic structures for member states of that complex, boosting political cooperation and reduction of interventions by big powers.

Keywords: regional security complex, the West Asia, economic structure, political stability

1. Faculty member, Mofid University of Qom: n_zahedi@ut.ac.ir

2. Master's degree in regional studies, Mofid University of Qom

Architecture of West Asian security order

Farideh Sharifi¹

Abstract

West Asia is the world's most important conflict center. Perhaps no other region in the world is not so much crisis and stressful. Conflicts in the region are rooted in border and territorial disputes, ethnic divisions, ideological contradictions, natural resources specially oil and gas and trans-regional interventions. Each of the problems impact on regional security equations lonely and in some countries, the combination of these factors or some of them lead to disputes and conflicts. Extensive focus on the global system level during the Cold War and its impact on national security led to neglect of regional arrangements and its advantages. But at the end of the era and increasing the role of multilateralism and multilateral mechanisms, regionalism and its different dimensions was considered. In the new security approach, political legitimacy, military, economic and strategic capabilities, and also religious and ethnic considerations are involved. In the other words, West Asia is a geopolitical area that the processes of globalization encountered in its context and have created a special and complex equation for the region. The question paper is: how it should be a newly West Asia architectural design and planning to create new arrangements and end the long-standing conflicts in the region? It seems cooperation between nations, states and non-governmental institutions is a necessity of the new security framework.

Keywords: security, crisis, regionalism, security complexes

1 . PhD candidate, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

Linkage of inter-regional and extra-regional patterns in Security making in West Asia

Aliakbar Jafari¹, & Vahid Zolfaghari²

Abstract

West Asia, especially the modern West Asia, is the cemetery of most IR theories. Theories of causes of war, deterrence, diplomacy and pressure have been failed in the test of historical events of West Asia during the recent fifty years. Unfortunately this region, in addition to Africa, is the center of most wars and insecurities with global impacts. From comparative view, this region has the least regional coherence in contemporary world. This article tries to describe security orders in West Asia including pluralistic and multilateral management, Great powers concert model, security equation model, Balance of power model, Comprehensive order within the greater West Asia initiative, West Asia security under the globalization and post-cold war security order in West Asia. Author claims that sustainable security in the region is the product of combination of political and economic models. These models include economic cooperation of West Asia states in global level, multilateral cooperation with regional economic organizations, regional and inter-regional economic cooperation.

Keywords: Security making, Theoretical model, Economic cooperation, Inter-regional, Extra-regional

1. Assistant professor of politics in Mazandaran university, A.jafari@umz.ac.ir

2. PHD candidate of comparative politics, zolfaghari.vahid@gmail.com

Necessity and requirements of sustainable security in the West Asia

Mohammadali Basiri¹, & Mohsen Bagheri²

Abstract

The West Asia is the most insecure and crisis-hit region of the world. Although security is a rare commodity in the world, but in the West Asia it is also very expensive. In the cold war era, security approaches were limited and narrow and only hard and negative security was priority of states. After the cold war, the concept of security is extended and positive aspects in addition to social, cultural and societal aspects are considered in security thoughts. Sustainable security is a reaction to reductionism in security approaches which only focuses on military and economic aspects. Sustainable security suggests fundamental changes in attitudes about security which makes security a global issue based on human level of analysis. This concept claims that security is not achieved by countering violence, and needs to manage the causes of violence, too. Therefore sustainable security simultaneously considers ontological and physical aspects of security. Author argues that managing insecurity in West Asia needs sustainable approach toward security order in the region. This article tries to analyze the requirements of such an approach in West Asia.

Keywords: Sustainable security, National security, Human security, Global security, West Asia

1. Assistant professor of politics in Isfahan university

2. PhD candidate of IR in Isfahan University

The Future Regional Order in the West Asia: Geopolitical Competition between Iran and Turkey aimed at Geo-economic Networking

Ebrahim Taheri¹

Abstract

Assuming that order means organizing the behavioral pattern of the involved players, the question arises that what the nature of such organization have been for the two prominent players of the West Asia, namely Iran and Turkey, especially during the Islamic-Arabic revolutions. And how this issue might have affected the future of the regional order regarding geo-economic networking approach?

It is claimed in this paper that the regional order in the West Asia has come to being in a geopolitical context. Yet it has geo-economic outcomes, particularly for the regional network of Iran and Turkey. For example, the formation of such an order is deeply dependent upon the kind of the ruling regimes in Yemen, Syria and Bahrain and the mechanism of fighting against ISIS in Iraq. Iran or Turkey's success in giving an order to Syria's future political system will considerably influence the success or failure of the regional geo-economic network of the two countries. Of course each of these countries enjoys capacities that can function as assisting reactions impacting the future regional order. The stance of these major powers, their capabilities and economic potentials, as well as their cultural capacities can affect the aforementioned issue. The objective of this paper is the examination of the future regional order in light of the recent developments.

The research approach used in this paper would be inductive-deductive, i.e. it aims to procure its theoretical methods using prevalent theories in order to apply them to the current developments of the West Asia. To apply such an approach, the theoretical foundation of the paper will primarily introduced and explored within a network. Then, it will deal with status quo of the regional order from geopolitical perspective. The third section would analyze the potentialities and capacities of Iran and Turkey in light of forming regional order in the future. The last section will delve into the probable scenarios regarding the future regional order within a geostrategic approach followed by a conclusion.

Keywords: Regional network, Scenario, Political System, Capacity, Regime

1. etaheri@yazd.ac.ir

The new regional order in the West Asia: Arabic Uprisings and the Changes in Former Regional Order

*Mehdi Zibaiee*¹

Abstract

By the end of the Cold War and the collapse of the bipolar system, the regional order of the West Asia became important issues in the sub- system of the international relations. During the Cold War the mainstream of in the arena of international relations considered the international system capable of creating order in the region and even among the governments. In the 21st century, the role of governments faded and religious identities became prominent. This caused new atmosphere, theories, and thoughts to emerge in the international relations. Then, bottom-up approaches took the place of Top-down approaches in the political system of the region. Historical sociology is one of the newly emerged approaches in the international relations which is used by the writer to explain the effects of the Arabic Spring on the regional order of the West Asia.

A peaceful political protest within the national borders of a country can change into a destructive civil war and even to a proxy war just because of the relations among the actors involved for which the Syria war is an example. This shows that regional order is like a chain which starts from each country and encompasses the relations among different countries. In addition, the international capitalism has had a great effect on the economy of the Arab states and has changed the social balance inside them during the past decades. All of these factors have acted as the prerequisite for the change in the order of the region.

Keywords: Government, Identity, Economy, Regional order, Historical sociology

1. zibaei.mehdi@unibw.de

The West Asia regional security complex under the shadow of terrorism and radicalism expansion, 2010-2015

Babak AzarTash MoghanLu

Abstract

Since long ago the West Asia has been a center of numerous disputes, conflicts and crises. We could, inter alia, point to various civil wars, Arab-Israeli Wars, the Persian Gulf War, advent of radicalism and Salafism, all indicative of the existence of crisis and insecurity in the region. Domino collapse of some regional states indicate that the West Asia is a captive of a chronic crisis, some of whose states still suffer, wars of erosion are still ongoing in parts of the region like Syria who is entangled with this problem. Under these circumstances, regional and trans-regional powers are seeking to influence the region. The interests of big powers require them to justify their presence in the region on the pretext of safeguarding security and preventing the growth and expansion of terrorism. Of course, these states are faced with loss since their presence not only failed to stop the development of terrorism and radicalism, but it also fueled insecurity and terrorism in the region. Regional actors are attempting to play a major role in this part of the world. Given the changes occurred in Middle Eastern balance of powers, each actor is seeking to modify the balance to its own benefit and that of its allies. The main discussion in the present research is to deal with security complexes including the one related to the Middle East. Barry Buzan, a well-known figure of the Copenhagen School was the first to introduce the concept of regional security complex saying that the Middle Eastern one was created through war. He points out to the war between Palestine and Israeli Regime as the cause of conflicts among others, contrary to the West Asia whose regional dynamisms of insecurity are formed along rivalries among big powers. Existence of domestic insecurity in some Middle Eastern states like Iraq and Syria plays a significant role in securitizing or de-securitizing the region. Spread of terrorism and radicalism as ominous phenomena has filled the region with tension and hostility, disturbing the balance of the regional structure.

Keywords: Terrorism, Radicalism, Security complex, West Asia.

Collective action: A nation-state challenge in the West Asia

Hussain Beig Miri

Abstract

at the end of the World War I, the territories left from defeated empires were divided to form new Arab countries in West Asia.

Islamic Awakening Movement (Arabic spring); ISIS crisis, Al-Qaeda; Kurds crisis in Turkey, Iraq and Syria; the Shiite in Iraq, Lebanon, Bahrain, Yemen and Saudi Arabia; Sunnis' role in Iraq, Lebanon, Syria and Bahrain; Alavian, Christians and Yezidis in these countries can create opportunities for the powerful countries in the region to increase their influence.

This essay tries to investigate the crises and social transformations of Middle Eastern states in the 21st century applying the historic sociologic theory of Charles Tilly. It is done using different historical foundations and considering sociology. The main question in this study is the effect of transition to nation-state on recent crises and the formation of extremist groups in the West Asia.

Keywords: West Asia, State, Arabic spring, Sociology.

The Prospect of Security Order in the West Asia in the Light of the Regional and Trans-Regional Powers Role

Faraz Khajevand, & Sajjad Khajevand

Abstract

The intera-regional conflicts and divergences on the one hand and presence and the interference of the trans-regional powers are two main factors in increasing regional instability in the West Asia. After the US attack against Afghanistan and Iraq, the security order of the West Asia has been increasingly deteriorated. The US used the fight against terrorism and radicalism as the pretexts of its attacks. In fact, the US itself has been the main element in the establishment of the fundamentalist and terrorist groups in the region. The paper assumes that security is the lacks of military or political conflict at inter and intra governmental levels in the West Asia. The future of the security order in the West Asia in the region is affected by the regional balance as well as the level of presence and interference of the trans-regional powers especially by the USA.

The paper intends to offer a better understanding of the changes in the security order of the West Asia through paying due attention to the existing challenges and the policies adopted; it illustrates the possible scenarios affecting the future of the region.

Keywords: Security Order, Regional Power, Trans-Regional Power.

Constructive Chaos: the Resistance axis Opportunities to Containing Crisis; Autopsy of the Levant and Iraq Crises

Kabok Khabiri¹, & Amir Hamed Azad²

Abstract

Four years have passed since the beginning of crisis in Syria and parts of Iraq occupied. The initial process of the crisis was simulated to fall of the Syrian Arab Republic system and the creation an alternative system up to the first month of Ramadan (Mordad 1390). After two years the credibility of the model decreased and the problems of its implementation increased. The al-Qaeda enters to the Syrian crisis under the circumstances. The reality of ISIL in the region brought to conclude everyone, especially the US, that the cost of the group's survival is much greater than its destruction.

It seems that the new operational model in the region is in the context of "constructive chaos" theory. The implementation of the operational theory will end when its internal order undermines and its risks turning to the interests of Israeli Regime and the United States of America. The practical examples of such a problem can be seen in Yemen and Pakistan. America beginning to deal with that as soon as the "constructive chaos" exits from its constructive modes.

Keywords: al-Qaeda, Isis, constructive Chaos, Security, Iran, United States

1. Assistant Prof. Islamic Azad University

2. PhD Candidate, Islamic Azad University

**Globalization and constitution of
regional security order in West Asia:
With an emphasis on relationship
between development and sustainable security**

Mahnaz Goodarzi¹, & Mohammadkafash Naieri²

Abstract

The West Asia as an important region in international politics, has been always effective in International political developments and played role in great powers strategies. The increasing importance of West Asia region is due to its geographical position, placement of three strategic straits of Hormoz, Suez and Babolmandab, vast energy resources and being the origin of Islam. These characteristics give especial geo-cultural, geo-economic and strategic potential for the region to influence international equations. Because of strategic nature and its global impacts, this region is always a target of great powers influence policies. The influence of trans-regional powers, because of lack of sustainable development in region, has increased insecurity in West Asia. Insecurity, in turn, makes ground for more intervention and continuous presence of trans-regional powers. The main question of this article is to discuss the role of sustainable development in achieving sustainable security and constitution of security order in West Asia.

Keywords: Globalization, security order, sustainable development, West Asia

1. Assistant professor of IR in Islamic azad University, m.goodarzi@khuisf.ac.ir

2. PHD candidate of IR in Islamic Azad university, Persicus_sinus@yahoo.com

The Arab Countries Defense-Security Alliance and its Implication on Power Geopolitics in the West Asia

Alireza Rahimi

Abstract

There are different and sometimes conflicting views on the aims and reasons of the establishment of alliances. Common threat perception and mutual fear, or in another word, existence of common threat have been mentioned as one of the main reasons of the alliances. In the past, Egypt and Saudi Arabia used to paraphrase the Zionist regime as the common threat and therefore they were setting their policies on the basis of this perception. After the conclusion of the Camp David Pact, Egypt withdrew this approach however Saudi Arabia took the leading role in fighting against the occupation of Palestine by the Zionist regime. After the Islamic awakening and specially during the last two years the definition of the national security has faced a remarkable change in the Arab countries and many of them have put aside their previous perception of enemy and common threat and in this way they have substituted Iran as the main symbol of the common threat. It is notable that many of the Arab countries have agreed with the Saudi's leading role in this regard in a way that even the capable Arab countries in terms of military power and economy have accepted the Saudi's role and they coordinate all of their policies and actions with this country. All the signs of this new development can be seen in the coalition in attacking Yemen and anti-terrorism coalition and etc. Using an analytical-descriptive method, the paper discuss the implication of the defense-security alliances among Arab countries and specifically the establishment of joint Arab military on geopolitics power in the Western Asian region.

Keywords: Alliance, Coalition, Joint Arab Military Force, Saudi Arabia, Arab League, West Asia.

Security Order Models **(with an emphasis on Iran's security model)**

Hossein Karimi Fard

Abstract

This paper attempts to examine the theoretical models of security. Then, these models are applied to Iran considering the existing realities in West Asia. According to the theoretical and practical models, three patterns of security can be considered for the West Asia: pluralistic security communities, unified security, unified communities, and a regional United State. Any security model for Iran or any other country is formed considering concepts like national interests, national security, internal vulnerabilities and weaknesses, and external threats. The most important aim of the security policy is preserving territorial integrity and creating an environment of security. Various factors like: the anarchic international system, Hobbesian atmosphere in the region, neighboring with failed states, non-state threatening actors who are dependent on the regional and trans-regional powers, neighbors who are dependent to the trans-regional powers for their survival have led Iran to understand that to ensure its survival and security, it has to rely on its own capabilities and abilities. Political elites and policy makers in the Islamic Republic of Iran believe in the mixed nature of threats against the country.

Keywords: Security Model, Power Balance Model, Hegemonic, Security Society, Liberal Model, Iran's Security Model

**The impact of International system structure
on the dilemma of institutionalisation
of regionalization in West Asia**

Mohammadebrahim Kazemi Bidokhti¹

Abstract

Even though regionalism literature has been an important conceptualization in international relations and inter-state cooperation, but still there are regions which are under-developed in regionalization process. West Asia is one of those regions that despite potential capacities in the context of integration and regionalism, does not have desirable regional integration level in contrast to other regions such as Europe or south East Asia. So some international scholars call this region as a “No integration zone” and an exception for the global rule. This article tries to find out the main reasons of failure of integration in West Asia. Author argues that international structure and anarchy in addition to great powers policies have affected lack of integration in the region.

Keywords: West Asia, regionalism, International structure, Identity

1. PHD student of Political science in Islamic Azad university, m.baydokhti@chmail.ir

Attempts to gain new status in the international system: comparison between Iran and China

Taj Aldin Salehiyan¹, Sajad Bahrami Moghadam², & Ziaoldin Sabori

Abstract

States are always trying to advance their relative standings in the international system. This needs to the others recognition. In this regard, states attempt to change their identity in such a way that changes the perception of others about themselves. In other words, the international politics isn't simply trying to gain wealth and power lonely, but is an attempt to gain recognition as well.

Constructivism and social identity theory has investigated this issue. Social identity theory assumes that the individuals or actors improving their identity and consequently their positions through membership in community groups such as political parties, institutions, nations and business organizations. It means that the actors want to join the groups that have a positive identity. States doesn't accept the perception of others about themselves generally and often tries to change that by make evolution in their image. They have a better perception of themselves in comparison of others.

This paper describes three strategies and will compare the strategies of the two countries China and Iran in this field and we will said that China to promote itself has resorted to the strategy of social mobility, although it has elements of the social competition.

Keywords: Iran, China, international system, social identity theory

1. PHD Candidate in International Relations

2. PHD Candidate in International Relations

The Black box of US-Saudi relations and the future outlook of security order in West Asia

Alireza Mir-Yousefi Avval¹

Abstract

One of the most important pillars of security in the Persian Gulf and West Asia regions is the equation of oil for security, which has been affecting relations between the United States and Saudi Arabia and many other regional issues for more than seven decades. This equation has left its mark on relations between the two countries and subsequently on other regional issues from Syria and Egypt to Yemen and Bahrain, and the security of the Islamic Republic of Iran has been also affected by these developments. This study explores the issue that although changes in the United States' relations with Saudi Arabia had started following the invasion of Iraq in 2003 and establishment of close relations between the new Iraqi government, which came to office after the fall of Saddam Hussein, and Iran, this process has taken up more speed after developments in 2011 and emergence of the Arab revolutions. Lack of enough US support for former Egyptian president, Hosni Mubarak, and escalation of differences between the United States and Saudi Arabia over the crisis in Syria in addition to Saudi Arabia's unilateral entry into war with Yemen have further intensified the two sides differences. Using humiliating words on Saudi Arabia by US President Barack Obama, enormous pressure on Riyadh to share human and financial costs of the US wars in the West Asia, basic differences over Syria, Egypt and Iran between Riyadh and Washington, reduced need of the United States to import Saudi oil due to progress of the shale oil technology, and also approval of the controversial JASTA (Justice Against Sponsors of Terrorism Act) in 2016, have all caused Saudi leaders to feel that the oil for security equation is falling apart. As such, they felt that they have been left on their own by the United States and the West and this issue has served to turn this country's traditionally conservative policies into aggressive and militaristic ones. The passing of King Abdullah in

1. Head of Middle East studies group at the Iranian Foreign Ministry's Institute for Political and International Studies

January 2015 and intensification of power struggle as a result of which both claimants to the Saudi crown tried to win the United States' support, all served to increase complexity of these relations. Proposals offered by new Saudi rulers to the United States to create new military alliances and asking for security guarantees or making an effort to create a rapid reaction force in the West Asia were all signs that the new Saudi rulers felt threatened and that the power struggle to get the support of US officials was still underway. Of course, all these proposals have been treated coldly by the American side. This research first studies the course of developments in US relations with Saudi Arabia before assessing the outlook for future relations between the two countries and their impact on the entire region.

Keywords: Saudi Arabia, the United States, regional security, oil for security

The Role of Jihadi-Salafi ISIS Terrorist Group in the Future Identity Order in the West Asian Region

Ghaem Mousavi

Abstract

The West Asian region is comprised of 24 countries with heterogeneous level of strength and due to the structure of power in the region it has caused the emergence of a multi-polar order in the region. There are 4 levels of power in the region that are as follows: 1. Turkey, Iran, Zionist regime, Saudi Arabia and Pakistan, 2. Kazakhstan and UAE, 3. Kuwait, Syria, Uzbekistan, Lebanon, Jordan, Georgia, Oman, Qatar, Iraq and Bahrain, 4. Azerbaijan, Armenia, Turkmenistan, Kirgizstan, Tajikistan and Yemen. Except the Zionist regime most of the population of the said countries are Muslims, however, the Islamic world is divided into two main groups, i.e., Shiite and Sunnis and this religious and ideological division has led to different readings of Islam that the said countries have chosen to follow one of them.

This different identity order in the West Asian region has caused competition among Muslim countries and so to create the following alliance and coalition: 1. The alliance between Iran, Syria, Iraq and Hezbollah within the framework of the Resistance front, 2. The alliance between Saudi Arabia, Qatar, UAE, Bahrain, Jordan and Turkey (Turkey is to revive the Caliphate ruling and this shapes a communality between Arab countries and Turkey).

The paper in fact studies the future of the regional order in the West Asia and the authors would like to respond the question that what role the ISIS will play in the future of the region and so what the orientation the future order in the region will take.

Keywords: Salafi-Takfiri Groups, ISIS, Identity, West Asia.

Possible Independence of Iraqi Kurdistan Territory and its Consequences on West Asia order

Bahadur Zarei, & Said Ramezani¹

Abstract

Since the recent crisis in Iraq and the ISIS attack against it, the positions of some Kurdish leaders including Massoud Barzani, president of Kurdistan is summarized in one sentence: "Iraq has entered a new stage and will not return to the previous step ... ". ISIS attacks led the Kurds to immediately send their troops to the oil-rich city of Kirkuk, a city that has been the subject of dispute between Kurdistan and the central government during the past decade. They said they would not leave the city. Massoud Barzani in the early days of the crisis officially announced that the Article 140 of the constitution which was established to determine the status of Kirkuk, is no longer valid.

Independence of Iraqi Kurdistan will not be so easy even if they hold a referendum without the support of the constitution and chant slogans such as self-determination. Because such an independence will have regional and international consequences against this territory. It may lead to the formation of various ethnic and sectarian provinces and states in West Asia and Europe especially in Turkey.

Accordingly, this essay tries to use descriptive analytical and library resources to study the consequences of the possible formation of an independent Kurdish state on West Asia order.

Keywords: Iraqi Kurdistan, Independence, West Asia Order

1. saeedramezani1365@gmail.com

Political Islam and the future of security order in West Asia

Jahanbakhsh Izadi¹, & Hamidreza Akbari²

Abstract

Political Islam has been an important factor in Arab-revolutions on 2011. Actions of Islamists in these revolutions of West Asia can be analyzed under two topics. First is radicalism and violence by emergence of Takfiri movements like DAESH (ISIS), and the second is disability of mainstream movements of political Islam such as Muslim Brothers. Authors argue that it is not possible to propose security horizon for West Asia without considering the role and status of Political Islam discourses and Islamist movements. So this article tries to explain the role and status of political Islam in constitution of security order in West Asia through future study of trends, drivers and scenarios of political Islam in the region.

Keywords: Political Islam, Security order, Arab revolutions on 2011, West Asia, Future study

1. Assistant professor of IR in Islamic Azad University

2. PHD candidate in IR at Allameh Tabatabaee university

JCPOA and Changes in Middle Eastern Countries Strategies towards Iran

Mohammad Souri¹

Abstract

Anarchy is a general characteristic of West Asia. There isn't any disciplined authority or regional institution like what is present in Europe and the West. All governments seek to increase their power and create a balance of power in a realistic way. Trans-regional interventions are not only of any help to improve the situation but also led to the deterioration of the situation.

JCPOA has had some impact on the West Asia geo-political order. Although the existing regional problems and crises were not directly included in the agenda of the talks, but the terms of the agreement and its output indirectly affects the West Asia arrangements. Iran's competitors in the region believe that this deal because of its very nature is a key component in determining and shaping the developments in the region.

This article examines the West Asia approach towards JCPOA and also the changes occurred in Iran's foreign policy after JCPOA. It is assumed that Iran's increasing influence in the region, its improve relations with the West, its developing ties with different countries around the world, sanctions lifting and its economic recovery have caused a sense of worry among Iran's rivals. They are concerned about the possibility of being threatened. So they are thinking of new ways such as proxy war to confront Iran. This article uses descriptive analysis based on Stephen Walt's power balance theory.

Keywords: JCPOA, Security approaches, Iran's nuclear program, the West Asia, Regional competition

1. mohammad.souri1@gmail.com

Chapter 3

Regional challenges and opportunities and the impact of emerging issues on the regional security order in West Asia

National government challenges and continuation of unrest in the Arab West Asia

Seyyed Abdolamir Nabavi¹

Abstract

Failure of reformist demands in most Arab countries of the West Asia after 2011 uprisings and subsequent public disillusionment have provided good grounds for fanning the flames of old differences and persistence of unrest in these countries. Escalation of conflicts, which in some cases has led to civil war, has brought to the fore the possibility of disintegration of such countries as Syria, Iraq, Libya and Yemen and redefinition of their borders. Such discussions have been even made about Jordan, Saudi Arabia and Egypt from time to time. Due to structural inefficiency of government in such countries and inability of non-Arab powers of the region to manage the crisis, some analysts have pointed to the need for intervention of transregional powers in order to initiate an international process of nation-state building, which would be guided from outside the region. The present paper emphasizes that weakness of the nation-state building process in the Arab West Asia has its roots deep in history, but believes that claims about the demise of the national government in this region is exaggeration while accepting that the traditional role and status of governments has greatly changed. As a result, all existing governments in the Arab region are clear examples of failed states and lack necessary determination and capacity to go ahead with structural reforms and this is why they are always prone to instability. However, the factor of identity, which has been somehow bolstered, especially after World War II under the influence of Arab nationalism, will reduce the possibility of division, at least, in the two countries of Iraq and Syria. In other words, despite its failure to realize such ideals and promises as the annihilation of Israeli Regime, Arab nationalism has been successful in influencing various generations in the Arab world by its definition of national identity. Therefore, from this viewpoint, just in the same way that the time is not ripe yet for reduction of conflicts and initiation of a real process of political and economic reforms in the Arab West Asia, it seems that expecting formation of new governments in this region is an unrealistic expectation.

Keywords: nation-state crisis, international nation-state building, identity, Arab West Asia

1. Assistant professor; Institute for Social and Cultural Studies: nabavi@iscs.ac.ir

Islamist extremism and escalating chaos in West Asia region: Changing roles and status of Iran, Turkey, and Saudi Arabia

Seyyed Asghar Keivan Hosseini¹

Abstract

Developments, which swept across the West Asia and North Africa in 2011, ushered in a new period of armed religious extremism, which finally turned into modern models of terrorism. Under these conditions, influential regional actors, especially Iran Saudi Arabia and Turkey, tried to review their role and standing in proportion to new conditions. The final result was fluctuations in the model of these governments' influence. The final result of this situation can be depicted in a matrix one side of which is individual behaviors of the aforesaid actors with the other side being their role and status. The Islamic Republic of Iran has tried to promote its anti-terrorism goals in the direction of deepening regional stability, and at the same time, meet its desirable security considerations within its innovative strategic depth, which at least includes Iraq and Syria. To do this, Iran has taken advantage of mobilization of soft power resources (especially diplomatic bargaining) and hard power (in the form of military presence). Saudi Arabia, on the other hand, has set new limits for its strategic initiatives, which are characterized by two indexes of supporting extremism and countering Iran in the region. According to the logic of this paper, new regional conditions, which were brought about by emergence, rising power, and then decline of Daesh, will finally impose a new future outlook on regional international politics.

Keywords: West Asia, Islamist extremism, Turkey, Saudi Arabia, Iran

1. Associate professor of international relations and faculty member; Allameh Tabatabaei University

A glance at human rights challenges in West Asia

Mahmoud Reza Golshanpazhouh¹

Abstract

This paper reviews the human rights situation in six Arab countries in West Asia region and along the Persian Gulf; that is, Saudi Arabia, Qatar, Bahrain, Yemen, the United Arab Emirates, and Kuwait. To do this, the paper takes advantage of the most recent reports (issued between 2014 and 2016) of Amnesty International, Human Rights Watch, US Department of State, and a number of nongovernmental organizations along with such national supervisory bodies as Saudi Arabia's National Society for Human Rights, Qatar's National Human Rights Committee, Bahrain Human Rights Society and so forth. Therefore, the most important cases of human rights violations have been grouped and presented after comparing the aforesaid reports and removing repeated cases or those cases that were of less relevance.

The main view of the paper is that due to increasing importance of human rights issues for the world's public opinion, civil society institutions, as well as local and international nongovernmental organizations and because of the attention paid to this issue by international bodies, the human rights factor will turn into a major problem for Arab states of the region in the coming years. Smart and tactful use of this issue will help the foreign policy of the Islamic Republic of Iran manage relations with these states, especially those states, which are considered as rivals or enemies.

Keywords: human rights, West Asia, international institutions, foreign policy

1. Doctoral degree in international relations and human rights expert

Religious extremism and regional order in the West Asia: From Westphalian order to shadow empires

Mehdi Abedi¹

Abstract

The West Asia is a region full of tensions. The frequency of wars, insecurity, and unrest in this region has been higher than the rest of the world, at least, since the end of World War I and following the rise of the Zionist regime and emergence of Arab nation-states, while conflicts in this region have been the hardest to subside. However, presence of autocratic governments in this region and relatively stable dictatorships had at least established the nation-state security structure, which was based on the balance of terror, as part of the nature of this region. Emergence of religious terrorism and extremism and especially its prevalence in the form of groups affiliated with al-Qaeda and the Taliban, and currently Daesh, has gradually watered down this Westphalian nation-state order. On the other hand, the interests of conflicting states in this region required temporary and continued recruitment of these terrorist organizations according to the type of these organizations and expansionist goals of those governments. At present, one can claim that certain regional states have used these terrorist organizations to expand their strategic frontiers in a covert and indirect manner and have replaced hidden empires in their virtual form for the former security order in the region. This research assumes that departure from the realistic nation-state order and using religiously extremist terrorist organizations has increased the possibility of military tensions among regional governments and will make the structure of the West Asia more chaotic than ever before.

Keywords: religious extremism, regional order, West Asia, balance of terror, terrorism

¹ Assistant professor of political science; Islamic Azad University, Andimeshk Branch

Outlook of Iraq's domestic crisis and its impact on regional order in the West Asia

Davoud Gharayaq Zandi¹

Abstract

The outlook for the current situation in Iraq will have a great impact on the future prospect of security order in the West Asia and North Africa. The situation in Iraq is very important in that, along with the Syria crisis, it can have many effects on the map of the West Asia. About 95 years after the fall of the Ottoman Empire, Iraq is still entangled in the nation-state building process and sees its sovereignty and territorial integrity in danger. The trends taken in this period of time have caused Iraq to turn from a made-up country into a failed and finally bankrupt state. A review of current trends would reveal three scenarios – namely, continuation of a semi-federal state, a federal state and disintegration of Iraq. Driving forces and impediments have been explained for every scenario followed by a review of surprise cards. The best or the most preferable scenario in this paper is the first scenario and possible continuation of the present situation in Iraq with the final defeat of Daesh, which will be desirable for all regional and transregional countries and also beneficial to regional and global order and security. Finally, proposals have been made on the future outlook of order in Iraq and the West Asia with an eye to Iran's national interests.

Keywords: Iraq, West Asia, regional order, futurology, foreign policy

1. Assistant professor; Institute for Regional Studies; Shahid Beheshti University

Environmental security in West Asia: Trends and challenges

Davoud Fayyazi¹

Abstract

Environmental is currently of high strategic importance both in the world and in the country and due to its inevitable consequences is gradually turning from a second-rate to a basic issue. Environmental threats know no limitation in time and space and have transregional effects on all countries. Various policymaking systems consider recognition of future scenarios as an inevitable must. This paper studies environmental challenges in West Asia through a future approach and with attention to relevant trend and from a more strategic viewpoint in order to better understand the environment and its impact on the national security. The goal is to provide grounds for promotion of the policymaking system and get a good grasp of all related issues and social threats to reach a consensus in this regard. The present paper aims to answer these main questions: what are the environmental problems and challenges facing West Asia and what effects can they have on regional order and national security of the country? This paper uses the library method to collect information and studies trends as a method to analyze collected data. The conclusion is that consequences of environmental challenges are borderless and we need a futurological and strategic approach to national security issues related to environment.

Keywords: environment, security, climate changes, national security, environmental security, West Asia

1. Author: d.fayyazi@chmail.ir

Narcoterrorism in the West Asia: An asymmetrical threat posed by hybrid actors

Mahdokht Zakeri, & Bijan Aref

Abstract

Following the Cold War era, contemporary wars and disputes have distanced from their traditional state-centered form, in which the conflict was over national interests of governments. At present, international community is faced with various trans-governmental and intra-governmental disputes most of which are based on subnational interests such as culture, identity, ethnicity and religion. These events have become more complicated through involvement of such parameters as international terrorism, failed states and violent organized criminal groups. Especially following the 9/11 terror attacks, the focus of governments and international security agencies has shifted from state-oriented security threats to threats posed by non-state actors, including terrorist organizations and/or organized criminal groups. The rise of Daesh group in Iraq and the Levant as an independent actor has faced the West Asia region and international community with asymmetrical threats. This paper assumes that the dominant paradigm, which was solely based on state actions, has changed and as a result of this paradigm shift, threats posed by non-state actors cannot be defined within the traditional framework of symmetrical wars and conflicts among governments anymore.

With this assumption in mind, the author aims to use the term “hybrid actor” to explain the nature of Daesh and notes that Daesh can no more be merely described as a “violent non-state actor,” but its dual terrorist-criminal nature has practically given birth to a hybrid identity. The hybrid identity of Daesh has posed asymmetrical threats to security of the West Asia and the entire international community. One of the most important of those threats is narcoterrorism, which is a threat against human and economic security of this region. This paper will then discuss numerous asymmetrical threats posed by this actor to international community with the main focus being on narcoterrorism in the West Asia. In conclusion, the author elaborates on the consequences of these threats and possible solutions to fight them.

Keywords: violent non-state actor, hybrid organizations, asymmetrical threat, narcoterrorism

Geopolitical environmental challenges and regional security: Case study of the role of the Persian Gulf in meeting the Islamic Republic of Iran's interests

Hojjatollah Jahani-Rad, Ahmad Hajizadeh, Samad Shammakhi, & Yaser Fathani

Abstract

Environmental issues are currently among major and important components of world politics and affect many other components, including political, economic and military power of countries. Humanity is currently facing internationalization of environmental issues. In the meantime, seas and oceans play the main role in dynamic balance of the Earth since they receive all changes and impacts that happen on the Earth both naturally and due to human activities. Out of marine ecosystems, the Persian Gulf is one of the most important strategic regions of the world due to existence of rich oil and gas reserves there and because of its environmental specifications. Therefore, imbalanced exploitation of resources in this region by neighboring countries and geopolitical interests of transregional actors have made this marine basin prone to all kinds of pollutions and severe destruction.

This research uses descriptive-analytical method and by relying on information obtained through the library method not only explains the concept of the environment and environmental geopolitics, but also scrutinizes this issue in the sensitive region of the Persian Gulf with emphasis on the interests of the Islamic Republic of Iran. Finally, it gives a documented answer to this question: what are the most important environmental challenges facing the Persian Gulf region and what impact do these challenges have on security of littoral countries of the Persian Gulf, with emphasis on the interests of the Islamic Republic of Iran?

Keywords: challenges, environment, security, Persian Gulf

Religious confrontations and security order in West Asia: Case study of Islamist fundamentalism

*Hojjatollah Jahani-Rad¹, Iraj Shahverdi², &
Mojtaba Dorafshan³*

Abstract

Religion and confrontations stemming from religious issues are now among major topics of discussion in humanities. Religion and its denominations, as a valuable factor, have taken a political turn and become a means for governments to achieve their wanton whims. They have also attracted great attention in the world of politics and powers from statesmen and decision-makers in various fields of power. As a result, religion has been one of the most important factors shaping various political and international situations and has played a key role in many global developments.

One of the sensitive regions, which is important due to various reasons that would be discussed in this research, is the geopolitically sensitive region of West Asia, where the impact of religion, in general, and religious fundamentalism, in particular, has been revealed and major examples of this are developments that have taken place in such countries as Iraq, Syria and Yemen in recent years.

This research uses a descriptive and analytical method on the basis of data collected through the library method in order to explain the concept of Islamist fundamentalism and its development in the geopolitical region of West Asia. It also discusses factors affecting security in this region and while being aware of the root cause of conflicts in the region, finally tries to give a documented answer to this question: what impact religious confrontations, topped by the Islamist fundamentalism, has on the latest developments and crises in the geopolitical and sensitive region of West Asia?

Keywords: religious confrontation, geopolitics, West Asia, fundamentalism.

1. Doctoral student of political geography, Southwest Asia studies major

2. Doctoral student of strategic management; Allameh Tabatabaie University

3. Faculty member; College of Farabi, University of Tehran

Effect of Syria crisis on West Asia regional security complex

Seyyed Hamzeh Safavi¹, & Seyyed Mehdi Safavi²

Abstract

West Asia (Middle East) is a very important region both in geopolitical and geostrategic terms, which has been a constant place for all kinds of skirmishes and conflicts. Security of countries in this complex is so intertwined that any development in any part of it would affect security of other member states. Therefore, study of security developments in this region and their effects and consequences is of special importance, especially taking into account that the Islamic Republic of Iran is among major players in this region. Since 2010, West Asia has seen developments, the most important of which has been the Syria crisis, and these developments have affected relations among major actors in the region in proportion to their interests. By taking advantage of the regional security complex theory, this study is trying to answer this question: what impact has the Syria crisis have on the regional security complex in West Asia? The main hypothesis of this research is that the Syria crisis has led to creation of a new subsidiary complex under the West Asia regional security complex. Findings of this research, which takes advantage of descriptive-analytical method to analyze performance of major actors in the Syria crisis, shows that the current three subsidiary complexes are not able to explain this conflict and due to numerous regional actors involved in this crisis and the presence of the opponents and supporters of the Syrian government, a new subsidiary complex has taken shape around the axis of the Syria crisis and, in some way, around the axis of supporters and opponents of the resistance axis. One of the possible consequences of this subsidiary complex is breakout of proxy wars, intensification of religious identity as well as sectarian gap and transregional dealings.

Keywords: regional security complex, West Asia, Syria crisis, resistance axis

1. Assistant professor; Regional Studies Group; Faculty of Law and Political Science; University of Tehran: Safavi@ut.ac.ir

2. Doctoral student of regional studies – Middle East major; Faculty of Law and Political Science; University of Tehran: Safavi@ut.ac.ir

Threats posed to Iran's national security through growth of Daesh in Afghanistan

Zahra Tavakkoli¹

Abstract

This paper discusses threats posed to Iran's national security through growth of Daesh in Afghanistan. The main discussion of the paper is that growth of Daesh in Afghanistan and its possible rivalry with the Taliban and other extremist groups in Afghanistan will provide a new ground for geopolitical rivalries of regional and transregional powers and can potentially “Syrianize” the crisis in Afghanistan. The crisis of terrorism and extremism has so far remained limited to Afghanistan, but the emergence of Daesh adds a new aspect to the crisis in Afghanistan. At present, conflicts between the government of Afghanistan and Daesh, between Daesh and the Taliban to determine their spheres of influence, and an old form of conflict between the government and the Taliban will continue in this country. The growth of Daesh in Afghanistan will make the country’s ongoing crisis more complicated. Continuation of this situation in Afghanistan will threaten Iran's national security through “spread of extremism and insecurity along the common border,” “domestic instability in Afghanistan and continued presence of foreign forces,” and most importantly, strategic rivalries between regional and transregional powers, which will try to use Daesh as a tool.

Keywords: Daesh, Afghanistan, Iran's national security, geopolitical rivalry, regional and transregional powers

1. zt.tavakkoli@gmail.com

Failed states, accumulation of crisis and spread of insecurity: Case study of Afghanistan

Somayyeh Morovvati¹

Abstract

At present, the West Asia region and the entire world are impregnated with incidents the large part of which is the result of weakness of the state institutions and increasing role of violent groups, which try to redefine the map of power as well as identity and understanding of big and small actors at both domestic and international levels on the basis of their longstanding religious beliefs. These are actors, which were ignored during the 1990s and have now made it inevitable for international community to take rapid steps to solve the problem caused by borderless actors. Under these conditions, security is no longer the product of conflict among governments and the ability of subnational actors to have an effect on international order and security has been recognized. In the meantime, attention to the nation-state building process and such issues as national convergence, coherent identity, and stabilization of political institutions has made many analysts focus on current conditions of some governments like that in Afghanistan. As a result, they have found a meaningful relationship between security problems with which the region is currently grappling and the structure of power and government in these countries. This research is based on the notion that such governments (here Afghanistan), have turned into a suitable breeding ground for creating crises for themselves, the region and international system, because they have not gone through a correct process of modernization and development and also due to weakness of the state institutions (which enjoy characteristics of a failed state) in addition to changes that have come about in international conditions following the Cold War. On the other hand, such countries are more prone to become critical as a result of the weakness of the state institution. This research aims to answer this key question: to what extent accumulation and spread of crisis in Afghanistan following the Cold War can be understood and analyzed on the basis of the concept of modernization and failure of the state?

Keywords: state, failed state, security, modernization, international order, international security, Afghanistan

1. Doctoral student of international relations; Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran: s.morovatti@gmail.com

Study of the role played by religious extremism in regional convergence in Central Asia

Mehdi Mir-Mohammadi¹, & Mohsen Karimi Shiroudi²

Abstract

Before Bolsheviks snatched power in Russia, Islam was always known as an identity-based and structural discourse in interactions among governments in Central Asia region. Following the victory of the Russian revolution in October 1917 and gradual establishment of the Union of Soviet Socialist Republics, Central Asian republics became part of that union. Subsequently, anti-religious policies adopted by the Soviet Union as a result of the dominance of communist ideas, on the one hand, and requirements of centralism of government, on the other hand, totally marginalized Islam in this region. During that period and even following the fall of the Soviet Union, Islam was always considered as an undesirable discourse for political elites in Central Asia and they took a hostile approach to it. Extremist and fundamentalist movements in this region also turned into an added excuse for continuation and escalation of pressures on Islamist parties and groups. As a result, extremist Islamist movements have been introduced as a common threat to all republics in Central Asia. The present paper is an effort to answer this question: what role does religious extremism, as a threat to existential security of these republics, plays in bolstering convergence and development of cooperation among them? The authors believe that the two main aspects of convergence; that is, situation and process, constitute only two different readings of a single concept, and religious extremism can be considered as a special process to achieve a convergent situation. At the same time, this way of forging regional convergence can be a first step by these republics toward achieving a more profound understanding of each other and potential advantages of cooperation.

Keywords: convergence, Central Asia, Islamist fundamentalism, convergent situation, convergence process

1. Graduate of doctoral degree in international relations from University of Tehran and university teacher

2. Master's degree student of regional studies at University of Tehran

The Impact of Syrian Fragile Situation upon the West Asia's Security Developments

Reza Ekhtiari Amiri

Abstract

The recent developments of the West Asia geopolitics have give risen to emergence of fragile states just like Syria. The states that do not enjoy a solid sovereignty and their governments are facing difficulties in carrying out the main functions. With regard to this, the main question of the research is what is the impact of fragile situation of Syria on the security developments in the West Asia?

The research utilizes descriptive – analytical method. It, in the framework of the regional security complex and also multiple interpretations of security in the Copenhagen School, hypothesizes that with regards to strategic importance of Syria in the region fragile situation of the state has affected on security relations of the West Asia Countries. Put differently, Syrian civil war and weakness of the Bashar al Assad has provided conditions that some state-actors such as Turkey, Saudi Arabia, Qatar and UAE and other non-state actors like terrorist group of Daesh influences and interferes in Syria and consequently regional security order experiences a critical changes. As result, strategic confrontations have intensified regional security dilemma. Of course, in this regard, the great powers interference is also very significant.

Keywords: Fragile state, Syria, the West Asia, Security, Copenhagen

The vain nation-state building as a root of recent crisis in the West Asia

Mohammad Rambod Farhodi Moghadam¹

Abstract

This article tries to analyze effects of colonial nation-state building on recent crisis in the West Asia. The new states in West Asia emerged after the collapse of Ottoman Empire. These new emerged states were produced by colonial interventions in shaping new borders for emergent states. This colonial division without considering demographic characteristics of the region is supposed as a central point in West Asia conflicts. These factitious borders caused to shape social gaps which has been represented in the form of revisionist reactions n the national and regional levels. Author believes that these social gaps, as the outcome of vain nation-state building, continuously pursue regime change and these actions cause national and regional conflicts.

Keywords: West Asia, Sykes-picot order, Nation-state building, Arab spring

1. rambod.farhodi@gmail.com

An ignored factor: review of religion role in regional and international politics

Morteza Shoja¹

Abstract

Western scholars, for many reasons, had little attention on religion role in West Asia regional politics. But recent developments suggest that we can not doubt critical role of religion in political and security aspects of West Asia conflicts and its serious effects in international affairs. Emergence of several governmental and non-governmental actors with religious orientations (such as I.R .Iran, Al-Qaida, etc.), suggests that analysis of this factor in West Asia is inevitable. This article tries to review religion role in West Asia politics. Author argues that while Westphalia treaty marginalized political and social status of religion, but this factor never declined to a neutral variable in international relations. Especially in the West Asia, it has been a defining factor in subnational, national and regional levels.

Keywords: International relations, Religion, Westphalia, West Asia, Regional order

1. PHD student at Tehran University, m.shoja@ut.ac.ir

The Role of the Kurds in Regional Developments of West Asia

Mohammad Ali Dastmali¹

Abstract

Political and security developments in West Asia, particularly after Iraq's invasion of Kuwait and the subsequent invention of the West in the region and Oil-for-Food Program (OFP), led the Kurds to take on a more significant role in the regional arrangements. Although The Kurds' fighting in Iraq and their endeavor to achieve independence dates back to the earlier decades of the twentieth century, the First World War and the decline of the Ottoman Empire, West's invasion to terminate Iraq's threats against Kuwait created new conditions in the region. Two prominent Kurdish parties, namely The Democratic Party of Kurdistan led by Masoud Barzani, and The Patriotic Union of Kurdistan (PUK) directed by Jalal Talebani, became key allies to Europe and America. After such developments the Kurds, as the oldest opposition groups to Saddam Hussein, expressed more eagerness to enhance their political experience.

With this issue in mind, the author aims to explore more deeply the following themes:

1. A concise background on the reemergence of the Kurds in the regional developments;
2. The West's approaches towards the Kurds;
3. Paradoxes relevant to the Kurdish issue such as their global and regional relations, their own internal conflicts and the impact of these issues on the security of the region;
4. Scrutinizing the role of Kurds in confronting ISIS and scenarios relevant to Iraq and Syria's future and the impact of such issue on the security of Iran and Turkey.

Keywords: West Asia, the Kurds, ISIS, Turkey, Iraq, Security of Iran

1. a.dastmali@hotmail.com

Emerging Issues and the Security Order in the West Asia: Kurds Issue

Seyyed Hamed Hosseini¹

Abstract

The concept of security is a composite and monolithic idea which should be considered in the backdrop wishes balanced by realities. Failing to observe this point coupled with lack of direction, will bring about involvement in conflicts, daily crises, and big and small regional and internal threats.

Generally threats delineate a realistic image of the common perils and emphasize the escalation of those perils. Regional security consists of basically weak political entities that suffer from destabilizing agents. In studying the regional security environment distinguishing between states whose security priorities are mainly internal and states whose security priorities and subsequent threats are external is of great importance, that is the weaker the state, the vaguer is security problem. Increasing internal instability in weak political entities impacts their regional relations and makes sustained relations with neighboring states more difficult.

The Kurds, having the two essential nationhood feature of population and territory, are one of the largest ethnic groups in the region. From another perspective they are one of the main losers of the political stage of the West Asia who still do not have the territory of their own, although they have been fighting constantly with ruling governments of the region.

Today there is a new emphasis upon the internal threats such as challenges stemming from ethnic conflicts. The issue of the Kurds in West Asia as an ethnic crisis involving Iran, Iraq, Turkey and Syria should be considered in such analytical framework. The author of this paper believes in order for the states of the West Asia to gain a sustained security order, a process of nation-building through achieving strong security pacts bolstered by a non-aggressive, defensive system.

Such a security structure should be created without the influence and intervention of trans-regional players. The element of unity should play a major role in such security management: the more united the political entities, the more stable their security.

Keywords: The Issue of the Kurds, Ethnic conflicts, Security, Regional order.

1. hamedhoseini@ut.ac.ir

The International Coalition against ISIS: Formation, Achievements, Challenges and Perspectives

Seyyed Ali Nejat¹

Abstract

If we consider the June of 2014 as the starting point of ISIS terrorist apparatus, America's ignorance in the face of ISIS invasion of several Iraqi cities becomes undeniable. *New York Times'* analyst and reporter, Thomas Friedman, in an interview with Obama in August of 2014 emphasized on America's passivity towards the crimes in Mosul, Sanjar and Talafar , perpetrated against Christians, Izadis and Turkmens. Friedman dubbed the efforts against ISIS as fighting with extremists which has been mainly shouldered by Iraqis themselves.

After a while, America changed its stance against ISIS from "investment and containment" to "confrontation and encounter". In fact, this happened when ISID overstepped the tolerated boundaries and changed its advancement from Baghdad to the North of Iraq.

Basically this paper, applying the analytical-descriptive approach and using library resources, aims to answer the following four questions:

1. What is the reason behind the formation of the collation against ISIS
2. What are the achievements of this collation so far?
3. What are the causes of the failures of this international collation in fighting against ISIS?
4. And finally what are the stances of Iran, Russia and Syria in face of this international collation?

The main theory of this paper is that America's effort to reconstruct its damaged image in public opinion is the motivation behind the formation of the coalition against ISIS. Meanwhile factors such as peculiar effort of some of the member states and their failure at introducing a timetable to end the war against ISIS have rendered such coalition uneventful and inefficient. Failure of the collation against ISIS led Russia to form another collation consisting of Iran, Iraq, Syria and Hizbullah.

Keywords: America, Foreign policy, Realism, ISIS, Iraq, Russia, Syria, Iran.

1. sa.nejat@yahoo.com

Developing convergence in West Asia and countering extremism

Enaytollah Yazdani¹, & Mohsen Hekmati khan

Abstract

Extremism, increasing violence, governmental lawlessness, and the coup in West Asia in contrast to the formation and continuation of regional organizations in other parts of the world have lead the researchers to investigate the reasons for such a difference. The spread of extremist groups reminds the necessity of a regional organization which can be the core of resistance against terrorism and extremism. Deep religious divisions and divisions, disagreements over ideas and concepts among extremist and terrorist groups, formation of different blocks in dealing with regional crises, trans-regional interventions, Western governments' massive profits from arms trade and the fragile democracies are the most important obstacles to the formation of regional integration.

This article examines the theories of regional integration and defining common objectives to achieve a new regional order. It tries to answer this question: "how can extremism be seen as an opportunity for security convergence in West Asia?"

The findings of the study shows that preventing weapon sales to the extremist and terrorist groups, preventing these groups from enrolling new members, helping countries suffering from extremism along with expanding trade relations, education and culture, convergence on a common religion regardless of religious pluralism can bring convergence in West Asia

Keywords: Convergence, Regional organizations, the New Order, Extremism

1. eyazdan@ase.ui.ac.ir

Geopolitical analysis of the factors causing crisis in West Asia

Reihaneh Salehabadi, & Said Sadegloo

Abstract

Perhaps 21st century can easily be called the century of unpredictable events; events that have led to many crises in the world. The roots of the crisis can be traced back to the appearance of the thoughtful man .He has created domains to protect its interests and sometimes to get more benefits, added on its territory and this has caused different tensions. Most regions of the world have experienced a crisis and almost all wars happening in the world have passed a critical phase

West Asia is one of the world's most important regions in this regard. On the one hand, it connects three continents of Europe, Asia and Africa, and on the other hand large resources of fossil fuels can abundantly be found in this area. This paper uses descriptive analytical procedure to identify the factors causing crisis in West Asia. The main question of this paper is about the type of the crises seen in the region. The results indicates that the region's states are experiencing political crisis (crisis of balanced powers, crisis of trans-regional powers meddling, security crisis, the rise of terrorism and the internal crisis), social crisis (identity crisis, legitimacy crisis, participation crisis, distribution crisis, ethno-cultural crisis, socio-economic crisis, Class difference crisis, drugs crisis), territorial crisis (border, territorial, legal and historical disputes) and resources crisis (hydro-political resources, fossil energy resources and environmental crisis).

Keywords: Geopolitics, Factors leading to crisis, West Asia

Terrorism; a Tool for Realization the New West Asia

Yaaghub Ali Olad, & Ehsan Atashpoor

Abstract

The west of Asia is a bridge between three continents of Asia, Europe and Africa and has a high important in the world affairs for its huge energy, strategic waterways, Israeli Regime and its security for great powers, consumer market and etc. Iran is geographically in this area and benefits from a geo-strategic position among the countries of the region. Iran is the only four-dimensional power in the region that has unmatched capabilities to play a role in regional and global affairs. Saudi Arabia as a two-dimensional power and Israeli Regime as three-dimensional power are along the regional superpower. The west, particularly the United States has long dreamed to create a new order for the west of Asia. New West Asia plan is the embodiment of the dream that surge terrorism in Syria and Iraq in the recent years. New West Asia plan and terrorism as one of its tools followed two main objectives of its Architects; threaten the national security of the Islamic Republic of Iran and maintaining the national security the Israeli Regime.

The main objective of this research is to answer the question: How can change the game against its architecture intends toward the Islamic Republic of Iran national security and threaten the security of Israeli Regime? The paper tries to provide an answer to the question by the library method in collecting data.

Keywords: Iran, Israeli Regime, West Asia, new order

The impact of water crisis on interactions of West Asia countries

Fatemeh Mashhadi Bandani¹

Abstract

Water is prerequisite for development and development has critical role in national security. However, West Asia is one of the water scarce regions of the world. Almost 5 percent of world populations live in West Asia, but they have just 1 percent of water resources of the world. The growth of population and water misuse has faced this region with water crisis, which cause national and regional disputes in the region. Most water resources are in common borders of countries, and utilization of these resources is one of the main issues of inter-state disputes of the region. During the past fifty years, there have been 37 violent disputes over water resources and 30 of them have occurred in West Asia. Author argues that water shortage has political and security aspects in the region and effects inter-state relations in West Asia. So there is a need to provide a comprehensive plan to manage water challenges. She proposes that adoption of a good regional policy has a critical role in management of problem.

Keywords: Water crisis, West Asia, Security

1. Fa.mashhadi.b@gmail.com

Hybrid Terrorism: A New Challenge for International Security

Ali Reza Rezakhah¹

Abstract

ISIS as a security threat to the international system, has introduced a new type of terrorism that is different from previous patterns of terrorism in three strategic, structural and brings about new threats. Present study attempts to use an eclectic approach to utilize a new framework to examine the concept of hybrid terrorism. The main question that this article seeks to answer is the effect of hybrid terrorism, with an emphasis on ISIS case, on international security. To answer this question, the meaning of terrorism must be explained first. The research hypothesis is that hybrid terrorism threatens international security at three internal, regional and trans-regional levels due to its non-linear nature. It leads to political and security instability at internal level, to military confrontation and border changes at regional level, to a new order and power balance at international level.

Keywords: Terrorism, Hybrid Terrorism, ISIS, International Security, Regional Security, National Security

1. arezakhah@gmail.com

South West Asia environmental challenges

Javad Madani¹

Abstract

In the global arena; one of the most important controversial issues is the environment and its related crisis. No doubt the environment is in direct relation with the notions like security and development. Human security, environment security,...have caught lots of attention due to the destructive role of human on the biosphere and the economic, social, political crisis caused by it. South West Asia's being located on the world dry belt, increasing the salinity of the land because of water shortage, desertification, and the possibility of political conflicts over the limited water sources available has become critical to the region's economic and social life. This area is composed of some countries that face water scarcity and little rainfalls and water security is one of their fundamental challenges. Although five percent of world population lives in this area, it contains only one percent of world's drinkable water. It must be noted that 50 percent of the inhabitants of this region share the water sources. So efforts to control and refine surface and ground water resources have been a great concern in recent decades.

The present research has used descriptive-analytic method and the library resources to study the environmental issues of south- West Asia especially water and dust crisis (a newly raised concern) and challenges emerging as a threat to the environment in the human society and human security framework.

Keywords: Water Crisis, Dust, Security, Environment, South-West Asia.

1. Javad2258@Gmail.com

The Emergence of Takfiri Groups and the New West Asia plan with an Emphasis on the rise of ISIS

Saeed Ramezani¹

Abstract

West Asia is a region with a rich history of ups and down, war and occupation; it is a symbol of Eastern civilization; it is dominated by superpowers, and at the same time it is the ground for the rise of innovative and independence-seeking movements. It has always been and is of great geopolitical and geo-strategic significance in the international arena because of its rich oil and gas reserves.

One of the outstanding characteristics of the region is insecurity and the activities of Takfiri terrorist groups that have had many effects on the region. Fundamentalists and extremists have got active and threatened the security of the region during recent decades under different titles. Understanding the nature and complexity of this phenomenon, especially after the emergence of ISIS in Iraq and Syria and its effect on the new arrangements in the West Asia is of great importance.

Studding ISIS and its effects on the geo-political developments of the region, this essay tries to prove that ISIS is a tool to accelerate the process of new West Asia plan to provide US interests and Israeli Regime's security.

Keywords: Security, Greater West Asia Plan, Terrorism, the West Asia, ISIS.

1. saeedramezani1365@gmail.com

The challenges of regionalization among Islamic states of West Asia: A geopolitical analysis

Yaser Esmailzadeh Imamgoli¹, Saeed Tajari²

Abstract

Islamic world has a main body beginning from Atlantic Ocean shores and with a southwesterly direction along the north-east extends to west of China. In this vast region, West Asian Islamic countries are more important than others. This sun-Islamic world has several convergent factors such as common threats, common interests and congruent values that provide the ground for integration. Meanwhile there are internal and external divergent factors in Islamic world that prevents integration. This article tries to discuss the reasons of divergence in Islamic world and its focus is on internal factors including conflicts between Islamic states because of different cultural, ethnical, and linguistic structures, Different political Ideologies, conflict of interests, weak economic interactions and difference in the level of development. Authors also try to describe geopolitical factors of convergence and divergence in West Asia.

Keywords: West Asia, Islamic States, integration, Geopolitics

1. PHD student of Political science in Islamic Azad university, Esmailzadehyaser@yahoo.com

2. Graduate student of Regional studies

Asymmetric Power; Determinant Component of Water Security Order in the West Asia

Ahmad Adinehvand

Abstract

Being located at the world arid belt resulted the West Asia has only 1/4 percent of the world fresh water -that mainly used as commonly- despite the region share of six percent of the world population. Natural scarcity, uneven distribution, sharing of water resources and the lack of alternatives along with issues such as excessive increasing in population and water consumption in the West Asia, the agriculture economics, general and collective mismanagement and territorial, borders, ethnic and ideological conflicts and the absence of ruling the international laws on shared waters are among the exacerbated factors of the water crisis that convert it to a major source of violence. The future of water crisis in the West Asia is worrying under the circumstances. The effects of water shortages in the rural and border areas of the West Asia, including Iran, have been revealed now.

Which factors prevented of converting the West Asia water crisis to an extensive security and military dispute? How the West Asia water crisis effects on the national security of the region countries? It seems that asymmetric power among the West Asia countries led to maintain the water security order.

Keywords: security order, West Asia, water crisis

The nature of social movements and geopolitical developments in the West Asia

Fatemeh Amiri Parian¹

Abstract

The history of social movements is as old as the history of societies. History has witnessed many social movements and revolts by slaves, different races and ethnics, followers of different religions, peasants, and etc. It was from the 19th century onwards that the term “social movements” was used. Until the 1960s, Social movements were considered as old and classic movements. The initial social movements were formed after the establishment of students’ pro-democracy population in 1959. They emphasized the concept of ‘participatory democracy’ and freedom of expression at universities in Europe and the United States which reached its peak in 1968 and found a global nature. The most prominent of these movements was the uprising of May 1968 in France. These movements were different from traditional movements and followed limited and achievable objectives. They aimed to improve modern life (Trudeau, 2008: 1-54 and Amir Kowasemi, 1387: 204-208). In fact, both traditional and modern movements followed the dream of the change. The difference is that the traditional movements (revolutionary movements, the labor movements, nationalist movements, the Islamic fundamentalist movements) were seeking basic changes but the new social movements (environment protecting movement, the women's movement and the students movement) wanted a revision and reform in modern structures (Lehmen, 2007: 648).

This study aims to examine recent social movements in the West Asia using descriptive analysis and library resources. When a social happens from within society, it brings democracy and prosperity, but when it is dictated by other countries, particularly the superpowers, and is in accordance with their demands, it only and will not lead to democracy, but also will threaten their national interests and security.

Keywords: Social movements, the West Asia, Iran's Islamic Revolution, globalization, Government tyranny, Western reforms.

1. fatemeh.amiriparyan@gmail.com

Review of Muslim Brotherhood's inefficiency during Islamic Awakening in Egypt

Saeed Khazaei

Abstract

Before Egypt's January 25, 2011 revolution, the Muslim Brotherhood was the sole opposition force with the best organization and the highest effect in Egypt, especially due to weakness and inefficacy of other political forces, whether leftist or liberal. Following the revolution, this group first had doubts about snatching power or rejecting it until it decided to introduce a candidate for presidency. This decision was made amid deep rifts that existed at the time of the "general consultative council," because 56 members agreed to the decision while 52 members opposed it. This decision took many people by surprise especially since the Muslim Brotherhood had promised in February 2011 that it would never run for presidency. This decision even surprised many middle and low ranks of the group, but they accepted it in order to maintain the group's unity at a time that the Muslim Brotherhood had serious difference with the military council that ran the country at that time.

The failure of the Muslim Brotherhood in ruling the country did not come by chance, because it was the result of the group's inability to consolidate its control over what is called the "deep state;" a state which spared no animosity against the Muslim Brotherhood. Khalil al-Anani, the Egyptian thinkers, believes that this deep state was comprised of institutions, structures, personalities and figures who had grown under Hosni Mubarak's government and after January 25 revolution, they stood against the revolution in order to maintain the past culture of corruption and their own political and economy structures. Therefore, they did their utmost to deviate the revolution and finally cause it to fail. During one year of the Muslim Brotherhood's rule, this deep state eroded the Muslim Brotherhood's power and took advantage of its lack of experience and lack of power and ability to get control of all state organs to its own benefit. This current reached the climax of its barbarity on June 30 and displayed its ugly face by putting an end to the first democratic experience in Egypt.

Keywords: deep state, security, political, economic, media, foreign policy

Russia's interaction and conflicts in coping with terrorism in Iraq and Syria and their impact on security in the West Asia

Muhammad Hussein Moradi

Abstract

Terrorism is a phenomenon that is threatening many countries in the world especially in the West Asia. The ISIL is an example that has got involved not only the regional but also the trans-regional actors in this phenomenon. West Asia itself is a potential region for the terrorist groups to grow up.

After the 9 September 2001 followed by the US attacked to of gone it's gone and Iraq with the pretext of fighting against terrorism and extremism and the 2010 so called Arab Spring, very much proper bed was prepared for increasing terrorist attacks and strengthening of the terrorist networks in the West Asia specially in Iraq and Syria.

The Americans and Russians have chosen to different approaches against this phenomenon. Both countries have tried to manage developments and secure their long-term interests in the region.

Other dominant regional actors are also playing a role to meet their own agenda although sometimes confused due to lack of correct understanding of the US and Russian approaches. Iran, Turkey, Saudi Arabia and the Zionist regime are the said dominant regional actors; in the meantime, some of the Persian Gulf states do support terrorism and extremism.

In order to elaborate this situation, the paper considers the way and content of the American and Russian policies in coping with terrorism and extremism in Iraq and Syria.

Keywords: Russia, Terrorism, West Asia, Iraq, Extremism

Iran's Regional Opportunities and Challenges Considering the Islamic Awakening in Yemen

Hadi Turki

Abstract

The West Asia Islamic awakening main character is emancipation of Muslims from tyrannies government and external interventions, and represents an attempt to create a new order according to the Islam culture and ideology. This brings to Iran grounds that can be with threats or opportunities. Considering the contexts before the events leading to 2011, along with the support of the West and the Arab rulers against the axis of resistance has caused the awakening remains incomplete. This has created challenges to the Islamic Republic of Iran. Of course, considering to its religious identity and intellectual nature, the awaking created opportunities for Iran. Therefore, identifying opportunities and threats to Iran in the region, especially in Yemen, can guide the Islamic Republic decision making. Trying to create democracy, increase the Iran's regional power and prestige and the Houthis in Yemen and their revolutionary spirit are including the opportunities. Saudi-Iranian strained relations, risk of the strengthening the Arabic-Hebrew-West coalition against Iran and diversion of Islamic awakening in the region are the possible challenges ahead. In this paper we will try to addressing to the Yemen challenges and opportunities and suggests strategies by using the SWOT model. Leadership Strategy, deterrence, review and defense are the most important strategies in this regard.

Keywords: Islamic Awakening, Yemen, Iran, Opportunities, Challenges

Obstacles to end the Syrian crisis and reasons for its persistence

Yahya Zarrinnarges, & Atefeh Baghi Shadbad

Abstract

After 5 years since the beginning of the Arab Spring, the West Asia is faced with one of its most critical situations to an extent that any initial hope of achieving regional democracy resulting from the Arab Spring has almost disappeared. In some regional countries, tense conflicts among various groups has blocked a political process to exit such conflicts. As one of the region's most crisis stricken countries, Syria is a country that is engaged in the storm of the Arab Spring.

The Syrian crisis has created the grounds for local, regional and international conflicts to complicate the crisis resulting from developments in the West Asia. In this regard, in order to understand Syrian developments and barriers preventing the end of the civil war and crisis, it is attempted to provide a three-level concept of the country's situation. This paper addresses the main question of the literature; what are the obstacles preventing the crisis after 5 years since the start of public protests? It is attempted to identify and address the main local, regional and international factors that have turned into barriers in ending the crisis.

At local level, issues such as the Kurds efforts to stabilize themselves within Syrian developments, the transformation of Syria into a military arena consisting of pro and anti-Assad forces fighting to gain often contradictory interests, along with the opposition's weakness and the war of attrition between multiple prominent military forces will be evaluated. At regional level, rivalries, goals and contradictory interests of Iran, Saudi Arabia and Turkey as the main countries involved in the Syrian crisis will be assessed. At international level, Russia's objectives and strategies for military pragmatism in Syria and the United States' strategic confusion will be discussed. The hypothesis to the main question will be presented as; sustainable grounds for tensions and rivalries at local, regional and international levels among involved actors in the Syrian crisis along with contradicting goals and ideals have turned into barriers in ending the crisis and its persistence.

Keywords: Syria, Kurds, Militarism, Islamic State, Saudi Arabia, Iran, Turkey, the United States, Russia

Chapter 4

Islamic Republic Iran and regional security order in West Asia

Structural limitations facing regional supremacy of the Islamic Republic of Iran

Seyyed Jalal Dehqani Firouzabadi¹

Abstract

According to the 20-Year Perspective Plan, one of the national goals of the Islamic Republic of Iran has been defined as ranking the first and playing a dominant role in the region. Many regional and transregional actors have considered this goal as a sign of Iran's quest for supremacy, expansionism and hegemony in West Asia region. Latest changes and developments in West Asia region at four different levels of agents, structure, norms and interaction model following the Islamic Awakening, on the one hand, and Iran's nuclear agreement with the P5+1 group of countries in the form of the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), on the other hand, have served to bolster this concept and understanding, because the final result of these developments is increased power of Iran to play its regional role followed by promotion of its position and status in West Asia.

Although Iran's regional supremacy has a positive nature and motive and does not mean seeking hegemony, what is thought and understood at regional and international levels defies this reality, so that, regional and transregional actors react to it on the basis of their own understanding of Iran's effort to seek regional supremacy and hegemony. Such actions face Iran's peaceful supremacy with limitations and structural impediments at both regional and international levels. Therefore, in order to achieve its deserved position in the region, the Islamic Republic of Iran should not only overcome restrictive factors inside the country, but must also triumph over these structurally limiting factors and variables.

This article first offers a conceptual and theoretical approach and then analyzes the quality and degree of limitations caused by international system and regional system on the way of the realization of Iran's supremacy at three levels. At the first level, the materialistic structure of international and regional

1. Faculty member of international relations group; Faculty of Law and Political Science; Allameh Tabatabaee University

systems, which means distribution of power among agents according to their specific arrangement or polarity of the system, is a limiting factor. At the second level, we have non-materialistic and ideal-normative structures of the international and regional systems, which become manifest according to rules and principles that govern international relations and cause behavioral limitations for the Islamic Republic of Iran. At the third level, in view of ontological state of every agent, in addition to limitations imposed by materialistic and normative structures of international system, big powers as well as international and regional power poles cause limitations for Iran.

Therefore, unilateral supremacy of the Islamic Republic of Iran in the region is faced with serious structural obstacles and cannot be easily achieved. To achieve this goal, adopting a policy of regional multilateralism within framework of a cooperative regional order, convergence, or a concert seems to be more suitable. The most important preconditions for implementation of this policy include doing away with misunderstandings, correcting misconceptions and desecuritization through elimination of threats and tensions, building confidence and constructive interaction with international and regional systems. Bolstering mutual and balanced economic and security ties is another effective factor, which can reduce the intensity of limitations and structural obstacles that prevent realization of Iran's regional supremacy.

Keywords: structure, agent, international system, hegemony, multilateralism, concern, balance of powers, norm, constructive interaction, cooperative order

West Asia's geopolitical codes and desirable regional order for Iran

Amir Qodsi¹

Abstract

The history of security in the Middle East (West Asia) region shows that this geographical region has been more prone to instability, insecurity, crisis and conflict than other geopolitical spheres. Regional wars, phased conflicts, territorial disputes, as well as endless and recurring crises are among those factors, which call for permanent study of regional security indexes. Continuation of this turbulence, along with the lasting nature of geopolitical codes, has caused the West Asia region to be among the most critical and most insecure regions of the world. The main question is what conditions embody the desirable security order that Iran, as one of the most influential actors and countries in the region, is looking for? This study seeks to revisit common models of regional security and after explaining its desirable indexes in proportion to regional conditions, determines priority measure for the establishment of regional security. The research method has been based on collection and documentary analysis of previous researches and taking advantage of specialized desks related to this issue. To assess credit of findings, 25 experts have been invited to cooperate with this research and contribute their viewpoints in a prioritized manner. Their viewpoints have been then analyzed through SPSS software and results show that the most suitable model of regional order for the Islamic Republic of Iran is based on a "cooperative model" which would be "rooted in civilization and economy" and take an approach to "soft power creation."

Keywords: regional security, Islamic Republic of Iran, cooperative model

1. Researcher and university teacher

**Representing Iran's relations with
the Persian Gulf Cooperation Council
through matricial model of security orders**

Hamid Reza Kamali, Mehdi Alaei

Abstract

The geopolitics of the Persian Gulf has been redefined within a bipolar pluralistic – solidarity structure in such a way that it transcends geographical limits to turn into a space which reflects both models of international community and order in a reciprocal and concurrent manner. It seems that the model of security order in this region is anarchic in nature and is characterized by presence of a number of different powers with a predetermined security, political and military agenda. Such transregional actors as Britain and the United States have been instrumental in shaping regional security arrangements both before and after the Cold War. The Islamic Revolution in Iran caused more securitization of the region and redefined behaviors among governments. Therefore, establishment of the (Persian) Gulf Cooperation Council was based on an institutional power demand so that Arab members of the council could create a different and conflicting identity as opposed to their northern neighbors, Iran and Iraq. Architecture of order in this region can bolster the Gemeinschaft lines and increase density of the pluralistic part while at the same time weakening the Gesellschaft lines and weakening the solidaristic part of this region. The hypothesis of this research predicts a model resulting from matricidal synthesis of security orders according to a dialectic and hybrid standard consisting of solidarity and pluralistic layers. The resultant model of regional order is created through a combination of two power-oriented and concert-oriented forms of order and redefines future relations between Iran and the (Persian) Gulf Cooperation Council within a complex network of power variables.

Keywords: solidarism, pluralism, security order, matrix, Gemeinschaft, Gesellschaft, Iran, (Persian) Gulf Cooperation Council, balance of powers

Iran's strategy for establishment of desirable security order in West Asia

Javid Montazeran¹

Abstract

Although cooperation for protection of regional peace and stability and establishment of a security system based on cooperation among West Asia countries is a sure way to defend common interests of governments in this important region, it is clear that various plans offered by transregional powers have so far failed to help establish stability and security in West Asia and have only stoked conflict and unrest. In fact, what the West prescribes for West Asia countries and the Islamic world is aimed to promote divergence and territorial disintegration under apparently hypocritical support for the rights of ethnic and religious minorities in West Asia region. In other words, West Asia is a region with special geopolitical, geostrategic and geo-economic characteristics and this issue has helped regional and transregional powers play a remarkable role in regional developments and in posing geopolitical threats to territorial integrity of countries in this region. On the whole, they have caused West Asia to be grappling with widespread insecurity during recent years. The reason is that transregional powers always try to maintain their political and economic superiority in the world and to guarantee easy access to West Asia's inexpensive energy resources. As a result, they have tried to fan the flames of existing differences, such as those between Shias and Sunnis, which would have been resolved within framework of bilateral or regional relations, and push the region toward lasting crises and tensions in order to pave the way for their long-term presence. The main question of this research is what strategies are available to the Islamic Republic of Iran in order to establish regional security order in this part of the world? This paper has used a descriptive-analytical method to explain and analyze strategies available to the Islamic Republic of Iran in order to establish its desirable security order in West Asia.

Keywords: West Asia, regional security order, convergence, divergence, interaction, strategy

1. Master's degree in international relations; arms control diplomacy major; Malek Ashtar University: Montazeran.javid@gmail.com

Geopolitics of Shiism and its impacts on regional order in West Asia

*Hojjatollah Jahani-Rad¹, Mojtaba Dorafshan²
Iraq Shahverdi³, & Ali Akbar Qiyasi⁴*

Abstract

Today, geopolitical coordinates of any geographical region are considered as one of the important and influential factors in setting security and international value of that region and this factor (geopolitical situation) is so important that it greatly influences attitudes and viewpoints of global decision-makers. In fact, it is this factor, which creates opportunities in one place, while causing challenges in another or creating both these situations in a third place.

Shia-inhabited regions of the world, which are mostly located in West Asia region between the Mediterranean Sea and the eastern borders of the Iranian plateau, have been always centers of crisis and prone to various challenges and opportunities. During the past century, this situation has been special due to clearer manifestation of religious beliefs of Shias, so that, study of regional geopolitics would lead to mistaken conclusions without attention to the Shia factor.

This paper relies on information obtained through the library, and somehow field, methods and tries through a descriptive-analytical method to explain the geopolitical situation in Shia-dominated regions of West Asia. It also aims to elaborate the security state that is associated with geopolitical situation of this region. In conclusion, the hypothesis that the geopolitics of Shiism is among factors affecting order in West Asia region will be analyzed in a documented manner.

Keywords: geopolitics, Shiism, West Asia security

1. Doctoral student of geopolitics, Southwest Asia major

2. Faculty member; College of Farabi, University of Tehran

3. Doctoral student of strategic management; Allameh Tabatabaei University

4. Faculty member College of Farabi, University of Tehran

Militarization of the West Asia and cooperative security approach of the Islamic Republic of Iran

Reza Simbor¹, & Behnam Babazadeh²

Abstract

Geopolitical and geostrategic position of the West Asia has been a cause of more attention to this region by transregional actors, especially after collapse of the world's bipolar system. This has been the cause of many international disputes in the geopolitical domain of the West Asia. Border and territorial disputes, ethnic and religious disputes, ideological conflicts, and oil have been among the most important challenges facing the West Asia. These challenges have made the environment in the West Asia fragile and unstable and have made West Asia more prone to infiltration by interfering powers. Infiltration of interfering powers and the conflict among their goals and interests or between their interests and goals and those of regional states will lead to increasing militarization and regional instability, which in addition to paving the way for geopolitical changes, jeopardizes survival, security and vital interests of regional actors. The present research has been done through descriptive-analytical method to delineate an effective defense strategy for the Islamic Republic of Iran, so that, it can both prevent further militarization and increase security and stability in the region.

Keywords: West Asia, militarization, West, cooperative strategy, Iran

1. Faculty member; Gilan University

2. Master's degree in international relations; Malek Ashtar University of Tehran

Outer Space and its Impact on Iran's Regional Power

Gelare Rastegarnia¹

Abstract

Economic development and economic, science and technology supremacy in the region with emphasis on software movement and production of knowledge constitute an outlook for Iran in 1404 Vision. Enjoyment of a regional power role, that its main measure is national power, will follow the benefiting of national interests. Between the different elements of power, as Morgenthau said, the most stable factor is geography. In the current era, outer space and utilization space technology is very important for states security, power and prestige. The paper provides a picture of the space competitions in 21 century. Thereafter, Iran's space activities and its cooperation with other powers will be addressed. The question of the paper is: how Iran's space progress impact on its regional power?

Keywords: outer space, space strategy, regional power, national power, space technology, space race, space-oriented security threats

1. MA student of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University of Karaj

Evaluation of I.R. Iran foreign policy in near-east based on Kenneth Katzman views

Fatemeh Mohammadi¹

Abstracts

Studying expert's views about foreign policy of actors is one of the methods in foreign policy analysis. This article tries to evaluate I.R. Iran foreign policy from Kenneth Katzman's views. Katzman holds PhD. In political science and is a CRS analyst in West Asia affairs. Katzman argues that Iran foreign policy originates from numerous factors, which sometimes are in competition, including Ideology of Islamic Revolution, Leader's attitude toward threats, Long term national interests and reaction of different bodies in administration like parliament and other organizations about foreign issues. Some analysts argue that Foreign policy goal of Iran is to evolve UN to a structural power in West Asia and gain ability to overcome USA and its allies in the region. That's why Iran supports Shia and Islamic Movements as suppressed groups. Other analysts claim that Iran's foreign policy is pragmatic rather than ideological. In other words Iran's foreign policy tries to protect the Islamic republic against USA attempts to regime change. They also believe foreign policy is a tool to promote international status of I.R. Iran.

Keywords: Foreign policy, Katzman, Ideology, USA, I.R. Iran

1. IR lecturer in allameh Tabatabaee university, mohammadii.f@gmail.com

New Regionalism and challenges of I.R. Iran foreign relations

Bahador Zareei¹, & Atieh Karimi²

Abstract

Integration based on new regionalism is one of the approaches for promoting cooperation in the world. Author believes that in current global and regional system, it is easier to gain national security through economic orientation and wealth making than military and hard policies. This rule has been represented in regional cooperation and global inter-dependence. Therefore scholars argue that economic correlation among European states after world wars had a critical role in their cooperation and avoiding conflict. I.R. Iran after the imposed war with Iraq has adopted regional orientation in its policies. Meanwhile Iran's regional condition and numerous security threats have caused her regionalism to be more security and political oriented. However, the successful cases of new regionalism are mostly economically oriented. This article tries to explain the different orientation of I.R. Iran's regionalism.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Regionalism, New regionalism, Regionalism challenges

1. Assistant professor of political geography in Tehran university

2. Graduate student of political geography, atiekarimi@ut.ac.ir

Regional orders in south West Asia and strategy of Iran

Gholamali Soleimani¹

Abstract

The document of future perspective can be considered a turning point in I.R. Iran in terms of its emphasis on the importance of region. In this document, for the first time, a determined region has been defined as a goal. This region is the south West Asia consisting of 25 countries, and is used as an alternative for the West Asia which is considered a western term with political bias. Author argues that it is necessary to use non-western approaches to understand the security arrangements because of the contextual characteristics of the region. He claims that many of the developments in the region cannot be explained by western views and geo-cultural views are more useful than mainstream western theories. With regard to these conditions, author tries to discuss the appropriate strategy for I.R. Iran toward the regional order in south West Asia.

Keywords: South West Asia, Regionalism, Strategy, Regional orders

1. Assistant professor in Islamic thought and culture Institute, gholamali.soleimani@gmail.com

The Role of the Regional Challenges and the New Security Order of the West Asia in Iran's Foreign Policy

Ehsan Faramarz Manesh¹, & Seyyed Hamzeh Salehi²

Abstract

This paper aims to answer the following question: How do the challenges and crises and the subsequent new security order on the West Asia impact Iran's post-revolution foreign policies. In this regard, after exploring these challenges and the crises and their outcome, that is the new security order in the region, Iran's approaches in its post-revolution foreign policies will be scrutinized. Challenges and crises like the Gulf War, the occupation of Iraq by America, Arab Spring, ISIS and the civil war in Syria resulted in America's direct and indisputable political and military presence to secure its own interests and support its allies in the region.

Following such a political and military presence, American leaders, one way or another, have kept pursuing a reconfiguration of a particularly self-serving security order. It could be delineated that these challenges and the new security order have caused Iran to embark on an offensive foreign policy. In order to secure its interests and enhance its regional power, Iran, in addition to military and political presence, has allied with the regional and trans-regional countries and formed coalitions with them. Also the theory of offensive Realism provides the basis and framework for the analysis of Iran's foreign policy. In fact, according to this version of Realism, the world affairs are generally Hobbesian in which security is a rarity. Therefore states endeavor to achieve security by maximizing their relative privilege.

Keywords: Islamic Revolution of Iran, the West Asia, Regional conflicts, New Regional Order, Foreign Policy.

1. ehsanfaramarz919@yahoo.com

2. m_hamzehsalehi@yahoo.com

Iran and the New Regional Order

Zahra Maarefvand¹

Abstract

Iran's being located in the geopolitically important West Asia has faced this country with numerous challenges. Iran as an independent and self-help country, can be considered a major power block in the region. In addition, its energy (gas and oil) resources and its unique geographical position make it noticeable for the trans-regional powers. After cold war, America got very powerful and affected the security order of the region. Now, any crisis and disorder in the West Asia has international effects and ends in the interference of trans-regional actors.

Iran is an efficient actor in the region due to its strategic, geo-political, geo-economical position, its economic, military, and scientific potentials. It thinks of a West Asia free from trans-regional military forces and believes that the security of the region can be provided by the countries of the region themselves and via peaceful friendly relations among the neighboring countries. This essay talks about Iran's role and strategy in providing the security of the region. The writer believes that Iran's logical approach and its active diplomacy can be very helpful in decreasing the present tensions and managing the crisis of the region.

Keywords: The West Asia, Security, Regional actors, Regional order, Trans-Regional powers.

1. maaref.zahra@yahoo.com

JCPOA and its Effects on West Asia Regional Order

Iman Ahmadvand¹

Abstract

Although the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), is decided on to solve Iran's nuclear issue, few can reject its trans-nuclear outcomes. One of these outcomes can be its effect on the regional security and arrangements of the West Asia. Even though, there is fundamental disagreement among the regional actors over the regional issues and developments, some strategic favors and priorities demand unified approaches among the actors to provide the security of the region.

This essay tries to explain the effects of JCPOA on the regional order and security under the light of Copenhagen approach, bearing in mind that the region is experiencing a transition period and new international arrangements are being shaped.

Keywords: Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), Regional order, Copenhagen approach

1. Iman.ahmadvand66@gmail.com

Iran and the Persian Gulf Cooperation Council: How a new regional order is shaped on common interests

Ghassem Osuli

Abstract

Since the inception of the Persian Gulf Cooperation Council (GCC), there has been various political differences raised between Iran and the PGCC including dispute over the three islands, the nature of American presence in the region, nuclear energy for Iran, the West Asia developments particularly those of Syria and Yemen. Main questions posed in this research are: What was the impact of political differences, since 2011, on the process of commercial interactions and economic cooperation between Iran and the PGCC? And in this regional economic mayhem what approach could help a better regional order being shaped fulfilling common interests? Seemingly, in case economic diplomacy is opted for instead of a security diplomacy and geopolitical rivalry, there are considerable capacities for boosting cooperation between the two sides and as a result, bolstering a new regional order based on common interests. The research continues with answering another question: what are the most important parameters shaping this economic diplomacy and what economic capacities would be followed for Iranian cooperation with the PGCC? Expansion of bilateral ties between Iran and the PGCC or multilateral relations among them is, from different aspect, important. Firstly, while Iran and most of these states constitute major part of the tension in the West Asia, improvement of mutual trade relations could play an appropriate role in easing political crises in the region. Secondly, Iran and the PGCC member states enjoy a variety of capacities to start a regional commercial bond. Here, to answer the posed questions, we first deal with the most significant political and security differences between Iran and the PGCC in the past decade and then, to measure the impact of these political developments on economic relations and cooperation between Iran and the council is examined; and finally, the type of economic diplomacy and cooperation capacities on the two sides in case there is a change in the security look and geopolitical rivalry and substitution thereof with an economic look, are tackled.

Keywords: Iran, The Persian Gulf Cooperation Council, Economic diplomacy, Trade, Energy, Security Diplomacy.

Iran's West Asia foreign policy regional security threats

Reza Sarhaddi Gahri¹

Abstract

One of the most important foreign policy objectives in different countries is to achieve security. There is a strong relation between national security and foreign policy in achieving national interests. Undoubtedly sustainable development of each society and country depends on its security. So in making foreign policy strategies, particular attention is given to security. Security and stability provided, welfare programs can be well-developed. Islamic Republic of Iran being located in the West Asia regional system, has always faced various risks, challenges and developments considering its security. Great changes in regional and international system created new threats and opportunities-especially in the sensitive West Asia region, for Iran. Due to the importance of the security, this essay tries to study Iran's foreign policy. The most significant threat sources affecting Iran's role in security arrangements in West Asia are: trans-regional powers, especially the United States of America's presence in the region and their fear of the anti-imperialist challenging nature of the Islamic Revolution, Iran's controversial views with many regional players regarding security arrangements of the region. The theoretical framework used for this study is the theory of offensive realism. Offensive realism argues that anarchy compels governments to maximize their relative power. Governments try to maximize their power and influence, to maximize their security.

Keywords: Foreign policy, the Islamic Republic of Iran, Regional security, West Asia

1. rezasarhaddi1@gmail.com

Iran's Position in the Emerging Regional Order

Samaneh Ghorbanpoor¹

Abstract

West Asia and Persian Gulf region includes the lands between the Mediterranean Sea and geographically is located at the crossroads of Europe, Asia and Africa. What have made this region globally significant is the rich deposits of energy, especially oil. This area contains the biggest energy resources in the world. West Asia is one of the most important parts of the world due to its being neighbor to Atlantic and Indian oceans. Mediterranean Sea, Red Sea, the Caspian Sea, the Black Sea and the Persian Gulf are located in this area as well. In addition, there are numerous channels and strategic Straits prominent role in this region has given the West Asia extra prominence and importance.

The main players in the West Asia can be divided into several categories:

The first group includes state actors that are divided into two categories: regional and trans-regional.

The second group consists of non-governmental actors.

Due to recent developments in the West Asia including developments in Arab countries, Iraq and Syria, Iran's nuclear program and competition for regional leadership, current developments in Turkey, the West Asia has entered a new phase of its history.

What will be discussed in this piece of writing is the emerging regional order in the West Asia and Iran's new position in this order with respect to other regional powers.

Keywords: West Asia, Strategic, State actors, Non-state actors, Regional, Trans-regional, emerging discipline

1. Sqorbanpoor@yahoo.com

Iran's chances and challenges in West Asia crisis (with an emphasis on Syria and Iraq crisis)

Amir Hadadpour¹

Abstract

A crisis near the borders of a country can be seen as both a threat and/or chance for that country. Crisis in Syria and Iraq has caused the formation of various coalition and associations in the countries involved. Iran's Engagement in Syria and Iraq has provided two types of opportunities. The first one is the actual and spontaneous opportunity of playing its own role and the potential opportunities that can be pulled out of the crisis. Actual opportunities can be stated as follows: Iran's being accepted as a regional power, its being known as a responsible country in public opinion despite the negative propaganda of anti-Iranian coalition, an alliance with Russia over its stance against the Western-Arabic coalition, direct presence in targeted areas and influencing the situation taking part in decision makings like other powers. Potential opportunities can result from of the way Iran acts and plays its cards that can turn into new challenges.

These challenges and opportunities are discussed here.

Keywords: West Asia, Syria, Iraq, Iran, Terrorism, National security, Opportunities and challenges

1. geo.hadadpour@gmail.com

Iran's Desired Order in the Region

Seyed Ali Akbar Ghanizadeh, Sayid Qadir Ghanizadeh

Abstract

Current world order based on the results of the first and second World Wars is western. Socio-political Fragility is one of its prominent features. Now that more than seventy years have passed, the order in West Asia is undergoing a fundamental change. West had founded the order of this region on ethnic and religious differences. Although the order desired by the west has been in the favor of their own interests, their lack of sufficient knowledge about Shiite Islam is one of the shortcomings of the order established by them. During the past years that people of the region were silent about the plunder of their massive wealth, Iran's religious leaders reacted to the issue and fought against it.

Iran believes that, as the independence of Balkans and Caucasus from Soviet Union became possible after eighty years, the Palestinian people can regain their independence after seventy years. So the order established by the West has confronted big challenges and good order of the Islamic Republic of Iran will be achieved.

Keywords: Desired order, Iran, West Asia

The Iranian Priorities in the Securitized West Asia

Kabok Khabiri¹, & Razieh Abbasgholi²

Abstract

Saudi Arabia is the main enemy of Iran now. Saudi trying to challenging the spheres of the Islamic Republic of Iran influences in Iraq, Syria, Yemen and Lebanon on the one hand and create a new power poles in the West Asia in collaboration with Israeli Regime. Saudi has not a clear strategy in Syria and supports various countries or groups in different times. Israeli Regime has also the same situation. Israeli Regime main strategy components are countering Iran and use the Saudi Arabia regional influences in this regard. Turkey has no clear decisions on its strategy towards the West Asia in the situation. The country pursues the revival of the old Turkish territories in its agenda on the one hand and moves towards America and NATO on the other hand.

Keywords: security environment, West Asia, Iran's foreign policy, new geopolitical axis, new geostrategic axis

1. Assistant Prof. Islamic Azad University

2. MA in Political Science, Islamic Azad University

The Necessity of Redefining the Islamic Republic of Iran Roadmap in the Southern Caucasus

Jafar Khashe

Abstract

Iran has a very strong historical background in the Caucasus and parts of the region were a part of Iran's territory during the different periods of time. That's because of the great cultural depth in this region. Iran is the only regional power that has diplomatic relations with each of the three countries of the Southern Caucasus, while other regional powers have strained relations with some of them. Turkey has many problems in its relations with Armenia as well as Russia with Georgia. This is important because it shows that Islamic Republic of Iran has not interventionist view to the region. Iran has a constructive and peacefulness view to the Caucasus and it can be seen in the practices of Islamic Republic of Iran in the region during the last quarter century. While the good neighborliness is one of the Islamic Republic of Iran top agenda to the Southern Caucasus, Tehran has not been a coherent, well-organized and with a clear orientation toward the region. It seems that there is a vacuum in Iran's foreign policy to the Caucasus. Fixed the problems requires the presence of the Caucasus experts in policy-making processes about the region.

Keywords: Iran, Southern Caucasus, Russia

Concluding of the JCPOA and its impact on the enhancement of Iran's regional power

Reza Zabihi

Abstract

JCPOA which is an international agreement on Iran's Nuclear program concluded between Iran and 6 world powers known as 5+1 (USA, Russia, China, France, UK and Germany) as well as the EU on 14 January 2015 in Vienna, is a beginning of new developments and transformations in the regional order of the West Asia. Taking into consideration the neoclassical realism theory that unlike the new realism argues that the structure influences the agent through intermediate variables instead of directly influencing it, in this assessment we have examined this hypothesis. JCPOA as an achievement in the international level that has been agreed upon by all world powers derived from the international established order has led to an increase of Iran's power in the regional order of the West Asia taking into account the mediator variables, especially the perceptions and calculations of government leaders.

In order to measure the increase in Iran's regional status one can refer to the followings: official statements made by the leaders of other countries, concerns of Iran's regional rivals, attempts of other countries to increase interaction with Iran and to recognize Iran's regional influence, increase in Iran's economic strength and its share of oil export, renovation of Iran's transportation and areal system which all have been achieved after the nuclear deal between Iran and 5+1 in 2015.

Keywords: JCPOA, Regional Order, Iran, West Asia, Regional Power, the USA, Europe.

Security Crises in Southern Caucasia and their Implications on National Security of the Islamic Republic of Iran

Dr. Hussein Assarian Nejad, Mohammad Rostami, & Mohammad Javad Ramazani

Abstract

The Southern Caucasia is an important region in terms of international security and given its different crises as well as geopolitical features, the said crises are affection national security of the Islamic Republic of Iran while it is receiving mutual implications. The paper using s developing countries approach and regional security perspective and by means of an analytical-descriptive method intends to discuss the regional developments and specially to focus on those crises - the crisis between Russia and Georgia and Karabagh conflict - that have direct implications on national security of Iran. The conclusions of the paper are achieved after interviews with the informed stakeholders in the region.

Keywords: National Security, Crisis, Sothern Caucasia, Islamic Republic of Iran, Republic of Azerbaijan, Armenia and Georgia.

The Effect of Iran on the Regional Order in the light of Global Crisis: Requirements and strategic Consequences

Behzad Khoshandam¹

Abstract

Uncertain and changing conditions of the world in the third millennium reminds us of Iran's geo-politic and geo-strategic capacity to redraw, redefine and redesign the regional architecture and order. Based on its experiences in the field of international politics, West Asia is ready to undergo fundamental changes in issues such as geographical boundaries, sovereignty, actors, security and strategic campaigns, renewed coalitions and alliances, the emergence of new effective threats, regional and trans-regional actors.

Reviewing major global crises such as the Arab-Israeli conflict, the Arab crisis, crisis in Ukraine, Afghanistan, Iraq, Syria, Lebanon, Yemen, Turkey, and ... implies that Iran is an important influencing and Influenced by actor in all these crises. Lessons learnt from Iran's regional and trans-regional interaction over the last century suggest that it's better for this country to play an active role in shaping the security order and arrangements of the region can guarantee its national security. So this essay using a descriptive analytic method, tries to elaborate on the possible future reaction of Iran to the present crisis

Keywords: Iran, Strategy, World Order, World Crisis.

1. behzadkhoshandam@yahoo.com

Public Diplomacy: Neglected Tool in Strengthening and Developing Relations with Neighbors

Hasan Ashrafi¹

Abstract

Public diplomacy refers to activities that can be done to communicate with the public and transmission of messages to achieve certain goals. In this regard, formulation the functional messages and its route to transfer soft power is important. The messages that actors proposed in public diplomacy arena regulate based on goals, challenges and threats. If transferred accurately and having the capacity to continue in the target country, public diplomacy has the capability to creation a new and desirable discourse or change the dominated ones. Public diplomacy involves a range of issues from prestige promotion, national interests and proliferate the values and norms to destruction of a country's government face. Public diplomacy activities include informational, educational and cultural parts, exchange of experts and even providing material aids that is aimed at all affecting the audience.

It can be said that public diplomacy in parallel of the official diplomacy includes a series of new diplomatic strategies and tactics that tries to promote the prestige and image of a country in the international space. In fact, the new conditions of the international system has led to countries need more to connect with social groups in the targeted countries.

The paper identifies the barriers to the spread of cultural influence of Iran in the framework of public diplomacy and addressed to the Iran's cultural diplomacy components within the framework of public diplomacy. In this context, the conditions of create internal fields to design an active public diplomacy will be discussed.

Keywords: public diplomacy, cultural diplomacy, Islamic Republic of Iran, soft power

1. PhD Student Cultural Policy, University Baqer al-Olom

Bahrain Geopolitics and its Impact on Regional Security with an Emphasis on Iran

Mohammad Ali Ghayoomi

Abstract

Bahrain's has always been very important for its geographical and strategic position and located in the waters of the Persian Gulf. The country has been the Traffic zone of the ships especially hunted the Pearl from the old time. Also at the height of competitions between European countries on the colonies, Bahrain was the conflict arena between the Britons on one side and Portuguese, which occupied the Island in the early of sixteenth century, on the other side. After the Indian subcontinent turned into one of the important colonies of the British Empire, Bahrain's position as a link between Europe and the Far East was exceptionally advanced and found in commercially importance because of its convenient location on the Mesopotamia and India trade route.

The main objective of this paper is to analyze and explain the geopolitics of the Kingdom of Bahrain and its impact on regional security with an emphasis on Iran.

It seems that the geographical location of Bahrain in the Persian Gulf region is in a way that can increase the regional security coefficient or makes challenges for it.

Also it seems the America's Fifth Fleet in Bahrain's is a challenge for security of the countries in the region, including Iran; and It seems the Bahrain's energy resources effect on the economic security of the region. Finally, it seems Persian Gulf regional security equations will shape by Iranians or Saudis.

Keywords: Iran, Bahrain, security, Persian Gulf, Geopolitics.

Saudi-Iran relation during post-JCPOA (Joint Comprehensive Plan of Action)

Anna Yousfeian¹

Abstract

The purpose of this paper is analysis of Saud-Iranian relation with a focus on the period after JCPOA. This new condition led to more legitimate Iranian image in the region and Saudi response to the menace of Iran. The main question is: Is Iran a strategic threat for Saudi Arabia or their tension rises from historical perceptions? The main objective of this article is answering this question: What is the solution to adjust Saudi-Iranian Perceptions about themselves? To answer this question, it will be used two main theories to explain their relation and its formation: In the first part, using constructivism and historical regard toward Saudi-Iranian relation, it will be explained function and impact of mentality in two countries toward each other, Iranian Understanding of Arab identities and vice versa in their foreign policy. In the second part, using the realism, relations between the two countries will be discussed in the light of recent developments. Following the strategic interests is the root of confrontation by Iran and Saudi Arabia and their opposition in the conflicts in Syria and Yemen. Without common strategic or economic interest is another obstacle to détente.

Finally, dynamics of developments in the West Asia has been necessitated an active and coherent policy by Iran and Saudi Arabia. Creation of a coalition by Iran, Turkey and Russia to resolve the crisis in Syria can be seen as one of the most decisive factors affecting the future policies of Saudi Arabia. Recent developments in the region have helped to legitimize the Iranian role in the region and denying the role by Saudi Arabia is not wisely. The current situation of Iran in the region has created the potential to gain the maximum benefits to adopting an active policy towards Saudi Arabia. An appropriate approach that could compromise the identities of two nations of Iran and Saudi Arabia in order to be useful and could lead to the recognition of Iran's interests in the region.

Keywords: Iran, Saudi Arabia, post-JCPOA (Joint Comprehensive Plan of Action)

1. MA In International Relation (anayousefian@gmail.com)

Persian Gulf Security and Challenges from the Perspective of the Islamic Republic of Iran

Hava Ebrahimipour¹, & Ali Adami²

Abstract

Security and stability of the Persian Gulf in the framework of cooperation with the region countries and withdrawal of foreign forces has always been one of the Islamic Republic of Iran goals in its foreign policy during the last three decades. The Iranian authorities have tried to improving their political relations with the regional countries for creating a more cooperative security order, despite the United States attempts to extended Iran phobia in the region and put aside Iran from the regional security arrangements. But despite the efforts by the Islamic Republic of Iran, the Persian Gulf still faces many security challenges. The aim of this paper is to examine the security challenges ahead for the purposes of the Islamic Republic of Iran in the region and offer the best solution available to solve this problem.

Keywords: realism, arms race, regional divergence, the Persian Gulf Cooperative Security

1. PHD in Political Science, Isfahan University

2. Assistant Professor, Allameh Tabataba'i University

The Reasons of Divergence in Azerbaijan- Iran Political relations in the Past Decade

Jila Ahmadi

Abstract

Azerbaijan is among the countries in Iran's civilization sphere and there is a closeness ties between Iranian and the people of the republic from different aspects. Despite the various fields of cooperation between two countries, Iran and Azerbaijan Relations has experienced challenges from 1991 to the present day. This article attempts to address the question: which factors has affected on divergence in political relations between Iran and Azerbaijan in more than a decade? In this article the divergence of political relations between Iran and Azerbaijan after 2003 will be discussed according to the Tehran and Baku perceptions of each other's within the framework of constructivism approach. The hypothesis of this paper emphasizes that the divergence of political relations between Iran and Azerbaijan stems of the both internal and external factors. Internal factors including extreme nationalist tendencies in Azerbaijan and the intensification of political and ideological trends in Iran, and from the external dimension; the improving political relations between Azerbaijan and the West, America and Israeli Regime and enhancing Iran and Western powers tensions and intensified the international pressure on Iran. Azerbaijan tendencies to the trans-regional powers, especially America to escape of the Russia threats and gain support in Nagorno-Karabakh conflict (domestic affairs) are an unchangeable component of the Azerbaijan foreign policy. This factor along with other factors such as the growth of monistic or separatist attitudes, America and Israeli Regime's increasing interest in Azerbaijan, West military bases in that country, expansion the cooperation with NATO and the increasing international pressures against Iran (particularly in nuclear dossier) led to more political divergence in relations between Iran and Azerbaijan in more than a decade.

Keywords: Iran, Azerbaijan, political relations, political and ideological radicalism, national security, convergence and divergence

Iran's Cross-border and expansion-driven Security Strategy and the Russia Complementary Role (Case Study: West Asia)

*Bahador Zaraei¹, Shahab Aldin Shafi², &
Fatemeh Moghadam³*

Abstract

Islamic ummah security and not only the national security has been the priority of Iran leaders and officials since inception of the 1979 Revolution. Aspects of the Islamic Republic of Iran cross-border security strategy has been revealed notoriously along with the consolidation of the rule of the Islamic government and the West Asian region has received serious attention because of its Islamic nature and especially the presence of Iran's Shi'ite allies there. The results of the security model such as security within the borders of the Islamic Republic of Iran and the victory of the micro and macro allies against the common enemies of Islamic Republic of Iran has resulted in produce and strengthen the theoretical foundation of Iran's expansion-driven and cross-border security strategy. Meanwhile, the Russian Federation's high military power, which being in competitive with America and some European countries in proclaim and practice and have traditionally been cross-border security strategy try to achieve its goals and interests and broke their opponents' in West Asia. From the perspective of this study, Russia and the Islamic Republic of Iran security strategies in the west of Asia have come to complementary state especially in recent years and this is more efficient than conventional and proclamation alliance.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Russia, Security, West Asia, expansion-driven, cross-border.

1. professor of political geography, Tehran University
2. graduate student in political geography, Tehran University
3. graduate student in political geography, Tehran University

**The Effects of Afghanistan Upstream Activities
on the Iran's East Territorial waters (Helmand River)
and its Consequences for the Stability and Security
of the Border Areas of Sistan-Baluchistan
Province (City of Zabol)**

*Alireza Sholi, Jabbar Vatankhah, &
Mohammad Reza Hagi Hossainy*

Abstract

Iran has the largest number of neighbors that meets all of them common water border as well, after Russia and China. The border management and planning of water resources in the context of national security is very important. Many of the macro planning's in the border areas had military and political functions and ignored the high importance of water and border Rivers in making peace and stability. Downstream countries Limited access to the information of water resources and the shared-rivers upstream measures had a serious challenge to the management, policy-making and utilization of water resources along the borders.

Helmand River is one of the most important shared-rivers in Iran's east border that has a significant impact on agriculture, economy, environment and security, especially in this part of the country. The essay makes an effort to find the causes of fluctuations in Helmand and reduce the flow of water towards Sistan delta affected by Afghanistan upstream measures. In this regard, the Evolution of political relations between Iran and Afghanistan will study in the first step. Thereafter, According to the water agreements formed in 1857 to 1973 period, consequences of Afghanistan upstream measures in the past horizon, development programs of the country in the catchment area of Helmand, the impact of its implementation on waters resources that enters Iran and the regional border and security difficulties has been analyzed.

Keywords: Helmand cross-border River, Common Hamoun wetlands, immigration, regional border security

Tactical coalition of Iran and Russia in new West Asia; nature, challenges and prospects

Alireza Nouri¹

Abstract

This article tries to study the model of political interaction between Iran and Russia during Rouhani and Putin administrations. Author claims that relations of two states in post-soviet era have been mainly without an especial model but he argues that their interaction in the recent period can be describe as “interaction under threat based regime”. The methodology of research is under the framework of neo-realism and structural approach and author studies Iran-Russia relations in the context of international and regional developments using systemic analysis. Author clarifies the characteristics of “interaction under threat based regime” and argues that while there are some interest conflicts between Iran and Russia, but even in this situation it is possible to promote the level of relations to relative integration.

Keywords: Russia, Regional developments, Integration, International developments

1. Expert in Russia affairs

Iran and Saudi Arabia Relationship in the Aftermath of the Syrian Crisis and its implications on the order in the West Asian Region

Hosein Ebrahimnia, Heidar Keshawarz

Abstract

During history, the West Asian region has been one of the most sensitive and strategic regions; however, the region faced incidents in 2011 that are changing the relationship between regional actors as well as geopolitical changes at the domestic and external levels. In fact, after the recent revolution in Tunisia and its extension to its neighboring countries, all Arab kingdoms in the Persian Gulf region including Saudi Arabia were threatened and so they were inclined to cope with that development. In this regard, the best alternative to affect the public opinion in Arab countries was the Islamic Republic of Iran. As Iran is firstly a Shite and a Persian speaking country and after the outset of the crisis in Syria the relationship between Iran and Saudi Arabia underwent a radical change. In fact, Saudi Arabia tried to shape an axle including UAE, Qatar, Turkey and others against Shiite resistance and to create crises in the West Asian region in order to achieve its vital interests. Having said that, the following question arises: given the strategic developments in the West Asia region that have led to the said change in Iran and Saudi relationship, how the new status will affect the West Asian region order? It seems that the Saudi Arabia is concerned of what political changes are going on in this region which are important for the latter country in terms of regional balance of power and so its officials intend to create an anti-Arab revolution front and at the first stage this front is against the Resistance front.

The Saudi's worrisome towards Arab spring can be analyzed at two levels. First the Saudi's traditional theoretical approach towards concepts such as democracy, freedom and citizen's rights and the influence of these concepts on the traditional societies in the Persian Gulf region; second, a very strong concern over Iran's role in the Arab countries in the aftermath of Saudi's traditional allies in Egypt, Tunisia, Yemen and probably other conservative Arab countries as well as the lack of any incentive among the new actors in the Arab world to behave against Iran. Bearing in mind the above developments, the paper discusses Iran and Saudi relationship after the outset of the Syrian crisis.

Keywords: Iran, Saudi Arabia, Syria, the West Asia.

The role of Salafi-Takfiri terrorism in building peripheral security environment of Iran

Mahdi Eghrarian, & Mehrdad Atayi

Abstract

Terrorist threat has gained top political importance in international system as a security phenomenon worldwide particularly in West Asia. Being located in West Asia, Iran is a bed in which the most important terrorist groups in the world. With igniting sectarian, racist and ethnic wars, and showing hostility towards resistance front and genuine Islam, these threats, are seriously targeting Iran.

With the cooperation of the US and the Zionist regime, and being backed by Salafi-Takfiri terrorism and some states, is changing the geographical legend (Be it within the framework of the US West Asia plan or else) of West Asia (Middle East) and dividing Iraq into three Shiite, Kurdish, Sunni countries and dividing Syria into two Sunni and Shiite Countries, annexing its Kurdish zones to Iraqi Kurdistan. Ethnic and religious fault-lines, in the said states, are ground realities and the new map of the West Asian region (the Middle East) is a result of Franco-British scenario of the Ottoman Empire secession subsequent to world war one. Formation of new states as the satellites of countries hostile to Iran on its borders, direct confrontation with threats is no more possible due to certain international laws regarding states and we are faced, when having these states at our neighborhood, with a situation worse than that of our borders with Pakistan (Pakistan is not accountable on the infiltration of terrorists from its soil into Iran). Hence, reckoning the role of Salafi-Takfiri terrorism in building peripheral security environment of Iran is a most for policy makers.

Keywords: Terrorism, Islamic Republic, West Asia, Security zone.

Geopolitical Developments Related to the Kurdish Ethnic Group and Its Implications on National Security of the Islamic Republic of Iran

Fereshteh Akbarian

Abstract

Nowadays one of the indicators of development is public participation so a proper degree of integration can be achieved between different minorities, either ethnic or religious and specially the ethnic groups issue stand as a top priority for national interest of any country. The phenomenon of globalization and the media role in today's life, the cultures and ethnic groups have opted for coexistence; in the meantime, the ethnic identity can easily remerge and revitalized. Also, this makes it possible for an ethnic group to make attempts to achieve their ethnic group rights that previously they were not able to achieve it. In fact ethnic group's identity challenge have been a problem in many developing and the new independent countries and it has been deteriorating, however, it can be assumed as a domestic problem that is influenced by the related political system peripheral developments. On the other hand, this problem has global aspects and it is severely problematic in mutli-ethnic and multi-national developing and least developed countries. Collapse the Russian Tsar Empire, the Austrian Empire and the Ottoman Empire in the aftermath of the World War I led to an increasing number of ethnic demands in the substitute countries that still have not been solved yet and those are still causing a lot of crises in the relevant nations especially with regard to self-determination. One of the most problematic issues goes back to the issue of Kurdish people in Southwest Asia that are part of minorities in Iran, Iraq and Turkey. Due to their communalities, they have caused a lot of problems for the governments of these three countries during the history. Therefore, a potential problematic issue in the border area of these countries has been the Kurdish issue and all decisions made for this issue can simultaneously affect the geopolitical relationship between these countries. The paper uses a descriptive – analytical method to discuss this issue and intends to explore the relevant implication on the geopolitical relationship between Iran, Iraq and Turkey.

Keywords: Geopolitical Relationship, Ethnicity, Globalization, Southwest Asia, Kurds.

Chapter 5

Regional and transregional powers and regional security order in West Asia

Saudi Arabia and optimal regional order: Challenges and strategies

Hamid Ahmadi¹

Abstract

Although the word “system” has been longer used in studies of international relations, including in both theoretical and historical discussions, and many theorists of international relations have used this word, so that, international system has turned into a major term in political science, the word “order” has been more common in contemporary literature and has somehow overshadowed the word “system.”

Of course, at its beginning, the word “order” was used more by politicians and political officials than researchers and theorists of international relations, compared to “system.” However, the continuity between theory and action, on the one hand, and contacts between academic centers and policymaking institutions, on the other hand, caused “order” to be used in analytical and theoretical research on international relations as well. Subsequently, “world order” followed by “the new world order” became rife in later years of the 20th century and became a topic for important papers and books related to this field, so that, some researchers decided to make the concept of order and its characteristics in various theories of international relations the axis of their research.

Keywords: Saudi Arabia, regional order, international relations

1. Professor of political science; University of Tehran

Security strategy of the United States in West Asia

Ebrahim Mottaqi, & Hadi Khosrow Shahin

Abstract

Explaining security strategy of political actors in any region is directly related to configuration of power and geographical policy. The United States is among actors that interferes in and has influence on regional order in West Asia. The main axis of US regional security order is “offshore balancing,” which means that security and strategic geography of the United States in subsidiary systems of this region has continued on the basis of its role, effectiveness and interventionism.

In the process of the establishment of new order in West Asia region, signs of crisis mongering and threat are seen. Of course, regional actors take advantage of such mechanisms as “proxy wars” and expansion of “asymmetrical conflicts,” but in reality, such signs of crisis and conflict cannot be understood without attention to structural role of big powers. Assessment of the United States’ security policy in West Asia is a function of identity-based factors and structural configurations of power.

The main question of this paper is “what are the specifications and signs of the United States’ security strategy in West Asia?” The paper’s assumption is that “security strategy of the United States in West Asia is based on regional balancing, engagement, and containment of Iran.” Barry Buzan’s concepts of polarity and identity have been used to explain the paper’s subject. This approach denotes that America’s political action and behavioral model in interaction with regional actors and big powers are based on signs of identity orientation and structural action. Identity is the main axis of balance of power among regional actors in America’s security strategy. Development of geopolitical and ideological rivalries between Iran and Saudi Arabia can be considered in line with the strategy that is based on regional balancing, engagement and containment of Iran.

Keywords: identity, structure, regional balancing, West Asia, US security strategy

Modified order and security according to Zionist regime's security thought

Ali Sabet¹

Abstract

The knowledge system and conceptual formats are considered divine in ontology as well as fundamentals of the Zionist regime's order and security thinking. Major ideological formats of order and security in the Zionist regime have been formed on the basis of literature and teachings of Zionism. The rules and ideas of order and security and securitization are actually meant to get a phenomenon out of the public sphere into the special sphere of the concept of order and security within framework of the strategic culture of the Israeli mentality, which gives meaning to existential variables and threats in a ghetto-based spiritual system. When seen over a curve and through a historical and complicated process, the ontology of the security thought of the Zionist regime has always been, and still is, in a state of uncertainty and "ontological limits" (both subjective and objective) of this regime have been constantly flowing through a unique form of fluidity.

This paper represents an effort to study the ontological fundamentals of modified order and security of the Zionist regime in view of the regional developments.

Keywords: ontological limits, security-based ontology, modified ghetto-based security order

1. 2015blanc@gmail.com

China in West Asia: Seeking stability and opening

Mohsen Shariatinia¹

Abstract

The security order in West Asia is in transition and the changing managerial role of big powers is considered among key aspects of this transition. Presence and role of China in this region can be considered as one of the important symbols of change in the role of big powers. The present paper aims to explain the logic behind China's foreign policy measures in West Asia and the impacts of that country's role on the security order in this region. Findings of this research show that the "peaceful rise," as the key concept in China's foreign policy, which delineates geoeconomic path of this country to power, has turned the quest for stability and seeking new opportunities into key factors that shape the logic of its measures in West Asia. The effects of the increasing role of a China, which seeks stability and opportunities, can be explained within framework of the changing managerial role of big powers, maintaining the fragile balance of power in this region, and creating windows of temporary opportunity for local actors.

Keywords: China, West Asia, stability, security order, balance of power

1. Assistant professor at Institute for Regional Studies; Shahid Beheshti University

Russia's security strategy in West Asia: Countering near threats and boosting international role

Jahangir Karami¹

Abstract

This paper aims to analyze security strategy of Russia in West Asia in the form of three large-scale concepts of “global strategic stability,” “impeding regional infiltration of NATO,” and “controlling terrorism inside and outside the country.” The third concept is the main topic of this article and the author has noted that Kremlin is trying to control extremism and terrorism in neighboring regions from South Asia to Central Asia, Caucasus and West Asia through such regional institutions as the Shanghai Cooperation Organization, the Collective Security Treaty Organization, bilateral relations with governments, and finally military operations. During recent years, this security strategy has been faced with a major change and has emphasized the need to prevent threats arising from religious extremism and terrorism and any regional power imbalance by leaving inefficient isolationism and adopting an efficient aggressive approach. To achieve this goal, Russia has used the strategy of broad-based cooperation with regional states and creating balance in regional relations, maintaining the balance among major regional actors, and finally using military operations to prevent any change in this situation. It has been able to keep its ally in power through mere aerial strikes without land operations and has prevented possible tension in the region as a result of the fall of governments. This policy can be considered as an easy and low-cost strategy for Russia.

Keywords: West Asia, Russia, Syria crisis, Iran, Turkey, Saudi Arabia, security strategy, terrorism

1. Faculty member; Faculty of World Studies, University of Tehran

India's security strategy in West Asia

Majid Reza Mo'meni¹

Abstract

India's foreign policy has undergone fundamental changes in recent years, especially after the end of the Cold War. India is among developing countries, which has been able to appear as an emerging power with special standing in both political and economic fields and at regional and international levels. This change in the position of India as an influential actor in international politics has led to alterations in regional and international equations and interactions as well. The present research aims to reach a more profound understanding of India's security strategy in the context of the country's foreign policy in international arena, especially with regard to West Asia. Therefore, the main question is "on what principles is India's security strategy in West Asia founded?" The hypothesis of this research is that in the light of domestic exigencies as well as regional and international developments; India shapes its security strategy in West Asia on the basis of the following factors: 1. access to energy resources, 2. containment of extremism in West Asia, and 3. safe access to Central Asia. In addition, it also aims to expand its relations with Iran, Israeli Regime and the member states of the (Persian) Gulf Cooperation Council. This paper discusses this issue from the viewpoint of international political economy and through a descriptive-analytical method while taking advantage of such primary sources as documents, reports, and speeches as well as secondary sources such as books and papers that have appeared in scientific publications.

Keywords: security strategy, India, West Asia, foreign policy, Iran, Israeli Regime, Saudi Arabia

1. Faculty member of international relations group; Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University: mrezam1003@yahoo.com, majidreza.momeni@atu.ac.ir

EU's security strategy in West Asia

Behzad Ahmadi¹

Abstract

At the present time, West Asia region, which is called in Europe's political literature as the West Asia and North Africa (MENA), is posing more challenges to the European Union (EU) and its major actors than any time before. Since the end of the Cold War and also due to such developments as the crisis in the Balkans, the 9/11 terror attacks in New York, and Arab revolutions during recent years, the EU's approach to order in West Asia region has been constantly changing and evolving, and due to different perceptions this order at different times, the EU has taken different and at times conflicting approaches to it. Therefore, the main question of this paper is: How is the EU's understanding of security order in West Asia region and what strategy has it adopted on the basis of that understanding?

Since important actors within the European Union play a powerful role in formulation and implementation of its strategies, two secondary questions are also raised here: 1. what strategy has been taken by Germany and France to security order in West Asia region? 2. What tools do these countries use to pursue their interests and policies in this region? The main hypothesis of this paper is that a change in the context of this region, including changes in structure and actors, has made EU's understanding of the region more securitized as a result of which the EU's strategies give priority to preserving stability and security.

Of course, there is nothing new about this approach, but due to the nature of developments that are related to West Asia order, the European Union is not in a position to establish its own favorable regional order on its own and even with help from the United States and other allies, and this issue can create numerous opportunities for the Islamic Republic of Iran. Germany and France will also take advantage of the EU's tools as well as their own national tools in order to meet their interests with a similar understanding of regional security

1. PhD Candidate in IR at Shahid Beheshti Uni. ahmadi@tisri.org

order in West Asia, but with different political, security and economic priorities.

Therefore, this paper represents an effort to elucidate the EU's security strategy in West Asia through a review of documents related to the European Union's Common Foreign and Security Policy, including the EU's global strategy in 2016. Then French and German national security strategies have been used to explain differences between the two models adopted by these countries in their approach to the region as well as differences between their policies and tools. Finally, the position of the Islamic Republic of Iran in the security strategy of the EU and the aforesaid countries as well as its potentials and limitations, have been discussed.

Keywords: European Union, West Asia, security, order, Germany, France, Islamic Republic of Iran

The foreign policy of regional actors and West Asia security in post-JCPOA era (Iran, Saudi Arabia, Turkey and Egypt)

Mohammad Abdolkhani¹

Abstract

West Asia states are involved with extensive insecurity because of domestic and international structures. They could not ignore international system effects on their foreign policy and orientations. Since, regional security originates from economic, trade, and cultural relations, it is supposed that the common characteristics among actors play a critical role in attaining cooperation and collective security in West Asia. Author argues that “Security based on cooperation” is the best approach to reach security in Persian Gulf, for this approach tries to facilitate economic, cultural and political relations and pursue to build deep confidence through negotiation and agreements. Author analyses this claim, considering Persian Gulf security and nuclear agreement.

Keywords: Nuclear agreement, Persian Gulf, Security, Foreign policy, West Asia

1. PHD candidate of political thoughts in Allameh Tabatabaee university,
mohamadabdolkhani@gmail.com

India's policy in West Asia region and its effect on Iran

Hossein Asgarian

Abstract

India has been always willing to turn into a global power. India's ambitions started under former Prime Minister, Jawaharlal Nehru, when the country tried to become leader of the Third World. Up to the 1990s, however, India had not been able to achieve this goal. A recent speech by India's Prime Minister Narendra Modi during his visit to the United States and his assertion that India should learn from the US to turn into a global power, clearly showed that Modi may not be the best option as prime minister to boost relations with countries in West Asia. Due to recent geopolitical changes, however, and following increased strategic value of this region for India, and also due to relative reduction in the United States' willingness for presence in West Asia, the way has been paved for other world powers in this region.

While for many years, India's relations with West Asian countries were based on mere economy, now strategic issues are also important. The present paper first discusses India's strategic approach to regional arrangements in West Asia within the context of the new global environment. In addition, note has been taken of the importance of energy security and its position in India's policy toward West Asia, India's relations with such influential actors as the Zionist regime and Saudi Arabia, India's policy to contain China and Pakistan, and also India's relations with Afghanistan, including the issue of the North-South Transport Corridor. Attention has been also paid to effects that India's policies toward the aforesaid issues can have on security and position of Iran in regional security arrangements.

Keywords: West Asia region, India's foreign policy, energy security, regional relations, security arrangements, Iran's security

China in West Asia: Taking advantage of US void?

Ehsan Sadeqi Chimeh¹

Abstract

The “One Belt, One Road” initiative is an ambitious economic project by China, which means that China is moving toward its western borders to consolidate its presence in Central Asia and West Asia regions and to stage diplomatic maneuvers in a bid to resolve regional tensions. On the other hand, US strategy has been focused on reducing presence in West Asia, which has been followed by reduced dependence of US on West Asia oil and also caused US allies to reduce dependence on America. This paper aims to answer this question: Is China’s move toward its western borders and West Asia aimed at taking advantage of the power void created by gradual withdrawal of US from West Asia region?

This paper tests the hypothesis that by moving toward its western borders and West Asia region, China is trying to compete with the United States and find new breathing space in view of Washington’s enhanced military presence in East Asia, and is also trying to selectively affect West Asia’s issues. China, in line with such principles as win-win cooperation and not interference in other countries’ internal affairs, seeks to take advantage of regional states in its big game against the United States.

Keywords: China, America, West Asia, One Belt, One Road, rivalry, cooperation

1. Master’s degree in international relations; Kharazmi University: Sadeghie10@yahoo.com

Review of the role of regional and transregional powers in emerging regional order

Mousa Moradqoli, & Maryam Kangarani Farahani¹

Abstract

Ongoing developments in West Asia are signs of the establishment of a new regional order, which is evolving in the absence of a specific organizing principle. It is evident that geopolitical changes in West Asia are affected by bigger structural changes related to comparative position of special actors and for Iran, this new order is an opportunity to turn into a regional hegemonic power, which both enjoys vast regional clout and international legitimacy while maintaining its ideal principles, including confrontation with the global hegemonic system. Realization of this goal is not possible without recognizing regional security ecosystem as well as regional and transregional actors. Tehran must manage regional developments, cooperation and coalitions with maximum skill and this needs accurate knowledge of goals and interests of regional and transregional actors in order to affect other actors' diplomatic management of regional developments in line with its own interests. Therefore, the main question of this paper is about the "role played by regional and transregional powers in the emerging regional order in West Asia," which has been explained through descriptive-analytical method using library, documentary and interview as methods of choice for gathering information. The main hypothesis of the paper is that "by using its geopolitical capacity, Iran can turn into a regional hegemonic power." In conclusion, it explains proposed ways to take advantage of "Iran's cooperative security strategy" and taking advantage of available opportunities to bring about a multipolar system.

Keywords: West Asia region, regional powers, transregional powers, cooperative security, Iran, Saudi Arabia, Turkey, Russia, China, the United States

1. Master's student of political science: maryfar1395@gmail.com

Rivalry between China and India in West Asia and roles of Iran and Pakistan

Mohammad Hossein Dehqanian¹

Abstract

India and China are age-old rivals, which are disturbing regional equations in West Asia through their remarkable economic growth and the United States' support for India have given a transregional dimension to their rivalry. These two countries are avidly looking for energy in the world and enjoy growing and dynamic economies and are also known as two most populous countries in the world, which have a special approach to Central Asia. While considering that region as a suitable energy hub, they are also aware of its strategic importance in their longstanding rivalry. In the meantime, China has the upper hand compared to India in Central Asia due to its neighborhood with that region while India has no direct access to that region and due to lasting hostilities with Pakistan is not able to use Pakistan's soil for this purpose. The main way used by India to circumvent Pakistan and gain access to Central Asia is through Iran route and this is why New Delhi has been making investments in Iran's Chabahar port. On the opposite, China has made heavy investment in Pakistan's Gwadar port in order to turn it into a transit hub as part of its New Silk Road strategy. In fact, the project known as the "China-Pakistan Economic Corridor" goes through Karakoram highway to reach the Gwadar port. China has recently signed a contract with Pakistan worth over 40 billion dollars. On the other hand, from the time that Pakistan helped the Taliban gain power in Afghanistan, relations between Iran and Pakistan have been marked with tensions and problems, especially after Pakistan moved to boost ties with Saudi Arabia and indirectly supported the Saudi-led coalition in the West Asia, which was agonizing to Iran. The main question is what impact and outcomes will increase rivalry between China and India in West Asia, and Beijing's approach to strengthening Pakistan against India has on Iran's interests in the region? To answer this question, we will try to make a comparison between approaches taken to West Asia by China and India while also addressing the role played by the United States with regard to both countries, and also study relative positions of Iran and Pakistan in these approaches.

Keywords: China, Pakistan, Iran, West Asia

1. Doctoral student of regional studies; University of Tehran

The US and desirable Zionism-based order in West Asia: A geopolitical analysis

Mojtaba Roustaei¹

Abstract

Recent developments in West Asia have shocked the post-World War I order in this region and changed the balance of powers. As the number of influential actors in the region increases, power equations in West Asia become more complicated and intermingled. As the existing regional order collapses and the region moves toward new order, various regional and transregional actors are trying to establish or boost their roles. The United States of America, as a transregional state actor with a lot of interests in West Asia region, will play an effective role in shaping future order in this region. This research uses a descriptive-analytical method to answer the following questions: What is the desirable order for the United States in West Asia region? How this order is to be established in this region? The paper assumes that the United States is trying to establish a new order with security of Israeli Regime as its main axis and this order will be established through geopolitical weakening of regional countries.

Keywords: The United States of America, desirable order, West Asia, Israeli Regime, geopolitics

1. Master's degree graduate of international relations; Yazd University: Mojtabar95@yahoo.com

Review of China's foreign policy approach to West Asia

Abbas Reiszadeh¹

Abstract

After launching its economic reforms, China has been able to introduce itself as an emerging economic superpower at international level. Fast economic growth of the country has led to remarkable increase in energy consumption, especially that of crude oil. Therefore, China needs to expand cooperation with oil-rich countries in the Persian Gulf region.

Political and trade relations between Iran and China have a long record in history, which have always brought the two nations close together. The policy of "looking to the East" which has been adopted by the statesmen of the Islamic Republic of Iran during past years has also led to increased economic and political exchanges between Tehran and Beijing.

The role of China in the Syria crisis could be considered as departure from the country's traditionally silent diplomacy. China's approach to the crisis in Syria and vetoing the resolutions adopted by the United Nations Security Council are rooted in China's concerns about maintaining international peace and security and protecting the principles of the UN Charter.

The main question of this paper is what goals are pursued by China in West Asia region? This paper tries to prove the hypothesis that Beijing is trying to increase its hegemonic power in view of the new regional order.

Keywords: China, West Asia, energy security, Iran

1. Master's degree student of international relations; Mofid University of Qom: abbas_reis@yahoo.com

Role of Saudi Arabia and UAE in military coup d'état against Morsi's government

Saeed Khazaei, & Tahereh Ebrahimifar

Abstract

Egypt, as the most populous Arab country, has been among the most influential actors in the West Asia region since several decades ago. Domestic developments in Egypt and emergence of a broad-based opposition movement against Hosni Mubarak's regime, which followed similar developments in Tunisia and flight of that country's president, Zine El Abidine Ben Ali, signaled a new phase in the political life of Egypt, which was supposed to cause different changes in that country's structure, domestic politics and foreign policy orientations. Political changes in Egypt take place within framework of power relations in which foreign components are highly determining. Egypt's extreme economic dependence on Arab states' petrodollars and the West's aid have further increased the fragility of the country's political stability.

Following the establishment of Egypt's new government, Saudi Arabia and the United Arab Emirates (UAE) started injecting money into the country to keep its economy going. Improvement in economic situation would cause people to experience a minimal welfare level and prefer the new government over that of the Muslim Brotherhood, which caused many economic problems for the country. The reason behind Saudi Arabia's support for unrest in Egypt was Riyadh's ideological conflict with the Muslim Brotherhood. Of course, Saudi Arabia and the UAE are not outside the domain of the US policies. All these countries move in line with political and strategic approaches of the United States. The United States, however, does not want to limit all its options to one basket. This paper tries to explore reasons and factors behind recent developments in Egypt while discussing the role played by the UAE and Saudi Arabia in the coup d'état staged by the country's military against Morsi's government. Therefore, the main question of this research is what role was played by the UAE and Saudi Arabia in the military coup against the government of Morsi?

Keywords: West Asia; unrest, insurgency and uprising; war and foreign intervention; civil war; protest; coup d'état; Muslim Brotherhood

Explaining Saudi Arabia's behavioral model toward Iran from 2001 to 2015

Vahid Mohammadi¹, & Amir Moshtaqi²

Abstract

The West Asia can be considered as the most internationalized region in the world. Its issues have been a convergence point for interests of various actors, whose interactions have been always accompanied with some form of conflict. Therefore, power-centrism, survival-centrism, and self-help have been strongly attached to foreign policy approaches of countries in this region. This issue has made understanding foreign policy behaviors of these countries extremely difficult.

This paper studies the reasons behind Saudi Arabia's foreign policy behavior toward the Islamic Republic of Iran through the theory of balance of powers. This effort has been made knowing that after liberation of previously suppressed forces in various regions following the Cold War, which led to their increasing independence at regional level, it has been difficult to apply many large-scale theories of international relations to the regional level without modification, and the theory of balance of powers is no exception to this rule. Therefore, the present paper argues that developments that unraveled in the West Asia during past years have caused Saudi Arabia to pursue the behavioral model of balance of powers in its foreign policy, but this is a broad-based form of balance of powers. Research findings obtained through description of events that have taken place in the West Asia during past few years and through analysis of the impact of these events on the regional balance of powers show that Saudi Arabia's foreign policy toward these developments has been a function of the effect of those developments on the balance of powers between this country and its most important regional rival, that is, the Islamic Republic of Iran. This is a descriptive and analytical research using library method to collect data.

Keywords: West Asia, regional powers, balance of powers, broad-based model of balance of powers, Saudi Arabia

1. Master's degree in international relations, Allameh Tabatabaei University

2. Master's degree in regional studies (Persian Gulf), Allameh Tabatabaei University

Cooperation fields between Iran and the EU to counter existing challenges in West Asia

Mohammad Reza Majidi¹, & Ali Samoudi²

Abstract

West Asia region is currently grappling with different challenges, including security, political, and environment challenges. Existence of failed states in the region, emergence of the Daesh terrorist group, rivalries among regional and transregional powers, domestic crisis in Syria and other crises are all among factors that create instability in West Asia region. Insecurity in West Asia region has also triggered immigration toward European countries and has, in fact, led to spillover of security crisis into member states of the European Union (EU). At present, the EU is faced with serious challenges including the dispute with Russia over Ukraine, immigration crisis, terrorist attacks carried out by Daesh and Britain's exit from the EU (Brexit). In the new strategy of the European Union, entitled "*Shared Vision, Common Action: A Stronger Europe*," which was released in June 2016, five fields have been identified as the EU's foreign policy priorities. These five priorities include: the security of the EU, state and societal resilience to EU's East and South, an integrated approach to conflicts and crises, cooperative regional orders, and global governance for the 21st century. The main question is that after conclusion of Iran's nuclear deal, known as the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), followed by desecuritization of Iran's nuclear program and relative reduction of tension between Iran and European countries, in what fields can Tehran and Brussels boost their cooperation? The authors believe that fighting against extremism, fighting terrorism, and increasing economic and environmental cooperation are among the most important fields of cooperation between the Islamic Republic of Iran and the European Union, which can provide necessary grounds for establishment of a new regional order in West Asia.

Keywords: European Union, Islamic Republic of Iran, regional order, terrorism, immigration, desecuritization

1. Faculty member, University of Tehran

2. Faculty member, Mofid University of Qom

Turkey's policy in the West Asia under the ruling Justice and Development Party

Dr. Reza Solat¹

Abstract

Turkey's failure to join the European Union has made the country take a U-turn in its foreign policy toward the East under the rule of the Justice and Development Party. This turn in Turkey's traditional foreign policy, which had opted for impartiality and isolation in relation with the West Asia and issues related to its countries, was considered a major turning point. This research studies nature of Turkey's foreign policy in the West Asia and the so-called Arab Spring developments. The main question of this study is about nature of Turkey's foreign policy in the West Asia both before and after the Arab Spring. The author believes that Turkey's policy in the West Asia during past years has been an example of policies adopted by this country under a smart power.

Keywords: Turkey's policy in the West Asia, smart power, Arab Spring, public diplomacy

1. Doctorate degree in international relations; Islamic Azad University; Science and Research Branch of Tehran

Turkey's model of regional security order: Interaction and confrontation with Iran and Saudi Arabia

Elias Vahedi¹

Abstract

Regional actors, alongside big powers, are playing a more prominent role in establishing the future regional security order in West Asia, which some analysts maintain that this is one of the requirements of post-Cold War era. In the meantime, if we could somehow consider the Zionist regime of Israeli Regime as part of the Arab world, we could say that the main role is played by Iran, Turkey and Saudi Arabia.

Among the aforesaid actors, Turkey has been greatly maneuvering in the field of foreign policy. The end of the Cold War caused a substantial decline in the position of Turkey in the eyes of Western states and prompted Ankara to seek its strategic interests in other geographical environments, such as Eurasia and the West Asia.

Through its new approach, Turkey will get close to the Eastern axis without distancing from long-term goals of the Western axis, as a result of which, it would be easier for Ankara to find new allies. Saudi Arabia is also trying to interact with all actors except Iran, but its undemocratic political establishment has made the country vulnerable and reduces West's attention to Riyadh. In the meantime, the Islamic Republic of Iran has been following a more clear-cut and less changing policy, which has reduced maneuvering room for Iran's diplomacy. This paper's assumption is that due to geographical determinism, national security of the three aforementioned counties is intertwined and in order to reduce the consequences of regional insecurity, they have to reach a compromise or cooperate with one another, even in a relative form. In the most optimistic scenario, these three actors can form a coalition in order to delineate a new security order in the region. However, this coalition would be provisional because due to condensed security structure of the region, the role of intra-regional and extra-regional factors and also as a result of different positions of the three countries within the world order, turning this coalition into a long-term security complex seems impossible.

Keywords: regional security order, Iran, Turkey, Saudi Arabia, regional security coalition, reconstructing Turkey's foreign policy, Turkey's regionalism

1. elysevahedi@gmail.com

Role of Turkey in the Syria crisis and its impact on foreign national security of the Islamic Republic of Iran

Jamshid Sharifian¹, Mojtaba Dorafshan², & Hossein Abdollahpour³

Abstract

During past decade, West Asia or the West Asia has been facing complex political, security and military challenges. The United States and its allies have defined and pursued their strategies in the West Asia in different ways. Destabilizing the security environment that surrounds the Zionist regime has been among the most important goals pursued by the United States during past years. The strategy followed by the United States and the West to stoke domestic crisis and instability in Syria in proportion with developments in the West Asia and in order to affect the resistance axis started in 2011, and countries like Turkey, Qatar and Saudi Arabia have interfered in Syria in line with the goals pursued by the United States and the West, and have provided Syrian opposition with money and arms. This paper has studied role of Turkey in the Syria crisis with the goal of toppling President Bashar Assad's government on the basis of offensive realism theory, and has reached the hypothesis that continuation of this role will not only affect bilateral relations between Iran and Turkey, but also threaten foreign national security of Iran, including the Islamic resistance, Iran's regional clout and influence and the Islamic Republic of Iran's strategic depth and military security. Using the descriptive-analytical research method and library method to collect data, this paper analyzes domestic and foreign factors affecting the Syria crisis and discusses training and arms support provided to Syrian opposition by Turkey. It also reviews foreign policy approaches of Iran and Turkey and the effects of this crisis on foreign national security of our country.

Keywords: Syria crisis, Iran-Turkey relations, foreign national security of the Islamic Republic of Iran, strategic depth

1. Assistant professor of international relations at the College of Farabi (author in charge): jam_sharifian@yahoo.com

2. Doctoral student of security threats and instructor at the College of Farabi

3. Master's student of intelligence protection at College of Farabi

The contrast of Russia and the United States policies in Syria and the Islamic Republic of Iran interests

Mir Ebrahim Sedigh¹, & Mohsen Sabri

Abstract

Russia and the United States have followed their policies and strategies in the Syrian crisis since its inception. These policies and strategies have been contradiction. The Islamic Republic of Iran also has direct presence in Syria and pursuing its strategic, geopolitical, security interests and also tries to keep alive the front line of resistance axis. Thus, the Syrian crisis is the fields of regional and trans-regional actors playing. Russia, the United States, Iran and others is the outcome of strategic and geopolitical competitions. The paper is trying to survey the effects of Russia and the United States competitions in Syrian crisis on Islamic Republic of Iran interests. In fact, the policies of two powers in this crisis had some threats and opportunities to Iran. The main question of the paper is: how Russia and the United States competitions in Syrian crisis have impacted on the Islamic Republic of Iran interests?

Keywords: Russian policies, the United States policies, Iran's policies, Syrian developments

1. Student and cultural deputy of Islamic Azad University of Karaj

French Security Policy in West Asia: Searching National Interests in the Light of Fragile Cooperation

Tahereh Moghri Moazen¹

Abstract

The French perception of security in recent years has affected by Giddens understanding of globalization and expanded the umbrella of the country foreign and security policy in the regions such as West Asia. The paper tries to identifying the framework of France foreign policy in West Asia. The main question of the paper is: Is France pursuing approaches to the Western Asia within the EU leadership or in its national interests and policies priorities? According the paper hypothesize, the French pursue a mixture approach. The country uses the opportunities provide by EU on the one hand and policies with its national interests on the other hand. The research method is qualitative and the method of data collecting is documentary.

Keywords: France, West Asia, European Union, new-functionalism, foreign policy

1. Europe studies Masters at Tehran University, expert on Europe in Tehran Abrar Cultural Institute for International Studies and Researches

Main driving forces behind defense diplomacy of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in West Asia region

Hossein Minaee¹, & Ebrahim Hajiyan²

Abstract

Defense diplomacy is part of any government's policies, which is also considered as an important tool in the realization of large-scale goals of the armed forces. The main goal of defense diplomacy is to create desirable political, national and international conditions to maintain and promote national and vital values of the country in the face of active and potential enemies. Under present conditions, one of the characteristics of defense diplomacy is to serve as a tool to give identity to and legitimize defense and strategic policies of countries. During recent years, relations between Iran and Saudi Arabia have been moving in direction of direct confrontation. Proxy wars between Iran and Saudi Arabia in Iraq and Syria and Riyadh's effort to prevent empowerment of Shias in Yemen and Bahrain have got Saudis involved in wars of attrition, one of whose effects has been escalation of tensions in relations between Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran. Identification of key driving forces is one of the main requisites in any futurological study. The present paper aims to identify main driving forces behind defense diplomacy of the Islamic Republic of Iran with regard to Saudi Arabia in West Asia region. It uses a combination of futurological methods such as review, resources, elite panel and cross-impact matrix analysis while taking advantage of MicMac software. Throughout this project, the viewpoints of experts in the fields of defense and foreign policy have been taken advantage of and the main driving forces have been presented in the results section.

Keywords: driving force, Saudi Arabia, defense diplomacy of the Islamic Republic of Iran

1. Doctoral degree in futurology and faculty member; Iranian Army's University of Command and Staff: hoseinminae2@gmail.com

2. Doctoral degree in sociology; faculty member and associate professor at Shahed University: Ebhajiyan@gmail.com

Analysis of Turkey's post-coup foreign policy and future outlook for regional order and security

*Esmat Arefi¹, Atiyeh Bolbol Amiri², &
Mohammad Reza Mohammadi³*

Abstract

There are many signs of conflict among various actors in West Asia, but regional countries also have commonalities to share. The first and most important of commonalities among the Middle Eastern countries is instability and lack of balance of power among various actors. This features has always paved the way for political instability, border disputes, coups d'état, as well as civil and regional wars, which characterize political interactions among countries in the West Asia. In fact, many countries in the West Asia lack the necessary ideology to choose their permanent partners and this is why the least development can cause great alterations in relations among regional countries. The failed coup in Turkey in July 2016 was one of the regional developments, which once again proved this proposition. Regardless of speculations about whether this coup was real or fake, it is a turning point in contemporary history of Turkey, which is not the main subject of this research. There is, however, no doubt that this event will have great effects on Turkey both in the field of domestic policy and foreign policy and the country will probably grapple with its effects and consequences for many years to come. In fact, apart from strategic position and importance of this country, the factors that have drawn attention to the coup and future outlook prospects of Turkey include its effective role in regional developments, powerful political and military presence of the United States in this country, presence of Syrian refugees and a large Kurdish population in Turkey, and most importantly political and logistical support provided by Ankara to Takfiri terrorists in Syria and Iraq. The question is how Turkey's foreign policy and subsequently, regional equations will change following the country's failed coup in July 2016.

Keywords: foreign policy, Turkey, security, regional order

1. Master's degree student of international relations; Mazandaran University: Arefi.esmat@yahoo.com

2. Master's degree student of international relations; Mazandaran University: amiriatiyeh@yahoo.com

3. Master's degree student of international relations; Mazandaran University:
mohammazrezamohamadi13681989@gmail.com

Analytic study of Saudi Arabia's support for terrorist groups and new regional order within framework of offensive realism

Arash Qodratifar¹, & Mohammad Reza Mohammadi²

Abstract

When Iran's Islamic Revolution triumphed in 1979, alarms rang for conservative monarchial regimes across the region. After political instability started to sweep various Middle Eastern countries, including Egypt, Tunisia, Yemen and Bahrain, in the middle of 2011, Saudi Arabia appeared as a counterrevolutionary force and supported political regimes in those countries. On the other hand, since the Islamic Republic of Iran had been formed through a popular revolution, it supported popular revolutions in Arab countries and described those revolutions as Islamic Awakening. Given the fact that Iran and Saudi Arabia are both trying to boost their influence and security in West Asia region and since Syria is a geopolitically important regional actor, many experts on international relations consider Syria as the "world's biggest small country." Therefore, it goes without saying that this country is playing a very important role in disputes between Iran and Saudi Arabia, both of whom have a claim to be a regional power. This paper aims to study the effort made by Arab states, especially Saudi Arabia, to change the regional order in their favor by supporting terrorist and Takfiri groups in Syria and Iraq within framework of offensive realism and then analyzes the future outlook for regional order.

Keywords: offensive realism, regional order, Iran, Saudi Arabia

1. Master's degree student of international relations; Mazandaran University:
arashghodratifar@yahoo.com

2. Master's degree student of international relations; Mazandaran University:
mohammadrezamohammadi13681989@gmail.com

Egypt position in West Asia political-security equations; focusing on developments after Alsisi

Davood Ahmadzadeh¹

Abstract

Egypt is one of the main actors in Islamic world in addition to Iran, Saudi Arabia and Turkey, that has the potentials to make or change the strategic balance in the region. Therefore any change in its political system can effect strategic balance and security arrangements in the region. Egypt like Iran and Turkey has an independent historical and cultural identity and because of this always claims to be a leader in Arab world. This article tries to explain Egypt position and influence on political arrangements and political models in regional system after military seized power. Author also analyze the impact of Egypt and Saudi relations on power structure in West Asia and its impact on Iran and Turkey position in the region.

Keywords: Egypt, West Asia, Regional security, Regional order, Alsisi

1. PHD candidate of public policy in Islamic Azad university

Competition of Iran and Turkey as regional powers in Azerbaijan Republic and Its impact on regional order in Caucasus

Hadi Azami¹, Monavareh Mahmoudi, & Mohsen Soltani²

Abstract

Every country tries to promote its influence beyond borders especially in important neighbors. Azerbaijan Republic has been always a priority in Iran and Turkey Foreign policy, because of its strategic geographical status in south Caucasus, vast energy resources, and historical, ethnical and cultural connections. Therefore these countries continuously compete in promoting their influence in Azerbaijan. This article seeks to analyze Iran and Turkey position in trade exchanges, ground relationships, and the extent of their partnership in extraction and transfer of Azerbaijan energy resources, and the level of their military-security cooperation with Azerbaijan. Authors also compare two power's policies about Karabakh crisis and their cultural approach toward Azerbaijan. The main goal of article is to elaborate impact of these competitions on geopolitical order of Caucasus. Findings clarify that the performance of two powers in different aspects suggests the superiority of Turkey to Iran.

Keywords: Regional competition, Regional power, Iran, Turkey, Azerbaijan Republic, Regional order

1. Associate professor of political geography in university of Mashhad, Aazami@um.ac.ir

2. Graduate student of political geography, sorena_698842@yahoo.com

The new plan of Russia to terminate Karabakh conflict: The new security order in south Caucasus

Vali Kozehtar Kaleji¹

Abstract

Karabakh conflict in addition to Abkhazia, South Ossetia, and Chechen conflicts are called “Unresolved or Frozen conflicts”. Karabakh conflict, among them is the most important conflict of Caucasus, which is the axis of political and security arrangements in south Caucasus. Therefore any developments in this conflict could have defining effects on political and security equations of the region. One of the new developments to terminate Karabakh conflict is the new plan of Russia which is an integration of Madrid rules approved by Minsk group on 2007 and Gazan plan of Russia on 2011. According to the plan, seven periphery (Azeri areas) regions around Karabakh will come under the rule of Azerbaijan in three phases. The main section of Karabakh (Armenian area) would not come under the rule of Armenia nor Azerbaijan, and its political- legal status would be determined by a referendum. Author claims that the Russia’s attempts and military-political developments in Azerbaijan and Armenia are indicators of coming changes in Karabakh conflict, which could have strategic impacts on security order in south Caucasus.

Keywords: Karabakh, Azerbaijan, Russia, Security order, Caucasus

1. Researcher in IRAS

Israeli Regime role in the West Asia developments and its impact on regional order

Samira Zarghami¹

Abstract

This article studies the role of Zionist regime in the West Asia developments and its effect of regional order. The establishment of this regime caused a vast heterogeneity in West Asia. In other words, emergence of a non-Arab and non-Muslim actor suddenly lead to eliminate the conventional order in West Asia. However, this regime has always tried to constitute her desired order in the region. At the eve of 21st century, 70 years after this regime's establishment, the number of Arab states willing to make relations with this regime is increased. It can be said that except Iran and Syria, all other countries in the region prefer to establish friendly relations with this regime. This condition is a threat for Palestinian resistance and the ideal pf Palestinian state. While in 60th and 70th decades, Palestine was the first issue of Islamic world, but in the course of time this issue has been removed from Islamic countries priorities. Author argues that although waging war on Arab states is not on this regime's priorities, but the current state of affairs is for Zionists interests and against Arab actors. She claims that Zionists try to prevent establishment of Palestinian state and weaken the Arab and Islamic actors in the region.

Keywords: Regional order, West Asia, Zionist regime, Palestine

1. Samira_zarghami@yahoo.com

European Union future scenarios in the west Asia and security status of Iran

Hossein Mofidi Ahmadi¹

Abstract

The post-CPJA regional order would be different from the pre-CPJA order. These differences emerge from de-securitization of Iran foreign policy, revealing the securitizing and insecuritizing and Iran's return to the table of crisis management in the region. In this situation, Iranian politicians and statesmen should use the new opportunities coming from the new regional and global conditions. Meanwhile, using European Union's potentials as an important actor in international arena is a critical point for promoting long term strategic goals of Iran. On the other hand, EU is in transition because of several challenges like BREXIT and refugee crisis. Author claims that in this situation, studying future scenarios of EU in West Asia and their impacts on Iran would be of critical importance. He argues that maximizing the utility of interaction with EU for Iran depends on futuristic approach and analysis of drivers in every possible scenarios and their impacts on Iran-EU relations.

Keywords: CPJA, EU, Post-CPJA, Future study

¹ Expert in international affairs

**The Place of The West Asia in Post-cold War
Germany's Foreign and Security Policies:
A Case Study of the Issue of Palestine
and the Crisis in Syria**

Ali Adami¹, & Jabar Khoda Doust²

Abstract

Following the union of the West and East Germany and the collapse of the bipolar system, Germany's foreign and security policies underwent a drastic change. Germany used to enjoy America's safety net during the cold war and all its programs were influenced by the bipolar atmosphere of the era. After the cold war and emancipation from Soviet's threats, and reducing its dependence on Americans, Germany could stand on a more powerful position. Its economic power, population and geostrategic position opened a new field for this country to play a more active role on the stage of the global and regional developments, in the West Asia.

On the other hand, geopolitical and geostrategic situation of the West Asia and its rich energy resources and the constant crises have given this region a considerable significance, especially following the collapse of the bipolar system and particularly the post-9/11 regional and global developments.

The thesis of this paper is based upon the following claim: Considering the significant position of the West Asia in Germany's foreign and security policies, this country has so far relied upon international and regional multilateral cooperation to solve the issue of Palestine and the crisis in Syria to reach a mutual understanding, restore peace and sustain stability and security in the aforementioned states. This paper, by means of library resources and analytical-descriptive method, aims to explore the place of the West Asia in post-cold war Germany's foreign and security policies and describe this country's role in developments of this crucial and influential region in global arrangements.

Keywords: Germany, Foreign and Security Policies, Post-cold war era, The West Asia, the European Union.

1. Aliadami2002@yahoo.com

2. khodadoost@ut.ac.ir

The Security Policy and strategy of Germany in the West Asia (Weissbuch2016)

Mohsen Farkhani¹

Abstract

After 11 September 2001, the United States accelerated its plans and activities to establish the new world order. But US and its allies' continuous military failures in reaching the new order via military tools has faced its unipolar power system with great difficulties. In such a situation, Germany as the fourth economic power in the world and the first one in the Europe, is thinking of keeping its geo-political and economic position. It prefers leaving its former collations with the US and stopping to act in economic, political, and military fields in the NATO and TTIP² framework and under the US supervision

Nowadays that globalization has led the states to compete over having greater role in the international decision makings and the world's new geo-political order, Germany has a noticeable opportunity to play a significant role in the globalization process due to its flourishing economy.

Considering the geo-political importance of the West Asia and its effect on the international security because of its energy resources, the existence of Israeli Regime, and hegemony of Iran, political, economic and military presence of Germany in the region is inevitable.

Keywords: Germany, Iran, West Asia, Global processes.

1. mohsen.farkhani@ut.ac.ir

2. Transatlantic Trade and Investment Partnership

The EU approach towards West Asia

Ali Sabbaghian, PhD

Abstract

For historic and geographical reasons, West Asia attracted the attention of the European Community and then the Union, being the focus of its foreign policy. In the past two decades the region was a suitable bed for an international role played by the EU as a world actor. Since early 1970s, due to the vital interests it thought of, the EU paid special attention to the region. Since 1990s, with the replacement of the European Community with the EU, the union has sought to be active in form of a strategic actor in the region in order to manage the challenges posed by West Asia. Within this framework, while being actively present in the West Asia peace process, the EU attempted to present a more clarified picture of its approaches towards West Asia and introduce more institutionalized mechanisms for managing challenges and securing its interests through ratifying a common comprehensive regional strategy under the auspices of the Barcelona Process. Being called Euro-Mediterranean Partnership, the strategy has sought to direct the EU ties with the southern neighbors within the framework of three types of partnership: Political and security; economic, financial and social; and cultural and human. Given the developments experienced by the EU policies towards its southern neighbors in the West Asia and North Africa during the past two decades, the question is raised that what the EU approach towards West Asia and especially security and security-building in the region is and what has it done to materialize it? This research is to find a possible answer to this.

Keywords: European Union (EU), West Asia, Security, Barcelona Process, the Union for the Mediterranean (UFM), European Neighborhood Policy (ENP).

India's foreign policy approach to regional order in West Asia

Mandana Tisheh Yar¹

Abstract

Relations between the South and West Asia is as old as history. Long common cultural, political cooperation and economic exchanges between the inhabitants of this land has been the underlying bond. Hence, many historical examples of common destiny of the people of these two corners of the Asian continent can be found, and this has led to better understanding of each other's communities. The presence of millions of Hindus in Western Asian countries to live and work and also the presence of tens of thousands of young Muslims in the West Asian countries studying in various universities in India, have laid the groundwork for new economic, cultural and scientific ties among these countries.

In the meantime, India's rapid economic growth in recent decades has made the country one of the most important buyers of energy to meet its growing industrial economy needs. Thus, since the 1970s, India began to expand its economic cooperation with energy-producing countries, especially in West Asia. India also tends to achieve Eurasia markets for the sale of goods produced in the country. This has led it to develop land and maritime transport with the aim of finding a way from West Asia to Central Asia, the Caucasus and even the European markets. In this article, I will attempt to examine and analyze new approaches to India's foreign policy towards the West Asia region, with emphasis on the Persian Gulf area, the prospects for India's relations with these countries and the future of Indian presence in this region. The study is based on the theories of identity construction.

Keywords: India, Persian Gulf, Balance of power, Constructivism, Transportation, Energy, Identity

1. Mandana.tisheyar@gmail.com

Analysis of Russia's West Asia foreign policy considering Kurds issue

Mohammad Reza Takhsid, & Morteza Shoja¹

Abstract

The purpose of this paper is to have a descriptive and analytical review of Russian foreign policy towards the Kurds in the West Asia and feedback on regional security order. One of the realities of regional security order in the West Asia is that since the formation of state in the region after the Sykes-Picot agreement, trans-regional powers were eagerly willing to have multilayer presence in the region. Even the dominant regional power, has also demanded such a presence. Perhaps in this regard, Iran has been the only exception after its Islamic Revolution. In the wake of numerous developments including Arabic uprisings and the new power balance have deployed a new security environment in the region. This has led trans-regional powers to review their West Asia policy. In such circumstances, the Russians also plan to follow up its West Asia foreign policy objectives. They count on Kurds to help. Kurds are the most significant regional powers confronting radical movement (ISIS). Kurds welcomed Russia's policy. In addition, Russia is the strategic rival of Turkey so it can take advantage of Kurds. Russia's diplomacy in the West Asia can be conceptualized in the form of "friendship with all" or "friends with everyone". It must be noted that While Russia's relations with Saudi Arabia have been strained over Syria crisis, but they still have their diplomatic relations. While the Russian authorities were outraged of their fighter planes shot down by Turkey, but did not terminate diplomatic relations with Ankara. In fact, the Russians are trying to advance their foreign policy in such a way as not to be deprived of the benefits of relations with the actors in the West Asia. Russians have tried to establish lasting relationships with Kurds who have gained an outstanding position in regional security policy.

Keywords: Russia, Kurds, Friendship with all diplomacy, Extremism, Energy.

1. m.shoja@ut.ac.ir

India and West Asia regional order

Mohammad Taghi Amrollahi¹

Abstract

India in the first half of the twenty-first century is undeniably becoming a global power. The desire to expand its international role, the urge to achieve a permanent seat in the UN Security Council, thinking about trans-regional interests under the macro strategies umbrella, an attempt to have stable peaceful and friendly relations in the region despite the existing contradictions, strategic agreements with superpowers, and a competition to gain new economic markets show India's will to have an active and sustained role at the international level.

On the other hand, West Asia is the world's Center for sudden changes that cause the severe shocks in international relations during the present transition period. The changes and evolutions in India are evident in short term and will affect the formation of international political arrangements of the next decades. In terms of new international relations issues, such as environmental concerns, energy security, human rights, extremism and terrorism, West Asia, more than anywhere in the world, is in the center of actions and reactions. It is even known as Laboratory mice. The "three concentric circles" macro strategy, which includes Indian subcontinent, Asia and North Africa, and finally Europe and America respectively, emphasizes the importance of the West Asia.

India has started its move from Indian Ocean towards west to gain the chance of playing new important international roles. And in this rout, it tries to find strategic allies instead of concentrating on its enemies to peacefully consolidate and enhance its position among regional nations and governments as a reliable and inevitable country.

Keywords: Regional order, India, West Asia, World power.

1. mohammadtamrollahi@yahoo.com

Comparing the soft power of China and India in West Asia

Ali Omid¹, & Sajad Amri²

Abstract

The new conditions of the international system has led to new components to play role in the formal international structures and has forced the states to select new ways and tools to achieve their goals and desires and to provide their national interests among which is using soft power rather than hard power.

In recent years, India has a clear plan to modify and redefine its position in world politics. Today, the Indian culture is praise around the world. India has established good relations not only with its neighboring countries but also with other countries in West Asia, North Africa and West Asia such as Iran. This shows the country's soft power. India's soft power which is in congruence with diverse religions and cultures around the world is flourishing gradually.

Success of Indian companies like “Infosys” or multinational Indian dependent companies such as “Tata Group”, illustrates a new image of India as a developed country. The spread of new mass media has helped India to present its civilized culture of tolerance to the world and achieve increased soft power in international politics. India's foreign policy is based on moral values. According to most analysts, India has the potential to mediate between the two confronting sides in international relations. This diplomatic reliability and capability is not resulted from its military or economic power but from its soft power. This article attempts to elaborate the use of soft power in West Asia by both India and China. It also proposes some questions about the goals of the two countries presence and influence in this area. In this paper, we see the comparative study of India’s and China's approaches towards soft power in West Asia.

Keywords: Soft power, Comparative study, West Asia, India, China

1. al.omidi@gmail.com

2. sajad.amri@yahoo.com

US future policy in West Asia

Sahar Karimi¹, & Azdar Piri Sarmanloo²

Abstract

West Asia has been one of the most important regions in the international system during the last decades considering different aspects. This has lead super powers to have active presence in this area. After the withdrawal of the UK from West Asia, United States of America has been the most prominent power in the region.

Even in current situation that there are some evidences and predictions about US lesser presence in West Asia in future, it still is the most important power in this region. Obviously, the changes in US power, dominance and international strategies must be considered.

In this paper we examine America's future strategies, priorities and practices then the place of West Asia in its plans. In the following sections US objectives and interests in the region and America's understanding of the balance of power in the region and relations between regional actors is explained.

According to various researches, goals and strategic interests of the United States has not changed over the past two decades and it does not seem to undergo a certain noticeable change in the coming years will also changes. However, its ability to achieve these goals, depending on the circumstances, has not always been the same. In the meantime, what is important for Washington is to create a balance of power in favor of the United States and its traditional allies in the region and prevent emerging competing actors also strengthening its allies and supporters camp.

Keywords: United States of America, West Asia, Regional actors.

1. Sahar.karimi25@yahoo.com

2. piri.azhdar@gmail.com

A transformation in Russia's West Asia policies: Roots and consequences

Hamid Reza Azizi¹

Abstract

The collapse of the Soviet Union in 1991 was an incident that had great international, regional and national out comings. Russia's foreign policy faced some confusion. After the third presidential period of Putin in 2012, Russia's foreign policy experienced new processes in different fields. It emphasized on Russia's position as a superpower and used various tools to stabilize this position.

This essay discusses the changes in Russia's foreign policy and its relations with West Asia countries considering various factors. It investigates the reasons for Russia's active foreign policy in over the past two years.

In addition, the writer has tried to go a step further and talk about the short-term, mid-term and long-term consequences of new Russian policy in the West Asia, especially in terms of its effects on the security order of the region.

Keywords: Russia, the West Asia, Putin, Foreign policy

1. hr_azizi@sbu.ac.ir

Israeli Regime's Strategy about Syria Crisis

Seyyed Yousef Gorashi¹

Abstract

Syria war was an internal issue at first. No one would consider regional and international dimensions for it. By the increase in the number of the refugees, it became an international concern and a serious political crisis for Europe. EU leaders threatened their political, economic and security unity by making opposing policies in dealing with the refugees issue.

Syria war involved regional powers and caused changes in power arrangements in West Asia. It led Turkey to revise its policy towards Kurds. It also created the opportunity for ISIS to precede in Syria and Iraq and spread and strengthen its forces around the world. These developments made the presence of Iran as a regional power inevitable.

Israeli Regime does not agree with providing weapons for Hezbollah to take part in Syria's war and sees it as reinforcing this group and weakening Israeli Regime position meanwhile. It also sees Russia's intervenes in Syria equivalent to Iran's superiority in the region. In addition, it sees Syria war as an opportunity to force Bashar Assad to give up his claim about Golan Heights.

Keywords: Israeli Regime, Syria war, Iran, Strategy, Interests.

1. sy.ghorashi@gmail.com

Regional Collapse and Ordering in Saudi's Track of Offensive Strategy

Kamran Karami¹

Abstract

Rises in the Arab world known as Arab Spring in 2011, which according to many experts and analysts was a turning point in new wave of identity seeking, the collapse of the old order and the advent of a new order in the West Asia, has been accompanied by the capacity to change borders, activating ethno-religious fault-lines, and altering the nature of regional coalitions and rivalries. Under this circumstances, nurturing a new order capable of shedding light on the nature engaged forces and balance principles, has proved to be a difficult task even for the Saudis. Meanwhile, Saudi officials who since taking office by Malek Salman and his new political-security team, have adopted an offensive and aggressive foreign policy, are seeking a roadmap which is able to direct the trend of equations towards managing riots on one hand and defeating Iranian influence in the Arab world on the other.

Keywords: Regional Order, Action Model, Syria, Iran, Saudi Arabia.

An Examination of Egyptian foreign policy After January 2011

Jalal Derakhsheh, & Tayyebah Salamat

Abstract

States foreign policies are shaped under the influence of different variables. Traditionally, in undemocratic and third world countries, the two parameters of reigning rulers and international forces have been of utmost importance. However, in recent years with the outbreak of new developments in West Asia and Northern Africa, the rule changed and supranational forces emerged effective in the trend of events, power exchange and subsequently foreign policy making. This paper seeks to answer this question: To what extent political groups inside and outside Egypt whether governmental or non-governmental, could influence its foreign policy orientation? Two research methods are applied to answer the question: First, revolutionaries' interactions with the outside world through virtual space and revolutionary symbols like squares and inspiring mottoes. Second, by reviewing the revolutionary state's foreign policy. To this end, foreign policy issues in three spheres of neighboring states, Southwestern Asian states and countries outside the region are examined. Findings in this research indicate that Egyptian political currents led by Muslim brothers despite their popularity among masses, considered their existence dependent on foreign powers with the government emerged after the 2013 coup being no exception, in fact, an incorrect distinction between foe and friend at an international level and failing to build foreign policy on the basis of national interests, resulted in confusion among the Egyptian statesmen and lack of confidence in the ruling system on the side of people in the said period. All the events mentioned above, have led the country to be isolated in the international arena more than any other time.

Keywords: Egypt, foreign policy, coup.

The Areas of Cooperation between Iran and the EU in Coping with the West Asian Crises

Nesa Zahedi, PhD, & Alireza Samoudi, PhD

Abstract

The West Asian region is currently facing different challenges from political and security to environmental ones. The regional failed states, emergence of ISIS, competition between regional and trans-regional actors, Turkey's internal crises and others are among the main causes of the instability in the West Asian region which has caused in turn the migration of lots of refugees to the European countries; as a spillover of the security crisis towards the borders of the EU member states. The EU itself is challenged by the Russia and Ukraine, refugees, ISIS attacks as well as the Brexit.

In its new strategy adopted in June 2016, the EU has prioritized 5 issues in its foreign policy which are as follows: Security, Social welfare in the East and South Europe, a Coherent Approach towards Conflicts and Crises, Collective Regional Order and Global Governance in the 21st Century.

The document pays attention to the JCPOA and its implementation and therefore it mentions the EU inclination to cooperate with Iran on different subjects such as trade, environment, energy, narcotics, migration and these all will strengthen the EU-Iran relationship. In fact after the Iranian nuclear deal in 2015 and the termination of securitized approach against Iran's nuclear activities, the Tehran and Brussels interaction have become possible more than ever and now the question is that which other fields can be the subject for further cooperation.

For the authors of the paper, those fields of cooperation can include coping against extremism, terrorism and economic as well as environmental areas. These areas of cooperation can pave the way for establishing a new regional order in the West Asia.

Keywords: the EU, the Islamic Republic of Iran, Regional Order, Terrorism, Migration, De-securitization.

Position of the Zionist Regime within the New Regional Arrangements

Vahideh Ahmadi, PhD

Abstract

Those developments and trends that have happened recently in the West Asian region have remarkably affected the regional actors. One of the most important actors in this region is the Zionist regime that although seemingly has not been affected by these developments all relevant trends in different aspects including political, military and social issues are proving the environmental implications on this regime. The current paper illustrates the regional arrangements and factors influencing the Zionist regime and its security position as well as the implications thereof.

Keywords: Zionist regime, Military Asset, Symbolic Asset, Resistance Front, Iranian Nuclear Deal, Syrian War, Normative-behavioral System.

Russa's role in construction of new regional order in West Asia

Ahmad Vakhshiteh¹

Abstract

With the Putin's coming to office on 2000, Russia gradually reconstructed its economic infrastructures and managed identity crisis caused by Soviet collapse. Successful development policies and creating domestic prosperity, provided opportunities for Russian leaders to play their expected role in international arena. Although Putin administration played its role in different international issues like Karabakh, Ukraine and Syria, but it was Syria crisis that seriously engaged Russia in West Asia conflicts. Unlike the Ukraine crisis that Russia did not accept any compromise and even occupied Crimean, in Syrian case they find out that resorting to coalition and dialogue with other engaged actors in crisis could be a better way to reach their interests. This orientation by Russia led to anti-ISIS coalition which shows the importance of Russia's role in resolving of crisis in the region. Therefore, this article tries to describe possible Russian scenarios to shape regional order in West Asia.

Keywords: Russia, West Asia, Regional order, Syria

1. PHD Student of political science in Russia, ahmadvakhshiteh@gmail.com

USA foreign policy impacts on Persian Gulf security order

Yaser Esmaeilzadeh Imamgoli¹

Abstract

US presence in West Asia and Persian Gulf is one of the central principals of its foreign policy. Security in this region has been a complex and multi-layered issue that has grappled international actors with numerous challenges for almost five centuries. In recent decades USA had been main regional security actor and its engagement in the region was more than other international actors. All administrations in US after the Second World War has considered Persian Gulf as their serious interests, so they almost have interfered in all security challenged of the region. Given the prominence of US role in the region, this article tries to explain how to analyze US security policy in Persian Gulf. Author reviews the reasons of US presence in the region and then discuss its roles in security arrangements in Persian Gulf.

Keywords: USA, security, Persian Gulf, Political Geography

1. PHD student of Political science in Islamic Azad university, Esmaeilzadehyaser@yahoo.com

The foreign policy of the US presidential candidates Towards West Asia with an emphasis on Afghanistan

Ahmad Bakhshi¹, Hossein Ebrahimi², & Mehdi Khoshraftar

Abstract

foreign policy is one of the interesting areas that US presidential candidates to manure. West Asia as a strategic region has always been interesting and attractive for the superpowers. Accordingly, at the end of Obama's presidency, both Democrats and Republicans were attempting to present new plans and strategies about this region to seize the presidential seat. Considering America's military presence in West Asia, including Afghanistan, the election of the new president can be the prelude for US new foreign policy in West Asia and Afghanistan.

The new government will continue the plans and strategies of the previous government to protect US interests and preserve the prestige of the United States. On the other hand the new government will be forced to make changes in US political behavior. The question we have to answer is America's presidential election's impact on United States foreign policy towards the West. To analyze and assess our data, the agent-structure model has been used.

Keywords: Foreign Policy, West Asia, Elections, the United States, Afghanistan

1. Bakhshi@bijand.ac.ir

2. Hossein.ebrahimi1387@yahoo.com

Turkish Security Policy Review on West Asia After the 2016 Coup D'état with Emphasis on Syria

Marzieh Ghasemi¹

Abstract

With a quick look at Turkey's actions, particularly after the raise of the Justice and Development Party (2002), one can see changes in Turkish foreign policy. Turkey is tried to reach a higher position in the Islam world and international arena which it be obvious in the country extended relations with Islamic and West Asia countries. After a long time unilateral tendencies to the West, Ankara now has adopted a balanced-more position toward its neighbors and West Asian through the policy of "Neo-Ottomanism" and in accordance with its national interests, expanded its relations with the Muslims world and the West.

The country's efforts to establish a balanced relation with the world powers, the polarization of the Muslims world and brings tensions with its neighbors to zero (zero problems with neighbors), could be analyzed in this context.

This paper attempts to analyze the change in Ankara's policy with regard to the theory of "regional security complex" Barry Buzan and Weaver's and its impact on west of Asia, especially Syria. The research method is descriptive and analytical and data are collected from library and Internet.

Keywords: Regional Security Complex, Neo-Ottomanism, Justice and Development Party, Turkey's coup, regional crises

1. MA in International Relations from the University of Khwarizmi, Tehran

Increasing the Power of "Axis of Resistance" and The Emerging Balance of Threat in the Arab-Israeli relations

Mojtaba Rostaee¹

Abstract

Given the state of the world and especially regional developments, the Arabs of the Persian Gulf and Israeli Regime by approaching each other try to change the regional conditions in a way that Undermine Iran's and the "axis of resistance" position and their successes in recent years. This article seeks to answer the fundamental question: despite the lack of common ideology, what are the reasons of the Arabs and Israeli Regime approaching? By enjoying Stephen Walt Balance of Threat theory, the author of this essay believes that Arabs and Israeli Regime both have a Shared sense from Islamic Republic of Iran threats. In facts, they feel that Iran tries to change the west of Asia order in its benefit and axis of resistance as well. Hence, these two have gone to band together against the common threat. This essay is written based on the analytical- descriptive method and use of library and virtual resources.

Keywords: Saudi Arabia, Israeli Regime, balance of threat, Islamic Republic of Iran, axis of resistance

1. MA in International Relations University of Yazd

Power Balance in West Asia and the favorable conditions for US National Interests (2010-2015)

Mehrdad Halalkhor¹

Abstract

After World War II, America has become a global power. It sought the interests and goals of its foreign policy throughout the world. America's regional policies are defined with regard to its foreign and world policy. During Cold War and after it, US foreign policy in West Asia revolved around three points: preventing Communism in West Asia, providing the security of Israeli Regime against Arabic nationalism, and finally gaining access to the oil resources of the region via its regional allies.

Looking back to the changes occurred in US foreign policy doctrines towards West Asia and also the changes in its world policies, this question comes to the mind that "What is the 'favorable condition' for the US in West Asia?"

With the assumption that the United States tries to reach the East, this essay shows that the US tries to use its forces and assets to gain this aim. It uses different trends to remote control Asia. This research has used descriptive analytical method along with quantity data.

Keywords: Power Balance, West Asia, US National Interests

1. Mehrdad_tiarra@yahoo.com

The Interaction between Four Regional Powers Led by Saudi and Formation of a New Regional Order on Its Basis

Reza Nejabat

Abstract

As one of the most determining regions of the world, West Asia has attracted much attention in the arena of international relations. While being geopolitically of special importance, the region has been playing a key role in international relations developments while energy resources have underlined the role. The regional order has been influenced by big powers through past years and centuries, taking various shapes. At each period a certain power shaped a different order.

Saudi, Iran, Turkey and the Zionist regime constitute four existing powers around the force of which the region orbits. Each of which is playing its role in the regional developments at a certain level, managing actions and reactions. Though trans-regional powers are directly and indirectly impacting the existing regional order, it is evident that serious developments are influenced by the grave roles played by these powers. With its special features, different language and literature, and an expansionist regional approach, Turkey has managed to influence regional states through resorting to secular Islam, playing its own role in the regional developments by a relatively vibrant economy and vast military actions.

The said four are principal influentials in regional developments determining the existing regional order. Evidently other influentials and governmental or non-governmental actors like the UN or states like Qatar and Egypt are impacting the regional order but, their impact is not decisive.

The present paper is a descriptive analytical one, explaining the interactions between these four regional powers whose pivot is Saudi and shaping of regional order on its basis.

Keywords: Iran, Saudi Arabia, Turkey, Israeli Regime.

Impacts of Saudi Arabia's Internal Crises on the Changes of its Regional and Foreign policy

Daryoosh Darvishi

Abstract

Saudi Arabia is considered as the most serious regional rival of the Islamic Republic of Iran and the effects of this competition are evident in most of the developments in the West Asia. In the recent years, this regional actor has refrained from its conservative behavior in its foreign policy and has adopted a new and active approach. Change of Saudi's behavior vis-à-vis the global and regional developments and in the light of the nuclear deal between Iran and the P5 + 1, has shown an evident rivalry with the Islamic Republic of Iran that eventually led to the cessation of diplomatic relations between the two countries.

In this study, based on the theories of crisis and crisis management, we have considered the growing domestic crises in the Saudi Arabia during the third rule of the Al-Saud (with a focus on four areas namely the legitimacy, identity, efficiency and succession crisis). On the other hand, the way the Saudis face with such crises, inattention to their growth and spread in the society and finally their institutionalization under the impacts of global developments in the 21st century are studied and analyzed.

Although Saudi Arabia has tried in recent years to manage and control these crises through widespread internal suppress and spending huge amounts of capital abroad, but wrong policies adopted to face them and inattention to their root causes on the one hand and making efforts to preserve the traditional political structure have led to the deepening of internal crises that the same issue has caused this regional actor to change its foreign policy orientations.

Keywords: Saudi Arabia, Foreign policy, the West Asia, Internal crises.

Approaches to Palestine issue: Changes in security sub-systems in West Asia after Arab spring

Ali Samadzadeh, & Mahmood Reza Sanamzadeh

Abstract

Studying West Asia security will not be practical without considering three major issues: oil, political Islam, and Palestine. Palestine issue has always had interaction with security system of West Asia and many other events in the region. On the other hand, in the wake of extensive and profound changes that occurred in West Asia since 2011, we have seen significant changes in power structure and security sub-systems of the region.

This essay using descriptive-analytical approach, tries to study the changes caused by Arab Spring developments in security sub-systems of West Asia since 2011. According to systemic approach, Arab Spring has led to the formation of three power blocks having different perceptions and positions toward Palestine issue and confronting Israeli Regime: Ekhvani power block (Turkey, Egypt, and Qatar), Salafi block (Saudi Arabia, Bahrain, and Emirate, Kuwait), and Resistance block (Iran, Syria, Iraq, and Hizbohah). Each of these power blocks believe in choosing special and different approach and way to deal with Palestine issue and confronting Israeli Regime.

Keywords: the question of Palestine, Zionist Regime, West Asia, Security sub-systems, Emerging power blocks, Islamic awakening.

Social desensitization, the third step in normalization of relations between Israeli Regime and Arab countries

Mohammed Mohsen Fayezi¹

Abstract

After six decades of Israeli occupation of Palestinian lands and its acceptance in the international communities, the Arab-Israeli relations have experienced ups and downs. This essay tries to discuss a three-phase process Israeli Regime passed to normalize its relations with Arab countries and to establish strategic relations with them after 2000. Arab-Israeli relations normalization process is one of the most important factors shaping regional order in the decade ahead.

The process of normalization of relations between Israeli Regime and the Arabs can be simplified into three stages. First, acceptance and establishing hidden security and political relationships. Second, acceptance of relation normalization among elites and in society, the third and the most important part of the normalization process is social desensitization.

Keywords: Israeli Regime, Palestine, Arabic countries, Peace, Social desensitization, Normalization of relations, Iran, Axis of resistance

1. Mohsenfaezi313@gmail.com

The role of structure and agent in Turkey's foreign policy and its effects on West Asian security order after 2010

Mehdi Vahidi¹

Abstract

In this study, the importance of structure and agent in the era of globalization with an emphasis on Turkish foreign policy after 2010 is examined. Globalization as a process of micro and macro transformations, is determining in shaping the security order of the geopolitical regions such as West Asia. Explaining the influence of the structure and agent in Turkey's foreign policy as a major player in West Asia security order is the main theme in this research.

In this paper, to present a theoretical explanation of the agent's power structure and Turkish foreign policy structures, James Rosenau pre-theory is used. Here, four significant independent variables in Turkey foreign policy (economic, political, social, cultural structures) are simulated in five levels including individual, role, government, society, and international system according to the Rosenau theory. This integrated model shows the interactive relationship between domestic and foreign policy, and the influence of great powers (America, Europe) on the behavior of Turkey and the impact of new internal developments in Turkey (recent attempted coup) on its regional policy.

Keywords: Turkey, Security Systems, West Asia, Iran.

1. COMMENTATOR1980@GMAIL.COM

Israeli Regime's soft power doctrine to restrain and control Iran with regard to the role of Iran's neighbors

Milad Rabbani¹

Abstract

Iran's acquisition of nuclear technology and its growing increase power has become a problem for other countries in the West Asia. This article elaborates on how Israeli Regime deals with this issue. Soft power is the ability to influence others to achieve results and goals through attraction rather than coercion and compulsion. But what are Israeli Regime's resources and abilities to increase its soft power and gain other countries companionship and achieve its strategic goals? Israeli Regime as an ideological enemy to Iran has conflicting interests with this country and is not happy of Iran's acquiring nuclear technology and its growing power in the region.

In the past, Zionist regime used to seek its security in hard power and especially through military resources. But today it tries to use soft power to counter the spreading influence of Iranian in the region. It tries to get closer to the Arab countries, especially Saudi Arabia who is geographically close to Iran and has an ideology conflict with it, to cooperate with them and reinforce its soft power components in the region. Israeli Regime's emphasis on using soft power and its spreading relations with Iran's neighbors and Arab countries to put pressure on Iran are the two issues discussed in this paper.

Keywords: Iran's technology, Soft power, International society, nuclear containment, Iran- Israeli Regime opposition, Ideological contradictions, Iran and Saudi Arabia, Israeli Regime's soft power

1. Miladrabbani@gmail.com

The Russian Security Approach and Neo-Eurasianism

Behnaz Asadikia

Abstract

After the end of Cold War and the change bipolar system, on all their dominant powers in the world found new areas including the West Asia and West Asia to interact. The political changes in the region and new developments in the political structure of the regional countries severely challenged interests of the dominant powers which led to their direct military presents and intervention in the region. It is notable to mention that security is an element that the political actors cannot individually set its rules and norms. In the past by bipolar system the superpowers used to set the rules of security games. However, in the current multipolar system even the dominant regional powers to some extent can contribute to setting rules of this security games. Now we witness multi-dimensional games that effect and in the meantime being affected by different actors. The actors that want to maximize their national interest and therefore they enter into regional and trans-regional mechanisms and groupings.

Thus in order to play in correct way in the regional security arena, it is required to understand the basics as well as the fundamentals of direction security policy as one of the main important actors in the region. In another word none of the region of countries can play a role in the regional security unless they pay you attention to the Russian security policies.

Focusing on Russia and its security approaches the paper tries to provide long-term regional security perspective. Given to Neo-Eurasians in recent years especially during President Putin's terms of office, it is important to consider this new thinking from different perspectives. Its main elements include multi- Polaris, anti-western orientation, and Tsar Empire realm of power, nationalist geo-political policies, and new definition of security according to the Russians in its neighboring countries that are discussed at this paper.

Keywords: security, Russia, geopolitics, Neo-Eurasianism

Religious Extremism Management in West Asia: US Strategic Objective

Mansoor Mirzaiee¹

Abstract

There have always been great interests and strategic goals for the United States in. Its effort to gain these goals by using its soft and hard power, different policies and plans has caused various conflicts and challenges in the West Asia. US support from its allies, confronting the opposing states resorting to the coup or religious and ethnic arguments, unilateral and multilateral sanctions against the states of the region, adopting inconsistent approach towards terrorism and human rights violations in different states, stimulating the states of the region against each other,...are some instances of US policies and activities in the West Asia.

In recent decades, US has tried to exploit Takfiri terrorist and extremist group's management in West Asia to its benefit. This research uses descriptive analytical method to study US objectives in managing the religious extremism in West Asia. The findings suggest that Israeli Regime's survival and interests, opposing and controlling political Islam, managing the religious extremism are among US strategies in the region.

Keywords: United States, US strategic goals, Religious extremism, West Asia challenges

1. d.mansoor1395@chmail.ir

Turkish Foreign Policy on Track to Achieve Regional Power; Engagement and creating challenges contradictions

Mohsen Hasantabar¹

Abstract

Turkey had adopted an isolation approach to the regional issues in the past and was forming a fundamental strategy with its Europe and western allies in shadow of the bipolar system restraints. But in the recent years Ankara has taken an active role in Asia. The Turks recent pragmatist policies in the sensitive and susceptible to region crisis during the Islamists (Justice and development party) brings to them some opportunities and caused some of the regional and trans-regional powers follow a new approach and carry their policies toward the region with cautious. But the essential point this article seeks to respond to it, is the much inconsistency and contradictions in Turkish foreign policy behavior, especially from 2011 to the present. Justice and Development Party of Turkey by pursuing Ahmet Davutoglu doctrine of strategic depth over the years achieved some successes and has had some achievements in domestic and foreign affairs in the sphere of its claims. But in the few years of Prime Minister Davutoglu and after that has inconsistent policies in the face of ISIL and the crisis in Syria as well as challenging behavior with Russia and some of its neighbors. In fact, a sort of clutter and turmoil has found in the AKP's foreign policy.

This issue analyzed by using library resources and specialized books and articles, using the descriptive- analytic method, in this essay.

Keywords: Turkey, West Asia, AKP, doctrine of strategic depth, foreign policy.

1 .Software graduate, University of Science and Technology, politicalresearch@chmail.ir

Iran, USA and the Balance of Threat in the Persian Gulf: A New Window into the prevalent Security Dilemma in the west Asia

Shahireh Nozar¹

Abstract

The west Asia and especially the Persian Gulf region have been one of the most main factors of the world's security system which have absorbed the interest of the trans-regional powers who sought to safeguard their interests in the resources of the region after the end of Cold War in the early 1990 and the decline of Soviet Union. As a result, some of the trans-regional powers as United States made endeavors to establish a balance in the region where none of the regional powers could find a hierarchal superiority over the other regional states. Up until the downfall of Saddam dictatorial regime, the balance of power was gained through the rivalry and the tension between Iran and Iraq. This policy not only provided security for Arab states but also it favors trans-regional powers' interests.

Despite this, the USA attack to Iraq led to the growth of Iran's role and influence in the West Asia and increased the tension, crisis and distrust between Arab states and Iran. This made many of trans-regional powers seek to preserve the security of the region by introducing a new Iraq with a more modern military; however, this very idea failed to execute due to the civil strives and political tensions in Iraq. As a result, since 2006 onward United States stepped in to the region to establish balance of power as a world super power. In spite of this, regional transformations due to Arab springs in north of Africa and the rise of new extremist ideologies in West Asia disrupted the equation and exacerbated the conflict between regional powers. In this sense, this paper seeks to provide a new resolution for maintaining peace in the region through the theoretical framework of Stephan Waltz's balance of threat.

Therefore, the main aim of this paper is to define what a regional power- in this case as Iran- perceives as the most important challenges and threat. A second goal is to see if a trans-regional power – in this case as USA- can influence on the matter or not. Moreover, a brief-history of the evolution of the security system in the region is also presented.

Keywords: Security Dilemma, Balance of Threat, Regional Order, West Asia

1. Master of Arts in British Studies, Department of British Studies, Faculty of World Studies, University Shahirehnozari@yahoo.com of Tehran,

Chapter 6

International political economy and regional security order in West Asia

International political economy and emerging regional order in West Asia

Hossein Pourahmadi¹, & Aref Bahrami²

Abstract

In this paper, developments as well as economic cooperation in West Asia is discussed through an international political economic approach, which includes reciprocal effects of economy and politics on each other and on other fields. The trend of this cooperation has been slowed down due to various obstacles. These obstacles include low level of complementary economies and underdevelopment of industries, absence of market economy and competitive market, powerful and monopolistic role of governments in economy, ideological differences and tensions, trade challenges, protectionism and so forth.

This paper claims that in view of the shift in international system from bipolar system of the Cold War to a new global economic system after 1991, according to which military and strategic issues have given their dominant position in the world politics to economic development as the dominant idea in global system, regional economic cooperation can help remove these obstacles. The requirements for this cooperation, however, include reforms in economic systems toward a free and competitive market as well as an accountable and democratic political system in which nongovernmental and private institutions will be active and powerful. This process, however, is long and complicated, but finally changes the course of policymaking ideas from political considerations, which are nondemocratic in nature, to the economic logic of cost and benefit.

Keywords: international political economy, Cold War, new global economic system, West Asia regional order, regional economic cooperation

1. Professor of international relations, Shahid Beheshti University: h-pourahmadi@sbu.ac.ir

2. Master's degree in international relations, Shahid Beheshti University: arefbahrami1370@gmail.com

Geopolitical weight of major economic entrenchments and blocs

*Kioumars Yazdanpanah Daro¹, &
Narjes Sadat Hosseini Nasrabadi²*

Abstract

One of the most important methods to boost a country's geopolitical clout and weight at international level is active presence in global market and having a resistant economy. In an age of globalization, countries increase the quality of their economic activities and try to boost their influence in various parts of the world in order to take advantage of the globalization process and become globalized. In fact, information and communication technologies allow countries to increase their wealth and turn into big international powers. This is where the political economy plays a powerful role. At the present time, the political economy pays special attention to convergence among government in the field of economy in order to promote their political goals. This issue has caused those governments, which are potentially in possession of a special source of wealth and power, to come together and set special directions for the global policymaking process through their economic activities. In fact, major economic entrenchments and blocs, or in a more common way, big economic giants have come about at international level or are in the offing, which can influence the policies of governments and create a mutual relationship between government and market. This research will touch upon a number of these economic blocs.

The present fundamental research uses a descriptive method through a theoretical approach to prove the hypothesis that in the present world, major economic entrenchments and blocs sway great power and influence international politics and this issue has greatly helped them increase their geopolitical weight.

Keywords: government, market, wealth, power, politics, economy, economic blocs, geopolitical weight

1. Assistant professor of political geography, Faculty of Geography, University of Tehran: kyazdanpanah@ut.ac.ir

2. Doctoral student of political geography: narjessadat65@gmail.com

Iran's role in economic development of Syria and regional order

Mehdi Chaqazardi¹, & Sajjad Barkhordari²

Abstract

Syria is among Arab countries, which have had cordial relations with our country for a long period of time, and leaders of both countries have been constantly trying to maintain and develop these relations. Syria is the sole Arab country in the West Asia, which supported Iran against Iraq throughout eight years of the Iraqi, imposed war and supplied our needed weapons in different ways. In return, Iran has been defending the Syrian government against terrorists and different groups and has been able through various trade means to somehow cushion the impact of intensified economic sanctions that have been imposed on this country by Europe and the United States over the past five years. At the present time, the better part of Syria's economic infrastructure has been seriously damaged. In view of close relations between Iran and Syria, after Takfiri groups are defeated, there would be good opportunities for expansion of economic relations between the two countries. Development of these relations will not only be beneficial to both countries, but will also benefit the entire region and regional stability. This paper discusses economic opportunities for the expansion of relations between Iran and Syria and reviews their impact on regional order and stability. Findings of this research show that agriculture, capital goods, as well as technical and engineering services are among those sectors, which enjoy economic advantage for the development of economic relations between the two countries, and can in turn, be very important to the establishment of regional stability. When developing economic relations between the two countries, attention to Syria following the civil war, bolstering presence of Iran's private sector, and guaranteeing improved relations between the two countries' private sectors by the Syrian government are among major issues, which must be taken into consideration.

Keywords: Syria, Iran, economic opportunities, regional stability

1. Researcher of economic issues

2. Assistant professor; Faculty of Economics; University of Tehran

The Effect of the Gas Pipeline on the Economic Interdependence of Iran and its Neighbors

Mahmood Haghpanah¹

Abstract

Nowadays, economic issues are not only related to the domestic policies of a country but also to the function and behavior of the other states. Since the national welfare is one of the main concerns of any government, the leaders try to resort to diplomacy and peaceful trends instead of violence to establish relations with the other countries.

Energy diplomacy can lead to the political stability by binding economy and policy together. Iran applies the energy diplomacy of supplying the energy for the neighboring countries. The spread of the gas pipeline is of importance for two reasons. First, it brings the necessary income and wealth. Second, it acts as a facilitator in Iran's political interaction with its. This can decrease the possible tensions, omit the obstacles, and assist the development of the country. It can also lead to mutual confidence and suitable conditions for foreign investment and receiving modern technologies as well.

This research economically studies Iran's energy diplomacy concentrating on the gas pipeline and the mutual dependence between Iran and its neighbors, present processes, the strong and weak points, the opportunities and challenges resulting from natural gas and gas products transfer.

Keywords: Natural gas, Energy diplomacy, Economy, Dependence.

1. Hagh1351@gmail.com

**Role and position of the West Asian countries
in energy security and the relevant
strategies of the Islamic Republic of Iran**

Dr. Mustafa Azari

Abstract

Nowadays because of the necessity of energy in security and development of the societies, energy security has got a great degree of importance for any country. In this way the West Asia countries because of their share in oil and gas export have had a great role in energy security and will continue to have this influence in future. Even lots of attempts to save energy consumption and investments on new sources of renewable energy will not eradicate their role of West Asian countries in energy security in the coming years.

Given the growth-strategic as well geo-economic importance of Iran in this region the policymakers should work on plans to promote its capacity and role of interaction at the international level. Realizing this end would need to set the countries' strategy for energy security, energy diplomacy and economic diplomacy at the regional level, corporation coordination between ministries of petroleum and foreign affairs and finally working with strategic clients.

Keywords: Energy security, West Asia region, Iran

The effects of monetary and financial policies in light of economic security we get focus on national security and regional order

Hussein Amiri, & Muhammad Jafari

Abstract

Economic security is one of the important aspects of national security and implementation of the domestic as well as external economic policy is a main factor that impacts the economic security. In fact preparing proper bed to support the local investors as well as foreign direct investment cannot be achieved without having enough level of economic security. It is important to note in this way they impact of monetary policies and their relationship with national and regional security that can contribute the stability of market and finally the regional order. The paper discusses the relationship between national security and economic security from two perspectives first stability of the market and then the impact of economic security on regional order. From the point of view of the market stability in Iran although we have witnessed descending of inflation in recent years but it's totaled trend had been ascending. Furthermore, in terms of financial stability and based on the bank figures the trend has not been satisfactory. To overcome these problems the authors of the paper offer the following suggestions: much more economic transparency, at Haring corporation governance standards in the banks, regent internal as well as external auditing of the banks, increasing the amount of capital of the governmental banks to providing enough facilities, increasing the capabilities of the banks to offer loans, improving the trade and performance atmosphere, adoption of much is stable policies which regard to money market and management of unauthorized financial and credit institutions to exchange phone the economic security in Iran.

Keywords: Monetary and financial policies, Economic security, National security, Regional order

Shale oil and gas revolution and its impact on energy market in the West Asian region

Muhammad Sayyadi, Younos Khodaparast

Abstract

The best model of interaction between energy and politics can be seen in the American intrusive policies. To decrease the harms caused by dependency on energy the US government has adopted different policies to diversify its sources of energy and this policy has been effective so far. The focus to increase the mystic energy production like Shale oil and gas as well as saving energy consumption have been two main pillars of they said policy.

This American policy has assisted its government to be much more independent wide giving much opportunity to improve its energy industry and this has affected Energy market in West Asia.

Even this said developments Iran needs to base its energy policies on the existing realities and it has to continue trying to be less dependent on oil revenues. Having a constructive interaction with other oil exporting countries is also of great importance in this regard.

Keywords: USA, Energy security, Shale oil and gas

Chinese economic diplomacy in international political economy and emerging order in West Asia

Saideh Ahmadi, & Farzaneh Samadian

Abstract

Today, all states have accepted that the discrepancy in the operation of political and economic institutions is among the reasons for the difference existed in the roles played by states in impacting world equations. Hence, economic diplomacy constitutes an integral part of foreign policies particularly in advanced countries. As one emerging economy, China successfully used economic diplomacy to achieve many economic and political goals at world level. Here the means applied by the Chinese economic diplomacy, the role played by Iran and West Asia in this type of diplomacy, challenges and opportunities for Iran and the reaction shown by world powers to Beijing economic policy in West Asia are summarized.

Keywords: Economic diplomacy, International political economy, West Asia

Israeli Regime's Future Plans to Expand and Improve Energy

Sayed Mohammad Mehdi Qaderi

Abstract

Gal Luft, renowned international expert and advisor to the energy security of the United States of America in 2010 believed that the discovery of new hydrocarbon resources in Israeli Regime cannot underestimated as a little geopolitical phenomenon. Like Walid Khadduri, another famous figure in this field, Gal Luft believed that the unique geopolitical importance of this discovery is not related to the relations or conflict between Israeli Regime and Palestine; and at least several other Arab- and Muslim states are involved in the incident. According to Khadduri, Regional Governments involved in gas exports, especially those who wish to export their energy resources to Europe, were somehow directly involved in gas discoveries in the Mediterranean area.

2011 Arab uprisings extended the regional confrontations and disagreements in a way that even Iran got involved in the game. The smallest events were continuously observed and followed. Now any discovery or potentially positive event is not necessarily considered a practical opportunity and all aspects need to be considered. In this study we try to study the Zionist regime future plans to provide energy and security considering some variables. It is necessary to mention that when we talk about energy used in everyday life of the occupied areas or even in industry and business, we mean Electricity and not fossil fuels. But talking about electricity and hydrocarbon resources does not mean that fossil fuels are not important in the future of the mentioned area. If the writer emphasizes on electricity, he is aware of the importance of fossil fuels in producing electricity.

Keywords: Power, Israeli Regime, Security

West Asian geo-economic potentials and the regional order

*Dawood Rezaei Sekkeravani¹, &
Ali Reza Mohammad Zadeh.*

Abstract

generally, there are a series of cultural, political and economic similarities that link geographic areas to each other. Linking factors can create a suitable structure and order in an environment and make it distinguished from other environments. Countries in South West Asia have great capacity to create more regional regulations and order but during the past, because of the strategic, political, military, economic, and cultural importance of this region over other surrounding areas, these countries have caused different national, regional, and international tensions. Now West Asia is one of the most disturbed and dis-stabled regions of the world. This study has used the descriptive analytic method and can be considered a practical one. The results of this survey show that the unique geopolitical features of this region and the increasing demand of industrialized and developing countries for gas and oil along with the reduction of fossil resources in other regions of the world leads the trans-regional powers to compete for investment, political and military influence, and controlling the countries of the region.

The growing dependence of the industrialized countries on the energy existing in West Asia also the strategies that these superpowers chose to exploit energy assets to control their rivals leads to irregularities, conflicts and tensions in West Asia.

Key Words: Geopolitical, Geo-economy, West Asia, Regional order

1. d.rezaei77@yahoo.com

**Energy and Transit Corridors:
A scenario for Secure the Borders
(Case Study: Caucasus)**

Mousa abdollahi¹

Abstract

Before the collapse of the Soviet Union, The Caucasus was completely dominated by East Block superpower and trans-regional forces hadn't a strong presence in this region because of the "Iron Curtain" was created by Moscow. With the collapse of the Soviet Union, the situation has completely changed. West-oriented views of the new Russian Leaders, Russia deep economic crisis as the Soviet heritage, and distrust of the newly independent states to the Moscow created space for presence of the regional and trans-regional forces in Caucasus after collapse of the Soviet Union. Huge reserves of oil in the region, the great powers Attempts to access the energy resources, competitions for attain the transit monopoly and energy resources transition led to creation a region with high geopolitical importance.

In the essay we try to define the scope of the Caucasus in terms of the transit projects and energy corridors that are being implemented by various countries and introduce the best situation for the Islamic Republic of Iran geopolitical and economic interests.

Keywords: Iran, Caucasus, energy corridor, Transit Lines, Security

¹ Researcher on Russia studies in the Caucasus Studies Foundation

Fifth-generation leaders of China and the New Silk Road: Soft extroversion Strategy

Mohammad Reza Haghshenas¹

Abstract

Dispersion and fluidity of power in context of "multi / non-polar" order in the international system, has decreased the power and role of the traditional great powers (the West generally) to direct and strategic engagement in the world regions, especially the west of Asia. In return, emerging powers and regional actors have become active and are trying to improving their power and positions in this new space. But such new condition of agency in regional environment is combined with the duals of "order-disorder", "stability-instability" and "growth-decay". The exacerbation of the regional crisis and resurgence of the inter-regional competition has highlighted the importance and new dimensions of West Asia and North Africa -which has been a source of energy prior to this- for China as a global emerging great power.

The Chinese leaders are concerned with existence developments and trends such as the fall of the Berlin Wall and the color revolutions and their abilities to pose a threat to its economic growth, political stability/social and political monopoly of the Communist Party's power. The fall of Gaddafi in Libya and crisis in Syria and Yemen has caused China accepted a more active role to protection of its interests in the game of competition for influence between the great powers in the West Asia. Although China has the veto in the UN Security Council and able to influence existing processes in all of the crisis, but Chinese leaders have to consider the Chinese principles and positions associated with any directly intervention. This dichotomy has new challenges for China's influence in the region and Chinese authorities have been forced to improve their understanding of the complexities of the West Asian regional order. This paper with relying on the theoretical framework of regionalism (as a new field of regional studies) as well as the Chinese historical approach to regionalism seeks to study origins, dimensions, the condition of implementation and the consequences of new Chinese actions (new silk road initiative and multiple objectives of this initiative) on West Asia regional security order.

Keywords: China, the Silk Road, soft power, strategy

1. PHD candidate at Tarbiat Modares University

Public order and security in West Asia: an allied cooperation model

Ali Asghar Bahmani¹

Abstract

Order and security has a fundamental value for sustainable social, political and economic activities in any community. Obtaining order and security in societies that are familiar with the concepts for many years seems easier but in communities which are less secure, this seems to be difficult especially when various actors' interest is involved. In such a circumstance, establishing security and order needs a comprehensive plan calculated measures in accordance with the interests of all countries and groups. Economic cooperation can be the basis for all planning's. The main question here is "What are the steps to gain security and order to meet each actor's interests?"

The assumption is that the present controversial military-political interactions can be replaced by economic cooperation that can join different countries together via their interests and favors.

Keywords: West Asia, Cooperation, Security, Economic activities.

1. bahmani.a.a@gmail.com